

کیمهان ۵۵۸

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۸ فروردین تا پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۲۴

هراسی حکومت از سقوط

اختاپوس بسیج و مزدوران شیعی

در خیابان‌های ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۲۴ (۵۵۸)
۲۸ فروردین تا ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۷ تا ۲۳ آوریل ۲۰۲۶



هراس حکومت از سقوط
اختیابوس بسیج و مزدوران شیعی
در خیابان‌های ایران

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و تاکتیکی‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سور هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. P.O. Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرایران

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب

سر مقاله - جنگ جمهوری اسلامی با ملت ایران «آتش بس» ندارد! / روشنگر آستر کی ۴

تیر هفته - هراس حکومت از سقوط: اختاپوس بسیج و مزدوران شیعی در خیابان‌های ایران ... / ۴-۵

متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در دیدار با نمایندگان پارلمان سوئد... / ۶-۸

بیانیه دبیر خانه شاهزاده رضا پهلوی: مردم ایران هرگز بنای این رژیم جنایتکار نخواهند پذیرفت... / ۸

گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با روزنامه «آفتون بلادت»: دولت سوئد در کنار مردم ایران بایستد... / ۹

مذاکرات اسلام آبادی نتیجه تمام شد: منابع نزدیک به سپاه: تیم آمریکایی به دنبال بهانه گیری بود... / ۱۰

شکست مذاکرات اسلام آباد: ترامپ: نیروی دریایی آمریکا «تنگه هرمز» را محاصره می کند... / ۱۰-۱۱

بزن بریم آسمان! ... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱

پشت دیوارهای بلند / از کاخ تازندان (۵) ... / آذر آریانپور ۱۲-۱۴

وال استریت زورنال: عراقچی و قالیباف برای مذاکره با آمریکا وارد اسلام آباد شدند: تسنیم: کذب است... / ۱۴

ادعای نایب رئیس مجلس شورای اسلامی: مجتبی خامنه‌ای شرط گذاشته که قالیباف باید مذاکره با آمریکا... / ۱۵

نشریه «سپکتاتور استراليا»: یک ایران آزاد و ثبات، شریک راهبردی غرب و متحدان آن است... / ۱۶-۱۷

احتمال برگزاری دور دوم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در اسلام آباد... / ۱۷

حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان سوئد: نقطه عطفی در نگاه سیاسی من... / امیر بغیایی ۱۸

آتش بس شکننده: آماده سازی برای ضرب بعدی به جمهوری اسلامی؟ / شهرام سزواری ۱۹

روزنامه «هفت صبح» نام شماری از ایرانیان خارج کشور (صدسال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / افرید خلیفی ۲۰-۲۱

شکست مذاکرات صلح پاکستان و ... / بهنام محمدی ۲۱

ترس حکومت از قیام مردم: تقویت ماشین سرکوب با کمک نیروهای نیابتی شیعه از عراق، لبنان، ... / ۲۲

مذاکره با «قاتلان خامنه‌ای» در اسلام آباد: چین به قالیباف و عراقچی «تضمین امنیتی» داد... / ۲۳

گزارش ویژه: روایت شهر و ندان در ایران از دوران آتش بس موقت دو هفته‌ای... / افروزه نور دستروم ۲۴-۲۵

نوروز در دست نوشته‌های کهن ایرانی: سخنرانی دکتر محمود کویر در نشست کانون فرهنگی پارس... / ۲۵

آیا تنگه هرمز از جنگال این اختاپوس رها خواهد شد؟ / بهنام محمدی ۲۵

اثرات ادامه جنگ بر اقتصاد ایران... / ۲۶-۲۷

فایننشال تایمز: ماهواره جاسوسی چین به حملات رژیم ایران به پایگاه‌های نظامی منطقه کمک کرد... / ۲۷

تنگه هرمز، کانال سونز نیست: خطای حقوقی در عادی سازی ادعای ایران... / اس. روزبه ۲۸-۲۹

واکنش جمهوری اسلامی به اولتیماتوم ترامپ برای محاصره بنادر ایران... / ۲۹

صدور حکم «اعدام» برای چهار شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴... / ۳۰

موج بازداشت‌های مرتبط با جنگ به کارمندان نهادهای دولتی رسید... / ۳۱

از هولوکاست نازیسم تا ایران: جمهوری اسلامی؛ تکرار منطق جنایت علیه بشریت... / عظیم بادام دوست ۳۲

خطر اجرای حکم اعدام محمدرضا طبری، شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴... / ۳۲-۳۳

وزارت خزانهداری آمریکا شبکه قاچاق نفت مرتبط با پسر شمشخانی و حزب الله را تحریم کرد... / ۳۳

جنگ با ید با تسلیم «نظام» به ملت ایران پایان پذیرد... / احسن منصور ۳۴-۳۵

آمریکاییان کارت پسر معصومه ابتکار و خانواده اش را باطل و آنها را بازداشت کرد... / ۳۵

مذاکرات اسلام آباد: نمایشی بعنوان پوشش، وقفه‌ای بعنوان ابزار... / اکروش زمانی ۳۶-۳۷

محاصره «تنگه هرمز» توسط آمریکا: افزایش قیمت جهانی نفت و بحران برای جمهوری اسلامی در... / ۳۸

«بیکاری جنگی» به علت تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها: برنامه حمایتی از کارگران وجود ندارد... / ۳۹

بازداشت بیش از ۱۰۰ شهروند طی در روز: رئیس قوه قضائیه خواستار تشدید برخورد با... / ۴۰

خسارت اقتصادی قطع اینترنت در ایران: معادل تخریب روزانه چندین ساختمان عمرانی... / ۴۱

کارگران بی پناه ایران: بدی یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی... / ۴۲-۴۳

گاردین: فضای مذاکرات اسلام آباد بین نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی پُر تنش بود... / ۴۳

ایران دیگر زیبا نیست، اما بزودی زیبا خواهد شد... / اس. روزبه ۴۴

تنها ۲۱ ساعت، تا سقوط به ۲۱ گرم: کاهش شدید وزن نظام... / بهزاد پرتیان ۴۵

آمریکاییان کارت پسر معصومه ابتکار و خانواده اش را باطل و آنها را بازداشت کرد... / ۴۶

توافق یا تویق بحران؟ جمهوری اسلامی در تنگنای بقاء، ایران در آستانه تغییر... / احسان تارینی ۴۶-۴۷

تجمع مقابل سفارت آمریکا در لندن در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی... / ۴۷

رکود تورمی اقتصاد ایران عمیق‌تر می‌شود؛ پیش‌بینی سقوط رشد اقتصادی به منفی ۱۶ درصد... / ۴۸-۴۹

باز تعریف چارچوب تعامل بین المللی با ایران در راستای ثبات پایدار منطقه‌ای... / اعلی شهبازی ۴۹

بحران کمبود و گرانی داروهای بیماری‌های خاص در ایران... / ۵۰

افزایش ۶۸ درصدی آمار اجرای حکم اعدام در ایران طی یک سال... / ۵۱

اینترنت جهانی در ایران فعلا وصل نمی‌شود: بیانیه انجمن تجارت الکترونیک تهران در باره... / ۵۲

بیش از ۱۰۰۰ ساعت سرکوب شهروندان ایران با قطع سراسری اینترنت... / ۵۳

داروگران نمی‌شود: حذف ارز ترجیحی برخی اقلام دارو به علت «کمبود منابع ارزی»... / ۵۴

انجمن صنفی روزنامه نگاران تهران: کارکنان رسانه‌ها تحت فشار معیشتی هستند... / ۵۵

خبرهای کوتاه... / ۵۶-۵۷

پشت جلد - عکس هفته / در مسیر آزادی ایران ۵۸

باز نشر
باز نشر



جنگ جمهوری اسلامی با ملت ایران «آتش‌بس» ندارد!

با وجود پذیرش آتش‌بس دو هفته‌ای با آمریکا از سوی جمهوری اسلامی اما همچنان حکومت جنگ با ملت ایران را ادامه داده و این سرکوب ۴۷ ساله بدون «آتش‌بس» و در «جبهه‌های» مختلف ادامه دارد.

سرکوب شهروندان ایرانی در داخل و خارج از کشور همزمان با آغاز جنگ تشدید شده و در ابعاد مختلفی در جریان است. جمهوری اسلامی دور جدید سرکوب مردم را با قطع اینترنت جهانی آغاز کرد؛ اقدامی سرکوبگرانه که حدود ۱۲۰۰ ساعت به‌طور پیوسته ادامه داشته و به نظر هم نمی‌رسد مقامات حکومت فعلاً قصد بازگشایی اینترنت را داشته باشند. جدا از فشارهای روانی و اجتماعی ناشی از قطع اینترنت بر مردم، اینترنت در اقتصاد مدرن به‌عنوان یک «زیرساخت» حیاتی شناخته می‌شود. فقدان این زیرساخت در چند هفته گذشته خسارتی حدود دو میلیارد دلار به اقتصاد شکننده کشور تحمیل کرده که معادل ارزش چند زیرساخت عمرانی و صنعتی است.

شهروندان در ایران با سرکوب‌های دیگری نیز روبرو هستند؛ موج گسترده بازداشت‌ها در ایران با اتهامات امنیتی، نه تنها فعالان صنفی، سیاسی و مدنی منتقد و مخالف حکومت را هدف قرار داده است بلکه صدها شهروند عادی نیز در هفته‌های گذشته و همزمان با جنگ بازداشت شده‌اند.

در کنار پرونده‌سازی امنیتی برای شهروندان، روند صدور و اجرای احکام اعدام علیه فعالان سیاسی و شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات نیز سرعت پیدا کرده است به‌طوری‌که ۱۴ زندانی سیاسی طی یک ماه اعدام شدند که آماری کم‌سابقه در سالهای گذشته ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر برقراری ایست‌های بازرسی توسط دستگاه سرکوب حکومت و تفتیش اتومبیل‌ها، موبایل‌ها و دیگر وسائل شخصی نیز سبب هراس‌آفرینی در میان شهروندانی شده که هفت هفته است با مصائب و فشارهای ناشی از جنگ نظامی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

ایرانیان خارج کشور نیز از موج جدید سرکوب جمهوری اسلامی در امان نبوده‌اند و اموال صدها تن از آنها در درون کشور توقیف شده و حتی صدور وکالتنامه برای کلیه ایرانیان خارج کشور جهت نقل و انتقال اموال ممنوع شده است؛ اقدامی که نشان‌دهنده محرومیت جمعی ایرانیان مهاجر از یکی از ساده‌ترین حقوق شهروندی است.

جمهوری اسلامی در حالی، طی تلاشی ۴۷ ساله، مسبب بروز یک جنگ تمام عیار نظامی علیه کشور شده است که همزمان همین جنگ را بهانه‌ای برای انتقامجویی و سرکوب هر چه بیشتر مردمی کرده که به‌عنوان «منابع انسانی»، از مهم‌ترین «زیرساخت»‌های توسعه به‌شمار می‌روند.

بیش از چهار دهه است جمهوری اسلامی در جنگی بدون آتش‌بس علیه ملت ایران قرار دارد؛ صدها هزار نفر در این مدت اعدام، زندان و بازداشت شدند؛ میلیون‌ها ایرانی برای حفظ جان و امنیت، یا برخورداری از امکانات و حقوق اولیه زندگی، ناچار به مهاجرت از کشور شده‌اند و ده‌ها میلیون شهروند مانده در ایران هم همواره هزینه ناکارآمدی‌های حکومت را پرداخته و مورد انواع سرکوب، تحقیر، فلاکت و محرومیت قرار گرفته‌اند.

این نبرد آشتی‌ناپذیر سالهاست فاصله میان مردم و حکومت را عمیق و عمیق‌تر کرده، چنانچه این دره دیگر با هیچ نمایش و تلاشی از سوی رژیم پُر نخواهد شد؛ در مقابل، ظرفیت گسترده و همبسته‌ای را میان ملت ایران برای مبارزه با حکومتی ایجاد کرده که با ایستادن بر یک ایدئولوژی تباهاکار و ویرانگر، کشور را به جنگ و ویرانی، و سرنوشت مردم را به بازی گرفته است.

هراس حکومت از سقوط؛ اختاپوس بسیج و مزدوران شیعی در خیابان‌های ایران



● وضعیت در داخل ایران بسیار پیچیده است. هرچند سازمان سرکوب تلفات و آسیب‌های جدی دیده است، اما مردم می‌گویند در تهران و سایر شهرها به نوعی حکومت نظامی برقرار است. نظام از یک سو هواداران خود را بسیج کرده تا خیابان‌ها را از دست ندهد و از سوی دیگر با کمک مزدوران وارداتی از عراق، لبنان، پاکستان، ترکیه و همچنین افغان‌های عضو لشکر «فاطمیون» ماشین سرکوب را سرپا نگه‌داشته است.

خرپرکاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران پیش‌بینی کرد که «بعید است مذاکرات احتمالی آینده به نتیجه برسد.» منابع غیررسمی می‌گویند در رأس نظام بر سر کنار آمدن با آمریکا یا ادامه‌ی جنگ، اختلاف زیادی وجود دارد.

علی‌رغم خسارات سنگین ۴۰ روز جنگ ویرانگر، همچنان در تهران بر طبل جنگ می‌کوبند و قصدی برای تسلیم شدن ندارند. محمدباقر قالیباف گفته از شروط جمهوری اسلامی برای توافق با آمریکا، «آتش‌بس» در لبنان میان اسرائیل و حزب‌الله است. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه تأکید کرده است که «آمریکایی‌ها نمی‌توانند برای ما تصمیم بگیرند و زمان تعیین کنند.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرده است که «اسرائیل و آمریکا را به‌خاطر ترور مقام‌ها پاسخگو خواهیم کرد.»

گزارش شده‌است که آمریکا ۱۰ هزار نیروی جدید دیگر به خاورمیانه اعزام خواهد کرد. همچنین حجم قابل توجهی تسلیحات نظامی از آمریکا و چند کشور دیگر به اسرائیل ارسال می‌شود.

در ایران، برخی مقامات به دنبال آن بودند با زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی، با اخذ عوارض از کشتی‌ها در تنگه هرمز باج‌گیری کنند؛ «یک دلار به ازای هر بشکه نفت!» این پول باید به‌صورت ارز دیجیتال از مالکان کشتی‌ها دریافت می‌شد که با واکنش شدید بین‌المللی روبرو شد. اما ←

پس از شکست مذاکرات اسلام‌آباد میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، در دومین هفته پس از اعلام آتش‌بس موقت، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده در واکنش به اصرار جمهوری اسلامی بر انسداد «تنگه هرمز» دستور به محاصره دریایی ایران داد. در شرایطی که حکومت ایران شروط دشوار آمریکا را نپذیرفته است، مشخص نیست آیا آتش‌بس تمدید خواهد شد یا عملیات نظامی بار دیگر از سر گرفته می‌شود.

محاصره دریایی ایران، شامل جلوگیری از ورود و خروج کشتی‌های جمهوری اسلامی به بنادر ایران است. گفته می‌شود سنتکام عملیات مین‌روبی را آغاز کرده است. همزمان از یک سو آمریکا و متحدانش جمهوری اسلامی را برای بازگشایی تنگه هرمز زیر فشار قرار داده‌اند و از سوی دیگر دولت‌های عربی و چین.

در مقابل مقامات جمهوری اسلامی تهدید کرده‌اند که اگر محاصره ادامه پیدا کند سایرین نیز اجازه نخواهند داشت که از این آبراه استفاده کنند و همچنین هشدار داده‌اند در صورت تداوم محاصره دریایی، دریای سرخ و باب‌المندب را خواهند بست.

با وجود اینکه مذاکرات اسلام‌آباد بی‌نتیجه ماند، تلاش‌هایی برای تمدید آتش‌بس و برگزاری دور دوم مذاکرات در جریان است، هرچند بسیاری از ناظران معتقدند آمریکا و اسرائیل از فرصت آتش‌بس برای تجدید قوا استفاده خواهند کرد.

را عملی کند، احتمال بازگشت سریع به درگیری نظامی گسترده بسیار بالا خواهد بود. در این حالت، آتش‌بس موقت عملاً فرو می‌پاشد و آمریکا به‌همراه متحدانش حملات هدفمندتری علیه زیرساخت‌های باقی‌مانده نظامی و اقتصادی ایران انجام خواهند داد. پاسخ ایران نیز می‌تواند به شکل جنگ نامتقارن در دریا، حمله به کشتی‌ها یا

می‌گویند ترامپ با محاصره دریایی ایران، در حال بازتنظیم نظم جهانی است. وضعیت در داخل ایران بسیار پیچیده است. هرچند سازمان سروکوب تلفات و آسیب‌های جدی دیده است، اما مردم می‌گویند در تهران و سایر شهرها به نوعی حکومت نظامی برقرار است. نظام از یک سو هواداران خود را بسیج

→ مسئله اساسی اینجاست که دولت‌های اروپایی یا سایر کشورهایی که تجارت آنها به تنگه هرمز وابسته است، فعلاً در همراهی با آمریکا و اسرائیل در محاصره بنادر ایران همکاری نکرده‌اند.

اختلافات حل نشده



گسترش درگیری از طریق نیروهای نیابتی در منطقه باشد. این سناریو نه‌تنها اقتصاد ایران را به مرز فروپاشی نزدیک‌تر می‌کند، بلکه باعث بی‌ثباتی شدید در بازار جهانی انرژی و افزایش تنش در کل خاورمیانه خواهد شد.

سناریو دوم: تداوم بن‌بست و جنگ فرسایشی

در این سناریو، نه جنگ تمام‌عیار از سر گرفته می‌شود و نه توافقی حاصل خواهد شد. آتش‌بس به‌صورت شکننده تمدید می‌شود، اما محاصره دریایی و فشارهای اقتصادی ادامه می‌یابد. جمهوری اسلامی تلاش می‌کند بدون عقب‌نشینی رسمی، از طریق تهدید، چانه‌زنی منطقه‌ای یا اقدامات محدود، هزینه‌ها را برای طرف مقابل بالا ببرد. در مقابل، آمریکا و متحدانش با حفظ فشار نظامی و اقتصادی، منتظر فرسایش داخلی ایران می‌مانند. نتیجه این وضعیت، تشدید بحران اقتصادی، نارضایتی اجتماعی و پیچیده‌تر شدن شکاف‌های درونی در حاکمیت خواهد بود؛ بدون اینکه چشم‌انداز روشنی برای پایان بحران وجود داشته باشد.

در چنین فضایی، نقش مردم و به‌طور خاص مخالفان حکومت در داخل کشور بسیار تعیین‌کننده است. به همین دلیل است که حکومت تلاش می‌کند اختاپوس‌وار، به هر طریق ممکن خیابان‌ها را حفظ کند.

کرده تا خیابان‌ها را از دست ندهد و از سوی دیگر با کمک مزدوران وارداتی از عراق، لبنان، پاکستان، ترکیه و همچنین افغان‌های عضو لشکر «فاطمیون» ماشین سروکوب را سرپا نگه داشته است.

تصاویر و ویدیوهای متعدد از ایران آشکارا نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی در خیابان‌ها با دوشکا و کلاشنیکف مستقر شده‌اند. تمرکز نظام روی برقرار نگه‌داشتن ایست‌های بازرسی، نشان‌دهنده اهمیت آنها برای بقای حکومت است. بیس‌رئیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید: «جمهوری اسلامی با دو انتخاب مهم روبروست؛ پل به آینده یا پرتگاه.» هرچند بعید است باقی‌مانده‌ی حکومت تسلیم خواسته‌های آمریکا شوند. در واقع باور عمومی این نیست که امثال محمدباقر قالیباف یا احمد وحیدی که دستشان به خون مردم آلوده است، تن به خواست نظام بین‌الملل بدهند، تسلیم شوند و صلح را انتخاب کنند. این یعنی ادامه‌ی تحمیل شرایط سخت به مردم.

در چنین شرایطی دو سناریوی کلی قابل تصور است:

سناریو اول: تشدید درگیری و گسترش جنگ

اگر محاصره دریایی ادامه پیدا کند و جمهوری اسلامی نیز تهدیدهای خود درباره‌ی بن‌بست تنگه هرمز و حتی باب‌المندب

اختلاف اساسی میان جمهوری اسلامی و آمریکا حل نشده باقی‌مانده است. سرنوشت اورانیوم‌های غنی‌شده با غنای ۶۰ درصد هنوز مشخص نیست و حکومت خروج آن از ایران را نپذیرفته است. همچنین اصرار حاکمان تهران به ادامه‌ی غنی‌سازی پابرجاست. فراتر از اینها، اکنون با کسانای پای میز مذاکره نشستند که در نگاه حاکمیت، قاتلان علی‌خامنه‌ای رهبر نظام هستند. این شرایط برای حکومت ایران یک «تنگ بزرگ» است، اما وقتی پای بقای نظام در میان باشد، مذاکره با همین قاتلان برای باقی‌مانده‌ی مقامات جمهوری اسلامی حیاتی خواهد بود.

برآورد می‌شود جنگ دست‌کم ۲۷۰ میلیارد دلار خسارت برای جمهوری اسلامی در پی داشته است. بخش عمده‌ی زیرساخت‌های نظامی حکومت از بین رفته است. با بمباران فولاد خوزستان و فولاد مبارکه اصفهان گفته می‌شود ۷۰ درصد ظرفیت تولید فولاد ایران از بین رفته است. پتروشیمی‌ها و تاسیسات نفت و گاز، کارخانه‌هایی نظیر آلومینیوم اراک نیز در بمباران خسارات سنگینی دیده‌اند. نیروی دریایی آمریکا هشدار داده است محموله‌های آهن، فولاد و آلومینیوم به مقصد ایران را توقیف خواهد کرد.

طی این ۴۰ روز جنگ، ده‌ها هزار میلیارد خسارت به فرودگاه‌ها و ایرلاین‌های ایرانی وارد شد. برخی تحلیلگران

متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در دیدار با نمایندگان پارلمان سوئد: مردم ایران هرگز مدل بزک‌شده‌ی این رژیم را نخواهند پذیرفت



سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان سوئد

داده. در واقع این انقلابی علیه خود انقلاب ۱۳۵۷ است. وقتی مشروعیت از بین می‌رود، قدرت شروع به فروپاشی می‌کند. رژیم این را می‌داند، و دقیقاً به همین دلیل است که صداها را خاموش می‌کند، اینترنت را قطع می‌کند و سلاح را به سوی شهروندان بی‌دفاع نشانه می‌گیرد. و این هزینه‌ای دلخراش بوده است؛ هزینه‌ای که لازم است این مجلس محترم بر آن گواهی دهد.

مردان و زنان در خیابان‌ها و خانه‌هایشان قتل‌عام می‌شوند. بیش از ۴۰ هزار ایرانی در عرض یک هفته کشتار شدند. عوامل رژیم، معترضان زخمی را در بیمارستان‌ها تعقیب کرده و با خونسردی اعدام کردند. پیکر کشته‌شدگان با کامیون‌های حمل زباله جمع‌آوری می‌شد. خانواده‌ها مجبور بودند در میان انبوهی از کیسه‌های بی‌نام به جستجوی پیکر [عزیزانشان] بپردازند.

چهل هزار... این عدد آنقدر بزرگ است که درک آن دشوار است. بیش از حد انتزاعی است. همین باعث می‌شود که بسیاری در جهان خارج آن را صرفاً به عنوان آمار ببینند. بنابراین اجازه دهید برخی نام‌ها و داستان‌هایشان را برای شما بازگو کنم.

حمید مهدوی، آتش‌نشان ۳۸ ساله از مشهد را در نظر بگیرید که در لحظات پایانی عمرش، مجروحان را به محل امن می‌رساند اما به جرم نجات جان دیگران، هدف گلوله نیروهای رژیم قرار گرفت.

به سینا کاظمی فکر کنید، ۲۲ ساله. دانشجوی آخرین ترم مهندسی بود. عاشق موسیقی و فناوری. برای کرامت خود و کشورش جنگید. اما نیروهای امنیتی از پشت به سرش شلیک کردند.

در پوشهر، پرستار منصوره حیدری و همسرش بهروز منصوره که آموزگار بود، در حالی که مسالمت‌آمیز اعتراض می‌کردند، در کنار هم کشته شدند. دو فرزند ←

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی به این شرح است: «نمایندگان محترم ریکسداگ [پارلمان سوئد]، خانم‌ها و آقایان، من امروز در برابر شما ایستاده‌ام، نه برای سخن گفتن از سیاست‌های انتزاعی یا آداب دیپلماتیک. بلکه آمده‌ام تا درباره مردمی بزرگ، با تاریخی کهن و سرافراز سخن بگویم که به بهای جان خود، برای آزادی می‌جنگند.

آنچه در سراسر ایران در حال وقوع است، صرفاً یک اختلاف سیاسی یا رقابت میان جناح‌های درون یک نظام نیست بلکه بسیار اساسی‌تر است: یک تسویه‌حساب ملی بین یک تمدن و یک رژیم بی‌رحم است که نزدیک به نیم قرن آن را اشغال کرده است.

از بدو تأسیس، جمهوری اسلامی مانند یک حکومت عادی مانند دیگر حکومت‌ها رفتار نکرده؛ بلکه به عنوان یک دم و دستگاه انقلابی عمل کرده، با صدور بی‌ثباتی از طریق نیروهای نیابتی، تضعیف حاکمیت همسایگان، دامن زدن به درگیری‌ها از بغداد تا بیروت، از صناعا تا دمشق، و پیشبرد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای در پس پرده‌ی انکار. این حکومت هرگز به دنبال جایگاهی در جامعه جهانی نبوده؛ بلکه در پی برهم زدن آن بوده است.

اما اکنون چیزی برگشت‌ناپذیر در داخل ایران تغییر کرده است. نبرد امروز در کشور من، بین اصلاح‌طلبان و تندروها نیست؛ این نبرد بین اِشغال و آزادی است. این نبردی به خاطر روح یک ملت است.

آنچه امروز در ایران شاهد آن هستیم، یک حرکت اعتراضی گذرا نیست، بلکه یک انقلاب نسلی- بزرگترین خیزش در ایران از سال ۱۳۵۷- است که کارگران و دانشجویان، زنان و اقلیت‌ها، متخصصان و هنرمندان، و حتی عناصری در داخل دستگاه حکومتی را متحد می‌کند. آنان با همدیگر حکم خود را صادر کرده‌اند: این رژیم مشروعیت خود را از دست

● شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) طی سخنانی در محل پارلمان سوئد تأکید کرد: «آنچه در سراسر ایران در حال وقوع است، صرفاً یک اختلاف سیاسی یا رقابت میان جناح‌های درون یک نظام نیست بلکه بسیار اساسی‌تر است: یک تسویه‌حساب ملی بین یک تمدن و یک رژیم بی‌رحم است که نزدیک به نیم قرن آن را اشغال کرده است.»

● «آنچه امروز در ایران شاهد آن هستیم... در واقع انقلابی علیه خود انقلاب ۱۳۵۷ است.»

● «امروز رسانه‌ها از آتش‌بس سخن می‌گویند. کدام آتش‌بس؟! در جنگ جمهوری اسلامی با مردم ایران، هیچ آتش‌بسی وجود ندارد. در ایست‌های بازرسی در هر خیابان، اوباش رژیم و تروریست‌های وارداتی، مردم بی‌گناه را آزار داده، کتک می‌زنند و می‌کشند. برای کسانی که از جنگ و هزینه‌هایش سخن می‌گویند، این همان جنگی است که باید درباره‌اش حرف بزنید: جنگ جمهوری اسلامی علیه هموطنان من. جنگی که هر روز ادامه دارد، دور از تیترو روزنامه‌های غربی شما و عقاب‌برنامه‌سازان تلویزیونی شما.»

● «مردم ایران هرگز مدل بزک‌شده با پوششی جدید از این رژیم را نخواهند پذیرفت. خون زیادی ریخته شده، گورهای زیادی کنده شده؛ آنچه مردم ایران می‌خواهند، زندانبانی مهربان‌تر نیست، بلکه آزادی است.»

● «عملیات نظامی که در حال حاضر متوقف شده، چه سقوط جمهوری اسلامی را تسریع کند و چه صرفاً شکاف‌های داخلی آن را عمیق‌تر کند، نتیجه انقلاب ایران را هیچ نیروی خارجی تعیین نخواهد کرد؛ این نتیجه توسط خود مردم ایران تعیین خواهد شد. انقلاب شیروخورشید، خیزشی که مردم ایران در ژانویه [دی‌ماه] با خون خود و شجاعت آغاز کردند، با هیچ‌یک از محاسبات رژیم، هیچ مانور دیپلماتیک و یا هیچ نتیجه نظامی خاموش نخواهد شد. مردم آن را آغاز کردند؛ و مردم آن را به پایان خواهند رساند.»

● «اروپا دهه‌هاست که از این رژیم تروریستی دلجویی و آن را گستاخ کرده است. این سیاستی بوده که به این رژیم کمک کرده تا زنده بماند و مردم را بکشد.»

شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) طی سخنانی در محل پارلمان سوئد گفت: «مبارزه در ایران نه میان دو جریان اصلاح‌طلب و تندرو، بلکه میان اشغالگران [ایران] و نیروهای آزادیخواه است.»

او تأکید کرد، «در ایران انقلابی رخ داده که در واقع «بیداری ملی» است و نه رقابت میان جناحین درون نظام!» شاهزاده رضا پهلوی افزود: «جنگ اصلی که باید درباره آن حرف زد، جنگ جمهوری اسلامی با ملت ایران است؛ جنگی که هر روز شعله‌ورتر می‌شود و هیچ آتش‌بسی در آن برقرار نشده است.»

او به قطع طولانی اینترنت در ایران توسط جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «حکومت صداهای مخالف را خاموش می‌کند، اینترنت را می‌بندد و به سوی مردم غیرمسلح شلیک می‌کند؛ هزینه‌ی سرکوب فاجعه‌بار بوده و مردان و زنان را قتل‌عام کردند.»

خردسال ۸ و ۱۰ ساله از آنان بجا مانده؛ خانواده‌ای که به خاطر رؤیای آزادی نابود شد.

نگین قدیمی، دانشجوی ۲۸ ساله بیوتکنولوژی، با وجود التماس‌های پدرش به تظاهرات رفت. به شدت مجروح شد و در آغوش پدر جان داد، در حالی که زمزمه می‌کرد: «بابا، دارم می‌سوزم» آینده‌ای روشن که در یک شب وحشت روده شد.

اما وحشت پایان نیافته. هر روز ادامه دارد. اینترنت همچنان قطع است و در حالی که ارتباط مردم ایران با جهان قطع شده، رژیم به کشتار ادامه می‌دهد.

امروز رسانه‌ها از آتش‌بس سخن می‌گویند. کدام آتش‌بس؟! در جنگ جمهوری اسلامی با مردم ایران، هیچ آتش‌بسی وجود ندارد. در ایست‌های بازرسی در هر خیابان، اوباش رژیم و تروریست‌های وارداتی، مردم بی‌گناه را آزار داده، کتک می‌زنند و می‌کشند.

برای کسانی که از جنگ و هزینه‌هایش سخن می‌گویند، این همان جنگی است که باید درباره‌اش حرف بزنید: جنگ جمهوری اسلامی علیه هموطنان من. جنگی که هر روز ادامه دارد، دور از تیترو روزنامه‌های غربی شما و عقاید برنامه‌سازان تلویزیونی شما.

اما این مردم از فکر من دور نیستند. هموطنان شجاع من همچنان مقاومت می‌کنند. بسیاری با بدن‌های زخمی اما اراده‌ای شکست‌ناپذیر ایستاده‌اند. ترجیح می‌دهند ایستاده بپیرند تا زانو زده زندگی کنند. من نیز همینطور.

چرچیل چنین مردمی را می‌شناخت، آنجا که گفت ملت‌ها زمانی نمی‌میرند که سربازانشان به خاک می‌افتند، بلکه زمانی می‌میرند که روحشان تسلیم شود. من اینجا هستم تا به شما بگویم روح ایران تسلیم نشده و هرگز نخواهد شد! جمهوری اسلامی با وجود خشونت، امروز از هر زمان دیگری از سال ۱۹۷۹ به اینسو به فروپاشی نزدیک‌تر است. و یک واقعیت اکنون غیرقابل انکار است: مردم ایران هرگز مدل بزرگ‌شده با پوششی جدید از این رژیم را نخواهند پذیرفت. خون زیادی ریخته شده، گورهای زیادی کنده شده؛ آنچه مردم ایران می‌خواهند، زندانبانی مهربان‌تر نیست، بلکه آزادی است.

این رویدادها یک بُعد نظامی نیز دارد که این مجلس آن را از نزدیک دنبال می‌کند، و من آن را انکار نمی‌کنم. اما به شما می‌گویم: با وجود این، عملیات نظامی که در حال حاضر متوقف شده، چه سقوط جمهوری اسلامی را تسریع کند و چه صرفاً شکاف‌های داخلی آن را عمیق‌تر کند، نتیجه انقلاب ایران را هیچ نیروی خارجی تعیین نخواهد کرد؛ این نتیجه توسط خود مردم ایران تعیین خواهد شد.

انقلاب شیروخورشید، خیزشی که مردم ایران در ژانویه [دی‌ماه] با خون خود و شجاعت آغاز کردند، با هیچ‌یک از محاسبات رژیم، هیچ مانور دیپلماتیک و یا هیچ نتیجه نظامی خاموش نخواهد شد. مردم آن را آغاز کردند؛ و مردم آن را به پایان خواهند رساند.

اگر عملیات نظامی، جمهوری اسلامی را به قعر تاریخی بفرستد که به آن تعلق دارد، ما مصمم و سازمان‌یافته آماده‌ایم تا آنچه را پس از آن می‌آید، بسازیم. و اگر رژیم از این توفان کنونی جان سالم به در ببرد، ما انقلاب را تا زمان تکمیل آن ادامه خواهیم داد. ما این سفر را آغاز کردیم و پایانش را خواهیم دید. تاریخ انتخاب دیگری برای ما نگذاشته است.

وقتی به اروپا نگاه می‌کنم، نوعی دوگانگی و ناتوانی مداوم در درک واقعیت خیابان‌های ایران می‌بینم. از شتاب برای معامله با این رژیم جنایتکار ناامیدم، اما تعجب نمی‌کنم. رژیمی که ده‌ها هزار نفر از شهروندان را به قتل رسانده در خیابان‌های اروپا از جمله در سوئد نیز از تروریسم حمایت

می‌کند. این رژیم با گروگانگیری و خشونت، دولت‌های اروپایی را تهدید کرده و باج‌خواهی می‌کند.

اروپایی که من به آن باور دارم، می‌بایست مدافع حقوق بشر، دموکراسی و برابری باشد. این کشور [سوئد] سابقه‌ای افتخارآمیز در مبارزات گذشته دارد؛ از مبارزه با آپارتاید در آفریقای جنوبی تا حمایت از «جنبش همبستگی» لهستان و اکنون در پشتیبانی از اوکراینی‌ها در مبارزه برای حاکمیت ملی.

پس چرا ایران باید متفاوت باشد؟ آیا حقوق بشر ایرانیان کمتر اهمیت دارد؟ آیا جان آنها بی‌ارزش‌تر است؟ شاید برای برخی اینطور باشد اما نه برای ما.

متأسفانه این موضوع جدیدی نیست. اروپا دهه‌هاست که از این رژیم تروریستی دلجویی و آن را گستاخ کرده است. این سیاستی بوده که به این رژیم کمک کرده تا زنده بماند و مردم را بگشود.

امیدوارم دولت سوئد، اتحادیه اروپا و سایر کشورها تحت فشار قرار دهد تا در کنار مردم ایران و مبارزه آنها برای آزادی بایستند. من خوشحال و دلگرم هستم که بسیاری از اعضای پارلمان سوئد، از احزاب مختلف امروز اینجا هستند تا پیامی از مردم ایران بشنوند. از طرف هم‌میهن‌انم که اغلب به سکوت وادار می‌شوند، از شما سپاسگزارم.

اعضای محترم پارلمان سوئد، این دیگر یک مسئله‌ی ژئوپلیتیک در دوردست نیست؛ این یک وضعیت اضطراری امنیتی در خاک خود سوئد است. سرویس امنیتی سوئد و اداره پلیس این کشور تأیید کرده‌اند که جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌های نیابتی تبهکار در داخل سوئد فعالیت می‌کند. اینها تنها عملیات نظارتی نیستند بلکه آنها مرتکب ارباب و خشونت‌هایی می‌شوند که بطور کلی جوامع یهودی، مخالفان ایرانی و شهروندان سوئدی را هدف قرار می‌دهد.

در سوم ماه مارس امسال، اندکی پس از وقوع درگیری‌های فعلی در خاورمیانه، سرویس امنیتی سوئد یک هشدار عمومی فوری در مورد سطح بالای تهدید صادر کرد. این حدس و گمان نیست بلکه بیانه‌ای از سوی سرویس‌های امنیتی خودتان است. و این چیز است که این تهدید را به ویژه خطرناک می‌کند: شبکه‌های تبهکاری که تهران به خدمت می‌گیرد، در مأموریت‌های خود از بین می‌روند بلکه آنها در جامعه سوئد ریشه دوانده‌اند. آنها همان شبکه‌هایی هستند که پیشتر به عنوان تهدید داخلی مهم بزرگ علیه امنیت عمومی در این کشور شناخته شده‌اند.

سوئد با قاطعیت پاسخ داده است. شما ویزا را برای کارکنان سفارت جمهوری اسلامی محدود کرده‌اید. شما حمید نوری را به جرم جنایت علیه بشریت تحت صلاحیت جهانی مورد پیگرد قانونی قرار دادید که یک سابقه‌ی تاریخی را رقم زد. اما این رویه دوام نیاورد. نوری را سوئد به تهران بازگرداند و در آنجا توسط دیگر قاتلان مانند یک قهرمان مورد استقبال قرار گرفت. در حالی که او برای افتخار کردن به جنایات خود در تلویزیون دولتی حضور یافت، دکتر احمدرضا جلالی مجبور است همچنان در شکنجه‌گاه‌های رژیم رنج بکشد. ده سال پیش بود که او را دستگیر کردند و هنوز اسیر است. تصمیماتی از این دست، جمهوری اسلامی را گستاخ‌تر می‌کند تا گروگان‌های بیشتری بگیرد، جنایات بیشتری مرتکب شود و جهان را بیشتر به چالش بکشد. یک سناتور فرانسوی چند ماه پیش به من گفت: دولت‌های ما گروگان‌گروگان‌های ما شده‌اند!

اما دولت‌ها هنوز حق انتخاب دارند که آیا تسلیم باج‌خواهی شوند یا نه. واسلاو هاول زمانی گفته بود که تنها امنیت واقعی در جهان، امنیتی است که ریشه در حقیقت

داشته باشد. حقیقت این است که تا زمانی که این رژیم در قدرت باشد، سوئد و جهان آزاد در امان نخواهند بود.

چرا سوئد به ناتو پیوست؟ به دلیل جنگ تجاوزکارانه‌ی پوتین علیه اوکراین. این تصمیمی درست و ضروری بود. فراموش نکنیم که جمهوری اسلامی نظاره‌گر جنگ روسیه نیست بلکه تهران پهباد و فناوری موشکی در اختیار مسکو گذاشته است. با سلاح‌های ساخت ایران به شهرهای اوکراین حمله شده. همکاری فنی رژیم، ظرفیت پوتین را برای جنگ علیه همسایه دموکراتیک‌اش حفظ کرده است. همانطور که من و پرزیدنت زلینسکی در گفتگویی که داشتیم اعلام کردیم: تهدید روسیه برای اروپا و تهدید جمهوری اسلامی برای اروپا دو مشکل جداگانه نیستند. آنها دو نمونه از یک چالش واحد هستند.

سوئد اکنون عضو دفاع جمعی ناتو است. اما دفاع جمعی فقط نظامی نیست بلکه سیاسی و اقتصادی و اخلاقی نیز هست. این مستلزم آنست که کشورهای دموکراتیک بتوانند تهدیدها را در کلیت خود تشخیص دهند؛ و حمایت رژیم اسلامی از تجاوز روسیه را به عنوان یک نگرانی امنیتی مستقیم در نظر بگیرند.

اجازه دهید اکنون نه از خطرات فعلی بلکه از احتمالات در آینده صحبت کنم.

رابطه بین سوئد و ایران ریشه‌های عمیقی دارد. در دهه‌های نخست قرن بیستم، کارشناسان و متخصصان سوئدی روابط محکمی با ایران برقرار کردند. در طول جشن‌های ۲۵۰۰ سال تمدن ایران در تخت جمشید، سوئد توسط ولیعهد وقت، کارل گوستاو، نمایندگی می‌شد. من و اعلیحضرت کنار هم نشستیم و درباره آینده ملت‌ها و مردم خود صحبت کردیم.

آن آینده، با یک ایران دموکراتیک، محاسبات امنیتی کل منطقه و اروپا را تغییر خواهد داد. شبکه‌های نیابتی [تبهکار] را که در سوئد فعال هستند، فورا از بین خواهد برد. به دیپلماسی گروگانگیری که روابط [ایران] با کشورهای غربی را برای دهه‌ها مسموم کرده است، پایان خواهد داد. در زمینه اطلاعات و حاکمیت قانون همکاری خواهد داشت. از حمایت از ماشین جنگی روسیه دست خواهد کشید. نیازهای انرژی اروپا را برای دهه‌های آینده تأمین خواهد کرد.

ایران به عنوان یک شریک طبیعی ظهور خواهد کرد. کشوری با ۹۰ میلیون جمعیت، با سرمایه انسانی عظیم، تمدنی غنی و تمایل به بازسازی پس از دهه‌ها سلطه‌ی یک حکومت بی‌ثبات.

سوئد دلایل زیادی برای حضور در آن آینده دارد. برتری شما در فناوری اطلاعات و زیرساخت‌های دیجیتال، صنعت دفاعی شما شامل قابلیت‌های جهانی در صنایع دفاعی و هوافضا، میراث مهندسی شما از طریق «ولوو» و «اسکانیا»، تعهد شما به فرهنگ، سنت تولید دقیق و نوآوری صنعتی شما؛ همه اینها دقیقا همان چیز است که ایران در دوران بازسازی به آنها نیاز خواهد داشت. این صدقه نیست بلکه مشارکتی برابر بین ملت‌هایی با نقاط قوت مکمل و ارزش‌های مشترک است.

در این لحظه تاریخی، در حالی که ایرانیان از من می‌خواهند تا به رهبری به سوی یک گذار دموکراتیک کمک کنم، بر تعهدی که در تمام طول زندگی‌ام داده‌ام، دوباره تأکید می‌کنم: خدمت به عنوان یک شخصیت ملی وحدت‌بخش و نه یک شخصیت حزبی یا یک مدعی قدرت؛ بلکه تسهیل‌کننده‌ی ثبات، وحدت ملی و انتقال مسالمت‌آمیز به یک حکومت دموکراتیک.

من تنها کسی نیستم که باور دارم این امر امکان‌پذیر ←



بیانیه دبیرخانه شاهزاده رضا پهلوی: مردم ایران هرگز بقای این رژیم جنایتکار را نخواهند پذیرفت

به فراخوان صادر شده از سوی شاهزاده رضا پهلوی، رهبر اپوزیسیون دموکراتیک ایران، پاسخ دادند. تصاویر و ویدئوهای متعدد از مکان‌های مختلف نشان‌دهنده تظاهرات هماهنگ در قاره‌های مختلف است؛ تجمعاتی که در شهرهایی از جمله پاریس، لندن، آمستردام، برلین، رم، استکهلم، اسلو، سئول، وین، برن، لیسبون، اتاوا، تورنتو، ونکوور، لس‌آنجلس و واشنگتن دی‌سی برگزار شد و همچنین گزارش‌هایی از گردهمایی‌های دیگر در پایتخت‌های بزرگ جهان نیز منتشر شده است.

این تجمعات یک پیام مشترک برای ایالات متحده و جامعه بین‌المللی دارند: «مسیر را ادامه دهید، کار را تمام کنید، با رژیم معامله نکنید و در عوض از مردم ایران حمایت کنید.» جمهوری اسلامی در حال حاضر ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از هر زمان دیگری در دهه‌های اخیر است و این فرصت استراتژیک نادر نباید از دست برود.

شرکت‌کنندگان خواستار تداوم فشار بر ساختارهای سرکوبگر رژیم شدند و هشدار دادند که هرگونه کاهش فشار، به رژیم فرصت خواهد داد تا زمان بخرد، خود را بازسازی کند و سرکوب‌ها و اعدام‌ها را تشدید نماید؛ امری که هزینه مستقیم آن بر دوش مردم ایران خواهد بود.

بیش از ۴۵ هزار ایرانی در جریان اعتراضات سراسری ۸ و ۹ ژانویه کشته شدند، سرعت و دامنه‌ی اعدام‌ها بطور چشمگیری افزایش یافته و خشونت دولتی تحت شرایط قطع‌گسترده اینترنت همچنان در حال تشدید است. با توجه به محدودیت شدید ارتباطی داخل ایران، جوامع ایرانی خارج کشور به عنوان تقویت‌کننده‌های حیاتی عمل می‌کنند تا صدای مردم داخل کشور خاموش نشود.

معتراضان خواستار حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و طرح او برای گذار به دموکراسی هستند. او بطور گسترده به عنوان چهره‌ی وحدت‌بخش شناخته می‌شود که بازتاب‌دهنده اراده‌ی ایرانیان داخل کشور و سراسر جامعه ایرانی خارج کشور است.

در همین ارتباط، شاهزاده رضا پهلوی، رهبر اپوزیسیون دموکراتیک ایران، اعلام کرد: «پیام صدها هزار ایرانی در سراسر جهان روشن و قاطع است: این لحظه‌ی سرنوشت‌ساز برای ملت ما و مبارزه برای آزادی است- مردم ایران هرگز بقای این رژیم جنایتکار را نخواهند پذیرفت. ما از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم مسیر خود را ادامه دهد و از مردم ایران در مبارزه‌شان برای آزادی حمایت کند.»

● در بخشی از این بیانیه تأکید شده، این تجمعات یک پیام مشترک برای ایالات متحده و جامعه بین‌المللی داشتند: «مسیر را ادامه دهید، کار را تمام کنید، با رژیم معامله نکنید و در عوض از مردم ایران حمایت کنید.»

● «با توجه به محدودیت شدید ارتباطی داخل ایران، جوامع ایرانی خارج کشور به عنوان تقویت‌کننده‌های حیاتی عمل می‌کنند تا صدای مردم داخل کشور خاموش نشود.»

● در همین ارتباط، شاهزاده رضا پهلوی، رهبر اپوزیسیون دموکراتیک ایران، اعلام کرد: «پیام صدها هزار ایرانی در سراسر جهان روشن و قاطع است: این لحظه‌ی سرنوشت‌ساز برای ملت ما و مبارزه برای آزادی است- مردم ایران هرگز بقای این رژیم جنایتکار را نخواهند پذیرفت. ما از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم مسیر خود را ادامه دهد و از مردم ایران در مبارزه‌شان برای آزادی حمایت کند.»

دبیرخانه شاهزاده رضاپهلوی پهلوی در یک بیانیه مطبوعاتی که ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین ۱۴۰۵) به رسانه‌ها ارسال شد، با اشاره به حضور گسترده ایرانیان در برابر سفارت‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در روز شنبه ۱۱ آوریل، تأکید کرد که خواست ایرانیان از جامعه جهانی این است که «کار جمهوری اسلامی را تمام کند» و از مردم ایران حمایت نماید.

در بخشی از این بیانیه تأکید شده، این تجمعات یک پیام مشترک برای ایالات متحده و جامعه بین‌المللی داشتند: «مسیر را ادامه دهید، کار را تمام کنید، با رژیم معامله نکنید و در عوض از مردم ایران حمایت کنید. جمهوری اسلامی در حال حاضر ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از هر زمان دیگری در دهه‌های اخیر است و این فرصت استراتژیک نادر نباید از دست برود.»

متن کامل بیانیه دبیرخانه شاهزاده رضا پهلوی به این شرح است:

ایرانیان در سراسر جهان در ۱۱ آوریل در برابر سفارت‌ها و کنسولگری‌های آمریکا تجمع کردند تا از جامعه بین‌المللی بخواهند «کار را تمام کند» و از مردم ایران حمایت نماید. صدها هزار ایرانی خارج کشور در بیش از ۲۲ کشور و ۳۴ شهر، در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۲۴ در برابر سفارت‌ها و کنسولگری‌های ایالات متحده در تجمعات هماهنگ در سراسر اروپا، آسیا و آمریکای شمالی گرد هم آمدند و

است. ما به همراه اقتصاددانان، کارشناسان حقوقی، متخصصان امنیتی و رهبران جامعه مدنی از همه طیف‌های سیاسی ایران، چهارچوب‌های دقیقی برای گذار در «پروژه شکوفایی ایران» تدوین کرده‌ایم تا تداوم نهادها را تضمین کنیم، از بی‌ثباتی جلوگیری کنیم و امکان تسریع بازسازی ملی را پس از پایان رژیم فراهم نماییم. برنامه وجود دارد. مسیر مشخص است. و یک آلترناتیو مسئولانه وجود دارد. حتی در داخل دستگاه حکومتی شکاف‌ها در حال تعمیق است. گزارش‌ها حاکی از آنست که اعضای نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی بطور فزاینده‌ای از اجرای فرمان برای مشارکت در خشونت علیه غیرنظامیان خودداری می‌کنند. بسیاری بی‌سر و صدا اعلام کرده‌اند که وفاداری واقعی آنها به ملت است و نه به کسانی که آنها را سرکوب می‌کنند. وقتی مسیر پدیدار شود، مطمئنم که آنها اقدام خواهند کرد. هیچ حکومتی نمی‌تواند دوام بیاورد اگر که اراده‌ی نهادهای خود را برای سرکوب از دست بدهد. ما به آن لحظه نزدیک می‌شویم.

اعضای محترم پارلمان، اجازه دهید سختم را با آنچه به نظر ساده‌ترین و مهم‌ترین حقیقت این سخنرانی است، به پایان برسانم: مردم ایران از شما نمی‌خواهند برای انقلاب آنها بجنگید. آنها همین حالا هم خودشان برای انجام این کار، با شجاعتی که می‌بایست تواضع را در ما برانگیزد، جان خود را به خطر می‌اندازند. آنها چیزی بسیار ساده‌تر می‌خواهند: به کسانی که به آنها ستم می‌کنند، مشروعیت ندهید! کسانی را که آنها را ترور می‌کنند، تقویت نکنید! از کسانی که در میان شما پناه گرفته‌اند، حفاظت کنید! برای روزی که ایران آزاد شود، آماده شوید!

لحظاتی در تاریخ وجود دارد که بی‌طرفی صرفا یک موضع نیست، بلکه یک تصمیم است. لحظاتی که احتیاط نه هوشمندی بلکه همدستی است! لحظاتی که تاریخ در سکوت پرسشی را مطرح می‌کند و با صبوری منتظر پاسخ می‌ماند.

چرچیل در سال ۱۹۴۰ با چنین لحظاتی روبرو شد. هاول در سال ۱۹۸۹ با آن روبرو شد. زلینسکی امروز با آن روبروست. و مردم ایران به روش خود، بدون هواپیما و بدون ارتش و بدون مصونیت دیپلماتیک، در هر خیابان و هر سلول زندان و هر گور بی نام و نشان با آن روبرو هستند.

مردم ایران قبلا پاسخ خود را [به پرسش تاریخ] داده‌اند. آنها در خیابان‌ها و زندان‌ها پاسخ داده‌اند. آنها با جان خود پاسخ داده‌اند: آنها آزادی را انتخاب کرده‌اند.

اکنون تاریخ از جهان دموکراتیک و به ویژه از اروپا سؤالی ساده‌تر می‌پرسد: آیا در کنار مردم آزادخواه خواهید ایستاد، یا با کسانی که آنها را سرکوب می‌کنند کنار خواهید آمد؟ نسل‌های آینده به بیانات شما نگاه خواهند کرد؛ بلکه بر اساس عملکردتان قضاوت خواهند کرد. آنها نخواهند پرسید که چه گفتید! بلکه خواهند پرسید: چه کردید؟! از انجام چه کاری در مواقع ضروری خودداری کردید؟!

و روزی به زودی- و من این را نه به عنوان یک احساس بلکه به عنوان یک باور استراتژیک می‌گویم- وقتی ایران آزاد شود، وقتی مردم آن دوباره در میان ملت‌های آزاد جهان بایستند، وقتی فرزندان‌شان بدون ترس وارث این کشور شوند، آنوقت همه ما خواهیم دانست که این همان لحظه‌ای بود که تاریخ تغییر کرد. لحظه‌ای که ملتی بزرگ از زانو زدن امتناع ورزید. لحظه‌ای که ملت‌های آزاد تصمیم گرفتند روی خود را برنگردانند.

بگذارید ثبت شود که وقتی آن روز فرا رسد، سوئد آماده بود. وقتی مردم ایران برای آزادی ایستادند، سوئد در کنار آنان ایستاد. سپاسگزارم.»

گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با روزنامه «آفتونبلادت»:

دولت سوئد در کنار مردم ایران بایستد و سفیر جمهوری اسلامی را اخراج کند



شاهزاده رضا پهلوی

● شاهزاده رضا پهلوی که برای حضور در پارلمان سوئد به استکهلم سفر کرده است، با هشدار نسبت به نقش مخرب جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران، از دولت آن کشور خواست تا موضعی قاطعتر در قبال رژیم ایران اتخاذ کند. او تأکید کرد که تهدیدهای جمهوری اسلامی تنها متوجه مردم ایران نیست، بلکه کشورهای اروپایی از جمله سوئد را نیز در بر می‌گیرد.

● او در مصاحبه با روزنامه «Aftonbladet» که ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ منتشر شد، گفت که براساس گزارش‌های منتشر شده از سوی سرویس امنیتی سوئد (Säpo) جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌هایی از عوامل تبهکار در خاک سوئد فعالیت می‌کند. او همچنین به همکاری نظامی جمهوری اسلامی ایران با روسیه در جنگ علیه اوکراین اشاره کرد و آن را نشانه‌ای از تهدید فرامرزی این حکومت دانست.

● شاهزاده از دولت سوئد خواست تا «در کنار مردم ایران بایستد»، سفیر جمهوری اسلامی را اخراج کند و برای همکاری با یک دولت انتقالی در ایران آمادگی داشته باشد.

شاهزاده رضا پهلوی که برای حضور در پارلمان سوئد به استکهلم سفر کرده است، با هشدار نسبت به نقش مخرب جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران، از دولت آن کشور خواست تا موضعی قاطعتر در قبال رژیم ایران اتخاذ کند. او تأکید کرد که تهدیدهای جمهوری اسلامی تنها متوجه مردم ایران نیست، بلکه کشورهای اروپایی از جمله سوئد را نیز در بر می‌گیرد.

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با روزنامه «Aftonbladet» که ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ منتشر شد، گفت که بر اساس گزارش‌های منتشر شده از سوی سرویس امنیتی سوئد (Säpo) جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌هایی از عوامل تبهکار در خاک سوئد فعالیت می‌کند. او همچنین به همکاری نظامی جمهوری اسلامی ایران با روسیه در جنگ علیه اوکراین اشاره کرد و آن را نشانه‌ای از تهدید فرامرزی

دشوار است، اما برخی پژوهش‌ها تصویری نسبی از گرایش‌ها ارائه می‌دهند. از جمله نظرسنجی مؤسسه پژوهشی گمان در سال ۲۰۲۵ که نشان داد نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان از نقش پهلوی در دوره گذار حمایت می‌کنند.

به نوشته روزنامه «Aftonbladet» این حمایت‌ها در جریان اعتراضات سراسری اوایل امسال، که در پی بحران اقتصادی شکل گرفت، نمود بیشتری یافت. پس از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای حضور مردم در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴، میلیون‌ها نفر در شهرهای مختلف به خیابان‌ها آمدند. او در اینباره گفت محدودیت‌های اینترنتی اعمال شده از سوی حکومت، نشان‌دهنده نگرانی آن از سازمانیافته بودن مخالفان است. در پی این اعتراضات، دسترسی به اینترنت در ایران بطور گسترده محدود شد و نیروهای امنیتی با شدت با معترضان برخورد کردند. گزارش‌ها حاکی از کشته شدن شمار زیادی از شهروندان در مدت زمانی کوتاه است.

شاهزاده در پاسخ به انتقادات درباره نقش خود در تشویق مردم به حضور در خیابان‌ها، تأکید کرد که مسئولیت خشونت‌ها بطور کامل بر عهده حکومت است. او گفت: «هر جان بی‌گناهی که گرفته شده، مایه اندوه عمیق است، اما این رژیم است که مسئول این کشتارهاست.»

او همچنین تصریح کرد که آماده است برای تحقق آزادی در ایران، حتی جان خود را فدا کند. او افزود، در این مسیر حتی بسیاری از مخالفان حکومت پهلوی نیز امروز در مسیر ایجاد تغییرات سیاسی با او همراه شده‌اند.

در روزهای اخیر، اظهارات او درباره لزوم خودداری دونالد ترامپ از مذاکره با جمهوری اسلامی نیز توجهات زیادی را جلب کرده است. رضا پهلوی هشدار داد که هرگونه توافقی که به حفظ ساختار قدرت کنونی، به ویژه نقش محوری نهادهای نظامی منجر شود، نه تنها به حل بحران کمکی نخواهد کرد، بلکه به بی‌ثباتی بیشتر خواهد انجامید.

این حکومت دانست.

شاهزاده از دولت سوئد خواست تا «در کنار مردم ایران بایستد»، سفیر جمهوری اسلامی را اخراج کند و برای همکاری با یک دولت انتقالی در ایران آمادگی داشته باشد. در بخش دیگری از گزارش این روزنامه با اشاره به وجود دیدگاه‌های مختلف درباره شاهزاده رضا پهلوی آمده، «با وجود اختلاف نظر، رضا پهلوی در سال‌های اخیر و همزمان با افزایش نارضایتی عمومی در ایران، به یکی از چهره‌های شاخص اپوزیسیون تبدیل شده است. سنجش دقیق افکار عمومی در ایران به دلیل محدودیت‌های شدید اطلاعاتی



مذاکرات اسلام آباد بی نتیجه تمام شد؛ منابع نزدیک به سپاه: تیم آمریکایی به دنبال بهانه گیری بود



نشست مطبوعاتی ونس معاون ترامپ در اسلام آباد در کنار ویتکاف و کوشنر

شکست مذاکرات اسلام آباد؛ ترامپ: نیروی دریایی آمریکا «تنگه هرمز» را محاصره می کند



دونالد ترامپ

● یک روز پس از شکست مذاکرات اسلام آباد میان جمهوری اسلامی و آمریکا، دونالد ترامپ موضع تندی علیه حاکمان تهران اتخاذ کرد. رئیس جمهوری آمریکا روز یکشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) تهدید کرد نیروی دریایی ایالات متحده فوراً محاصره تنگه هرمز را آغاز خواهد کرد. ● او افزود که آمریکا همچنین هر کشتی را در آب های بین المللی که به ایران عوارض پرداخت کرده باشد، متوقف خواهد کرد.

● ترامپ همزمان در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت که پاکسازی تنگه هرمز زمان زیادی می برد. او ادعا کرد: «ناتو می خواهد در مسئله تنگه هرمز کمک کند... فکر می کنم کشورهای زیادی در این زمینه به ما کمک خواهند کرد.» او توضیح داد ما مین روبات های بیشتری به کار می گیریم، بریتانیا و چند کشور دیگر نیز مین روبات می فرستند.»

یک روز پس از شکست مذاکرات اسلام آباد میان جمهوری اسلامی و آمریکا، دونالد ترامپ موضع تندی علیه حاکمان تهران اتخاذ کرد. رئیس جمهوری آمریکا روز یکشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) تهدید کرد نیروی دریایی ایالات متحده فوراً محاصره تنگه هرمز را آغاز خواهد کرد.

او افزود که آمریکا همچنین هر کشتی را در آب های بین المللی که به ایران عوارض پرداخت کرده باشد، متوقف خواهد کرد.

ترامپ در «تروث سوشال» نوشت: «می توانم وارد

چیزهایی را نمی پذیریم. ما تا جای ممکن این مسئله را به صراحت بیان کردیم و آنها تصمیم گرفتند که شروط ما را نپذیرند.»

معاون رئیس جمهوری آمریکا با تاکید مجدد بر اینکه با حسن نیت در این مذاکرات شرکت کرده بود، گفت: «ما اینجا را با ارائه پیشنهادی ساده [به طرف ایرانی] ترک می کنیم؛ یک تفاهم نامه که بهترین و نهایی ترین پیشنهاد ماست. خواهیم دید که آیا ایران آن را می پذیرد یا نه.»

یک منبع نزدیک به تیم مذاکره کننده به خبرگزاری فارس گفت: «تیم آمریکایی به دنبال بهانه بود تا میز مذاکره را ترک کند.»

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت: «در مورد یکسری از موضوعات به تفاهم رسیدیم اما در مورد دو، سه موضوع مهم دیدگاه ها فاصله داشت و در نهایت، گفتگوها منجر به توافق نشد.»

بقایی اضافه کرد: «مذاکرات بعد از ۴۰ روز جنگ تحمیلی انجام شد و در یک فضای بدگمانی و سوء ظن انجام شد؛ طبیعی است که از ابتدا هم نباید انتظار می داشتیم که ظرف یک جلسه به توافق برسیم. کسی هم چنین انتظاری نداشت.»

او ادامه داد: «تماس ها و رایزنی ها بین ایران، پاکستان و سایر دوستان ما در منطقه ادامه خواهد یافت.»

در واکنش به شکست مذاکرات، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، گزارشی را در شبکه اجتماعی تروث سوشال بازنشر کرد که در آن آمده است گزینه ترامپ در صورت کوتاه نیامدن حکومت ایران از مواضع خود، می تواند «محاصره دریایی» باشد. او همزمان عکسی از تجمع ایرانیان مخالف حکومت در برن سویس را در حمایت از اقداماتش بازنشر کرد.

پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد اختلافات اصلی در این مذاکرات، مربوط به درخواست رژیم ایران برای کنترل تنگه هرمز و امتناع از واگذاری ذخایر اورانیوم غنی شده است.

● جی دی ونس معاون رئیس جمهوری آمریکا، صبح یکشنبه ۲۳ فروردین به وقت اسلام آباد در یک کنفرانس خبری کوتاه به خبرنگاران گفت: «مذاکرات برای ۲۱ ساعت ادامه داشت و خبر خوب اینکه با هیات ایرانی چندین گفتگوی اساسی داشتیم. اما خبر بد اینکه به توافق نرسیدیم. به نظرم این برای ایران بیش از ایالات متحده خبر بدی است.»

● یک منبع نزدیک به تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی به خبرگزاری فارس وابسته به سپاه گفت: «تیم آمریکایی به دنبال بهانه بود تا میز مذاکره را ترک کند.»

● اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت: «در مورد یکسری از موضوعات به تفاهم رسیدیم اما در مورد دو، سه موضوع مهم دیدگاه ها فاصله داشت و در نهایت، گفتگوها منجر به توافق نشد.»

● پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد اختلافات اصلی در این مذاکرات، مربوط به درخواست رژیم ایران برای کنترل تنگه هرمز و امتناع از واگذاری ذخایر اورانیوم غنی شده است.

نشست اسلام آباد میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا که با میانجیگری پاکستان برای دستیابی به «توافق» برگزار شد، بی نتیجه پایان یافت.

جی دی ونس معاون رئیس جمهوری آمریکا، صبح یکشنبه ۲۳ فروردین به وقت اسلام آباد در یک کنفرانس خبری کوتاه به خبرنگاران گفت: «مذاکرات برای ۲۱ ساعت ادامه داشت و خبر خوب اینکه با هیات ایرانی چندین گفتگوی اساسی داشتیم. اما خبر بد اینکه به توافق نرسیدیم. به نظرم این برای ایران بیش از ایالات متحده خبر بدی است.»

ونس افزود: «ما بدون حصول توافق به ایالات متحده بازمی گردیم. ما صراحتاً خط قرمزهایمان را مشخص کردیم و گفتیم که حاضر به پذیرش چه چیزهایی هستیم و چه

بازنشمر

بزن بریم آسمان!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۱۱) تیر ماه ۱۳۸۷



مشتاقان و شیفتگان را رقص کنان به سرمزمل مقصود برساند. به دنبال خودکشی «هانا باند» دختر سیزده ساله انگلیسی که از دلباختگان این آهنگ و شیفته گروه ایموها (Emos) بود، موج نگرانی از رواج این نوع خودکشی نشئه آمیز و بال گشودن به سوی مرگ، در پاره‌ای از مطبوعات انگلستان انعکاس یافت و «دیلی میل» نشریه معروف محافظه کار لندن در اعلام خطر و برانگیختن افکار عمومی علیه موسیقی «ایمو» پیشقدم شد.

به‌ابتکار «دیلی میل» که «ایمو»ها را به ارائه تصویری رمانتیک از مرگ متهم می‌کند تظاهراتی علیه گروه رقص و آواز MCR (My chemical Romance) در لندن ترتیب یافت ولی فردای آن روز، هواداران MCR به مقابله برخاستند و خشم خود را با گرد آمدن در برابر ساختمان Mail ابراز داشتند و مسؤولان روزنامه را به کلیشه‌سازی غیر مسؤولانه متهم کردند.

**متاع کفر و دین بی مشتری نیست
گروهی آن، گروهی این پسندند**

و اما در بازار پررونق مرگ‌فروشی، توریسم نیز جایگاه خود را دارد. در سوئیس چندین بنگاه بزرگ توریستی دایر شده است که وسایل سفر و اقامت را در دسترس زائران مرگ قرار می‌دهند. سوئیس، یکی از کشورهایی است که کمک برای مردن را اجازه می‌دهد. بنگاه توریستی بازارچه مرگ، کسانی را که اکثراً به دلیل بیماری یا کهنولت علاقه‌ای به ادامه زندگی ندارند و به دلایلی - از جمله منع شرعی - نمی‌خواهند دست به خودکشی بزنند، از کشورهایی که «اتانازی» یا مدد‌رسانی برای مردن منع قانونی دارد به سوئیس انتقال می‌دهد، در اقامتگاه مناسبی از آنها پذیرایی به‌عمل می‌آورد و با داروهای کیف‌آوری که پزشکان وابسته به بنگاه تجویز می‌کنند، موجبات مرگ خودخواسته و رهیدن از رنج زندگی را برایشان فراهم می‌سازد.

مصائب قوم عند قوم فوائد.

**چه خوش گفت آن نھاوندی به طوسی
که مرگ خر بُود سگ را عروسی!**

پنج متهم اصلی حادثه یازدهم سپتامبر از انتخاب وکیل مدافع خودداری کردند و اعلام داشتند که خودشان از خود دفاع خواهند کرد. وکیل وقتی به کار می‌آید که متهم بخواهد از خود رفع اتهام کند و مجازات نشود یا دست کم در مجازاتش تخفیف بدهند. این پنج تن آل بلا نه قصد انکار دارند و نه خیال فرار از مجازات. رهبرشان خالد شیخ محمد در قبال کیفرخواست دادستان که برایش درخواست اعدام کرده است گفت خیلی ممنون! این آرزوی دیرینه من بوده است که شربت شهادت بنوشم و شهید از دنیا بروم.

**مرگ اگر مرد است گو نزد من آید
تا در آغوش بگیرم تنگ تنگ
من ازو عمری ستانم جاودان
او ز من دلقی ربابد رنگ رنگ**

تا این جور مشتریان هستند دکان مرگ‌فروشی را که نمی‌ماند. هم سوداگران مرگ به کار و کسبشان ادامه می‌دهند و هم تبلیغات مرگ بر گرمی بازار مرگ فروشان می‌افزاید. اگر مرگ در ذهن گذشتگان به صورت عفرونی سیاه‌پوش با داس خون‌چکان تجسم می‌یافت و به همین صورت در آثار نقاشان تصویر می‌شد، امروزه هنر مدرن تصویر دیگری از مرگ ارائه می‌دهد. بر همه تابلوهای نقاشی، مرگ به زیباترین صورت و با دلفریب‌ترین رنگها نقش می‌بندد و در قطعات موسیقی چنان تصویری از مرگ ارائه می‌شود که انسان با شنیدن آن به خود می‌گوید «ای بابا، بیخود زنده‌ایم» و دلش می‌خواهد همراه با آن نغمه‌های دلکش به سوی آسمان پرواز کند و خود را در آغوش گرم عزرائیل جای دهد.

**شوم خود را بیندازم از آن کوه
که چون جشنی بود مرگ به‌انبوه**

حتماً لازم نیست ارکستر «مرگ به‌انبوه» را یک عمامه‌به‌سر مسلسل به‌دست اخمو رهبری کند. می‌توان چوب رهبری ارکستر را به دست موسیقیدانی چیره‌دست داد تا با ترنم آهنگ دنلواز Welcome to the Black Parade خیل

جزئیات فراوانی شوم و درباره دستاوردهای بسیاری صحبت کنم، اما تنها یک چیز اهمیت دارد: ایران حاضر نیست از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود دست بردارد!»
او افزود: «از بسیاری جهات، نکاتی که مورد توافق قرار گرفت بهتر از ادامه عملیات نظامی ما تا پایان است، اما همه آن نکات در مقایسه با اجازه دادن به در اختیار داشتن قدرت هسته‌ای توسط چنین افرادی بی‌ثبات، دشوار و غیرقابل پیش‌بینی، اهمیتی ندارند.»

ترامپ تأکید کرد که مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی «در مهم‌ترین مسئله کاملاً انعطاف‌ناپذیر بودند و همانطور که من از ابتدا و سال‌ها پیش گفته‌ام، ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت!»

از نظر ترامپ نشست اسلام‌آباد به خوبی پیش رفت و بیشتر مسائل مورد توافق قرار گرفت، اما افزود: «تنها مسئله‌ای که



واقعاً اهمیت داشت، یعنی هسته‌ای، حل نشد.»

او همچنین گفت: «از همین لحظه، نیروی دریایی ایالات متحده، که بهترین در جهان است، روند محاصره تمامی کشتی‌هایی را که تلاش می‌کنند وارد یا خارج از تنگه هرمز شوند آغاز خواهد کرد. در مقطعی، به وضعیتی خواهیم رسید که همه بتوانند وارد شوند و همه بتوانند خارج شوند، اما ایران با صرفاً گفتن اینکه «ممکن است جایی مین وجود داشته باشد» که هیچکس جز خودشان از آن خبر ندارد، مانع از این امر شده است.»

ترامپ تأکید کرد: «این یک اخاذی جهانی است، و رهبران کشورها، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، هرگز تسلیم اخاذی نخواهند شد. همچنین به نیروی دریایی آمریکا دستور داده‌ام که هر کشتی‌ای را در آب‌های بین‌المللی که به ایران عوارض پرداخت کرده است، شناسایی و متوقف کند. هیچ‌کس که عوارض غیرقانونی پرداخت کند، در دریاهای آزاد عبور امن نخواهد داشت. ما همچنین شروع به نابود کردن مین‌هایی خواهیم کرد که ایرانی‌ها در تنگه کار گذاشته‌اند. هر ایرانی که به سوی ما یا کشتی‌های صلح‌آمیز شلیک کند، به جهنم فرستاده خواهد شد!»

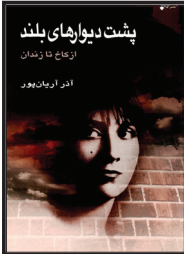
ترامپ همزمان در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت که پاکسازی تنگه هرمز زمان زیادی نمی‌برد. او ادعا کرد: «ناتو می‌خواهد در مسئله تنگه هرمز کمک کند... فکر می‌کنم کشورهای زیادی در این زمینه به ما کمک خواهند کرد.» او توضیح داد ما مین‌روب‌های بیشتری به کار می‌گیریم، بریتانیا و چند کشور دیگر نیز مین‌روب می‌فرستند.»



سید شجاع الدین شیخ الاسلامزاده امروز ملاقات دارد!

پیرزن مهربان جوراب ضخیمش را به من داد تا بتوانم وارد زندان شوم زیرا زنان را با جوراب نایلون به زندان هم راه نمی‌دادند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مهر تا آذر ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۴ تا ۹۳۳)



پشت دیوارهای بلند
از کاخ تا زندان (۵)
آذر آریانپور

عیبی ندارد ولی با جوراب نایلن راهتان نمی‌دهند!
با درماندگی گفتم:

«این طرفها که مغازه جوراب فروشی نیست. چکار بکنم؟»
یک زن سالخورده چادری که پشت من بود، با دست به شانه‌ام زد و سرم را که برگرداندم، به لهجه غلیظ سبزواری گفت:
– «دختر جان، من از بابت رماتیسم‌ام دو جفت جوراب کلفت پوشیده‌ام. اگر وسواس نداری و بدت نمی‌آید، یک جفتش را در می‌آورم که بپوشی.»

پس از امتنان فراوان قبول کردم و با عجله جوراب پیر زن مهربان سبزواری را پوشیدم و بالای زانو گره زدم. آن گاه به قصد جبران محبت آشنایان جدیدم از فروشنده دوره‌گردی

تا زندان» حکایت کرده است. حکایتی به گفته فردوسی «پر آب چشم».

آذر آریانپور که با فرزندانش (روشنک و رامین و بابک) در آمریکا بسر می‌برد از خاندان معروف آریانپور کاشانی و خواهر شادروان دکتر امیرحسین آریانپور استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. او پس از پایان تحصیلات دبیرستانی با شجاع الدین شیخ الاسلامزاده - پزشکی جوان - ازدواج کرد و به همراه وی برای ادامه تحصیلات روانه آمریکا شد.

در آمریکا، شیخ الاسلامزاده دوره تخصصی را در رشته جراحی استخوان گذراند و همسرش در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش و پرورش لیسانس گرفت.

زندگی مشترک این دو، پس از آزادی شیخ الاسلامزاده از زندان، پایان گرفت. زیرا «شیخ» می‌خواست در ایران بماند و «آذر» در آمریکا ماندنی شده بود.

بخشی از کتاب «پشت دیوارهای بلند» را که به اوایل انقلاب - ششماهه اول سال ۱۳۵۸ - مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ام.

دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلامزاده، وزیر بهداشتی و بهزیستی در کابینه هویدا، از جمله دولتمردان رژیم گذشته بود که در سال ۱۳۵۷ هنگامی که اغتشاشات اوج می‌گرفت، به امید آرام کردن اوضاع، از طرف دولت وقت و به موجب مقررات حکومت نظامی بازداشت شدند.

در غوغای ۲۲ بهمن، تعدادی از آنان موفق به فرار شدند و جان خود را از خطر رهانیدند. دکتر شیخ الاسلامزاده به طوری که شاهدان عینی گواهی می‌دهند، شانس فرار را به دلیل پرداختن به یک سرباز زخمی از دست داد و سپس خود را به انقلابیون تسلیم کرد.

او خطر اعدام را بدین سبب که در زندان به خدمات پزشکی پرداخته و وجودش مورد نیاز بود، از سر گذرانید و در دادگاه انقلاب به حبس ابد محکوم شد. حکم صادره ابتدا به پانزده سال و سپس به پنج سال تخفیف یافت و وزیر پیشین، پس از ۵ سال از زندان آزاد شد.

همسر دکتر شیخ الاسلامزاده، آذر آریانپور، این سالهای رنج را در کتابی با عنوان «پشت دیوارهای بلند... از کاخ

در مراجعه بعدی به زندان قصر به آشنایی بر نخوردم اغلب مقامات مهم سابق که نتوانسته بودند از ایران بگریزند، اعدام شده و همسرانشان از صف ملاقات کنندگان زندان ناپدید شده بودند. صف، پر از زنهای ناشناسی بود که شوهرانشان در رژیم سابق شغل‌های دولتی رده پایین‌تری داشتند. از امروز حق داشتیم برای زندانی خود کتاب بفرستیم. انتخاب کتاب برای کسی که در یک زندان انقلابی به سر می‌برد و تا مرگ فاصله زیادی نداشت، امر آسانی نبود، بابک کتاب «کنت مونت کریستو» را برای پدرش برگزیده بود. مادرم زمان «دزیره» را که بر اساس انقلاب فرانسه قرار داشت، انتخاب کرده بود. من هم «زندگی نامه نهر» را که شجاع نیمه تمام گذاشته بود، در بسته لباسهای شسته او قرار داده بودم. هر سه کتاب سوژه‌های مناسبی داشتند به شرطی که «ضد انقلابی» و ضد اخلاقی محسوب نمی‌شدند.

به اتاق مامور نگهبانی که رسیدم، بسته لباس و کتاب را از من گرفت و پرسید:

– «اسم زندانی چیست؟»

جواب دادم:

– «دکتر شیخ الاسلامزاده، بند ۴ / ۱».

به فهرست خود نظری انداخت و با بی‌تفاوتی گفت:

– «سید شجاع الدین شیخ الاسلامزاده امروز ملاقات دارد!»
باورم نشد

– «ببخشید؟ چی گفتید؟»

نگاه تندی حواله‌ام کرد.

– «گفتم می‌توانی امروز او را ملاقات بکنی. شناسنامه‌ات را همراه داری؟»

– «بله. آقا، حالا چکار باید بکنم؟»

– «داخل صف ملاقاتی‌ها بشو تا نوبتت برسد.»

سپس معطل نشد و به طرف جمعیت داد زد:

– «نفر بعدی!»

من که از شعف در پوستم نمی‌گنجیدم، به صف



دکتر شجاع‌الدین شیخ الاسلامزاده و همسرش آذر آریانپور (سال ۱۳۵۵)

دو عدد پیسی کولا خریدم و یکی از آنها را به همسر استاندار سابق همدان دادم. پذیرفت و تشکر کرد. دومی را به زن سبزه‌واری تعارف کردم. نپذیرفت و گفت:

– «دستت درد نکند ولی من به این نجسی‌ها لب نمی‌زنم.»
توضیح دادم که الکل ندارد، گفت:

«از الکل بدتر است. صاحب‌اش پهایبی است!»

ناگزیر بطری دوم پیسی کولا را به زن جوان پا به ماهی که روی زمین ولو شده بود، تقدیم کردم. شوهرش را که یک پاسبان ساده بود، به اتهام اعمال خشونت و ظلم به مردم دستگیر کرده بودند. نمی‌دانم از ذوق دیدار شجاع بود یا چیز دیگر که نسبت به افراد نامتجانس صف «ملاقاتی‌ها» احساس خودمانی بودن می‌کردم.

«ملاقاتی‌ها» ملحق شدم.
انسان موجود غریبی است. از چه چیزها که خوشحال نمی‌شود. من هم از صف «غیر ملاقاتی‌ها» خارج شده بودم، احساس موفقیت می‌کردم. گویی که به من ارتقاء داده بودند!

صف «ملاقاتی‌ها» خیلی طولانی بود. جلوی من همسر استاندار سابق همدان ایستاده بود. بار دومی بود که به ملاقات شوهرش می‌رفت و مثلا میان ما پرتجربه به حساب می‌آمد. به من گفت:

– «خانم، ملاقات فقط پنج دقیقه است، آنهم از پشت یک سری میله آهنی قطور. بهتر است حرفهایتان را در ذهن آماده بکنید که وقت تلف نشود. راستی، لباس و روسری تان



به موقعیت خاص‌مان صحبت بکنم و بخواهم که نسبت به بابک توجه بیشتری بکنند.
افسردگی يك نوجوان را نمی‌شد نادیده گرفت. مدیر امریکایی مدرسه به امریکا بازگشته بود. ناظم ایرانی هم خودش دل پری داشت. می‌گفت:

– «خانم شیخ، بابک تنها نیست. امثال او که پدر یا یکی دیگر از نزدیکانش را دستگیر کرده‌اند، توی مدرسه ما زیاد هستند. همین چند روز قبل یکی از شاگردان که پدرش اعدام شده بود، در دستشویی رگ دست خودش را برید. خوشبختانه به موقع نجاتش دادیم... مشکل ما یکی – دو تا نیست. از وزارت آموزش و پرورش فشار می‌آورند که دخترها را از پسرها جدا بکنیم. مگر آسان است؟ اگر به این نحو بگذرد، ناچاریم مدرسه را به کلی تعطیل بکنیم.»

فهمیدم که از حالا باید در فکر مدرسه دیگری برای بابک باشم. در بازگشت از مدرسه، روشنک از امریکا تلفن زد، از آن طرف به صدای بلند گریه می‌کرد. با وحشت پرسیدم:

– «دخترم، چه اتفاقی افتاده؟»
معلوم شد که يك دانشجوی ایرانی تندرو با ناجوانمردی او و رامین گفته که خبر اعدام پدرشان را شنیده است. برای روشنک سوگند خوردم که این خبر صحت ندارد و فقط ناشی از غرض ورزی می‌باشد. روشنک قانع نمی‌شد و اصرار داشت که به اتفاق رامین به ایران برگردد. می‌گفت:

– «حتی اگر پدرم را نکشند، باز در این شرایط ادامه تحصیل ما بی‌معنی است. ما باید الان در کنار شما باشیم.»
سعی کردم که اوضاع خطرناک ایران را برای او شرح بدهم تا منصرف بشود. رامین هم پس از مدتها روی خط آمد. به او گفتم:

– «از محاکمات چه خبر؟»
دستش را کنار گوش‌اش قرار داد و با استفهام نگاهم کرد. تازه متوجه شدم که به طور محسوسی لاغر شده است. با فریاد بلندتری تکرار کردم:

– «محاکمات چه خبر؟ بازپرسی کرده‌اند؟»
حرفم را شنید و با فریاد متقابل به من جواب داد:
– «هنوز خبری نشده، تو چه خبری داری؟»

– «همه سالم هستیم. پدر و مادرت به خانه سابق مادرم نقل مکان کرده‌اند.»

– «چرا؟»
بدون اینکه اشاره‌ای به رسوایی صاحبخانه بکنم، گفتم:
– «به ما نزدیکتر شده‌اند. من و بابک هم پیش مادرم زندگی می‌کنیم.»

در این لحظه هیاهو به قدری بالا گرفت که صدای ما در آن گم شد. شجاع با چشمهای غم زده به من نگاه می‌کرد که سوت لعنتی پایان وقت شنیده شد. ناگهان همه‌همه جمعیت به آه عمیقی تبدیل گشت. پاسدارها ما را به سرعت از سالن ملاقات خارج کردند. من تا آخرین لحظه از شجاع چشم نگرفتم. با خود فکر کردم: نکند که این اولین و آخرین ملاقاتمان باشد.

اعلام جرم دادستان

در اوایل خرداد ماه دادستانی انقلاب علیه «شجاع الدین شیخ الاسلام‌زاده فرزند سید حسین وزیر سابق بهداشتی و بهزیستی» اعلام جرم داد و از مردم تقاضا کرد که در صورت داشتن شکایت با آن سازمان تماس بگیرند.
من با عجله به سراغ پدر شوهرم رفتم تا با او که سالها

صاف به کندی حرکت می‌کرد و من هر لحظه برای دیدار شوهرم بی‌تاب تر می‌شدم. بیش از سه ماه بود که او را ندیده بودم و حتی يك نامه هم از او دریافت نکرده بودم.

جلوی دروازه زندان نزاعی درگرفته بود و یکی از پاسدارها مانع ورود مرد فلک زده‌ای به داخل زندان می‌شد. گویا از بستگان درجه يك زندانی به شمار نمی‌رفت.

حالا خورشید به سمت غرب آسمان کوچ کرده بود و نسیم نسبتاً خنکی می‌وزید. دور و برمان از آشغال پر بود. پسر خردسالی کنج يك دیوار می‌شاشید. جماعت از انتظار طولانی خسته شده بودند و از پشت فشار می‌آوردند. پیرزن سبزه‌واری جیغ زد:

– «آهای مسلمانها! يك زن حامله اینجاست. خدا را خوش نمی‌آید که هل بدهید.»

چراغ سردر زندان را روشن کردند. حتما مادرم و بابک از غیبت طولانی من نگران شده بودند، هیچ وسیله‌ای نبود که با آنها تماس بگیرم.

بالاخره به سر صف رسیدم، همسر استاندار همدان تازه به داخل راه یافته بود. اندکی بعد، پاسدار مسلح از جلوی در کنار رفت تا من هم داخل بشوم. وارد سررای سنگفرش و دلگیری شدم. مامور بدعنتی شناسنامه‌ام را گرفت و اسم زندانی‌ام را در فهرست خود جستجو کرد. سپس مرا به اتاق بغلی فرستاد تا مورد بازرسی بدنی قرار بگیرم. دو زن چادری سراپایم را با بی‌نزاکتی بررسی کردند. از آن جا مرا به حیاط باز وسیعی هدایت کردند تا با مینی‌بوس به قسمت داخلی زندان بروم. من و نوزده نفر دیگر سوار مینی‌بوس شدیم و از باریکه راه مشجری گذشتیم و به محوطه‌ای رسیدیم که با سیم خاردار محصور شده بود.

راننده مینی بوس خودش را به نگهبان آنجا معرفی کرد و اجازه عبور گرفت. باز هم رانندیم و بالاخره مقابل ساختمان کهنه چند طبقه‌ای که پنجره‌های باریک و نزدیک به سقف داشت، متوقف شدیم. پشت سرمان يك آب‌نمای کوچک برای گرفتن وضو دیده می‌شد. من همراه بقیه پیاده شدم و در انتظار مرحله بعدی ماندم. پس از چند دقیقه بیست نفر از داخل ساختمان خارج شدند و سوار مینی بوس شدند. به اشاره يك پاسدار، گروه بیست نفری ما به درون ساختمان راه یافت. وارد سالن غربی شدیم که با دو سری میله قطور آهنی به سه بخش مجزا تقسیم شده بود. بیست نفر زندانی در قسمت فوقانی سالن قرار داشتند و صورت‌هایشان به سمت ما بود. در قسمت میانی بیست پاسدار مسلح کشیک می‌دادند.

نخستین دیدار

گروه بیست نفری ما در قسمت پایین، پشت سر پاسدارها قرار گرفت. من به سختی توانستم که مقابل شجاع جایی برای خودم دست و پا بکنم. اما چه سود! دوسری میله قطور و يك پاسدار تنومند میان ما حایل بود. بالاخره موفق به دیدن شجاع شدم. ریش انبوهی گذاشته و پیراهن رنگ و رو رفته‌ای پوشیده بود. رنگ و رویش هم زرد و دور چشمانش کبود به نظر می‌رسید. آیا هنوز بیمار بود؟ او هم مرا دید و برایم سری تکان داد. در این لحظه سوت ممتدی شنیده شد و جلسه ملاقات رسماً آغاز گشت. يك دفعه چهل دهان همزمان برای گفتگو باز شدند و چنان همه‌همه‌ای در گرفت که قابل توصیف نبود. سعی کردم روی پا بایستم تا بتوانم چند کلمه با شجاع صحبت بکنم. اما صدایم در هیاهوی اتاق گم شد. تلاش بیشتری کردم و به فریاد متوسل شدم.

– «شجاع، چطور می‌خوبی؟»
او سر خود را به علامت تصدیق حرکت داد.
دوباره فریاد زدم:



دیدار نوروز با علیاحضرت شهبانو فرح

– «اگر به ایران برگردید. معلوم نیست که هرگز اجازه خروج به شما بدهند. هردویتان بیشتر از هجده سال دارید و ممنوع الخروج هستید.» با ناراحتی پرسید:

– «تکلیف پدرم چه می‌شود؟»
جواب دادم:

– «فمی‌دانم، باید صبر بکنیم تا ببینیم چه پیش می‌آید.»
از جا در رفتم:

«شما هر دفعه همین را می‌گویید. شاید هم خیال می‌کنید من بچه هستم که حقیقت را می‌پوشانید.»

– «این طور نیست، فقط...»
رامین با خشم گوشی را به زمین گذاشت. عجز او را خوب درک می‌کردم.

دفتر وکالت داشت، مشورت بکنم. آقا جان که دچار کسالت شده بود، بانومیدی با من روبرو شد و در مقابل پرسشهایم به این جمله اکتفا کرد:

– «همه این تشریفات بیهوده است. دشمن قهار قبلا پسر را محکوم کرده است!»

مادر شوهرم با سر و روی آشفته به اتاق آمد و زیر لب زمزمه کرد:

– «بوبولوبوچ»
پدر شوهرم متوجه نگاه استفهام آمیز من شد و توضیح داد:

– «پیرزن بیچاره به کلی عقلش را از دست داده. دعای معروف «یا باب الجوائح» او به این صورت نامفهوم درآمده!»
يك روز به مدسه ایران زمین رفتم تا با مسئولان آن راجع



وال استریت ژورنال: عراقچی و قالیباف برای مذاکره با آمریکا وارد اسلام آباد شدند؛ تسنیم: کذب است



حضور محمدباقر قالیباف و عباس عراقچی در بیروت برای شرکت در مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله

دارند که آماده‌سازی‌ها با سرعت کامل در حال انجام است. یکی از مقامات دخیل در این روند گفت: «اولویت ما این است که مذاکرات به‌خوبی پیش برود. ما نمی‌خواهیم به‌عنوان مانع دیده شویم. نقش ما تسهیل‌گر و میانجی است و انتشار جزئیات را به ایران و آمریکا واگذار می‌کنیم.» این مقام تأیید کرد که هیئت‌های اصلی قرار است پنجشنبه شب و جمعه صبح وارد شوند. کاخ سفید اعلام کرده است که تیم مذاکره‌کننده به رهبری جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور و با حضور نمایندگان ویژه استیو ویتکاف و جرد کوشر است. در ادامه گزارش گاردین آمده، با توجه به خطرات امنیتی بالا، مقامات پاکستانی تأیید کردند که سه تا چهار محل احتمالی برای برگزاری این نشست مهم در نظر گرفته شده است.

انتظار می‌رود مهمانان برجسته در هتل پنج‌ستاره «سرینا» در اسلام‌آباد اقامت داشته باشند؛ هتلی که ممکن است میزبان مذاکرات نیز باشد. این هتل تخلیه شده و شعاع سه کیلومتری اطراف آن به روی خودروها بسته و تحت کنترل ارتش قرار گرفته است. از دیگر مکان‌های احتمالی می‌توان به دبیرخانه نخست‌وزیر، مرکز همایش‌های اسلام‌آباد یا یک مکان نظامی امن اشاره کرد. مقامات گفتند که زمان مشخصی برای مدت مذاکرات تعیین نشده است، اما به مهمانانی که روز چهارشنبه از هتل سرینا خارج شده‌اند، اطلاع داده شده که این هتل تا یکشنبه شب در اختیار خواهد بود.

در دیدار روز پنجشنبه میان شهیاز شریف نخست‌وزیر پاکستان و عاصم منیر فرمانده ارتش این کشور که نقش مهمی در دستیابی به آتش‌بس داشت، دو طرف «از کاهش تنش‌های حاصل‌شده تا این لحظه ابراز رضایت کردند.»

در ایران شماری از هواداران حکومت از اینکه جمهوری اسلامی تن به مذاکره با آمریکا داده است بسیار خشمگین هستند و علیه عراقچی و قالیباف شعار می‌دهند هر چند گفته می‌شود مجتبی‌خامنه‌ای موافق مذاکره بوده است.

● تسنیم روز جمعه ۲۰ فروردین به نقل از یک «منبع آگاه» نوشت که خبر برخی رسانه‌ها مبنی بر ورود تیم مذاکره‌کننده ایرانی به اسلام‌آباد پاکستان برای مذاکره با آمریکایی‌ها «کاملاً کذب» است.

● همین منبع تأکید کرد، تا وقتی که آمریکا به تعهدش در آتش‌بس در لبنان عمل نکند و اسرائیل به حملات خود ادامه دهد، مذاکرات در حالت تعلیق است.

پس از اعلام آتش‌بس موقت دو هفته‌ای، اعلام شد که مذاکرات بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا با میانجیگری پاکستان روز شنبه ۲۱ فروردین در اسلام‌آباد برگزار می‌شود. روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد که هیات مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی به ریاست عباس عراقچی و محمدباقر قالیباف وارد پاکستان شدند اما خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران این خبر را تکذیب کرد.

تسنیم روز جمعه ۲۰ فروردین به نقل از یک «منبع آگاه» نوشت که خبر برخی رسانه‌ها مبنی بر ورود تیم مذاکره‌کننده ایرانی به اسلام‌آباد پاکستان برای مذاکره با آمریکایی‌ها «کاملاً کذب» است.

همین منبع تأکید کرد، تا وقتی که آمریکا به تعهدش در آتش‌بس در لبنان عمل نکند و اسرائیل به حملات خود ادامه دهد، مذاکرات در حالت تعلیق است. در شرایطی که منابع پاکستانی گزارش می‌دهند اسلام‌آباد برای میزبانی مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی آماده می‌شود مشخص نیست آیا واقعاً جمهوری اسلامی قصد مذاکره دارد یا خیر؟ روزنامه «گاردین» گزارش داد خیابان‌های اسلام‌آباد به‌طور کامل در قرنطینه امنیتی قرار گرفته است و مقامات پاکستانی تأکید می‌کنند که این مذاکرات سرنوشت‌ساز طبق برنامه در آخر هفته برگزار خواهد شد. مقامات پاکستانی درباره جزئیات این مذاکرات سکوت کرده‌اند و به نگرانی‌های امنیتی و دیپلماتیک اشاره می‌کنند، اما تأکید

برای دومین ملاقات با شجاع، دو ساعت زودتر از مرتبه قبل در صف «ملاقاتی‌ها»ی زندان قصر حاضر شدم. چهل – پنجاه نفری جلوتر از من آمده بودند. به نظر می‌رسید که صف از دفعات گذشته طول‌تر شده است. اکثر آدمهای توی صف را زن‌ها تشکیل می‌دادند که غالباً لباس پوشیده و روسری و یا چادر داشتند. فقط یک زن با پیراهن آستین کوتاه و موی برهنه آمده بود و ادعا می‌کرد که عمداً از پوشش اسلامی خودداری کرده است تا به «آخوندها» بفهماند که از آنها هراسی ندارد!

سراسر یک بعد از ظهر در عظیم زندان را به روی بیست نفر اول گشودند.

نوبت من در گروه سوم بود. به خواندن روزنامه‌ای که همراه آورده بودم، مشغول شدم تا وقت را بکشم. ناگهان زیر ستون آگهی نام خانوادگی شوهرم جلب‌نظم را کرد، با عجله شروع به خواندن کردم. نوشته بود:

با این وسیله از کلیه کسانی که علیه متهمان زیر شکایاتی دارند، تقاضا می‌شود که در اسرع وقت مدارک خود را به دفتر دادستان انقلاب در مرکز زندان قصر تحویل بدهند.

اسم شجاع در رأس فهرست سپاه قرار داشت. روزنامه را با خشم مجاله کردم و به سطل آشغال انداختم.

در اتاق ملاقات، بر حسب تصادف میان من و شجاع پاسدار قد کوتاهی قرار داشت و ما می‌توانستیم یکدیگر را بهتر ببینیم. شجاع همان پیراهن رنگ و رو رفته دفعه قبل را به تن داشت، بلند پرسید:

– «چطوری؟»

– «خوبم.»

– «پس چرا سپاه پوشیده‌ای؟»

به صدای بلند جواب دادم:

– «علت خاصی ندارد. تو چطوری؟ غذا و اتاق قابل تحمل هست؟»

– «این چیزها مهم نیست. بگو ببینم تا زگیها روزنامه‌ها راجع به من چی نوشته‌اند.»

پیدا بود که از دنیای بیرون خبر ندارد.

– «مطلب تازه‌ای نوشته‌اند. فقط دادستانی...»

– «درست نشنیدم. چی گفتی؟»

صدایم را بلندتر کردم:

– «دادستانی مشغول تهیه اعلام جرم علیه توست.»

شجاع شانه‌های خود را با بی‌قیدی بالا انداخت ولی از نگاهش فهمیدم که ناراحت شده است. با عجله اضافه کردم:

– «نگران نباش. همه چیز درست می‌شود.»

به سر خود حرکت کوتاهی داد.

– «بچه‌ها خیلی دلشان برای تو تنگ شده. انشاءالله به زودی...»

مهلت نداد که جمله‌ام را به آخر برسانم.

– «آز، گوش کن! تصور می‌کنم که بهتر است برای معالجه دندان‌ت به‌دوست قدیم‌مان رجوع بکنی. می‌فهمی چه می‌گویم؟»

چند لحظه طول کشید تا منظورم را بفهمم. شجاع سربسته اشاره می‌کرد که برای کمک به او به دکتر اسماعیل یزدی که جراح دندان بود، مراجعه بکنم خبر نداشت که یزدی خودش را از ما کنار کشیده و حاضر به یاری نیست.

در همین موقع سوت لعنتی مثل شیپور اسرافیل طنین انداخت و نتوانستم به شجاع پاسخی بدهم از دور برای شجاع دست تکان دادم و با قدم‌های سست از سالن خارج شدم. در راه بازگشت به خانم اصفیاء برخوردیم که از ملاقات همسرش باز می‌گشت. این بار، خانم خلعتبری همسر وزیر سابق خارجه همراهش نبود زیرا شوهرش را اعدام کرده بودند!

دنباله دارد

ادعای نایب رئیس مجلس شورای اسلامی: مجتبی خامنه‌ای شرط گذاشته که قالیباف باید مذاکره با آمریکا را پیش برد



شعار حامیان نظام علیه مذاکره

داده بود در حالی که مهلت دونالد ترامپ نزدیک می‌شد، مجتبی خامنه‌ای رهبر جدید جمهوری اسلامی که سرنوشت او مبهم است، به مذاکره‌کنندگان خود دستور داد به سمت توافق حرکت کنند.

در این گزارش همچنین ادعا شد، «نقش رهبر جدید بطور ناگزیر مخفیانه و دشوار بود. با توجه به تهدید ترور از سوی اسرائیل، او عمدتاً از طریق پیام‌رسان‌هایی که یادداشت‌ها را منتقل می‌کردند ارتباط برقرار می‌کرد.»

بر اساس این گزارش، دو منبع موافقت او را با دادن اختیار به مذاکره‌کنندگان برای رسیدن به توافق، «نقطه عطف» توصیف کردند.

یک منبع منطقه‌ای گفت عباس عراقچی نیز نقش کلیدی در پیشبرد مذاکرات و قانع کردن فرماندهان سپاه برای پذیرش توافق داشت. چین نیز به رژیم ایران توصیه کرده بود راهی برای خروج از بحران پیدا کند اما برخی دیگر می‌گویند عراقچی هیچ‌کاره است و محمدباقر قالیباف و احمد وحیدی تصمیم نهایی را خواهند گرفت؛ هرچند همین منابع می‌گویند: «بدون چراغ سبز او، توافقی در کار نبود.» بسیاری از کارشناسان معتقدند بعید است مذاکرات در اسلام‌آباد نتیجه داشته باشد زیرا شکاف میان خواسته‌های طرفین بسیار زیاد است.

یک مقام ارشد اسرائیلی گفت که نتایج اطمینان‌هایی دریافت کرده که آمریکا در مذاکرات، بر برچیدن غنی‌سازی و کنار گذاشتن تهدید موشک‌های بالستیک تأکید خواهد کرد؛ اما محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد که خواسته‌های دشمنان برای محدود کردن برنامه غنی‌سازی ایران «آرزوهایی است که به گور خواهد رفت» و هیچ قانون یا فردی نمی‌تواند مانع پیشرفت این برنامه شود. در عین حال اصرار جمهوری اسلامی به حمایت از حزب‌الله لبنان و نیابتی‌های منطقه و همچنین بسته ماندن تنگه هرمز تردیدها در مورد نتیجه مذاکره را افزایش داده است.

دفن نشده و وضعیت پسرش، رهبر جدید جمهوری اسلامی نیز مبهم است.

بعد از اعلام «آتش‌بس» هواداران نظام شعار دادند «مرگ بر سازشگر!» اما حالا محمد نبویان نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ادعا می‌کند که مجتبی خامنه‌ای شرط گذاشته که محمدباقر قالیباف باید مسئول مذاکرات باشد. به این ترتیب مجتبی خامنه‌ای، اگر قادر به تصمیم‌گیری باشد و یا هر نیرویی که این «شرط» را گذاشته، به عباس عراقچی وزیر خارجه و دولت پزشکیان که حداقل در ظاهر نماینده جمهوری اسلامی در مذاکرات قبلی بودند، اعتماد ندارد. هرچند این احتمال وجود دارد که این ادعا بخشی از سناریوی سپاه پاسداران برای کنار زدن «دولت» از معادلات و معاملات باشد.

در این میان، احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد روز جمعه ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ در سخنانی متناقض در خطبه‌های نماز گفت، «رهبر انقلاب [مجتبی خامنه‌ای] از یکطرف به شورای عالی امنیت ملی اجازه دادند که آتش‌بس را قبول کنید و از طرف دیگر به رزمندگان پیام داده که این آتش‌بس دروغ است، دشمن به آن پایبند نمی‌ماند و جنگ را ادامه خواهد داد.»

او افزود، «شورای عالی امنیت ملی هم برای ختنی کردن توطئه آمریکا اعلام کرد که آتش‌بس را قبول می‌کنیم که نهایتاً مشخص شد اصل آتش‌بس دروغ است و دشمن اهل آتش‌بس نیست.»

پیش از این در یک پیام منتسب به مجتبی خامنه‌ای، او خطاب به هواداران حکومت گفت، «نباید با اعلام بنا بر مذاکرات با دشمن تصور شود که حضور در خیابان‌ها لازم نیست.» این پیام پس از آن صادر شد که شماری از هواداران در خیابان‌ها بر سر مذاکره با عدم مذاکره با آمریکا درگیر شدند و علیه محمدباقر قالیباف و عباس عراقچی شعار دادند. پایگاه خبری آکسیوس، به نقل از یک مقام اسرائیلی گزارش

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مدعی بود «نه جنگ می‌شود، نه مذاکره می‌کنیم.» اما هم مذاکره کرد و هم در دقایق اول نخستین روز جنگ ۴۰ روزه کشته شد! اکنون در شرایطی مذاکره نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز شده که جنازه‌اش، اگر چیزی از وی باقی مانده باشد، هنوز دفن نشده و وضعیت پسرش، رهبر جدید جمهوری اسلامی نیز مبهم است.

بعد از اعلام «آتش‌بس» دو هفته‌ای، هواداران نظام شعار دادند «مرگ بر سازشگر!» اما حالا محمد نبویان نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ادعا می‌کند که مجتبی خامنه‌ای شرط گذاشته که محمدباقر قالیباف باید مسئول مذاکرات باشد.

به این ترتیب با فرض اینکه مجتبی خامنه‌ای قادر به تصمیم‌گیری باشد، و یا هر نیرویی که این «شرط» را گذاشته، به عباس عراقچی وزیر خارجه و دولت پزشکیان که حداقل در ظاهر نماینده جمهوری اسلامی در مذاکرات قبلی بودند اعتماد ندارند. هرچند این احتمال وجود دارد که این ادعا بخشی از سناریوی سپاه پاسداران برای کنار زدن «دولت» از معادلات و معاملات باشد.

در این میان، احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد روز جمعه ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ در خطبه‌های نماز در سخنانی متناقض گفت، «رهبر انقلاب [مجتبی خامنه‌ای] از یکطرف به شورای عالی امنیت ملی اجازه دادند که آتش‌بس را قبول کنید و از طرف دیگر به رزمندگان پیام داده که این آتش‌بس دروغ است، دشمن به آن پایبند نمی‌ماند و جنگ را ادامه خواهد داد.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مدعی بود «نه جنگ می‌شود، نه مذاکره می‌کنیم!» اما هم مذاکره کرد و هم در دقایق اول نخستین روز جنگ ۴۰ روزه کشته شد. اکنون در شرایطی مذاکره نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز شده که جنازه‌اش، اگر چیزی از آن باقی مانده باشد، هنوز

نشریه «سپکتاتور استرالیا»:

یک ایران آزاد و با ثبات، شریک راهبردی غرب و متحدان آن است



تظاهرات ایرانیان میهن‌دوست در استرالیا

آنها توضیح می‌دهند، «رفتار رژیم اسلامی از آن زمان نشان داده که این ارزیابی درست بوده است. نه تنها اختلال در جریان نفت - از طریق عملاً خفه کردن تنگه هرمز توسط سپاه پاسداران - بر زندگی روزمره در استرالیا تأثیر گذاشته، بلکه حملات موشکی و پهپادی سپاه به همسایگان خلیج فارس نیز موجب تعطیلی یا اختلال در عملکرد مراکز مهم ترانزیت بین‌المللی مانند دوحه، دبی و ابوظبی شده است. این فرودگاه‌ها دروازه‌های حیاتی برای میلیون‌ها مسافر به مقصد و از مبدأ استرالیا به شمار می‌روند.»

در بخش دیگری از این یادداشت آمده، هزینه کامل اقتصادی و انسانی این اختلالات برای استرالیا هنوز به‌طور کامل آشکار نشده است. با این حال، به نظر می‌رسد استرالیا بیش از پیش در این تصور فرو رفته که «هرگونه مداخله خارجی، به‌ویژه در خاورمیانه، اشتباه است» و از ارزیابی واقع‌بینانه وضعیت اجتناب می‌کند.

برای هر کشور آزادی، حمایت از مردمی که در عرض دو روز (۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۵) ۴۵ هزار نفر از اعضای خود را در نتیجه سرکوب یک رژیم از دست داده‌اند، هم یک الزام اخلاقی و هم یک ضرورت راهبردی است. یک دولت یاغی که قادر است از طریق موشک‌ها، پهپادها و تروریسم زندگی روزمره استرالیایی‌ها را مختل کند، مسئله‌ای انتزاعی نیست؛ بلکه یک چالش مستقیم راهبردی است که باید با آن مقابله شود.

استرالیایی‌ها همچنین باید به رابطه‌ای که پیش از شکل‌گیری جمهوری اسلامی با ایران داشتند، توجه کنند. پیش از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ایران و استرالیا در حال توسعه روابط اقتصادی رو به رشدی بودند، به‌ویژه پس از سفر مهم شاه به استرالیا در سال ۱۹۷۴. در آن زمان، ایران یک

جمهوری اسلامی ایران، با انسداد «تنگه هرمز» درصدد اختلال در اقتصاد جهانی است. رضا عرب مدرس دانشگاه کوئینزلند و مشاور پروژه شکوفایی ایران و سعید قاسمی‌نژاد مدیر این پروژه و مشاور شاهزاده رضا پهلوی در یک یادداشتی مشترک که سه‌شنبه ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین) در نشریه «سپکتاتور استرالیا» منتشر شد، خطاب به رهبران غرب و متحدان‌شان در سراسر دنیا توصیه کرده‌اند یک ایران آزاد و باثبات با تکیه بر منابع ملی و انسانی خود می‌تواند یک شریک راهبردی برای آنها باشد.

در مقدمه این یادداشت آمده، در چند هفته گذشته، رژیم جمهوری اسلامی دامنه عملیات گروگان‌گیری خود را گسترش داده است. این رژیم پیش‌تر تنها به گروگان گرفتن شهروندان غربی و اخاذی از دولت‌های آنها که خود استرالیا نیز قربانی آن بوده، اکتفا می‌کرد، اما اکنون با بستن تنگه هرمز، گذرگاه راهبردی انرژی در خلیج فارس، اقتصاد جهانی را به گروگان گرفته است.

همان‌گونه که فاصله اقیانوس‌ها میان ایران و استرالیا مانع از صدور تروریسم از سوی این رژیم و گروگان‌گیری شهروندان استرالیایی نشده، این فاصله نتوانسته کانرا را از پیامدهای منفی بسته شدن تنگه هرمز نیز مصون نگه دارد. اکنون استرالیایی‌ها بهای بیشتری برای سوخت می‌پردازند و بازارها نیز ناچارند خطر تکرار چنین انسدادهایی را در آینده - در صورت ادامه حیات این رژیم - در قیمت‌ها لحاظ کنند.

نویسندگان تأکید کردند، در مارس ۲۰۲۵، ما به دولت استرالیا هشدار دادیم که به‌عنوان ضرورتی راهبردی مرتبط با امنیت و ارزش‌هایش، باید خود را با سیاست «فشار حداکثری» ایالات متحده علیه تهران همسو کند.

● جمهوری اسلامی ایران، با انسداد «تنگه هرمز» درصدد اختلال در اقتصاد جهانی است. رضا عرب مدرس دانشگاه کوئینزلند و مشاور پروژه شکوفایی ایران و سعید قاسمی‌نژاد مدیر این پروژه و مشاور شاهزاده رضا پهلوی در یک یادداشتی مشترک که سه‌شنبه ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین) در نشریه «سپکتاتور استرالیا» منتشر شد، خطاب به رهبران غرب و متحدان‌شان در سراسر دنیا توصیه کرده‌اند یک ایران آزاد و باثبات با تکیه بر منابع ملی و انسانی خود می‌تواند یک شریک راهبردی برای آنها باشد.

● «در یک ایران آزاد نه تنها روی دادهایی شبه انسداد تنگه هرمز اقتصاد جهانی را مختل نمی‌کند بلکه می‌تواند روابط محدود کنونی را به مشارکتی با ارزش راهبردی بالا تبدیل کند. با جمعیتی نزدیک به ۹۰ میلیون نفر، ایران یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرفی دست‌نخورده برای اقتصادهای غربی به شمار می‌رود.»

● در بخش دیگر یادداشت آمده، «ظهور یک ایران آزاد و باثبات مستلزم بازگشت سریع و هدفمند به نظام بین‌الملل خواهد بود. چارچوب پیشنهادی برای گذار، که توسط شاهزاده رضا پهلوی تحت عنوان «پروژه شکوفایی ایران» ارائه شده، روندی شتاب‌یافته برای عادی‌سازی دیپلماتیک و اقتصادی را ترسیم می‌کند.

● «در حالیکه بسیاری از دولت‌های غربی ممکن است در حال حاضر در گردوخاک جنگ گرفتار باشند، چشم‌انداز بلندمدت ایران پس از جمهوری اسلامی بسیار امیدوارکننده است، چشم‌اندازی که از سرمایه انسانی، منابع طبیعی، پیشینه تاریخی عمیق و همگرایی در حال شکل‌گیری میان مردم ایران با ایالات متحده و اسرائیل تغذیه می‌شود.»

احتمال برگزاری دور دوم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در اسلام‌آباد



عراقچی و قالیباف در فوردگاه اسلام‌آباد

پیشنهاد تعلیق پنج ساله غنی‌سازی اورانیوم یکی از خواسته‌های آمریکا تعلیق ۲۰ ساله غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران است. روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد که جمهوری اسلامی این خواسته را رد کرده و پیشنهاد داده که با تعلیق غنی‌سازی به مدت پنج سال موافق است.

نیویورک تایمز نوشت: «این امر به ایرانی‌ها اجازه می‌دهد ادعا کنند که به طور دائمی از حق خود، طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، برای تولید سوخت هسته‌ای صرف نظر نکرده‌اند.»

این رسانه به نقل از دو مقام ارشد ایرانی و یک مقام آمریکایی نوشت پس از آنکه ایالات متحده در جریان مذاکرات در اسلام‌آباد از جمهوری اسلامی خواست تا غنی‌سازی اورانیوم را به مدت ۲۰ سال تعلیق کند، تهران دوشنبه پاسخ رسمی خود را ارائه داد و اعلام کرد که تنها با تعلیق پنج‌ساله موافق است.

این مقام آمریکایی می‌گوید که جمهوری اسلامی بیشتر پیشنهاد بسیار مشابهی را در ماه فوریه، طی مجموعه‌ای از مذاکرات ناموفق در ژنو مطرح کرده بودند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا آن را نپذیرفت و متقاعد شد زمان آغاز جنگ علیه جمهوری اسلامی فرا رسیده و چند روز بعد، او دستور حمله را صادر کرد.

همزمان جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، از عربستان، امارات، قطر، بحرین و کویت غرامت خواست. در این نامه تأکید شد بحرین، عربستان، قطر، امارات و اردن به آمریکا و اسرائیل اجازه استفاده از قلمروهایشان برای حمله به ایران را دادند و باید غرامت آسیب‌های وارد آمده در طول جنگ را بپردازند.

● خبرگزاری رویترز به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داد هیات‌های آمریکا و جمهوری اسلامی قرار است در «هفته جاری» برای ازسرگیری مذاکرات صلح، عازم اسلام‌آباد شوند.

● جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ، درباره مذاکرات خود با هیات جمهوری اسلامی در اسلام‌آباد، به شبکه فاکس نیوز گفت واشنگتن به‌روشنی برای جمهوری اسلامی روشن کرده است که چه کارهایی باید انجام دهد و اکنون توپ در زمین آنهاست.

● یکی از خواسته‌های آمریکا تعلیق ۲۰ ساله غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران است. روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد که جمهوری اسلامی این خواسته را رد کرده و پیشنهاد داده که با تعلیق غنی‌سازی به مدت پنج سال موافق است.

● همزمان جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، از عربستان، امارات، قطر، بحرین و کویت غرامت خواست. در این نامه تأکید شد بحرین، عربستان، قطر، امارات و اردن به آمریکا و اسرائیل اجازه استفاده از قلمروهایشان برای حمله به ایران را دادند و باید غرامت آسیب‌های وارد آمده در طول جنگ را بپردازند.

خبرگزاری رویترز به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داد هیات‌های آمریکا و جمهوری اسلامی قرار است در «هفته جاری» برای ازسرگیری مذاکرات صلح، عازم اسلام‌آباد شوند. جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ، درباره مذاکرات خود با هیات جمهوری اسلامی در اسلام‌آباد، به شبکه فاکس نیوز گفت واشنگتن به‌روشنی برای جمهوری اسلامی روشن کرده است که چه کارهایی باید انجام دهد و اکنون توپ در زمین آنهاست.

او گفت: «می‌گویم که اوضاع بد پیش رفت؛ فکر می‌کنم کارهایی هم درست پیش رفت. ما پیشرفت‌های زیادی داشتیم، اما همچنین به وضوح مشخص کردیم و فکر می‌کنم این بخشی از پیشرفتی بود که به دست آوردیم، که شرایطی که ایالات متحده می‌تواند در آنها از خود انعطاف نشان دهد، چیست.»

از سویی دیگر رویترز گزارش داد در مذاکرات اسلام‌آباد، هنگامی که بحث‌ها به تضمین‌های عدم تعرض و لغو تحریم‌ها کشیده شد، لحن عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، تندتر شد.

او خطاب به طرف آمریکایی گفته بود، «چگونه می‌توانیم به شما اعتماد کنیم، در حالی که در آخرین نشست ژنو، شما گفتید آمریکا تا زمانی که دیپلماسی در جریان است، حمله نخواهد کرد؟»

به گفته دو منبع، علاوه بر اختلافات بر سر تنگه هرمز، تحریم‌ها و موضوعات دیگر، دو طرف همچنین بر سر دامنه هر گونه توافق نیز اختلاف نظر داشتند. در حالی که واشنگتن بر پرونده هسته‌ای و هرمز متمرکز بود، تهران خواهان تفاهم گسترده‌تری بود.

یک منبع دیگر نیز گفت: «در یک لحظه پرتنش، صداهای بلندی از بیرون اتاق مذاکره به گوش می‌رسید که مقام‌های پاکستانی اعلام کردند وقت استراحت و صرف چای است و دو طرف را دوباره به اتاق‌های جداگانه منتقل کردند.»

→ شریک قابل اعتماد و بازاری در حال رشد سریع برای صادرات استرالیا به شمار می‌رفت.

اما انقلاب اسلامی این مسیر را به‌طور بنیادین مختل کرد. استقرار جمهوری اسلامی باعث بی‌ثباتی سیاسی، جنگ و در نهایت دهه‌ها تحریم شد که همگی تجارت دوجانبه را محدود کردند. رابطه‌ای که می‌توانست رشد قابل‌توجهی داشته باشد، به رابطه‌ای ناپایدار و محدود تبدیل شد که بیشتر تحت تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی قرار داشت، تنش‌هایی که در نهایت به اخراج سفیر ایران و قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی در سال ۲۰۲۵ انجامید.

نویسندگان توضیح می‌دهند، در یک ایران آزاد نه تنها رویدادهایی شبه انسداد تنگه هرمز اقتصاد جهانی را مختل نمی‌کند بلکه می‌تواند روابط محدود کنونی را به مشارکتی با ارزش راهبردی بالا تبدیل کند. با جمعیتی نزدیک به ۹۰ میلیون نفر، ایران یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرفی دست‌نخورده برای اقتصادهای غربی به شمار می‌رود.

با این حال، ظرفیت ایران فراتر از اندازه بازار است. این کشور به‌طور ساختاری مزایایی را در خود جمع کرده که هیچ کشور خاورمیانه‌ای به‌تنهایی از همه آن‌ها برخوردار نیست: بازار داخلی بزرگ و جوان با سالانه ۲۵۰ هزار فارغ‌التحصیل رشته‌های STEM (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات)؛ پایه صنعتی متنوع (برخلاف بسیاری از اقتصادهای خلیج فارس)؛ موقعیت جغرافیایی راهبردی که آسیای مرکزی، خلیج فارس و جنوب آسیا را به هم متصل می‌کند؛ و منابع فراوان انرژی، معدنی و کشاورزی.

بنابراین، برای استرالیا منطقی است که بپذیرد تغییر در ایران هم اجتناب‌ناپذیر است و هم نزدیک؛ حمایت به‌موقع از مردم ایران از یک سو می‌تواند این روند را تسریع کند و از سوی دیگر، به‌عنوان سرمایه‌گذاری در آینده راهبردی خود استرالیا عمل کند.

در بخش دیگر یادداشت آمده، ظهور یک ایران آزاد و باثبات مستلزم بازگشت سریع و هدفمند به نظام بین‌الملل خواهد بود. چارچوب پیشنهادی برای گذار، که توسط شاهزاده رضا پهلوی تحت عنوان «پروژه شکوفایی ایران» ارائه شده، روندی شتاب‌یافته برای عادی‌سازی دیپلماتیک و اقتصادی را ترسیم می‌کند. این برنامه شامل اقداماتی در هفته نخست انتقال قدرت است، از جمله به‌رسمیت شناختن اسرائیل، آغاز مذاکرات فوری با ایالات متحده، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل برای عادی‌سازی روابط و رفع تحریم‌ها، و همکاری با همسایگان برای تضمین امنیت و آزادی کشتیرانی در دوره انتقالی.

در فضای پس از تحریم، ایران می‌تواند نقشی دگرگون‌کننده در ژئوپلیتیک ایفا کند. یک مشارکت راهبردی با ایالات متحده می‌تواند ایران را به نیرویی تثبیت‌کننده در منطقه تبدیل کند و به مقابله با تروریسم، یکپارچگی اقتصادی و کاهش بارهای امنیتی متحدان غربی کمک نماید. سعید قاسمی‌نژاد و رضا عرب در پایان تأکید کرده‌اند، در حالیکه بسیاری از دولت‌های غربی ممکن است در حال حاضر در گردوخاک جنگ گرفتار باشند، چشم‌انداز بلندمدت ایران پس از جمهوری اسلامی بسیار امیدوارکننده است، چشم‌اندازی که از سرمایه انسانی، منابع طبیعی، پیشینه تاریخی عمیق و همگرایی در حال شکل‌گیری میان مردم ایران با ایالات متحده و اسرائیل تغذیه می‌شود. کشورهایی مانند استرالیا در صورتی که برای گذار ایران آماده نشوند، نه تنها در کوتاه‌مدت با هزینه‌های اقتصادی مواجه خواهند شد، بلکه یک فرصت راهبردی مهم را نیز از دست خواهند داد.

حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان سوئد؛ نقطه عطفی در نگاه سیاسی من



شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان سوئد

● روزنامه (Dagens Nyheter (DN سوئد در یادداشتی از امیر یغمایی، حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان سوئد را رویدادی تأثیرگذار توصیف کرده که باعث بازنگری او در باورهای سیاسی گذشته‌اش شده است.

● نویسنده می‌گوید پیام شاهزاده در پارلمان سوئد، دعوت به ایجاد ایرانی آزاد، سکولار و دموکراتیک بود؛ پیامی که بر وحدت ملی و آینده‌نگری تأکید داشت.

● در این یادداشت آمده است که نقد دوران پهلوی و سازمان امنیت وقت (ساواک)، بدون در نظر گرفتن شرایط جنگ سرد، ناامنی داخلی و فعالیت گروه‌های مسلح مارکسیستی و اسلام‌گرا، تصویری ناقص از تاریخ معاصر ایران ارائه می‌دهد.

● امیر یغمایی سکوت بخشی از جریان چپ سوئد در برابر سرکوب خونین اعتراضات ایران را مورد انتقاد قرار داده و آن را نمونه‌ای از تناقض در دفاع از حقوق بشر دانسته است.

● شاهزاده رضا پهلوی در نشست پارلمان به نکته‌ای مهم اشاره کرد: امروز در اصل دو جبهه وجود دارد؛ کسانی که بخشی از مشکل‌اند و کسانی که برای پایان دادن به آن تلاش می‌کنند. بسیاری از کسانی که روزگاری در انقلاب نقش داشتند، امروز در دیدگاه خود تجدیدنظر کرده‌اند و از مسیر تازه‌ای حمایت می‌کنند.

● نویسنده در پایان تأکید می‌کند: من خواهان ایرانی آزاد هستم؛ ایرانی که مردمش خود سرنوشتشان را تعیین کنند. اما در عین حال، خواهان فضایی در سوئد نیز هستم که در دفاع از حقوق بشر، موضعی یکپارچه و بدون تناقض داشته باشد. برای من، دیگر مسئله چپ یا راست نیست؛ مسئله این است که در برابر سرکوب، چشم خود را نبندیم.

«روزنامه (Dagens Nyheter (DN سوئد در یادداشتی به قلم امیر یغمایی، ایرانی تبعیدی ساکن این کشور، به بازتاب حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان سوئد پرداخت؛ نشستی که به گفته نویسنده، نگاه سیاسی او را درگروگن کرده و شکاف میان دفاع اصولی از حقوق بشر و برخورد‌های ایدئولوژیک در فضای سیاسی سوئد را آشکار ساخته است.»

امیر یغمایی - من سال‌ها با گرایش‌های سیاسی چپ زندگی کرده‌ام؛ باوری ریشه‌دار به عدالت اجتماعی، دولت رفاه و نقش نهادهای عمومی در کاهش نابرابری‌ها داشتم. در حوزه‌ی محیط‌زیست و مسائل مربوط به مناطق آلوده و جامعه‌ی عاری از سموم فعالیت می‌کنم و همواره دغدغه عدالت و مسئولیت اجتماعی را داشته‌ام. اما تحولات یک سال اخیر، و بویژه حضوری که روز گذشته در پارلمان سوئد تجربه کردم، مرا وادار به بازنگری در بسیاری از باورها کرد.

شاهزاده رضا پهلوی، به دعوت فراکسیون‌های پارلمانی حزب دموکرات مسیحی و حزب دموکرات‌های سوئد در پارلمان این کشور حضور یافت و درباره آینده ایران سخن گفت. من نیز در میان مهمانان این نشست بودم.

پیام او روشن، صریح و به دور از ابهام بود: ایرانی آزاد، سکولار و دموکراتیک؛ کشوری که مردم آن بدون دخالت زور و سرکوب، خود درباره آینده‌شان تصمیم بگیرند. آنچه بیش از هر چیز در سخنان او برجسته بود، تأکید

بر مسئولیت‌پذیری، همبستگی ملی و عبور از شکاف‌های فرساینده گذشته بود.

در بخش پرسش و پاسخ، مانند همیشه انتقادهایی درباره دوران محمدرضا شاه پهلوی و سازمان امنیت وقت، ساواک، مطرح شد. از جمله یاکوب ریسبرگ، نماینده حزب محیط‌زیست سوئد، این موضوع را پیش کشید. اصل طرح پرسش، مسئله‌ای طبیعی و حتی ضروری است؛ اما نحوه طرح آن اهمیت بیشتری دارد.

برای مخاطب سوئدی، تاریخ ایران اغلب بدون زمینه‌های پیچیده آن دوره روایت می‌شود. ایران آن زمان در متن جنگ سرد، بی‌ثباتی داخلی و فعالیت گروه‌های مسلح مارکسیستی و اسلام‌گرا قرار داشت؛ گروه‌هایی که به عملیات تروریستی، حمله به نهادهای دولتی و خشونت علیه غیرنظامیان دست می‌زدند. بدون درک این شرایط، قضاوت درباره ساختارهای امنیتی آن زمان، تصویری ناقص و ساده‌سازی شده ارائه می‌دهد.

در عین حال، نباید فراموش کرد که شاهزاده رضا پهلوی خود نیز در گفتگوها و نوشته‌هایش، وقوع تخلفات و رفتارهای غیرقابل دفاع را انکار نکرده است. او همزمان تأکید کرده که دولت وقت با تهدیدهای جدی امنیتی روبرو بوده است. بنابراین، پرسش منصفانه تنها این نیست که ساواک چه کرد، بلکه این نیز هست که دولت با چه مخاطراتی مواجه بود و دیگر کشورها در شرایط مشابه چه می‌کردند. اما پرسش اصلی برای من نه در گذشته، بلکه در زمان حال نهفته است.

هنگامی که جمهوری اسلامی در ماه ژانویه اعتراضات مردمی را با خشونت مرگبار سرکوب کرد، سکوتی قابل توجه از سوی بخش‌هایی از جریان چپ سوئد دیده شد. همان جریان‌هایی که در بسیاری موضوعات دیگر با قدرت بسیج می‌شوند، در برابر سرکوب مردم ایران یا خاموش ماندند یا حتی در مواردی در کنار گروه‌هایی قرار گرفتند که از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند؛ تنها به این دلیل که در

مخالفت با آمریکا یا اسرائیل موضع دارند. این برای من یک تناقض اخلاقی آشکار است. چگونه می‌توان در نقد غرب بی‌پروا بود، اما در برابر حکومتی که بطور سیستماتیک شهروندان خود را سرکوب می‌کند، چنین محتاط و خاموش ماند؟

شاهزاده رضا پهلوی در نشست پارلمان به نکته‌ای مهم اشاره کرد: امروز در اصل دو جبهه وجود دارد؛ کسانی که بخشی از مشکل‌اند و کسانی که برای پایان دادن به آن تلاش می‌کنند. بسیاری از کسانی که روزگاری در انقلاب نقش داشتند، امروز در دیدگاه خود تجدیدنظر کرده‌اند و از مسیر تازه‌ای حمایت می‌کنند.

با این حال، هنوز افرادی هستند که در تضادهای تاریخی متوقف مانده‌اند. آنان بدون ارائه راه‌حلی برای استبداد امروز، صرفاً با هر ابتکار تازه‌ای مخالفت می‌کنند. برای این گروه، انتقاد به هدفی در خود تبدیل شده است؛ «نه» گفتنی دائمی، بی‌آنکه هیچ «آری» سازنده‌ای در کار باشد. چنین رویکردی، ناخواسته آنان را به بخشی از همان مشکلی بدل می‌کند که مدعی مبارزه با آن هستند.

در سخنان پایانی، شاهزاده رضا پهلوی بر نکته‌ای تعیین‌کننده تأکید کرد: نمی‌توان در گذشته متوقف ماند. باید از تاریخ آموخت، اما مهم‌تر از آن، باید به آینده نگریست و جامعه‌ای را ساخت که شایسته‌ی زیستن در آن باشد. برای من، حضور در این نشست یک نقطه عطف بود. در آنجا تفاوت میان رهبری‌ای که رو به آینده دارد و گفتگویی سیاسی که در واکنش‌های ایدئولوژیک اسیر مانده، به‌روشنی آشکار شد.

من خواهان ایرانی آزاد هستم؛ ایرانی که مردمش خود سرنوشتشان را تعیین کنند. اما در عین حال، خواهان فضایی در سوئد نیز هستم که در دفاع از حقوق بشر، موضعی یکپارچه و بدون تناقض داشته باشد. برای من، دیگر مسئله چپ یا راست نیست؛ مسئله این است که در برابر سرکوب، چشم خود را نبندیم.

آتش بس شکننده؛ آماده سازی برای ضربه بعدی به جمهوری اسلامی؟



تشییع جنازه صادق خرازی

میدان نظامی به میدان کنترل مسیرها منتقل می‌کند.

کریدورها؛ میدان واقعی تقابل

پس از این جنگ، اهمیت کریدورها بیش از گذشته آشکار شده است. آمریکا به خوبی می‌داند که کنترل مسیرهای انرژی و تجارت، معادل کنترل آینده قدرت است.

در این چارچوب:

۱. تنگه هرمز به ابزار فشار ایران تبدیل شده است
 ۲. آمریکا به دنبال کاهش وابستگی به این مسیر و ایجاد گزینه‌های جایگزین است
 ۳. پروژه‌هایی مانند زنگرور، نمونه‌هایی از این رویکرد هستند، نه میدان اصلی درگیری فعلی
- زنگرور در حال حاضر خط مقدم نیست، اما نشان می‌دهد که جنگ آینده، بر سر «مسیرها» خواهد بود، نه صرفاً مرزها.

جمع‌بندی؛ آتش بس یا تنفس قبل از فاز دوم؟

اگر این وضعیت را با ادبیات نظامی توصیف کنیم، با یک «Operational Pause» مواجه هستیم. توقفی که برای ارزیابی، تجدید قوا و طراحی مرحله بعدی انجام می‌شود.

سه واقعیت کلیدی را نمی‌توان نادیده گرفت:

۱. جمهوری اسلامی ضربه‌ای بی‌سابقه در سطح رهبری و فرماندهی دریافت کرده است
۲. آمریکا به هدف تغییر موازنه نزدیک شده، اما بازی را تمام نکرده است
۳. میدان تقابل در حال انتقال به حوزه اقتصاد و کریدورهاست

در چنین شرایطی، این آتش بس نه نشانه صلح، بلکه نشانه ورود به فاز پیچیده‌تر و خطرناک‌تری از تقابل است.

فازی که در آن، جنگ کمتر دیده می‌شود، اما اثرات آن عمیق‌تر و تعیین‌کننده‌تر خواهد بود.

است از سوی دیگر، تهران تلاش کرد پیش از فروپاشی کامل، جنگ را متوقف کند.

در همین حال، آمریکا نیز به هدف اصلی خود که تغییر موازنه و وارد کردن شوک به ساختار قدرت ایران بود، تا حد زیادی رسیده بود. ادامه جنگ می‌توانست هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر ایجاد کند.

بنابراین، آتش بس شکل گرفت. اما این آتش بس، بیشتر شبیه «توقف در میانه عملیات» است تا پایان آن.

وضعیت فعلی؛ آتش زیر خاکستر

نشانه‌های میدانی نشان می‌دهد که این آتش بس به شدت شکننده است:

۱. تنگه هرمز عملاً به یک نقطه بحران تبدیل شده و عبور نفتکش‌ها مختل شده است
 ۲. ایران حتی در دوره آتش بس، به دنبال اعمال فشار اقتصادی از طریق کنترل مسیرهای انرژی است
 ۳. تهدید به بازگشت درگیری‌ها به صورت علنی از سوی هر دو طرف مطرح شده است
- به بیان ساده، جنگ متوقف نشده است. فقط از فاز «برخورد مستقیم» وارد فاز «فشار ترکیبی» شده است.

دکترین ترامپ؛ جنگ کوتاه، اثر بلند

رفتار ترامپ در این جنگ، یک الگوی مشخص را نشان می‌دهد: او به دنبال جنگ فرسایشی نیست، بلکه به دنبال ضربه‌های سریع، پر قدرت و تعیین‌کننده است. هدف، تغییر موازنه است، نه اشغال.

در این چارچوب:

۱. حذف رهبری، به عنوان ابزار ایجاد خلأ قدرت
 ۲. نابودی زیرساخت‌های کلیدی نظامی
 ۳. انتقال فشار به حوزه اقتصادی و کریدورها
- این ترکیب، یک استراتژی چندلایه است که جنگ را از

آنچه امروز از آن با عنوان «آتش بس» میان دونالد ترامپ و جمهوری اسلامی یاد می‌شود، دیگر یک فرض یا تحلیل تئوریک نیست. این آتش بس، پس از یک جنگ واقعی، پرهزینه و بی‌سابقه شکل گرفته است. جنگی که در کمتر از چهل روز، ساختار فرماندهی جمهوری اسلامی را هدف قرار داد و توازن قدرت را به طور جدی دگرگون کرد.

واقعیت میدان این است که این آتش بس نه از موضع برابری، بلکه در نتیجه یک شوک راهبردی به تهران شکل گرفته است.

برخلاف تمام درگیری‌های پیشین، این بار هدف صرفاً زیرساخت یا تأسیسات نبود. استراتژی آمریکا و اسرائیل بر «قطع سر سیستم» متمرکز شد.

ترامپ به دنبال جنگ فرسایشی نیست بلکه به دنبال ضربه‌های سریع، پر قدرت و تعیین‌کننده است. هدف او تغییر موازنه است نه اشغال، به همین دلیل با حذف خامنه‌ای، به دنبال ایجاد خلأ قدرت است. همچنین او با نابودی زیرساخت‌های کلیدی نظامی و انتقال فشار به حوزه اقتصادی و کریدورها یک استراتژی چندلایه را پیش می‌برد.

شهرام سبزواری- آنچه امروز از آن با عنوان «آتش بس»

میان دونالد ترامپ و جمهوری اسلامی یاد می‌شود، دیگر یک فرض یا تحلیل تئوریک نیست. این آتش بس، پس از یک جنگ واقعی، پرهزینه و بی‌سابقه شکل گرفته است. جنگی که در کمتر از چهل روز، ساختار فرماندهی جمهوری اسلامی را هدف قرار داد و توازن قدرت را به طور جدی دگرگون کرد. واقعیت میدان این است که این آتش بس نه از موضع برابری، بلکه در نتیجه یک شوک راهبردی به تهران شکل گرفته است.

جنگ ۴۰ روزه؛ ضربه به رأس هرم قدرت

برخلاف تمام درگیری‌های پیشین، این بار هدف صرفاً زیرساخت یا تأسیسات نبود. استراتژی آمریکا و اسرائیل بر «قطع سر سیستم» متمرکز شد.

در جریان این عملیات:

۱. علی خامنه‌ای در یک حمله مستقیم کشته شد
۲. ده‌ها فرمانده ارشد نظامی و امنیتی، از جمله سطوح عالی سپاه و ساختار اطلاعاتی حذف شدند
۳. زنجیره فرماندهی دچار اختلال جدی و حتی فلج موقت شد

این دقیقاً همان چیزی است که در ادبیات نظامی به آن «Decapitation Strike» گفته می‌شود. ضربه‌ای که هدفش نه شکست تدریجی، بلکه فروپاشی سریع مرکز تصمیم‌گیری است.

در نتیجه، جمهوری اسلامی وارد یک وضعیت بی‌ثباتی درونی شد که هنوز هم آثار آن قابل مشاهده است.

چرا آتش بس شکل گرفت؟

پس از حدود ۴۰ روز درگیری، یک آتش بس موقت دو هفته‌ای میان طرفین برقرار شد. اما این توقف، نه از سر تمایل به صلح، بلکه نتیجه یک معادله پیچیده بود.

از یک سو، گزارش‌ها نشان می‌دهد که زیرساخت نظامی ایران به شدت آسیب دیده و توان عملیاتی آن کاهش یافته

روزنامه «هفت صبح» نام شماری از ایرانیان خارج کشور را که با توقیف اموال روبرو شدند، منتشر کرد



۱۴۰۵ اسامی ده‌ها تن از چهره‌های شناخته شده‌ی خارج کشور و خبرنگاران رسانه‌های «ایران اینترنشنال» و «منوتو» را که اموال آنها به دستور مقام قضایی توقیف می‌شود، منتشر کرد.

روزنامه «هفت صبح» مدعی شده اموال ۴۰۰ نفر از افرادی که بر اساس این گزارش از اسرائیل و آمریکا در جریان جنگ اخیر حمایت می‌کنند با دستور قضایی توقیف شده‌ی می‌شود. محمد صادقی، مازیار فلاحی، پرستو صالحی، زهرا قنبری، مسعود شجاعی، پوریا زراعتی، فرداد فرحزاد، الناز کیانی، احمد صمدی، مجتبی پورمحسن، نبوشا صارمی، سمیرا قرائی، آزاده اسدی، علی اصغر رمضان‌پور از جمله هنرمندان و روزنامه‌نگاران هستند که نام‌شان در این گزارش آورده شده است.

کیوان عباسی، مرجان عباسی، امیرعلی محمدیان، سالومه سیدنی، ندا جناب، تینا قاضی مرادی، روزبه منجزی در این گزارش به عنوان شهروندانی که با مصادره اموال روبرو شده‌اند مطرح شده است.

یک هفته پیش دادستان تهران دستور شناسایی و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ چهره شاخص خارج کشور را به علت آنچه حمایت از «دشمنان» خوانده، صادر کرده بود.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی هنوز نسبت به انتشار این فهرست واکنشی نشان نداده‌اند.

یک روزنامه چاپ تهران با بیان این ادعا که شمار شهروندانی که به علت حمایت از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با توقیف اموال روبرو شدند تا کنون ۴۰۰ نفر است، اسامی شماری از این شهروندان را منتشر کرد.

یک هفته پیش دادستان تهران دستور شناسایی و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ چهره شاخص خارج کشور را به علت آنچه حمایت از «دشمنان» خوانده، صادر کرده بود. مقامات رسمی جمهوری اسلامی هنوز نسبت به انتشار این فهرست واکنشی نشان نداده‌اند.

روزنامه «هفت صبح» مدعی شده اموال ۴۰۰ نفر از افرادی که بر اساس این گزارش از اسرائیل و آمریکا در جریان جنگ اخیر حمایت می‌کنند با دستور قضایی توقیف شده‌ی می‌شود. محمد صادقی، مازیار فلاحی، پرستو صالحی، زهرا قنبری، مسعود شجاعی، پوریا زراعتی، فرداد فرحزاد، الناز کیانی، احمد صمدی، مجتبی پورمحسن، نبوشا صارمی، سمیرا قرائی، آزاده اسدی، علی اصغر رمضان‌پور از جمله هنرمندان و روزنامه‌نگاران هستند که نام‌شان در این گزارش آورده شده است.

کیوان عباسی، مرجان عباسی، امیرعلی محمدیان، سالومه سیدنی، ندا جناب و تینا قاضی مرادی، روزبه منجزی نیز در این گزارش به عنوان شهروندانی که با مصادره اموال روبرو شده‌اند، مطرح شده است.

علی شریف زارچی، رضا محدث اردبیلی، مریم نظری، آرمین قبادی پاشا، زهرا علیپور، مزدک میرزایی، لیلا سعادت، محمد تقوی، آرش اعلائی، پویا عزیزی، فیروزه جابانی، فرحناز اسپد، شراره عزیزی، فرنوش فرجی، سعیده قدری، مریم رحیمی مقدم، فریبا مسعود پورشریازی، ریحانه فلاح یزدان آباد، شبنم آذر، علی‌حسین قاضی‌زاده، مهتاب سعادت‌مندی، سالور عوض ملایری، سارا ماهوریان، نیلوفر مولایی طالقانی، کاملیا پورکتایی، احسان اکبری، زهرا یزدانی (نیک)، محسن فرشیدی، صدیقه یزدی‌ها، رضا اکوانیان، مجتبی کشتکار، نریمان قریب، نیلوفر پورابراهیم، اشکان صفایی حکیمی، معصومه پوریخس نیز از جمله افرادی هستند که در گزارش روزنامه «هفت صبح» نام آنها مطرح شده است.

حامد اسمعیلیون، اشکان خطیبی، محمدعلی کریمی،

روزنامه «هفت صبح» با بیان این ادعا که شمار شهروندانی که به علت حمایت از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با توقیف اموال روبرو شدند تا کنون ۴۰۰ نفر است، اسامی شماری از این شهروندان را منتشر کرد.

محمد صادقی، مازیار فلاحی، پرستو صالحی، زهرا قنبری، مسعود شجاعی، پوریا زراعتی، فرداد فرحزاد، الناز کیانی، احمد صمدی، مجتبی پورمحسن، نبوشا صارمی، سمیرا قرائی، آزاده اسدی، علی اصغر رمضان‌پور از جمله هنرمندان و روزنامه‌نگاران هستند که نام‌شان در این گزارش آورده شده است.

کیوان عباسی، مرجان عباسی، امیرعلی محمدیان، سالومه سیدنی، ندا جناب، تینا قاضی مرادی، روزبه منجزی در این گزارش به عنوان شهروندانی که با مصادره اموال روبرو شده‌اند مطرح شده است.

یک هفته پیش دادستان تهران دستور شناسایی و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ چهره شاخص خارج کشور را به علت آنچه حمایت از «دشمنان» خوانده، صادر کرده بود.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی هنوز نسبت به انتشار این فهرست واکنشی نشان نداده‌اند.

یک روزنامه چاپ تهران با بیان این ادعا که شمار شهروندانی که به علت حمایت از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با توقیف اموال روبرو شدند تا کنون ۴۰۰ نفر است، اسامی شماری از این شهروندان را منتشر کرد.

یک هفته پیش دادستان تهران دستور شناسایی و توقیف اموال و مسدود کردن حساب‌های بانکی بیش از ۱۰۰ چهره شاخص خارج کشور را به علت آنچه حمایت از «دشمنان» خوانده، صادر کرده بود. مقامات رسمی جمهوری اسلامی هنوز نسبت به انتشار این فهرست واکنشی نشان نداده‌اند.

روزنامه «هفت‌صبح» چاپ تهران روز شنبه ۲۲ فروردین

دوران نبرد با تاریکی؛ ترور در خارج کشور

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



به بازسازی کشور و ترمیم اقتصاد جنگ‌زده معطوف کند. اما روند تحولات نشان داد ساختار قدرت مسیری متفاوت با بازسازی کشور را دنبال می‌کند؛ مسیری که همواره با مجموعه‌ای از سرکوب بی‌امان در داخل و عملیات‌های ترور، فشار و باج‌خواهی سیاسی در سطح بین‌المللی همراه بوده است.

جنگ هشت ساله تمام شد، خبر مرگ خمینی هم آمد و سیدعلی خامنه‌ای هم به عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی در صدر قدرت جاسازی شد، اما تروریسم و باج‌خواهی گروه تروریستی حاکم بر ایران از جهان تمام نشد. این انتظار می‌رفت که حکومت دیگر پس از جنگ و مرگ خمینی، حالا تمرکز خود را از فضای امنیتی و نظامی

توقیف اموال و مسدود کردن حساب برای ۶۳ نفر از مدیران، خبرنگاران و کارکنان رسانه «ایران اینترنشنال»، ۲۵ نفر از مدیران و خبرنگاران و کارکنان رسانه «منوتو» و ۲۵ نفر از شهروندان ایرانی ساکن خارج کشور که در شبکه‌های اجتماعی از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران حمایت کرده‌اند، صادر شده است.

خبرگزاری «میزان» بدون اعلام جزئیات درباره هویت این افراد نوشت که آنها ساکن کشورهای مختلف از جمله آمریکا، انگلیس، سوئد، هلند و گرجستان هستند.

مصادره اموال ایرانیان خارج کشور پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفت. غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی چند روز پس از آغاز جنگ در هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرد دستور قضایی برای ضبط و توقیف اموال مرتبط با آنچه «عناصر همکار با دشمن در داخل و خارج کشور» عنوان کرد صادر شده است. وی این افراد را به اعدام تهدید کرد و گفت: «یکی از مجازات‌های مقرر در این مورد، اعدام است و پس از بررسی‌ها، یکی از مجازات‌های قانونی شامل حال افراد مشمول خواهد شد.»

در پی صدور این دستور از سوی قوه قضائیه، سامانه هوشمند استعلامات مالی «سهام» راه‌اندازی شده که با فعال شدن آن، شعب دادسراها و دادگاه‌های سراسر کشور قادرند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و به صورت آنلاین، اموال و دارایی‌های شهروندان را شناسایی کرده و اقدامات لازم را برای توقیف آنها اعمال کنند.

خبرگزاری «میزان» همچنین پنجم فروردین از صدور حکم مصادره اموال شخصی با نام اختصاری ب. الف. خبر داده بود.

در این خبر آمده بود «با دستور مقام قضایی، تمامی اموال ثبتی ب-الف و تعدادی از نزدیکانش در ایران به دلیل همکاری با عناصر تروریستی» و اسرائیل توقیف شد.

خبرگزاری «میزان» همچنین ادعا کرد که این فرد «پس از خروج از کشور با یکی از سرویس‌های جاسوسی همکاری کرده و در اقدامات ضدایرانی و حمایت از حملات دشمن نقش داشته است.»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نام و هویت این فرد را برزو ارجمند، بازیگر ایرانی ساکن آمریکا، گزارش کرده است.

همزمان در پنجم فروردین رسانه‌های داخلی به نقل از دادسرای عمومی انقلاب استان یزد اعلام کردند اموال یک مرد با نام اختصاری «ع.ش.ز» و یک زن با نام اختصاری «م.م.الف» اهل شهر یزد و ساکن خارج کشور نیز توقیف شده است.

علی شریفی زارچی فردی است که دادسرای عمومی انقلاب استان یزد خبر توقیف اموال او را منتشر کرده است. علی شریفی زارچی استاد پیشین دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) است که در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ در حالی که در سفر علمی از سوی دانشگاه در کشور چین بسر می‌برد، علیه جمهوری اسلامی اعلام موضع کرد و در شبکه «ایکس» با اشاره به کشتار سازمانیافته هزاران شهروند بی‌دفاع در جریان اعتراضات تأکید کرد که «علی خامنه‌ای رهبر من نیست». او پیشتر نیز در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ به سرکوب دانشجویان در دانشگاه اعتراض کرده بود و مدتی بازداشت شد. در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۳ علی شریفی زارچی از حامیان جدی نامزدی مسعود پزشکیان و از حامیان دولت بود اما از دی ۴۰۴ با تغییر موضع نسبت به جمهوری اسلامی به جمع گسترده حامیان شاهزاده رضا پهلوی پیوست.

شکست مذاکرات صلح پاکستان و ...



ترس حکومت از قیام مردم؛ تقویت ماشین سرکوب با کمک نیروهای نیابتی شیعه از عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان و ترکیه



همکاری افغان‌های عضو «فاطمیون» با بسیج در حرکت کاروان‌های خودرویی / تهران



حضور نیروهای شیعه ترکیه‌ای در ایران تحت عنوان «کاروان همبستگی»

وارداتی از طریق همین چادرها توزیع غذا بین نیروهای امنیتی مستقر در خیابان را سازماندهی می‌کند.»

رضا تمیزکار تصویرری را در اختیار کیهان لندن گذاشته است که نشان می‌دهد که زنان طرفدار نظام بین نیروهای سرکوبگر شام یخش می‌کنند. رستوران‌های محلی با کمک حامیان نظام تعداد غذای بیشتری برای ناهار و شام آماده می‌کنند تا در نقاط مختلف بین نیروهای امنیتی توزیع شود. توزیع غذا در ایست‌های بازرسی بین نیروهای یگان ویژه به نظر می‌رسد رسانه‌های حکومتی دستورالعملی برای کتمان اهداف امنیتی ورود نیروهای خارجی به ایران ندارند. وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ گزارش داد که کاروانی متشکل از ۸۰ نفر از کشور ترکیه «برای بیعت با مجتبی خامنه‌ای» (رهر جدید نظام) و «حمایت از محور مقاومت» از طریق مرز بازرگان [در شمالغربی ایران] وارد کشور شد. احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی می‌گوید که «تأثیر حضور مردم در خیابان‌ها، کمتر از لانچرزها [اوپراتورهای پرتاب موشک] نیست.»

تشکیلاتی تحت عنوان «شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی» در بیانیه‌ای اعلام کرده است «جمهوری اسلامی ایران در شرایط جنگی کنونی با ائتلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی، راهبردی سه‌لایه را در پیش گرفته است که می‌توان آن را «نبرد در سه جبهه» نامید: جبهه اول (میدان) نبرد نظامی و سخت‌افزاری است؛ جبهه دوم (خیابان) حضور و پشتیبانی مردمی در صحنه داخلی و بین‌المللی است؛ و جبهه سوم (دیپلماسی) مذاکره و کنش دیپلماتیک در سطح جهانی است.» حکومت امیدوارم است حتا در صورت فرسایشی شدن جنگ و تحمیل ویرانی بیشتر به ایران، با سرپا نگه داشتن ماشین سرکوب قدرت را حفظ و از سقوط حکومت جلوگیری کند.

افغانستان، پاکستان و ترکیه کمک گرفته است، کارشناسان می‌گویند این برنامه با دو هدف اصلی صورت گرفته است: دلگرمی به هواداران حکومت که «مقاومت» همچنان ادامه دارد و پُرکردن ضعف نیروهای میدانی.

نیروهای یونیفرم‌پوش حشدالشعبی، نیروهایی از گروه‌های وابسته به حزب‌الله و گروهی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از شیعیان ترکیه از اوایل فروردین‌ماه ۱۴۰۵ به بهانه انتقال کمک‌های امدادی و انسان دوستانه وارد خاک ایران شدند.

پیش از ورود نیروهای مزدور از عراق، لبنان و ترکیه به ایران، افغان‌های عضو لشکر «فاطمیون» و همچنین جوانان کم سن و سال افغانستانی توسط بسیج محلات برای استقرار در خیابان‌ها سازماندهی شدند.

همه اینها در کنار طرفداران نظام از یک سو به عنوان سپاهی لشکر در تجمعات شبانه و کاروان‌های موتوری و خودرویی حضور پیدا می‌کنند و از سویی دیگر در ایست‌های بازرسی مستقر می‌شوند.

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی و از مخالفان فعلی نظام ساکن آلمان به کیهان لندن می‌گوید: «هرچند مزدوران وارداتی، مستقیم ماشین سرکوب را تقویت می‌کنند، اما حکومت برای مأموریت آنها فعالیت پوششی ایجاد کرده است. به عنوان مثال نیروهای عراقی و افغان با آنها یکی از ترکیه آمده‌اند در نزدیکی ایست‌های بازرسی موبک [چادرهای پذیرایی صلواتی] مستقر می‌شوند. این چادرها در واقع ستادهای محلی پشتیبانی از نیروهای بسیج، سپاه و ماموران نیروی انتظامی است.»

یکی از مأموریت‌های آنها تأمین مواد غذایی و چای و شیرینی تأمین می‌شود و از سوی دیگر همراه آنها گشت‌های موتوری را تقویت می‌کنند. با توجه به تخریب گسترده مقرهای بسیج و سپاه پاسداران و انهدام اغلب کلانتری‌ها، حکومت با کمک هواداران خود از جمله زنان و نیروهای

● براساس گزارش‌های میدانی، جمهوری اسلامی برای تقویت ماشین سرکوب، از نیروهای نیابتی شیعه اهل عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان و ترکیه کمک گرفته است، کارشناسان می‌گویند این برنامه با دو هدف اصلی صورت گرفته است: دلگرمی به هواداران حکومت که «مقاومت» همچنان ادامه دارد و پُرکردن ضعف نیروهای میدانی.

● نیروهای یونیفرم‌پوش حشدالشعبی، نیروهایی از گروه‌های وابسته به حزب‌الله و گروهی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از شیعیان ترکیه از اوایل فروردین‌ماه ۱۴۰۵ به بهانه انتقال کمک‌های امدادی و انسان دوستانه وارد خاک ایران شدند.

● رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی و از مخالفان فعلی نظام ساکن آلمان به کیهان لندن می‌گوید: «هرچند مزدوران وارداتی، مستقیم ماشین سرکوب را تقویت می‌کنند، اما حکومت برای مأموریت آنها فعالیت پوششی ایجاد کرده است.»

● «نیروهای عراقی و افغان با آنها یکی که از ترکیه آمده‌اند در نزدیکی ایست‌های بازرسی موبک [چادرهای پذیرایی صلواتی] مستقر می‌شوند. این چادرها در واقع ستادهای محلی پشتیبانی از نیروهای بسیج، سپاه و ماموران نیروی انتظامی است.»

● یکی از مأموریت‌های آنها تأمین مواد غذایی و چای و شیرینی است و از سوی دیگر همراه آنها گشت‌های موتوری را تقویت می‌کنند. با توجه به تخریب گسترده مقرهای بسیج و سپاه پاسداران و انهدام اغلب کلانتری‌ها، حکومت با کمک هواداران خود از جمله زنان و نیروهای وارداتی از طریق همین چادرها توزیع غذا بین نیروهای امنیتی مستقر در خیابان را سازماندهی می‌کند.»

براساس گزارش‌های میدانی، جمهوری اسلامی برای تقویت ماشین سرکوب، از نیروهای نیابتی شیعه اهل عراق، لبنان،

مذاکره با «قاتلان خامنه‌ای» در اسلام‌آباد؛ چین به قالیباف و عراقچی «تضمین امنیتی» داد



استقبال از قالیباف و عراقچی در فرودگاه اسلام آباد

اقتصادی جنگ، تغییر موضع داد و به عنوان «ضامن» وارد عمل شد. پکن مستقیماً به جمهوری اسلامی اطمینان داد که امنیت رهبران را تضمین می‌کند و در صورت سفر برای مذاکره، ترور نخواهند شد. در این دیپلماسی چندجانبه که با میانجیگری پاکستان انجام می‌شود، چهره‌هایی نظیر ترامپ، مارکو روبریو و جی‌دی ونس در یکسو و افرادی مانند قالیباف و عراقچی در سوی دیگر حضور دارند. یکی از مقامات پاکستانی تأکید کرد: «ما میانجی بودیم، اما چین ضامن شد.» ترامپ نیز در مصاحبه‌ای تأیید کرده که معتقد است چین ایران را برای مذاکره متقاعد کرده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی و کسی که نامش با مذاکرات پیش رو با آمریکا پیوند خورده است، یک‌روز پیش از آغاز این گفتگوها در «ایکس» نوشت که «دو شرط ایران برای مذاکره با آمریکا هنوز محقق نشده است.»

محمدباقر قالیباف در این پست این دو شرط را «آتش‌بس در لبنان و آزاد شدن دارایی‌های مسدود ایران پیش از شروع مذاکرات» عنوان و تأکید کرد: «این دو مسئله باید پیش از اینکه مذاکره آغاز شود محقق شوند.»

ترامپ هشدار داد اگر توافق حاصل نشود، آمریکا با شدت بیشتری اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را از سر خواهد گرفت.

در داخل ایران اختلاف بر سر مذاکره با «قاتلان خامنه‌ای» بالا گرفته است. گفته می‌شود احمد وحیدی و شماری از سرداران سپاه پاسداران قویاً مخالف مذاکره هستند اما با فشار دولت چین، قالیباف به اسلام‌آباد رفته است.

دونالد ترامپ ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ در شبکه‌های اجتماعی خود اعلام کرد، «به نظر می‌رسد ایرانی‌ها متوجه نیستند که هیچ برگ برنده‌ای ندارند، جز یک باج‌گیری کوتاه‌مدت از جهان از طریق استفاده از آبراه‌های بین‌المللی. تنها دلیلی که آنها امروز هنوز زنده هستند این است که مذاکره کنند.»

میانجیگری پاکستان روز شنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) برگزار خواهد شد. جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ، استیو ویتکاف و جرد کوشنر نمایندگان آمریکا هستند اما هیات اعزامی جمهوری اسلامی به مذاکرات اسلام‌آباد شامل ۸۶ نفر است که با سه هواپیما به پاکستان رفتند.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، رضا امیری‌مقدم سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان که در پرونده ربودن رابرت لوینسون مأمور بازنشسته اف‌بی‌آی تحت تعقیب است، محمد باقر ذوالقدر و علی‌اکبر احمدیان دبیران «شورای عالی امنیت ملی»، علی باقری‌کنی معاون حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی، اسماعیل احمدی‌مقدم ریاست دانشگاه عالی دفاع ملی (فرمانده سابق نیروی انتظامی از قاچاقچیان نفت)، مجید تخت‌روانچی و کاظم غریب‌آبادی معاونان سیاسی وزارت خارجه، محمود نبویان نماینده مجلس از جریان حامی قالیباف، ابوالفضل عمویی، دستیار قالیباف و مهدی محمدی مشاور قالیباف از جمله افرادی هستند که به اسلام‌آباد رفته‌اند.

منابع حکومتی گزارش دادند «با توجه به پیچیدگی و حساسیت بالای مذاکرات در هیات ایرانی علاوه بر مذاکره‌کنندگان اصلی، کمیته‌های فنی و کارشناسی نیز برای مشورت‌های لازم حضور دارند.»

روزنامه «گاردین» در گزارشی به نقل از مقامات پاکستانی، جزئیات تازه‌ای از نقش تعیین‌کننده چین در دستیابی به آتش‌بس میان رژیم ایران و آمریکا را فاش کرد. بر اساس این گزارش، در حالی که تهران به دلیل بی‌اعتمادی به ترامپ تا آخرین ساعات روز سه‌شنبه از پذیرش توافق خودداری می‌کرد، بن‌بست مذاکرات را شکست.

مقامات پاکستانی معتقدند چین که پیشتر تمایلی به دخالت در این درگیری نداشت، به دلیل آسیب‌های

● مذاکرات میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا، با میانجیگری پاکستان روز شنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) برگزار خواهد شد. جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ، استیو ویتکاف و جرد کوشنر نمایندگان آمریکا هستند اما هیات اعزامی جمهوری اسلامی به مذاکرات اسلام‌آباد شامل ۸۶ نفر است که با سه هواپیما به پاکستان رفتند.

● محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، رضا امیری‌مقدم سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان که در پرونده ربودن رابرت لوینسون مأمور بازنشسته اف‌بی‌آی تحت تعقیب است، محمد باقر ذوالقدر و علی‌اکبر احمدیان دبیران «شورای عالی امنیت ملی»، علی باقری‌کنی معاون حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی، اسماعیل احمدی‌مقدم ریاست دانشگاه عالی دفاع ملی (فرمانده سابق نیروی انتظامی از قاچاقچیان نفت)، مجید تخت‌روانچی و کاظم غریب‌آبادی معاونان سیاسی وزارت خارجه، محمود نبویان نماینده مجلس از جریان حامی قالیباف، ابوالفضل عمویی، دستیار قالیباف و مهدی محمدی مشاور قالیباف از جمله افرادی هستند که به اسلام‌آباد رفته‌اند.

● روزنامه «گاردین» در گزارشی به نقل از مقامات پاکستانی نوشت در حالی که جمهوری اسلامی به دلیل بی‌اعتمادی به ترامپ تا آخرین ساعات روز سه‌شنبه از پذیرش توافق خودداری می‌کرد، ورود پکن به معادلات، بن‌بست مذاکرات را شکست.

● محمدباقر قالیباف مدعی شد دو شرط «آتش‌بس در لبنان و آزاد شدن دارایی‌های مسدود ایران پیش از شروع مذاکرات» باید تحقق یابد!

مذاکرات میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا، با

گزارش ویژه؛ روایت شهروندان در ایران از دوران آتش بس موقت دو هفته‌ای: «اینجا هیچ چیزی عادی نیست!»



کنید که در زندان بزرگی بنام ایران، با مردم چه می‌کنند، چپ‌ها به شدت در حال سفیدشویی برای این رژیم هستند، از سوی دیگر رژیم با انتشار تصاویر چند کافه و رستوران تلاش دارد زندگی مردم را عادی نشان دهد، به هر حيله‌ای متوسل می‌شود، اینجا هیچ چیزی عادی نیست.»

فریدون در ادامه توضیح می‌دهد: «راستی یک فرد صراف که از اقوام من هست و قبلاً چند بار برای انتقال ارز به محل کار او رفته بودم چند روز پیش به من گفت افراد مختلف چندین بار به دفتر کارش مراجعه کرده بودند و از او خواسته بودند که آیا می‌تواند مبالغ بالا را به اروپا منتقل کند؟ پاسخ او منفی بوده و درست پیش از پایان نوروز، همه حساب‌های بانکی او بدون هیچ هشدار یا اطلاعی مسدود شده بود.

چند روز پس از مسدود شدن حساب‌های بانکی این فرد صراف، یک نفر به دفتر صرافی او آمده بود و به یکی از کارمندان گفته بود «آدم بینم حالتون خوبه؟» و بعد خندیده و رفته بود و تازه این فرد صراف متوجه شده بود که مسدود شدن حساب‌های بانکی او از کجا آب می‌خورد.»

امیر، روزنامه‌نگار ساکن تهران نیز با تایید این مطلب می‌گوید که این اتفاق برای چندین فرد صراف رخ داده است و حساب‌های بانکی چند فرد صراف در تهران از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی مسدود شده است. روز شنبه به خیابان فردوسی که مرکز دلارفروشان بود رفته بودم و دیدم که بیشتر صرافی‌ها بسته بودند و انگشت شمار صرافی‌ها باز بودند.

نهادها و افراد وابسته به جمهوری اسلامی به ویژه سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در طول سال‌هایی که تحریم بوده‌اند با استفاده از منابع و روش‌های مختلف همواره تلاش کرده بودند تا راهی برای دور زدن تحریم‌ها، پول‌شویی، تأمین مالی و قاچاق کالا پیدا کنند از همین رو آنها پس از برخورد گسترده اخیر دولت امارات

در محدوده میدان ونک می‌گوید.

او با نشان دادن یک پیام تصویری منتشر شده از سوی مدیریت مجتمع مسکونی محل زندگی خود توضیح می‌دهد: «در این پیام به ساکنان مجتمع هشدار داده شده که با توجه به حضور دائمی ماموران امنیتی در نزدیکی مجتمع، ساکنان مجتمع از سرداران هرگونه شعار و اقدام مشابه از پشت پنجره‌ها یا بالکن‌ها خودداری کنند. چون در روزی که خامنه‌ای به درک واصل شد یکی از همین ماموران به داخل مجتمع یورش بردند و یکی از ساکنان مجتمع را به دلیل خوشحالی کردن و سردادن شعار به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند، این وضعیت مجتمع ماست، دور و بر ما پر شده از اطلاعاتی‌ها، تا به حال دو بار به مجتمع ما یورش برده‌اند.»

مطهره شهروند ساکن خیابان ستارخان هم به این بحث می‌پیوندد: «هر گیگ اینترنت را خریدم ۱ میلیون تومان، مغازه‌دارها جنس‌ها را پنهان کردند که با قیمت بالاتر به مشتریان خاص بفروشند، همه سوءاستفاده می‌کنند، مردم دارند آماده می‌شوند برای روزهای سخت‌تر. تهران هوا عالی و تمیز و شهبای پر ستاره است. از بین دوستان من، فقط یک نفر به شمال رفته بود، همه در تهران بودند، در آپارتمان ما نیز همه اینجا بودند ولی در خیابان نمی‌رفتند، البته هیچکس برای انجام مذاکره و آتش بس خوشحال نیست و همه نگران زد و بند پشت پرده آمریکا و اسرائیل با رژیم هستند.»

فریدون در ادامه با خشم می‌گوید: «اوباش رژیم، شبی دو میلیون تومان برای عربده کشی پول می‌گیرند، هر روز هم برای مردم اس ام اس می‌زنند که هنرمندان در فلان جا، برنامه دارند، البته گویا غذای رایگان هم می‌دهند. در ضمن تلفن‌ها هم شنود دارد و همه سعی می‌کنیم پشت تلفن حرفی نزنیم صد رحمت به کره شمالی!»

«لطفاً به ایرانیان برون‌مرز بگویید تا می‌توانید با نمایندگان شهرتان مکاتبه کنید، ایمیل بزنید، هر روز برایشان تکرار

● قطع اینترنت در ایران زندگی، کسب و کار و آموزش ۹۰ میلیون شهروند ایرانی را به صورت کامل مختل کرده است و از سوی دیگر افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در کنار کمبود دارو، بسیاری از اقشار آسیب‌پذیر را در شرایط بحرانی شدیدی قرار داده است.

● «اینجا زیر پوست شهر خیلی خراباست، اینترنت من قطع و وصل می‌شود، شب‌ها حدود ۲۰ ماشین در خیابان‌ها به راه می‌افتند و دو نفره، یک راننده و یک نفر که پرچم را نگه داشته جلوی این ماشین‌ها، یک وانت آبی با بلندگو و صدای خیلی بلند شعار می‌دهد تا ساعت یک شب، در خیابان‌ها بالا پایین می‌روند و اصلاً فکر نمی‌کنند بیمارستان نزدیک است یا یک مریض، یک فرد مسن یا بچه کوچک، بیدار می‌شود، دارند مزاحمت ایجاد می‌کنند که بیشتر هم زنها هستند، پرستوها.»

● «یک فرد صراف که از اقوام من هست و قبلاً چند بار برای انتقال ارز به محل کار او رفته بودم چند روز پیش به من گفت افراد مختلف چندین بار به دفتر کارش مراجعه کرده بودند و از او خواسته بودند که آیا می‌تواند مبالغ بالا را به اروپا منتقل کند؟ پاسخ او منفی بوده و درست پیش از پایان نوروز، همه حساب‌های بانکی او بدون هیچ هشدار یا اطلاعی مسدود شده بود.»

● «بانک‌ها تا ساعت یک کار می‌کنند ولی اختلال در «اینترنت ملی» دارند، یا اصلاً اینترنت ندارند، شرکت‌ها یکی در میان، باز کردند ولی کارمندان به سرکار نمی‌روند و به عناوین مختلف مرخصی می‌گیرند، مغازه‌ها باز هستند، فروشگاه‌های مواد غذایی مشتری دارند، کافی‌شاپ‌ها مشتری دارند، آرایشگاه‌ها مشتری دارند اما سایر مغازه‌ها هیچ مشتری ندارند و کساد هستند مثل فروشندگان پوشاک، لوازم خانگی، ابزار و ادوات صنعتی و اجناس لوکس. طلا فروش‌ها هم فروش دارند ولی خرید نمی‌کنند و اگر طلا بخرند با قیمت خیلی خیلی پایین می‌خرند.»

فیروزه نوردستروم- امروز ۴۷ روز از قطعی اینترنت و ۷ روز از آتش‌بس موقت ۱۴ روزه در ایران می‌گذرد، در شرایطی که قطع اینترنت در ایران زندگی، کسب و کار و آموزش ۹۰ میلیون شهروند ایرانی را به صورت کامل مختل کرده است و از سوی دیگر افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در کنار کمبود دارو، بسیاری از اقشار آسیب‌پذیر را در شرایط بحرانی شدیدی قرار داده است.

چند شهروند ساکن تهران و چند شهر بزرگ کشور در گفت‌وگو با «کیمهان لندن»، دیدگاه خود را نسبت به حملات آمریکا و اسرائیل و آتش‌بس موقت روایت می‌کنند که در این گزارش، آنها را با اسامی مستعار معرفی کرده‌ایم.

● «اینجا زیر پوست شهر خیلی خراباست، اینترنت من قطع و وصل می‌شود، شب‌ها حدود ۲۰ ماشین در خیابان‌ها به راه می‌افتند و دو نفره، یک راننده و یک نفر که پرچم را نگه داشته جلوی این ماشین‌ها، یک وانت آبی با بلندگو و صدای خیلی بلند شعار می‌دهد تا ساعت یک شب، در خیابان‌ها بالا پایین می‌روند و اصلاً فکر نمی‌کنند بیمارستان نزدیک است یا یک مریض، یک فرد مسن یا بچه کوچک، بیدار می‌شود، دارند مزاحمت ایجاد می‌کنند که بیشتر هم زنها هستند، پرستوها.» اینها را فریدون یک شهروند ساکن

نوروز در دست‌نوشته‌های کهن ایرانی؛ سخنرانی دکتر محمود کویر در نشست کانون فرهنگی پارس



ویدئو

دکتر محمود کویر همچنین تأکید کرد که نوروز برای ایرانیان و در تمامی دوران‌های رستاخیز فرهنگی و سیاسی، عامل اصلی برخاستن و غلبه بر شکست‌ها بوده است.

کانون فرهنگی پارس روز شنبه هشتم فروردین ۱۴۰۵، ۲۸ مارس ۲۰۲۶، نخستین برنامه خود در سال جدید خورشیدی را برگزار کرد.

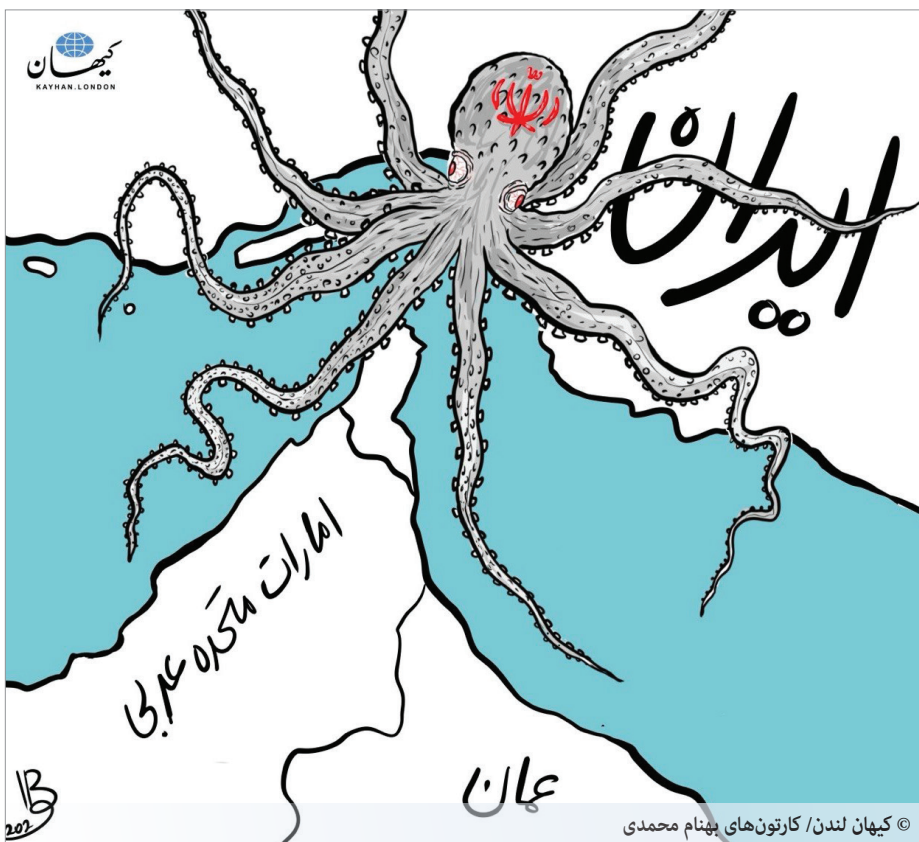
در این برنامه تأکید شد پاسداشت نوروز باستانی در شرایط خطیر میهن عزیزمان خود تلاشی در راه تجلی همبستگی ملی همه ما ایرانیان برای یک فردای بهتر است. احمد وحدت‌خواه طی سخنانی تأکید کرد «بزرگداشت نوروز جزئی از خوشبختی‌های زندگی ما ایرانیان است.»

دکتر محمود کویر، نویسنده، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ و کارشناس ادبیات فارسی، سخنران اصلی این برنامه بود. در این سخنرانی با موضوع «نوروز در دست‌نوشته‌های کهن ایرانی» مطرح شد که خواستگاه اصلی نوروز فلات ایران است و ادعای دیگر کشورها در مورد ثبت نوروز به نام خود، یک ادعای از اساس اشتباه است.

دکتر محمود کویر ویژگی‌های مهم جشن‌های ملی تیرگان، مهرگان، یلدا و نوروز، به عنوان چهار جشن اصلی ایرانی، را سرچشمه طبیعت‌گرایی آنها را برشمرد.

او در ادامه درباره وظیفه اجتماعی ایرانیان برای تفسیر دوباره آیین‌های ملی در روزگار نو، درباره لقب پادشاه نوروز و سلطان نوروز، و عنوان پدر و مادر نوروز در بین چامه‌سرایان ایرانی، توضیحاتی ارائه کرد.

آیاتنگه هرمز از چنگال این اختاپوس‌رها خواهد شد؟



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

با شبکه‌های مالی وابسته به سپاه پاسداران در این کشور و پس از روبرو شدن با این بن‌بست مالی، از روی ناچاری به صراف‌های داخل کشور به عنوان آخرین راه انتقال ارز به خارج کشور متوسل شده‌اند.»

مطهره در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: «روز شنبه به قهوه فروشی «ریو» در چهارراه استانبول رفته بودم که قهوه بخرم، دیوار سفارت انگلیس را دیدم که روی سطح تمام این دیوار را شعار نوشته بودند، گشت‌های بازرسی رژیم هم پر بودند و بیشتر صرافی‌ها هم بسته بودند و همچنان هم گوشی‌های تلفن مردم را هم بازرسی می‌کردند به همین دلیل وقتی من به بیرون می‌روم اصلاً با خودم گوشی نمی‌برم. در تلویزیون رژیم، آخوندها را نشان می‌دهند که در بین ارادل، جوانان را هم صیغه رایگان می‌کنند، کثافت در بین حکومتی‌ها، موج می‌زند.»

فریدون هم ادامه می‌دهد: «بانک‌ها تا ساعت ۱ کار می‌کنند ولی اختلال در «اینترنت ملی» دارند، یا اصلاً اینترنت ندارند، شرکت‌ها یکی در میان، باز کردند ولی کارمندان به سرکار نمی‌روند و به عناوین مختلف مرخصی می‌گیرند، مغازه‌ها باز هستند، فروشگاه‌های مواد غذایی مشتری دارند، کافی‌شاپ‌ها مشتری دارند، آرایشگاه‌ها مشتری دارند اما سایر مغازه‌ها هیچ مشتری ندارند و کساد هستند مثل فروشندگان پوشاک، لوازم خانگی، ابزار و ادوات صنعتی و اجناس لوکس. طلا فروش‌ها هم فروش دارند ولی خرید نمی‌کنند و اگر طلا بخردند با قیمت خیلی خیلی پایین می‌خرند، گفتم که همه دارند از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند.»

قنادی «طلا» نزدیک خانه دخترم، یکی از گرانترین شیرینی‌فروشی‌هاست، پیش از جنگ، مشتری هم زیاد داشت، دیروز با دخترم به آنجا رفتیم تا شیرینی بخریم، دیدیم یکی از شاگردهایش را بیرون کرده بود، این شیرینی فروشی قدیمی و معروف است، ولی الان پخت شیرینی‌هایش کمتر شده، چون مشتری کمتر شده.»

مطهره هم توضیح می‌دهد: «اینترنت ملی و برنامه‌های «شاد»، «روبوکا»، «بله»، هم گویا اغلب قطع می‌شوند، البته پدر و مادرها خیلی خوشحالند که بچه‌ها در خانه هستند و به مدرسه نمی‌روند می‌گویند خیالمان راحت‌تر است و بچه‌هایمان در امنیت بیشتری هستند.»

امیر، روزنامه‌نگار ساکن تهران هم می‌گوید: «دیشب از یک مغازه‌دار نظرش را در مورد آتش‌بس پرسیدم، گفت بیشتر مردم می‌خواستند جنگ شود ولی خودش مخالف جنگ بود، تا جایی که من با مردم دو استان تهران و البرز حرف زده‌ام بیشتر افراد، موافق جنگ هستند. اما در تهران زندگی جاری است و تهران اصلاً شبیه یک شهر جنگ‌زده نیست، بیشتر کسانی که من می‌شناسم، بعد از تعطیلات نوروز به تهران برگشته‌اند.»

من سیم‌کارت سفید ندارم. یعنی به من پیشنهاد شد، ولی گفتم نمی‌خواهم، نمی‌دانم تقریباً چند درصد خبرنگارها شخصاً سیم‌کارت سفید دارند ولی دو گیگ را یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌فروشند و ۱۰ گیگ را ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان.»

علیرضا ساکن محله «پیروزی» تهران هم به این گفتگو می‌پیوندد: «همه بلا تکلیف مانده‌اند، هم گرانی هست و هم بیکاری که باعث کلاهبرداری‌های بیشتر از قبل هم شده است. در حال حاضر مردم از قطع شدن حمله‌ها بیشتر ناراحت هستند، چون می‌ترسند جمهوری اسلامی بماند و دوباره همان خفقان قبلی و بلکه بیشتر هم حاکم شود. خیلی‌ها ناراحت هستند، یکی از آنها خواهر و مادر من هستند که تا آتش بس اعلام شد می‌گویند چی شد چرا رفتند!؟»

اثرات ادامه جنگ بر اقتصاد ایران

اقتصاد که در سال گذشته به شدت متأثر از فضای سیاسی داخلی و خارجی شد، بخش اقتصاد دیجیتال ایران است. اثرات قطع اینترنت در طول جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل در اواخر بهار و روزهای نخستین تیرماه گذشته، و همچنین قطع سه هفته‌ای اینترنت در جریان اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ و قطع دوباره اینترنت از نهم اسفندماه و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی که همچنان ادامه دارد تنها یکی از محورهای آسیب‌زا به اقتصاد دیجیتال ایران است. این بخش با توجه به محدودیت‌ها و فیلترینگ همیشگی و محدودیت‌های فعالیت در خارج از مرزهای ایران به علت تحریم‌ها نیز با مشکلات زیادی روبروست. مجتبی آستانه فعال استارت‌آپی با اشاره به اینکه «سال

از واقعیت‌ها، ما احتمالاً دچار کسری و کمبود هستیم. قیمت‌های مواد اولیه در حال حاضر مقداری افزایش پیدا کرده است و تورمی را در کالاها و محصولات نهایی شاهد هستیم.»

این اقتصاددان افزوده «چون کسب‌وکارها تعطیل شده‌اند، به طور طبیعی اشتغال نیز در این وضعیت کاهش پیدا کرده است و نرخ بیکاری باید قاعدتاً افزایش پیدا کرده باشد. البته هنوز آمار مربوط به این متغیرها اعلام نشده است که این موضوع نیز طبیعی است، چرا که آمار با این سرعت تولید نمی‌شود. به طور طبیعی ما باید هم با کاهش اشتغال مواجه شده باشیم و هم تورم تولیدکننده و مصرف‌کننده‌مان افزایش پیدا کرده باشد؛ همچنین رشد اقتصادی کشور نیز

● در صورت تداوم جنگ قیمت ارز در ایران با افزایش چشمگیری روبرو و تورم با سرعت بیشتری افزایش خواهد یافت و در آنسو دولت با بحران تأمین کالاهای اساسی روبرو می‌شود؛ شرایطی که نه تنها صنعت و تولید کشور در بخش‌های مختلف را متأثر می‌کند بلکه معیشت خانوارها را نیز محدودتر از پیش خواهد کرد.

● شماری از واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی به علت شرایط جنگ و قطع اینترنت پس از تعطیلات نوروز فعالیت خود را تعطیل یا نیمه‌تعطیل کرده‌اند و بر اساس برآوردها بیش از دو میلیون نفر در کشور بیکار شده‌اند.

● مجتبی آستانه فعال استارت‌آپی: قطع‌های مکرر اینترنت منجر به خسارات میلیون دلاری و سقوط تاریخی درآمد کسب‌وکارهای آنلاین شد و تداوم محدودیت‌های ارتباطی و نگاه غیرراهبردی به این صنعت، کل ساختار اقتصاد دیجیتال را در خطر فروپاشی قرار داده است.

● کامران ندی، اقتصاددان: بسیاری از کسب‌وکارها در حال حاضر تعطیل شده‌اند و در بخشی از واقعیت‌ها، ما احتمالاً دچار کسری و کمبود هستیم. قیمت‌های مواد اولیه در حال حاضر مقداری افزایش پیدا کرده است و تورمی را در کالاها و محصولات نهایی شاهد هستیم.

اقتصاد ایران در شرایطی که سالهاست با مشکلات ساختاری از جمله مافیا و رانت و رکود تورمی دست‌وپنجه نرم می‌کند که اکنون با اثرات زاینبار جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی روبرو شده است. کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند در صورت تداوم جنگ قیمت ارز در ایران با افزایش چشمگیری روبرو و تورم با سرعت بیشتری افزایش خواهد یافت و در آنسو دولت با بحران تأمین کالاهای اساسی روبرو می‌شود؛ شرایطی که نه تنها صنعت و تولید کشور در بخش‌های مختلف را متأثر می‌کند بلکه معیشت خانوارها را نیز محدودتر از پیش خواهد کرد.

آتش‌بس موقت و دو هفته‌ای جمهوری اسلامی با آمریکا که از روز سه‌شنبه ۱۸ فروردین‌ماه آغاز شد از دید بسیاری از تحلیلگران با ازسرگیری دوباره جنگ نظامی میان دو کشور به زودی پایان خواهد یافت. این تحلیل از روز گذشته و با بی‌حاصل پایان یافتن مذاکرات میان نمایندگان دولت دونالد ترامپ با مقامات جمهوری اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان تقویت شده است.

در بیش از پنج هفته جنگ نظامی که پیش از این آتش‌بس در جریان بود خسارت‌هایی به بخش‌هایی از صنایع و تأسیسات ایران وارد شد. این آسیب‌ها در کنار خسارت‌های ناشی از جنگ نظامی برای حکومتی که با کسری عمیق بودجه روبرو است و درآمدهای آن پیش از جنگ نیز با کاهش چشمگیری روبرو شده به معنای مجموعه‌ای از آثار بر اقتصاد کشور است. اقدامات جمهوری اسلامی از جمله قطع اینترنت به عنوان زیرساخت حیاتی اقتصاد دیجیتال کشور نیز بر خسارت‌های اقتصادی ناشی از جنگ افزوده شده است. اینهمه چشم‌انداز شرایط اقتصاد ایران را در سناریوهای تداوم جنگ، یا طولانی شدن شرایط نه جنگ و نه صلح با ادامه آتش‌بس شکننده، منفی و تار کرده است.

کامران ندی، اقتصاددان، در گفتگو با وبسایت «اقتصاد نیوز» در توصیف شرایط فعلی اقتصاد ایران گفته «بسیاری از کسب‌وکارها در حال حاضر تعطیل شده‌اند و در بخشی



۱۴۰۴ برای اقتصاد دیجیتال ایران با استعاره «خطای ۴۰۴» و بن‌بست در توسعه سپری شد» توضیح داده که «این صنعت با تحمل حدود ۵۰ روز قطع کامل اینترنت، با بحران‌هایی نظیر خروج گسترده سرمایه‌های انسانی، انسداد مسیر ورود پلتفرم‌های بزرگ به بازار سرمایه و شکست در تحقق سهم ۱۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) مواجه شد.»

به گفته این فعال استارت‌آپی «قطع‌های مکرر اینترنت منجر به خسارات میلیون دلاری و سقوط تاریخی درآمد کسب‌وکارهای آنلاین شد. همچنین، تورم بی‌سابقه در بخش ارتباطات و جهش قیمت تجهیزات، دسترسی‌پذیری کاربران را به شدت تهدید می‌کند.»

او همچنین گفته «در حوزه سرمایه‌گذاری نیز خروج هلدینگ‌های باسابقه و توقف فعالیت سرمایه‌گذاران خطرپذیر، نشان‌دهنده پایان دوران خوش‌بینی است. اگرچه موفقیت‌های محدودی در تأمین مالی جمعی و صدور مجوز «نئواینشورنس» مشاهده شد، اما شکاف عمیق میان سیاست‌گذاران و واقعیت‌های این حوزه پابرجاست.»

مجتبی آستانه هشدار داده که «تداوم محدودیت‌های ارتباطی و نگاه غیرراهبردی به این صنعت، کل ساختار اقتصاد دیجیتال را در خطر فروپاشی قرار داده است؛

تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش یافته است.»

کامران ندی همچنین گفته «مهم‌ترین دغدغه دولت باید تأمین کالاهای اساسی باشد. در این شرایط امکان حمایت از تولید وجود ندارد؛ لذا مهم‌ترین کاری که دولت می‌تواند در رابطه با حمایت از تولید انجام دهد، این است که سریعاً برای این مسئله جنگ راهی برای خاتمه پیدا بکند. در غیر این صورت، با شرایطی که اکنون با آن روبرو هستیم و با تهدیدهای موجود به نظر نمی‌رسد که در وضعیت فعلی بشود کار خاصی را برای حمایت از تولید انجام داد.»

کامران ندی در ادامه تأکید کرده که مهم‌ترین اولویت حکومت در حال حاضر باید خروج از وضعیت جنگ باشد: «وضعیت اقتصادی ما پیش از وقوع جنگ نیز چندان به‌سامان نبود و اکنون هزینه‌ها و خسارت‌های ناشی از جنگ و هزینه‌های جنگ نیز به آن اضافه شده است. مواردی نظیر قطعی اینترنت، تعطیل شدن کسب‌وکارها و آسیب به صنایع مهم مانند صنایع فولادی را اگر در نظر بگیرید، تنها کاری که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی و در کوتاه‌مدت می‌توان انجام داد، این است که فعلاً راهی برای خروج از این وضعیت جنگی پیدا کنیم.»

همانطور که کامران ندی اشاره کرده یکی از بخش‌های



فاینشال تایمز: ماهواره جاسوسی چین به حملات رژیم ایران به پایگاه‌های نظامی منطقه کمک کرد

تشخیص جزئیات تجهیزات نظامی نشان‌دهنده جهشی مهم در توان اطلاعاتی ایران است؛ موضوعی که می‌تواند توازن قدرت و معادلات امنیتی در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

با این حال، برخی منابع از جمله خبرگزاری رویترز اعلام کرده‌اند که امکان تأیید مستقل این گزارش وجود ندارد و مقامات آمریکا و چین نیز تاکنون واکنش رسمی مشخصی به آن نشان نداده‌اند.

پیش‌تر برخی منابع گزارش داده بودند که چین در جریان جنگ ۴۰ روزه تسلیحات به ایران منتقل کرده است اما مقامات چینی این موضوع را رد کردند.

سفارت چین در واشنگتن در پاسخ به این موضوع به فاینشال تایمز گفت: «ما قویاً با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، حدسی و القابی علیه چین توسط طرف‌های مرتبط مخالفیم.»

طبق این گزارش، این ماهواره در تاریخ‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵

این گزارش حاکی است که ماهواره‌ای با نام TEE-01B در اواخر سال ۲۰۲۴ پس از پرتاب از خاک چین، به صورت محرمانه در اختیار نیروی هوافضای سپاه پاسداران قرار گرفته و توان اطلاعاتی ایران را به طور قابل‌توجهی افزایش داده است.

بر اساس اسناد فاش‌شده، این ماهواره توانسته تصاویر دقیق و باکیفیتی از اهداف نظامی تهیه کند و در برنامه‌ریزی حملات موشکی و پهپادی نقش کلیدی ایفا نماید. تصاویر ثبت‌شده شامل داده‌هایی از قبل و بعد از حملات بوده که برای ارزیابی میزان خسارت نیز استفاده شده‌اند.

در میان اهداف مورد رصد، پایگاه هوایی «پرنس سلطان» در عربستان سعودی قرار داشته که گفته می‌شود تصاویر آن در روزهای منتهی به حمله ۱۴ مارس ثبت شده است؛ حمله‌ای که به تأیید مقامات آمریکایی منجر به آسیب دیدن تجهیزات نظامی شد.

همچنین این ماهواره اطلاعاتی از سایر مراکز مهم نظامی

● بر اساس گزارش روزنامه «فاینشال تایمز»، جمهوری اسلامی ایران در جریان درگیری‌های اخیر منطقه‌ای از یک ماهواره جاسوسی ساخت چین برای شناسایی و هدف‌گیری پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه استفاده کرده است.

● این گزارش حاکی است که ماهواره‌ای با نام TEE-01B در اواخر سال ۲۰۲۴ پس از پرتاب از خاک چین، به صورت محرمانه در اختیار نیروی هوافضای سپاه پاسداران قرار گرفته و توان اطلاعاتی ایران را به طور قابل‌توجهی افزایش داده است.

● بر اساس اسناد فاش‌شده، این ماهواره توانسته تصاویر دقیق و باکیفیتی از اهداف نظامی تهیه کند و در برنامه‌ریزی حملات موشکی و پهپادی نقش کلیدی ایفا نماید. تصاویر ثبت‌شده شامل داده‌هایی از قبل و بعد از حملات بوده که برای ارزیابی میزان خسارت نیز استفاده شده‌اند.

● در میان اهداف مورد رصد، پایگاه هوایی «پرنس سلطان» در عربستان سعودی قرار داشته که گفته می‌شود تصاویر آن در روزهای منتهی به حمله ۱۴ مارس ثبت شده است؛ حمله‌ای که به تأیید مقامات آمریکایی منجر به آسیب دیدن تجهیزات نظامی شد.



موشک ماهواره‌بر چینی

مارس از پایگاه هوایی «پرنس سلطان» در عربستان سعودی تصویربرداری کرده است.

ترامپ در ۱۴ مارس تأیید کرد که هواپیماهای آمریکایی در این پایگاه هدف قرار گرفته‌اند.

از جمله پایگاه «موفق السلطی» در اردن، مقر ناوگان پنجم آمریکا در بحرین و برخی مراکز در عراق جمع‌آوری کرده است.

کارشناسان معتقدند دقت بالای این ماهواره، در حد

بر اساس گزارش روزنامه «فاینشال تایمز»، جمهوری اسلامی ایران در جریان درگیری‌های اخیر منطقه‌ای از یک ماهواره جاسوسی ساخت چین برای شناسایی و هدف‌گیری پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه استفاده کرده است.

➔ وضعیتی که نیازمند تصمیمی شجاعانه برای توقف محدودیت‌های بی‌حاصل است.»

دیگر بخش‌های اقتصاد ایران هم متأثر شده است؛ برای نمونه خسارت به کارخانه‌های فولاد در استان‌های اصفهان و خوزستان و همچنین تأسیسات پتروشیمی‌ها در استان‌های بوشهر و خوزستان سبب بیکاری هزاران کارگر شده است. از سوی دیگر شماری از واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی نیز به علت شرایط جنگ پس از تعطیلات نوروز فعالیت خود را تعطیل یا نیمه‌تعطیل کرده‌اند که در نتیجه شماری از نیروی کار شاغل در این بخش‌ها نیز بیکار شده‌اند. برخی از شرکت‌ها نیز برای جلوگیری از زیان انباشته ناچار شده‌اند هزینه‌های خود را کاهش دهند که کاهش نیروی کار برای کاهش هزینه دستمزد از نخستین اقدامات آنها بوده و در نتیجه شماری از نیروهای شاغل نیز به این ترتیب بیکار شده‌اند. بر اساس برآوردها بیش از دو میلیون نفر در

دست پیدا کنیم.»

با اینهمه نمی‌توان امیدوار بود همه واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی که در هفته‌های گذشته و به علت جنگ و قطع اینترنت تعطیل و نیمه‌تعطیل شدند به فعالیت عادی بازگردند. از یکسو بر اساس اعلام مقامات وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی اینترنت جهانی فعلاً قطع خواهد بود و زمان مشخصی برای اتصال سراسری آن وجود ندارد و از سوی دیگر حتی در صورت آتش‌بس طولانی‌مدت و عدم تداوم جنگ نیز آثار تومری ناشی از جنگ ۴۰ روزه همچنان صنعت و تولید و خدمات در کشور را متأثر خواهد کرد. در سناریوی ادامه جنگ هم وضعیت اقتصاد ایران بحرانی‌تر از امروز می‌شود و در نبود بنیه اقتصادی، با تشدید رکود و بروز ابرتورم، بخش‌های مختلف اقتصاد فلج خواهد شد و موج گسترده‌ای از فقر و بیکاری کشور را فرا خواهد گرفت.

هفته‌های گذشته به علت اثرات جنگ و قطع اینترنت در کشور بیکار شده‌اند.

محمدصادق عظیمی‌فر معاون وزیر نفت روز یکشنبه ۲۳ فروردین اعلام کرده ۸۰ درصد از ظرفیت تولیدی پتروشیمی‌های آسیب‌دیده بر اثر حملات هوایی در جنگ تا دو ماه دیگر بازسازی خواهد شد. او توضیح داده که «تقریباً در همه تأسیساتی که آسیب دیده، همان روز بعد نیروهای ما مستقر شدند و پیمانکاران مربوطه فراخوان شده و کار بازسازی شروع شده است. به‌طور مثال در انبار نفت شهری نزدیک به ۲ هزار نفر نیرو مشغول بازگردانی تأسیسات انتقال و ذخیره‌سازی هستند.»

معاون وزیر نفت افزوده «در عمده تأسیسات آسیب‌دیده پالایش و پخش، در مدت یک تا ۲ ماه می‌توانیم به ۷۰ تا ۸۰ درصد ظرفیت قبل برگردیم و در ادامه در یک فاز میان‌مدت و بلندمدت‌تر می‌توانیم به ۱۰۰ درصد ظرفیت قبل از تهاجم

تنگه هرمز، کانال سوئز نیست؛ خطای حقوقی در عادی سازی ادعای ایران



اما اگر این اهرم بر پایه برداشتی سست از حقوق بین‌الملل بنا شده باشد، نتیجه می‌تواند وارونه شود. به جای آنکه قدرت تولید کند، اجماع جهانی علیه آن را تقویت می‌کند. به جای آنکه حقانیت بسازد، دیگران را در موضع دفاع از آزادی ناوبری و امنیت انرژی قرار می‌دهد. مخالفت آشکار مقام‌های اروپایی با طرح عوارض در هرمز و هشدار نهادهای بین‌المللی، نشانه همین روند است. گزارش رویترز درباره مخالفت یونان و خطر برای آزادی ناوبری و همچنین درباره موضع IMO این فضا را به‌روشنی نشان می‌دهند. نقد منصفانه به گزارش‌هایی از این دست آن نیست که بگوییم رسانه‌های مشخص حامدانه در پی تشویق جمهوری اسلامی است. چنین داوری‌ای اثبات پذیر نیست. نقد دقیقتر آن است که بگوییم وقتی میان کانال ساختگی، تنگه طبیعی و آبراه راهبردی مرز حقوقی کشیده می‌شود، متن ناخواسته به عادی‌سازی یک ادعای سست کمک می‌کند. اگر خواننده به این برداشت برسد که «عوارض‌گیری در آبراه‌ها عادی است، پس در هرمز هم عجیب نیست»، در واقع به دام یک قیاس ناقص افتاده است. مشکل اصلی، کمبود مثال نیست؛ اختلاط مفاهیم است.

در این میان، برخی در داخل ایران ممکن است چنین بپندارند که با تهدید هرمز می‌توان برای همیشه جهان را در موضع دفاعی نگه داشت. اما این هم ساده‌سازی است. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید اکنون فقط عربستان و امارات مسیرهای عملیاتی محدودی برای دور زدن بخشی از هرمز دارند و ظرفیت آزاد آنها حدود ۳.۵ تا ۵.۵ میلیون بشکه در روز است؛ رقمی که بسیار کمتر از کل عبور انرژی از هرمز است. پس هنوز نمی‌توان گفت هرمز فردا بی‌اثر می‌شود. اما بخش مهم ماجرا اینجاست: هر بار که جمهوری اسلامی از هرمز بعنوان ابزار تهدید استفاده می‌کند، انگیزه جهان و همسایگان برای گسترش خط لوله‌ها، بنادر جایگزین و مسیرهای دورزننده بیشتر می‌شود. این یعنی تهران ممکن است امروز فشار وارد کند، اما همزمان دیگران را به خنثی کردن این اهرم هل می‌دهد.

اگر کار به شکایت در سازمان ملل یا دیوان

تنظیم مسیرها و پیشگیری از آلودگی نقش داشته باشند، اما این اختیار تا جایی معتبر است که در عمل به اخلاص در اصل عبور نینجامد. به زبان روشن‌تر، میان «قانون‌گذاری برای ایمنی» و «پول‌ستانی از صرف عبور» فاصله‌ای بنیادی وجود دارد. موضع سازمان بین‌المللی دریانوردی که رویترز نقل کرده نیز همین را می‌گوید: گرفتن toll از هرمز «سابقه‌ای خطرناک» است و با چارچوب حقوقی تنگه‌های بین‌المللی سازگار نیست.

در این میان، یک تمایز دیگر نیز بسیار مهم است: فرق میان عوارض عبور و هزینه خدمات. در بسیاری از بنادر، کانال‌ها یا برخی گذرگاه‌ها ممکن است برای راهنمایی دریایی، یدک‌کشی، پهلوگیری یا خدمات بندری هزینه‌هایی دریافت شود. اما این با آنچه امروز درباره هرمز مطرح می‌شود یکی نیست. مسئله بر سر این نیست که برای یک خدمت مشخص پول گرفته شود؛ مسئله این است که اصل عبور از یک تنگه طبیعی بین‌المللی، به منبع درآمد یا ابزار فشار سیاسی تبدیل شود. همین جاست که قیاس با سوئز و پاناما خواننده را به راه غلط می‌برد.

مسئله دیگر آن است که تنگه هرمز ملک انحصاری ایران نیست. این گذرگاه میان ایران و عمان قرار دارد و یکی از مهمترین گلوگاه‌های انرژی جهان است. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید در سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۱۵ میلیون بشکه در روز نفت خام، معادل حدود ۳۴ درصد تجارت جهانی نفت خام دریابرد، از هرمز گذشته است. همین منبع می‌گوید بیشتر این صادرات راهی آسیا می‌شود و چین و هند روی هم ۴۴ درصد آن را دریافت کرده‌اند. بنابراین، هرگونه دستکاری در هرمز فقط آمریکا یا اروپا را درگیر نمی‌کند؛ بازار انرژی آسیا، بیمه‌دریایی، کشتیرانی جهانی و زنجیره بازرگانی جهان را نیز حساس می‌سازد.

از اینجا به بخش مهم‌تر تحلیل می‌رسیم: خطر افتادن در دام فرضیه‌های غلط. هنگامی که یک حکومت در شرایط فشار و فرسایش می‌کوشد با دست بردن به گلوگاه‌های جهانی برای خود برگ چانه‌زنی بسازد، ممکن است در کوتاه‌مدت تصور کند که اهرمی تازه به دست آورده است.

س. روزبه - آیا می‌توان تنگه هرمز را با کانال‌های ساختگی مانند سوئز و پاناما یکسان دانست؟ آیا جمهوری اسلامی از دید حقوق بین‌الملل حق دارد برای عبور کشتی‌ها از این تنگه عوارض تعیین کند؟ و آیا افتادن در دام چنین قیاس نادرستی، ناخواسته به عادی‌سازی یک ادعای حقوقی سست و در عین حال پرهزینه برای آینده ایران می‌انجامد؟ در روزهایی که دوباره سخن از «عوارض‌گیری» از کشتی‌های گذرنده از تنگه هرمز به میان آمده، بخشی از گزارش‌ها و تحلیل‌ها با کنار هم گذاشتن نمونه‌هایی مانند سوئز، پاناما، مالاکا و تنگه‌های ترکیه، این تصور را پدید آورده‌اند که گرفتن عوارض از هرمز نیز می‌تواند امری عادی یا دست‌کم قابل قیاس با دیگر گذرگاه‌های جهان باشد. درست در همین جا خطای اصلی رخ می‌دهد. هرمز نه کانال سوئز است، نه کانال پاناما، و نه دارای ساختار شده یک دولت که بتوان برای بهره‌برداری از زیرساخت آن تعرفه بست. تنگه هرمز یک گذرگاه طبیعی و بین‌المللی است و در حقوق دریاهای رژیم ویژه خود را دارد. متن رسمی بخش سوم کنوانسیون حقوق دریاهای دوباره تنگه‌های مورد استفاده در ناوبری بین‌المللی و نیز گزارش رویترز از موضع سازمان بین‌المللی دریانوردی این تفاوت را روشن می‌کنند.

برای آنکه بحث از همان آغاز روشن باشد، باید سه اصطلاح را از هم جدا کرد:

آبراه — Waterway واژه‌ای عام است و هر مسیر آبی قابل استفاده برای رفت و آمد و حمل و نقل را دربر می‌گیرد، خواه طبیعی باشد، خواه ساختگی.

کانال — Canal معمولاً مسیر آبی ساخته شده یا بطور اساسی مهندسی شده به دست انسان است؛ مانند کانال سوئز و کانال پاناما، که دولت یا نهاد اداره‌کننده برای نگهداری، خدمات، مدیریت ترافیک و بهره‌برداری از زیرساخت، از کشتی‌ها عوارض می‌گیرد.

تنگه — Strait گذرگاه طبیعی باریکی است که دو پهنه آبی بزرگ‌تر را به هم پیوند می‌دهد. هنگامی که چنین تنگه‌ای برای ناوبری جهانی به‌کار می‌رود، در رده Straits used for international navigation قرار می‌گیرد و از رژیم ویژه Transit Passage یا «عبور ترانزیتی» برخوردار می‌شود. این تمایز فقط واژگانی نیست؛ ستون اصلی داوری حقوقی درباره هرمز همین جاست. متن کنوانسیون حقوق دریاهای این چارچوب را به روشنی شرح می‌دهد.

از همین رو، نخستین اشکال در برخی گزارش‌ها این است که «اهمیت راهبردی» را با «رژیم حقوقی» در هم می‌آمیزند. درست است که سوئز، پاناما، مالاکا و هرمز همگی گلوگاه‌های مهم جهانی‌اند، اما مهم بودن ژئوپولیتیکی به این معنا نیست که از دید حقوقی یکسان باشند. سوئز و پاناما زیرساخت‌های مهندسی شده‌اند و عوارض عبور در آنها به استفاده از یک تاسیسه و هزینه‌های اداره آن گره خورده است. اما هرمز یک تنگه طبیعی است و ایران آن را نساخته، پدید نیآورده و از این جهت در جایگاه صاحب یک زیرساخت ساختگی قرار ندارد که بخواهد برای اصل عبور قیمت بگذارد. همین نکته باید در مرکز هر تحلیل جدی قرار گیرد.

بخش سوم کنوانسیون حقوق دریاهای تصریح می‌کند که در تنگه‌های مورد استفاده در ناوبری بین‌المللی، کشتی‌ها و هواپیماها از حق «عبور ترانزیتی» برخوردارند و دولت‌های ساحلی نباید این عبور را متوقف یا معلق کنند. دولت‌های ساحلی البته می‌توانند در زمینه‌هایی مانند ایمنی کشتیرانی،

دونالد ترامپ بامداد دوشنبه ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) اعلام کرد که محاصره بنادر ایران از ساعت ۱۷:۳۰ به وقت تهران آغاز می‌شود. رئیس جمهوری ایالات متحده با انتشار پیامی در «تروث سوشال» نوشت که ایالات متحده جلوی ورود و خروج کشتی‌ها به همه بنادر جنوبی ایران را می‌گیرد.

به گفته ترامپ، با این محاصره جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند به هیچ کشوری نفت بفروشد. این تصمیم در پی بی‌نتیجه ماندن مذاکرات اسلام‌آباد اتخاذ شده است.

سنتکام اعلام کرد طبق دستور رئیس جمهوری آمریکا محاصره بنادر ایران را آغاز می‌کند. در بیانیه ستاد مرکزی فرماندهی ایالات متحده آمده است که نیروهای آمریکایی برای عبور کشتی‌هایی که مبدأ یا مقصدی غیرایرانی دارند، مانعی ایجاد نمی‌کنند.

در واکنش به اولتیماتوم ترامپ، سخنگوی قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیاء» در بیانیه‌ای اعلام کرد: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با صراحت و قاطعیت اعلام می‌کنند امنیت بنادر در خلیج فارس و دریای عمان یا برای همه است یا برای هیچکس. اگر امنیت بنادر جمهوری اسلامی ایران در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان تهدید شود هیچ بندری در

واکنش جمهوری اسلامی به اولتیماتوم ترامپ برای محاصره بنادر ایران؛ «هیچ بندری در خلیج فارس و دریای عمان در امان نخواهد بود»



یک کشتی در تنگه هرمز

خلیج فارس و دریای عمان در امان نخواهد بود.» شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی گفته تهدیدات ترامپ «بسیار مضحک و خنده‌دار است.» ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت: «اینکه ترامپ گفته محاصره دریایی ایران را شروع می‌کند بلوف‌زنی است تا واقعیت، چون عملیات جنگی محسوب شده و ما پاسخ خواهیم داد و وضعیت فعلی که در آن افتاده را پیچیده‌تر کرده و بازاری که از آن خشمگین است را متلاطم‌تر می‌کند و هم ما شاید کارت‌های دیگرمان را که در بازی استفاده نکرده‌ایم را رو کنیم.»

اما علی بیگدلی استاد روابط بین‌الملل در تهران، به ایلنا گفته «ادعای محاصره دریایی نشان‌دهنده این است که آمریکا فعلاً نمی‌خواهد وارد جنگ مستقیم با ایران شود.» ترامپ از دولت‌های اروپایی خواسته در این عملیات با آمریکا همکاری کنند اما فعلاً آنها موافقت نکرده‌اند. کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا اعلام کرد که این کشور به محاصره دریایی تنگه هرمز نخواهد پیوست. او به رادیو بی‌بی‌سی گفت: «ما از این محاصره حمایت نمی‌کنیم» و افزود که بریتانیا «درگیر این جنگ با ایران نمی‌شود.»

● دونالد ترامپ اعلام کرد که محاصره بنادر ایران از ساعت ۱۷:۳۰ دوشنبه به وقت ایران آغاز می‌شود. نخست وزیر بریتانیا اعلام کرده کشورش به کارزار محاصره بنادر ایران نخواهد پیوست.

● در واکنش به اولتیماتوم ترامپ، سخنگوی قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیاء» در بیانیه‌ای اعلام کرد: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با صراحت و قاطعیت اعلام می‌کنند امنیت بنادر در خلیج فارس و دریای عمان یا برای همه است یا برای هیچکس. اگر امنیت بنادر جمهوری اسلامی ایران در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان تهدید شود هیچ بندری در خلیج فارس و دریای عمان در امان نخواهد بود.»

● ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت: «اینکه ترامپ گفته محاصره دریایی ایران را شروع می‌کند بلوف‌زنی است تا واقعیت، چون عملیات جنگی محسوب شده و ما پاسخ خواهیم داد» اما علی بیگدلی استاد روابط بین‌الملل در تهران، به ایلنا گفته «ادعای محاصره دریایی نشان‌دهنده این است که آمریکا فعلاً نمی‌خواهد وارد جنگ مستقیم با ایران شود.»

→ لاهه برسد، باز هم دست جمهوری اسلامی چندان باز نیست. در سازمان ملل، نتیجه بیش از آنکه قضایی باشد، سیاسی و دیپلماتیک خواهد بود: فشار بیشتر، ثبت رسمی اعتراض‌ها، محکومیت دیپلماتیک و تقویت اجماع جهانی درباره آزادی ناوربری. شورای امنیت می‌تواند جلسه تشکیل دهد و بر لزوم باز بودن مسیر کشتیرانی تأکید کند، هرچند حق و تو ممکن است مانع تصمیم‌های سخت‌تر شود. اسناد سازمان ملل و گزارش نشست‌های شورای امنیت این چارچوب را نشان می‌دهند. در دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه نیز مسئله اصلی پیش از هر چیز «صلاحیت» است. این دیوان فقط زمانی می‌تواند به دعوی میان دولت‌ها رسیدگی کند که مبنای صلاحیت داشته باشد؛ یعنی یا دو طرف رضایت داده باشند یا یک مبنای قراردادی روشن وجود داشته باشد. خود دیوان بین‌المللی دادگستری صریحاً می‌گوید که صلاحیتش در دعوی ترافیعی بر پایه رضایت دولت‌ها است. ایران نیز کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را امضا کرده اما تصویب نکرده است، و همین موضوع، کار را از نظر صلاحیتی برای شاکیان دشوارتر می‌کند. اما حتی اگر پرونده از این مانع عبور کند، دفاع از عوارض‌گیری در یک تنگه طبیعی بین‌المللی بسیار دشوار خواهد بود، زیرا اصل عبور ترانزیتی و مخالفت نهادهای دریایی بین‌المللی با اخلاف در آن، علیه موضع تهران وزن سنگینی دارد.

در همین چارچوب، این جمع‌بندی را می‌توان روشن و بی‌پرده گفت: جمهوری اسلامی شاید بتواند در شورای امنیت با کمک وتو از فشار فوری بگریزد، اما در سطح حقوقی و هنجاری، دفاع از عوارض‌گیری در هرمز بسیار دشوار است؛ و حتی اگر پرونده قضایی به دلیل مانع صلاحیت پیش نرود، هزینه سیاسی و بین‌المللی این ادعا پابرجا خواهد ماند. این فقط یک گرفتاری حقوقی نیست؛ یک دام راهبردی است. زیرا کشوری که بخواهد با دستکاری در یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های جهان برای خود امتیاز بسازد، ممکن است در کوتاه مدت لرزه‌ای در بازارها ببیند، اما در بلندمدت خود را در جایگاه متهم اخلاف در آزادی ناوربری، امنیت انرژی و نظم بازرگانی جهانی بنشانند. و این جایگاهی است که هزینه آن را در نهایت نه فقط حکومت، که مردم ایران هم خواهند پرداخت.

نتیجه آنکه افتادن در دام این فرضیه که هرمز را می‌توان مانند یک کانال ساختگی به منبع عوارض دائمی تبدیل کرد، فقط یک لغزش نظری نیست؛ یک خطای عملی خطرناک است. چنین خطایی ممکن است در لحظه، برای تهدید یا چانه‌زنی کار کند، اما در ادامه می‌تواند اجماع جهانی را علیه ایران سخت‌تر کند، اقتصاد جهان را به سمت مسیرهای جایگزین سوق دهد، و کشور را در جایگاه متهم اخلاف در آزادی ناوربری قرار دهد. این بازی شاید برای یک لحظه جواب بدهد، اما هزینه بلندمدتش می‌تواند برای مردم ایران بسیار سنگین‌تر باشد. و از همین رو، باید از عادی‌سازی این قیاس غلط پرهیز کرد: هرمز کانال سوئز نیست.

منابع برگزیده:

- کنوانسیون حقوق دریاها، بخش سوم: تنگه‌های مورد استفاده در ناوربری بین‌المللی
- رویترز: سازمان بین‌المللی دریانوردی، عوارض‌گذاری در هرمز را سابقه‌ای خطرناک دانست
- آژانس بین‌المللی انرژی: تنگه هرمز و امنیت انرژی
- رویترز: مخالفت یونان با هرگونه عوارض برای عبور از هرمز
- اسناد سازمان ملل: قطعنامه ۲۸۱۷ شورای امنیت
- دیوان بین‌المللی دادگستری: مبنای صلاحیت

صدور حکم «اعدام» برای چهار شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴

بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ به اعدام محکوم شده‌اند اما قوه قضاییه اجرای حکم شماری از شهروندان را آغاز کرده است.

امیرحسین حاتمی، محمدامین بیگلری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی و علی فهیم پنج شهروندی هستند که در پرونده‌های مرتبط با آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران در جریان اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت شدند و حکم اعدام چهار تن از آنها اجرایی شده است.

حکم اعدام امیرحسین حاتمی روز پنجشنبه ۱۳ فروردین‌ماه اجرا شد. همزمان منابع آگاه اعلام کرده بودند دیگر محکومان به اعدام این پرونده نیز به سلول انفرادی منتقل شده و به آنها گفته شده حکم اعدام آنها به زودی

ساختارشکنانه، استفاده از مواد منفجره و آتش‌زا و سلاح سرد، زخمی کردن صدها نفر از شهروندان بی‌گناه و حافظان امنیت و تخریب اموال عمومی» اعلام کرده است.

بر اساس گزارش «دادبان» صدور حکم اعدام در چنین پرونده‌ای در حالی صورت گرفته که شواهد موجود از فقدان معیارهای حداقلی دادرسی عادلانه حکایت دارد. استناد اصلی دادگاه به «گزارش ضابطین خاص» و نبود شفافیت درباره ادله مستقل، همراه با فقدان توضیح روشن درباره نحوه رسیدگی، دسترسی موثر متهمان به وکیل و امکان دفاع کامل، این نگرانی جدی را ایجاد می‌کند که محکومیت‌ها بدون برخورداری متهمان از حق دفاع موثر و در روندی فاقد تضمین‌های اساسی دادرسی صادر شده باشد.

«دادبان» افزوده «عنوان اتهامی «اقدام عملیاتی برای

چهار معترض اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ به نام‌های محمدرضا مجیدی‌اصل، بیتا علی‌همتی، بهروز زمانی‌نژاد و کوروش زمانی‌نژاد از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به «اعدام» محکوم شدند.

امیرمحمد علی‌همتی متهم دیگر این پرونده به ۵ سال و ۸ ماه زندان محکوم شده است.

در این پرونده محمدرضا مجیدی‌اصل و بیتا علی‌همتی زن و شوهر هستند و متهم ردیف پنجم امیرمحمد علی‌همتی برادر بیتا است. همچنین بهروز و کوروش زمانی‌نژاد نیز برادر و همسایه سه متهم دیگر هستند.

ساعتی پس از اعتراضات خونین ۱۸ دی ۱۴۰۴ و در ساعت ۳ بامداد ۱۹ دی‌ماه، مأموران امنیتی با یورش به محل سکونت این شهروندان، آنها را بازداشت کردند.

هزاران شهروند در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شدند که شماری از آنها با اتهاماتی سنگین به «اعدام» محکوم شدند.

در این پرونده‌ها متهمان در شیوه‌های مشابه با پرونده‌سازی و سناریوسازی نهادهای امنیتی روبرو شده و برای اعتراف اجباری زیر فشار و شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر روند دادرسی در این پرونده‌ها حتی با قوانین جمهوری اسلامی در تضاد بوده است. متهمان از دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و همچنین در زمان دادگاه امکان و زمان دفاع از خود را پیدا نکرده‌اند.

دادگاه انقلاب تهران چهار معترض بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ را به «اعدام» محکوم کرده است. سه محکوم به اعدام در این پرونده مرد و یک تن از آنها زن است. مرکز مشاوره حقوقی «دادبان» روز دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ گزارش داده که چهار معترض اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ به نام‌های محمدرضا مجیدی‌اصل، بیتا علی‌همتی، بهروز زمانی‌نژاد و کوروش زمانی‌نژاد از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به «اعدام» محکوم شدند.

«دادبان» افزوده امیرمحمد علی‌همتی متهم دیگر این پرونده به ۵ سال و ۸ ماه زندان محکوم شده است.

در این پرونده محمدرضا مجیدی‌اصل و بیتا علی‌همتی زن و شوهر هستند و متهم ردیف پنجم امیرمحمد علی‌همتی برادر بیتا است. همچنین بهروز و کوروش زمانی‌نژاد نیز برادر و همسایه سه متهم دیگر هستند.

در رأی صادره از سوی دادگاه این متهمان با استناد به ماده یک قانون «تشدید مجازات جهت همکاری با رژیم صهیونیستی و کشور متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» به اتهام «اقدام عملیاتی برای دولت متخاصم ایالات متحده و گروه‌های تروریستی (ضد انقلاب و سلطنت‌طلب)» به اعدام محکوم شده‌اند.

دادگاه انقلاب تهران همچنین این ۴ نفر را به اتهام اجتماع و تبانی به تحمل پنج سال حبس تعزیری و مصادره کلیه اموال آن‌ها محکوم کرده است.

«دادبان» گزارش داده در حکم صادره، «گزارش ضابطین خاص» به عنوان سندی برای اثبات ارتکاب جرم علیه متهمان ذکر شده است. همچنین دادگاه در رأی خود از اعلام مصداق روشن ارتکاب جرم از سوی متهمان خودداری کرده و مصداق عملی ارتکاب جرم توسط آنان را «سر دادن شعار



از راست: بیتا علی‌همتی، محمدرضا مجیدی و امیرمحمد علی‌همتی

اجرای می‌شود. محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست، نیز سحرگاه روز یکشنبه ۱۶ فروردین و علی فهیم نیز سحرگاه روز دوشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ اعدام شدند.

مهدی قاسمی، صالح محمدی و سعید داودی نیز که در اعتراضات ۱۸ دی ۴۰۴ در شهر قم بازداشت و به اعدام محکوم شده بودند در ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ به دار آویخته شدند. این سه شهروند جوان نیز متهم به قتل مأمور نیروی انتظامی در جریان اعتراضات بودند.

شمار دیگری از شهروندان بازداشت شده در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ نیز با حکم اعدام روبرو یا با اتهاماتی سنگین از جمله «مبارزه» در انتظار صدور حکم دادگاه هستند.

اینهمه در حالیست که در این پرونده‌ها متهمان در شیوه‌های مشابه با پرونده‌سازی و سناریوسازی نهادهای امنیتی روبرو شده و برای اعتراف اجباری زیر فشار و شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر روند دادرسی در این پرونده‌ها حتی با قوانین جمهوری اسلامی در تضاد بوده است. متهمان از دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و همچنین در زمان دادگاه امکان و زمان دفاع از خود را پیدا نکرده‌اند.

دولت متخاصم» مستلزم وجود رابطه، همکاری مشخص و انجام اقدام عملیاتی مستقیم در راستای منافع یک دولت متخاصم است، اما در متن رأی منتشرشده اساساً هیچ ارتباط مشخص، مستند یا رابطه اثبات‌شده‌ای میان متهمان و دولت خارجی ذکر نشده است. اعمالی که در حکم به آن‌ها اشاره شده نیز، حتی در صورت صحت، به خودی خود واجد عناصر قانونی لازم برای انتساب چنین اتهامی نیست و عدم تبیین دقیق رفتار مجرمانه نشان می‌دهد مبنای حقوقی لازم برای تطبیق این عنوان سنگین کیفری با رفتار منتسب به متهمان به روشنی احراز نشده است.»

بر اساس گزارش‌هایی که پیشتر درباره این پرونده منتشر شده ساعتی پس از اعتراضات خونین ۱۸ دی ۱۴۰۴ و در ساعت ۳ بامداد ۱۹ دی‌ماه، مأموران امنیتی با یورش به محل سکونت چند شهروند آنها را بازداشت کردند. محمدرضا مجیدی ۲۸ ساله، به همراه همسرش بیتا علی‌همتی و برادر همسرش امیرمحمد علی‌همتی، و همچنین دو برادر در همسایگی این خانواده به نام کوروش زمانی‌نژاد و بهروز زمانی‌نژاد بازداشت شدند.

هزاران شهروند در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شدند که شماری از آنها با اتهاماتی سنگین به «اعدام» محکوم شدند. هنوز مشخص نیست دقیقاً چند تن از

موج بازداشت‌های مرتبط با جنگ به کارمندان نهادهای دولتی رسید



● تعدادی از کارمندان ادارات مختلف استان لرستان در پی پرونده‌هایی مرتبط با ۴۰ روز جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند.

● نیروی انتظامی استان لرستان مدعی شده افراد بازداشت‌شده در روزهای جنگ «اقدام به مزدوری برای شبکه‌های معاند و یا وطن‌فروشی نموده‌اند و در روزهای اخیر توسط نهادهای امنیتی دستگیر شدند».

● بر اساس اعلام نیروی انتظامی استان لرستان این کارمندان از ادارات مختلف از جمله دانشگاه لرستان، اداره نوسازی و مدارس، سازمان امور مالیاتی، دانشگاه علوم پزشکی، افرادی در سازمان نظام مهندسی و برخی فرهنگیان و همچنین ادارات دیگر بوده‌اند.

● فشارهای امنیتی و قضایی علیه شهروندان از جمله بازداشت شهروندان همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی و به بهانه «همکاری با دشمن» یا «حمایت از جنگ» افزایش یافته است.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و آمریکا اعلام کرد «دستگاه قضایی تا اطلاع ثانوی در رسیدگی به پرونده همکاران دشمن آرایش جنگی دارد و تابع مناسبات زمان جنگ است، نه قواعد حاکم بر شرایط عادی».

تعدادی از کارمندان نهادهای دولتی در استان لرستان به اتهام آنچه «وطن‌فروشی» عنوان شده و در ارتباط با مسائل مربوط به جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی بازداشت شدند.

به گزارش رسانه‌های حکومتی در ایران تعدادی از کارمندان ادارات مختلف استان لرستان در پی پرونده‌هایی مرتبط با ۴۰ روز جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند.

نیروی انتظامی استان لرستان مدعی شده افراد بازداشت‌شده در روزهای جنگ «اقدام به مزدوری برای شبکه‌های معاند و یا وطن‌فروشی نموده‌اند و در روزهای اخیر توسط نهادهای امنیتی دستگیر شدند».

بر اساس اعلام نیروی انتظامی استان لرستان این کارمندان از ادارات مختلف از جمله دانشگاه لرستان، اداره نوسازی و مدارس، سازمان امور مالیاتی، دانشگاه علوم پزشکی، افرادی در سازمان نظام مهندسی و برخی فرهنگیان و همچنین ادارات دیگر بوده‌اند.

خرگرزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران اتهامات کارمندان بازداشت‌شده را «وطن‌فروشی و همکاری با شبکه‌های معاند» اعلام کرده است.

این اتهام در حالی مطرح شده که در قوانین کیفری جمهوری اسلامی اتهامی با عنوان «وطن‌فروشی» تعریف نشده است. در همین رابطه مرکز مشاوره حقوقی «دادبان» نوشته «عنوان «وطن‌فروشی» اساساً در قوانین کیفری ایران وجود خارجی ندارد و هیچ ماده قانونی چنین عنوانی را به‌عنوان جرم تعریف نکرده است. بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هیچ فردی را نمی‌توان به دلیل رفتاری که عنوان مجرمانه مشخص و تعریف‌شده در قانون ندارد تحت تعقیب یا مجازات قرار داد و استفاده از چنین اصطلاحاتی صرفاً جنبه تبلیغاتی و سیاسی دارد نه حقوقی.»

رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افزوده بود که «دستگاه قضایی تا اطلاع ثانوی در رسیدگی به پرونده همکاران دشمن آرایش جنگی دارد و تابع مناسبات زمان جنگ است، نه قواعد حاکم بر شرایط عادی».

جمهوری اسلامی همچنین اموال شماری از روزنامه‌نگاران، هنرمندان و ورزشکاران خارج از کشور که مدعی شده از جنگ حمایت کرده‌اند را نیز توقیف کرده است.

روزنامه «هفت‌صبح» چاپ تهران روز شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ اسامی ده‌ها تن از چهره‌های شناخته شده‌ی خارج کشور و خبرنگاران رسانه‌های «ایران اینترنشنال» و «منوتو» را که اموال آنها به دستور مقام قضایی توقیف می‌شود، منتشر کرد.

روزنامه «هفت صبح» مدعی شده اموال ۴۰۰ نفر از افرادی که بر اساس این گزارش از اسرائیل و آمریکا در جریان جنگ اخیر حمایت می‌کنند با دستور قضایی توقیف شده یا می‌شود.

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی چند روز پس از آغاز جنگ در هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرد دستور قضایی برای ضبط و توقیف اموال مرتبط با آنچه «عناصر همکار با دشمن در داخل و خارج کشور» عنوان کرد صادر شده است. وی این افراد را به اعدام تهدید کرد و گفت: «یکی از مجازات‌های مقرر در این مورد، اعدام است و پس از بررسی‌ها، یکی از مجازات‌های قانونی شامل حال افراد مشمول خواهد شد.»

در پی صدور این دستور از سوی قوه قضائیه، سامانه هوشمند استعلامات مالی «سپاه» راه‌اندازی شده که با فعال شدن آن، شعب دادسراها و دادگاه‌های سراسر کشور قادرند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و به صورت آنلاین، اموال و دارایی‌های شهروندان را شناسایی کرده و اقدامات لازم را برای توقیف آنها اعمال کنند.

«دادبان» تأکید کرده که «بازداشت شهروندان بدون اعلام عنوان اتهامی مشخص و مستندات روشن، مغایر با اصول بنیادین دادرسی کیفری و ناقض اصل ۳۲ قانون اساسی است که تصریح می‌کند هیچ‌کس را نمی‌توان بازداشت کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین کرده باشد. اعلام بازداشت‌های کلی و مبهم در رسانه‌ها بدون شفاف‌سازی درباره مبنای قانونی آنها، نشانه‌ای از بازداشت‌های غیرشفاف و بالقوه خودسرانه است.»

فشارهای امنیتی و قضایی علیه شهروندان از جمله بازداشت شهروندان همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی و به بهانه «همکاری با دشمن» یا «حمایت از جنگ» افزایش یافته است. اگر چه آمار دقیق شهروندان بازداشت‌شده با اتهاماتی مرتبط با جنگ، از جمله حمایت از جنگ یا ارسال تصویر به رسانه‌های خارج از کشور، مشخص نیست اما آمارهای ارائه شده از سوی رسانه‌های حکومتی از بازداشت صدها شهروند طی یک ماه‌ونیم گذشته حکایت دارد.

خرگرزاری «میزان» متعلق به قوه قضائیه جمهوری اسلامی اسفندماه گذشته مدعی شد که علیه شماری از شهروندان با اتهام فساد فی‌الارض پرونده‌سازی کرده است و مدعی شده این شهروندان با شبکه‌های ماهواره‌ای در ارتباط بوده‌اند.

خرگرزاری «میزان» ادعا کرده بود این شهروندان با «تهیه تصاویری از محل‌های اصابت موشک‌ها» در حملات اسرائیل و آمریکا ضمن تهیه گزارش مستند، «خوراک رسانه‌ای برای شبکه‌های تروریستی ماهواره‌ای» تهیه می‌کردند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و آمریکا اعلام کرد «در رسیدگی به پرونده‌های عناصر خائن در ضمن رعایت مژ قانون و ملکه عدالت، نهایت قاطعیت و تسریع را به خرج می‌دهیم.»

از هولوکاست نازیسم تا ایران جمهوری اسلامی؛ تکرار منطق جنایت علیه بشریت

«جهان یکبار دید و نفهمید؛ یا شاید فهمید و ترجیح داد دیر بفهمد.»

عظیم بادام دوست - هولوکاست تنها لحظه‌ای در تاریخ نبود که در آن انسان‌ها کشته شدند؛ لحظه‌ای بود که در آن، برای نخستین بار در مقیاسی سازمان یافته، دولت تصمیم گرفت انسان را از انسانیت تهی کند و جهان، با فاصله‌ای مرگبار، نظاره‌گر ماند. از آن پس، هولوکاست نه فقط نام یک جنایت، بلکه نام یک هشدار شد؛ هشدار می‌گفت که می‌گفتی، وقتی ایدئولوژی می‌شود، وقتی به قدرت دولتی گره می‌خورد و از پاسخگویی معاف می‌گردد، دیگر به مرز و زمان و جغرافیا وفادار نمی‌ماند.

اشتباه تاریخ آن بود که هولوکاست را به گذشته تبعید کرد، گویی با پایان جنگ جهانی دوم، منطق آن نیز دفن شد. حال آنکه آنچه باید به یاد سپرده می‌شد، نه فقط تصویر اردوگاه‌ها، بلکه الگوی جنایت بود. تصمیم آگاهانه‌ی قدرت برای حذف، برای خاموش کردن، برای نامرئی‌سازی قربانی، و سپس برای انکار.

امروز، در قرن بیست و یکم، همان الگو بازگشته است؛ نه با یونیفورم‌های خاکستری و کوره‌های آتش، بلکه با گلوله در خیابان، با بازداشت شبانه، با تهدید خانواده‌ها و با خاموشی کامل ارتباطات. جمهوری اسلامی نشان داده است که جنایت علیه بشریت دیگر نیازی به اردوگاه ندارد. خیابان‌های شهرهای ایران، در شب‌های قطع اینترنت، همان کارکردی را یافته‌اند که اردوگاه‌های مرگ داشتند؛ مکانی برای کشتن در غیاب شاهد.

وقتی اینترنت قطع می‌شود، مسئله فقط فناوری نیست. قطع اینترنت یعنی قطع حافظه، قطع شهادت، قطع امکان دیده شدن. یعنی تبدیل انسان به قربانی بی‌صدا. یعنی بازتولید همان منطق که زمانی قربانیان را پشت سیم‌های خاردار پنهان می‌کرد تا جهان نبیند و نداند. امروز سیم‌خاردار دیجیتال است، اما هدف همان است: جنایت در تاریکی.

بیش از سی‌هزار کشته، هزاران زندانی، صدها اعدام و نسلی که با زخم و سوگ بزرگ می‌شود، اعداد تکان‌دهنده‌اند، اما جنایت را تعریف نمی‌کنند. آنچه جمهوری اسلامی را در جایگاه یک رژیم مرتکب جنایت علیه بشریت قرار می‌دهد، نه فقط شمار قربانیان، بلکه نیت، شیوه و تداوم است، تصمیم سیستماتیک برای کشتن شهروندان خود، برای سلب کرامت از آنان و برای حذف حقیقت پیش از حذف انسان.

در این‌جاست که حافظه‌ی تاریخی ملت‌ها به هم می‌رسد. ملت یهود، بیش از هر ملت دیگری، این سازوکار را می‌شناسد. می‌داند چگونه یک حکومت، پیش از آنکه جسم را نابود کند، انسانیت را انکار می‌کند؛ چگونه قربانی را از همدلی جهان جدا می‌سازد و چگونه سکوت جهانی، حتی اگر از سر خستگی یا مصلحت باشد، به بخشی از فاجعه بدل می‌شود. ملت ایران امروز، همین منطق را تجربه می‌کند. نه برای مقایسه‌ی رنج، نه برای رقابت در تاریخ درد، بلکه برای گفتن این حقیقت ساده که زبان این جنایت، زبانی شناخته شده است. حافظه‌ی هولوکاست، حافظه‌ی یک ملت تنها نیست، حافظه‌ی بشریت است، و هر جا که همان منطق حذف دوباره به کار می‌افتد، آن حافظه

خطر اجرای حکم اعدام محمد رضا طبری، شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴



محمد رضا طبری

● پرونده محمد رضا طبری شهروند ۵۰ ساله بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ اکنون در دیوان عالی کشور تحت بررسی است و خطر اجرای حکم اعدام او با تأیید دیوان عالی کشور وجود دارد.

● محمد رضا طبری در دادگاه انقلاب تهران به اتهام «مبارزه» از طریق استفاده از سلاح گرم و زخمی کردن یک بسیجی به اعدام محکوم شده است.

● گزارش‌ها حاکی از آنست که محمد رضا طبری وقتی از سوی ساکنان شهرک محل زندگی‌اش متوجه می‌شود تحت تعقیب است، به آگاهی مراجعه و خودش را معرفی می‌کند.

● خبرگزاری «فارس» نیز در یک گزارش مدعی شده محمد رضا طبری از «چهره‌های فعال» در اعتراضات بوده و در جریان اعتراضات «با استفاده از سلاح گرم، یکی از نیروهای امنیتی را زخمی کرده است». این در حالیست که مستندات پرونده نشان می‌دهد او هنگام حضور در اعتراضات حتی از ماسک و کلاه استفاده نکرده است!

● محمد رضا طبری ساکن «اورین» از توابع اسلامشهر است و صاحب یک مغازه نجاری در همین منطقه است.

محمد رضا طبری از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در دادگاه انقلاب تهران و به اتهام زخمی کردن یک بسیجی به اعدام محکوم شده است. پرونده این شهروند ۵۰ ساله اکنون در دیوان عالی کشور تحت بررسی است و خطر اجرای حکم اعدام او با تأیید دیوان عالی کشور وجود دارد.

محمد رضا طبری

محمد رضا طبری شهروند دستگیر شده در جریان اعتراضات دی‌ماه در تهران، که به زخمی کردن یک بسیجی متهم شده بود، توسط شعبه بیست و شش دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد و پرونده‌اش هم‌اکنون برای فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شده است.



دوباره زنده می‌شود. از همین‌رو، ملت ایران خود را نه در برابر، بلکه در کنار ملت اسرائیل می‌بیند؛ در جبهه‌ی مشترک قربانیان توتالیتاریسم، نفی انسان و جنایتی که با سکوت جهانی جسورتر می‌شود.

این همدردی نه سیاسی است و نه ابزاری؛ اخلاقی است. پیوندی است میان قربانیان توتالیتاریسم، در هر زمان و هر شکل. جمهوری اسلامی دشمن مردم ایران است، نه نماینده‌ی آنان؛ همان‌گونه که نازیسم نماینده‌ی یهودیان اروپا نبود. این تمایز، برای جهان، بویژه برای جامعه‌ای که حافظه‌ی هولوکاست را زنده نگاه داشته، باید روشن باشد. پس از هولوکاست، جهان با صدایی بلند گفت: «هرگز دوباره». اما این جمله، اگر به عمل بدل نشود، به ابتذال کشیده می‌شود. امروز، ایران آزمون تازه‌ی این تعهد است. وقتی حکومتی شهروندان را می‌کشد، ارتباطشان را قطع می‌کند، حقیقت را دفن می‌کند و همچنان در مجامع جهانی با عادی‌ترین مناسبات پذیرفته می‌شود، مسئله دیگر سیاست داخلی نیست. مسئله، شکست اخلاقی نظم جهانی است.

تاریخ، فقط قاتلان را محاکمه نمی‌کند، تماشاگران را نیز به یاد می‌سپارد. همان‌گونه که امروز از خود می‌پرسم جهان دیروز کجا ایستاده بود، فردا از جهان امروز خواهند پرسید که وقتی مردم ایران در تاریکی کشته می‌شدند، وقتی خیابان‌ها اردوگاه شده بود و اینترنت سیم‌خاردار، شما چه دیدید و چه کردید؟

هولوکاست به ما آموخت که شر، اگر مهار نشود، تکرار می‌شود؛ نه الزاما به همان شکل، بلکه با همان منطق. و جمهوری اسلامی نشان داده است که این منطق هنوز زنده است. پرسش نهایی این نیست که آیا جهان می‌داند؛ پرسش این است که آیا این‌بار، مسئولیت دانستن را خواهد پذیرفت یا نه.



وزارت خزانهداری آمریکا شبکه قاچاق نفت مرتبط با پسر شمشانی و حزب الله را تحریم کرد



وزارت خزانهداری آمریکا

وزارت خزانهداری آمریکا همچنین سید بدر الدین نعیمی موسوی، تبعه ایران و تامین‌کننده مالی حزب الله لبنان، و سه شرکت مرتبط با شبکه‌ای پیچیده در فروش نفت ایران در ازای طلای ونزوئلا را تحریم کرد. به گفته این وزارتخانه، این شبکه در نهایت به نفع حزب الله و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند. اسکاوت بسنت وزیر خزانهداری آمریکا، گفت: «وزارت خزانهداری با اجرای خشم اقتصادی، نخبگان حکومت مانند خانواده شمشانی را که به بهای زیان مردم ایران سود می‌برند، هدف قرار می‌دهد. تحت رهبری دونالد ترامپ، خزانهداری به قطع شبکه‌های قاچاق غیرقانونی و شبکه‌های نیابتی تروریستی ایران ادامه خواهد داد. موسسات مالی باید آگاه باشند که خزانهداری از همه ابزارها، از جمله تحریم‌های ثانویه، علیه حامیان فعالیت‌های تروریستی تهران استفاده می‌کند.»

همزمان کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید، اعلام کرد که محاصره دریایی علیه ایران «به‌طور کامل اجرا شده» و تمامی کشتی‌هایی را که به بنادر ایران وارد یا از آن خارج می‌شوند، در بر می‌گیرد. او با رد برخی گزارش‌ها، تأکید کرد این اقدام شامل همه بنادر ایران در خلیج فارس است و به‌صورت فراگیر اعمال می‌شود. به گفته او، نیروهای آمریکایی در منطقه هم‌زمان از آزادی‌کشتیرانی برای شناورهایی که از تنگه هرمز عبور کرده و به بنادر غیرایرانی رفت‌وآمد دارند، حمایت می‌کنند؛ موضوعی که به گفته او، در برخی گزارش‌های رسانه‌ای به‌درستی منعکس نشده بود.

سخنگوی کاخ سفید همچنین تصریح کرد که این سیاست به‌گونه‌ای طراحی شده که در عین حفظ اصل آزادی کشتیرانی، از هرگونه فعالیت دریایی که به اقتصاد ایران کمک کند جلوگیری شود. او افزود در شرایطی که مذاکرات ادامه دارد، هیچ نفتکش یا کشتی‌ای که به‌نحوه به منافع اقتصادی ایران کمک کند، مشمول این حمایت نخواهد بود.

● یک هفته پس از اعلام آتش‌بس موقت، وزارت خزانهداری آمریکا ۳ شخص، ۱۷ شرکت و ۹ نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد. وزارت خزانهداری آمریکا ۱۵ آوریل (۲۶ فروردین) اعلام کرد این تحریم‌ها شبکه وابسته به محمدحسین شمشانی (پسر علی شمشانی معروف به هکتور) و همچنین یک شبکه تامین مالی مرتبط با حزب الله لبنان هدف قرار گرفت.

● طبق بیانیه دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانهداری آمریکا (OFAC) محمدحسین شمشانی با استفاده از شرکت‌های پوششی در امارات متحده عربی، هند و جزایر مارشال تحریم‌ها را دور زده و از طریق فروش نفت و گاز مایع ایران و روسیه میلیاردها دلار درآمد ایجاد کرده است. به گفته وزارت خزانهداری آمریکا، شمشانی مدیریت یک امپراتوری چند میلیارد دلاری فروش نفت را برعهده دارد که به سود حکومت ایران فعالیت می‌کند.

یک هفته پس از اعلام آتش‌بس موقت، وزارت خزانهداری آمریکا ۳ شخص، ۱۷ شرکت و ۹ نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد. وزارت خزانهداری آمریکا ۱۵ آوریل (۲۶ فروردین) اعلام کرد این تحریم‌ها شبکه وابسته به محمدحسین شمشانی (پسر علی شمشانی معروف به هکتور) و همچنین یک شبکه تامین مالی مرتبط با حزب الله لبنان هدف قرار گرفت.

طبق بیانیه دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانهداری آمریکا (OFAC) محمدحسین شمشانی با استفاده از شرکت‌های پوششی در امارات متحده عربی، هند و جزایر مارشال تحریم‌ها را دور زده و از طریق فروش نفت و گاز مایع ایران و روسیه میلیاردها دلار درآمد ایجاد کرده است. به گفته وزارت خزانهداری آمریکا، شمشانی مدیریت یک امپراتوری چند میلیارد دلاری فروش نفت را برعهده دارد که به سود حکومت ایران فعالیت می‌کند.

➔ محمدرضا طبری، معترض ۵۰ ساله ساکن «اورین» از توابع اسلامشهر و صاحب یک مغازه نجاری در همین منطقه، در اعتراضات دی ۴۰۴ در تهران بازداشت شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران این شهروند را با ادعای زخمی کردن یک بسیجی به اعدام محکوم کرده است.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» گزارش داده در کیفرخواست صادر شده علیه محمدرضا طبری او به «محاربه از طریق کشیدن سلاح گرم به قصد ارباب مردم و نیروهای حافظ امنیت و همچنین اقدام عملیاتی به نفع گروه‌های سلطنت طلب وابسته به رژیم منحوس صهیونیستی و ایجاد رعب و وحشت عمومی از طریق تیراندازی به سمت نیروهای حافظ امنیت» متهم شده است.

خبرگزاری «فارس» نیز در یک گزارش مدعی شده محمدرضا طبری از «چهره‌های فعال» در اعتراضات بوده و در جریان اعتراضات «با استفاده از سلاح گرم، یکی از نیروهای امنیتی را زخمی کرده است».

این ادعا که بر مبنای کیفرخواست صادر شده علیه این شهروند مطرح شده با ابهاماتی روبرو است؛ از جمله عدم اشاره روشن به هویت فرد مجروح در مستندات قضایی و برگزاری جلسه دادگاه بدون حضور وکیل منتخب یا اطلاع قبلی به خانواده.

خبرگزاری «میزان»، وابسته به قوه قضاییه، نیز ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ خبر و ویدئویی از برگزاری نخستین جلسه دادگاه محمدرضا طبری را منتشر کرد. در این گزارش ادعا شد این شهروند از «لیدرهای» اعتراضات بوده و «با در اختیار داشتن سلاح گرم» در شهرستان بهارستان شهرک «اورین» در روز ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، «یک نیروی حافظ امنیت را مجروح کرده است».

وبسایت «ایران وایر» نیز اسفندماه گذشته به نقل از یک منبع آگاه گزارش داد در پرونده محمدرضا طبری نامی از فردی که زخمی شده نیست و خانواده از طریق یک شخص نزدیک به حکومت متوجه شدند که یک بسیجی در ابتدا به‌عنوان زخمی معرفی شده بوده ولی بعداً رضایت داده است. این منبع آگاه گفته بود که «اصلاً اسمش در پرونده نیست. کسی که داخل دادگاه آوردند، یک فرد غیرمرتبطی است که آوردند تا صحنه برایش بسازند.»

او افزوده بود: «محمدرضا اصلاً آدم ناواردی بوده، بدون کلاه، بدون ماسک و بدون عینک و روپوش رفته خیابان. کاملاً از سر خشم و درماندگی. هر کسی یک مقداری در این وادی‌ها تنفس کرده باشد متوجه می‌شود که کسی که بخواهد شلیک کند، حداقل یک ماسک می‌زند. اورین هم یک شهرستان خیلی کوچک است و محمدرضا طبری هم قدیمی آن‌جاست. چطور ممکن است حتی صورتش را نپوشانده باشد؟»

همچنین گزارش‌ها حاکی از آنست که محمدرضا طبری وقتی از سوی ساکنان شهرک محل زندگی‌اش متوجه می‌شود تحت تعقیب است، به آگاهی مراجعه و خودش را معرفی می‌کند.

این شهروند تنها یکبار و در روزهای نخست پس از بازداشت با خانواده‌اش تماسی کوتاه داشته است. جلسه دادگاه او نیز بدون اطلاع قبلی به خانواده برگزار شده و در نتیجه خانواده نتوانسته‌اند به دادگاه مراجعه و او را ببینند. محمدرضا طبری از حق دسترسی به وکیل انتخابی هم محروم بوده است.

سازمان عفو بین‌الملل پیشتر نسبت در بیانیه‌ای به خطر صدور و اجرای حکم اعدام علیه شهروندان بازداشت‌شده در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ اشاره و نام شماری از بازداشت‌شدگان از جمله محمدرضا طبری را مورد تأکید قرار داده بود.

جنگ باید با تسلیم «نظام» به ملت ایران پایان پذیرد



و جان و دارایی‌های خود گرفته است بسی ناچیزتر است. این نظام، تنها در آخرین نبرد خود با مردم بی‌سلاح ایران، در سه شب بیش چهل‌هزار ایرانی را کشت و بیش از پنجاه هزار تن دیگر را در دخمه‌های بی‌قانون خود محبوس کرد و آزادانه و در فراغ قانون دست به شکنجه و کشتار آنان گشوده و امروز «قاضی‌القضاتش» برای «اعدام سریع» زندانیان لاله می‌زند. همزمان با قطع سراسری اینترنت، کشور را در تاریکی دیجیتال فرو برده و با تحمیل محدودیت‌های گسترده اطلاعاتی، ارتباطات را به‌شدت محدود و امکان راستی‌آزمایی مستقل آمار کشتارها، بازداشت‌ها و ناپدیدشدگان را مختل کرده است.

بخش مختصری از آسیب‌هایی که این نظام تنها در دوران حاکمیت خود به ملت ایران وارد کرده است چنین‌اند: یکم. این نظام در طول حکمرانی چهل‌وهفت ساله خود، اقتصاد، رفاه و معیشت اکثریت قاطع مردم را به برهوت بدل کرده و کشوری را که تولید سالانه‌اش، از ترکیه و کره‌جنوبی سال پنجاه‌وهفت ۶۰٪ فرونتر بود به‌جایی رسانده که ترکیه امروز بیش از سه برابر و کره‌جنوبی بیش از هفت برابر آن تولید می‌کند.

دوم. در حالی‌که حجم تولید ملی کشور با قیمت‌های ثابت سال انقلاب تقریباً سه برابر شده که با افزایش حجم جمعیت برابری می‌کند، حجم پولی تولید ملی (حجم اسمی) حدود پنجاه هزار بار افزایش گرفته و سطح عمومی قیمت‌ها را به بیست‌هزار برابر رسانده است در حالی که سطح افزایش دستمزد اکثریت شاغلان اعم از کارگر و کارمند به‌تناسب آن افزایش نیافته و در نتیجه موجب کاهش درآمد سرانه واقعی شده است.

سوم. از حیث سطح معیشت و خط فقر، آمار رسمی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد جمعیت در آستانه یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نیمی از این گروه زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

چهارم. بر اثر سقوط ارزش پول ملی، نرخ برابری ارز از ۷۰ ریال برای هر دلار در سال ۱۹۷۹ به بیش از ۱،۵۰۰،۰۰۰ ریال برای هر دلار در امروز رسیده است یعنی رشد بیش از

ضرورت مبرم است و همه ایراندوستان در این خواسته هم‌آوایند.

حسن منصور - سرانجام، جنگی که هرگز بایسته نمی‌بود، رخ داد: پس از چهل‌وهفت سال نهب «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل»، اشغال سفارت و گروگانگیری، کشتار شهروندان غربی در جای جای جهان، تشکیل سپاهی به‌نام «قدس» برای فتح اسرائیل و صرف صدها میلیارد دلار از اموال ملت ایران برای تجهیز شش «ارتش» برون‌مرزی برای «محو اسرائیل از روی زمین». این ماجراجویی‌ها سبب‌ساز جنگ‌اند اما جمهوری اسلامی همچون سرطانی که در بدنه‌ی کشور ایران شاخه دوانده باشد در اندام‌های حیاتی ملت جا گرفته و با هر ضربه‌ای که دریافت می‌کند لاجرم بخشی از کشور و ملت را نیز دچار آسیب خواهد کرد.

این جنگ، سه طرف دارد: ملت ایران، جمهوری اسلامی، و «اسرائیل-آمریکا». جبهه اصلی جنگ در میدان جمهوری اسلامی و ملت ایران است که با هجوم اعراب بادیه‌نشین به ایران آغاز شده و نبردهای آن از کشتارها، غارت‌ها، تجاوزها و برده‌گیری‌ها به میدان‌های معنایی فرهنگ ایران گسترده شده‌اند. جمهوری اسلامی خود را ادامه همان مهاجمان بادیه‌نشین، کشور ایران را جزو «فتوحات و غنائم» و مردم ایران را در زمره «موالی» خود می‌شمارد و تصرف عدوانی در جان و مال و نوامیس آنان را برای خود مباح می‌انگارد.

طرف سوم جنگ، اسرائیل و آمریکا است که جمهوری اسلامی دشمنی با آنها را دلیل موجودیت خود می‌شمارد و از این دشمنی تغذیه می‌کند. جنگ کنونی که ادامه ناگزیر چهل‌وهفت سال دشمنی و تخریب پیوسته جمهوری اسلامی در نهادها و روابط بین‌المللی است خسارت‌های برون از شماری را به ملت ایران تحمیل می‌کند که به زیان‌های صدها میلیارد دلاری محدود نخواهد شد بلکه در روان نسل‌هایی از ملت ایران آثار دیرپایی خواهد نهاد که تیمار آنها ده‌ها زمان خواهد طلبید. با وجود این، زیان‌های صدها میلیارد دلاری، این جنگ در مقایسه با زیان‌هایی که ملت ایران در همین چهل‌وهفت سال از این جمهوری اسلامی به تن

این جنگ، سه طرف دارد: ملت ایران، جمهوری اسلامی، و «اسرائیل-آمریکا». جبهه اصلی جنگ در میدان جمهوری اسلامی و ملت ایران است که با هجوم اعراب بادیه‌نشین به ایران آغاز شده و نبردهای آن از کشتارها، غارت‌ها، تجاوزها و برده‌گیری‌ها به میدان‌های معنایی فرهنگ ایران گسترده شده‌اند.

این نظام در طول حکمرانی چهل‌وهفت ساله خود، اقتصاد، رفاه و معیشت اکثریت قاطع مردم را به برهوت بدل کرده و کشوری را که تولید سالانه‌اش، از ترکیه و کره‌جنوبی سال پنجاه‌وهفت ۶۰٪ فرونتر بود به‌جایی رسانده که ترکیه امروز بیش از سه برابر و کره‌جنوبی بیش از هفت برابر آن تولید می‌کند.

از حیث سطح معیشت و خط فقر، آمار رسمی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد جمعیت در آستانه یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نیمی از این گروه زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

بخش استرگی از درآمدهای ارزی کشور خارجی مفقود است چنانکه تنها در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ حدود ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی نه صرف واردات کشور شده، نه در صندوق ذخیره ارزی وارد شده و گزارشی از مصرف آن در آمار مالی کشور وجود ندارد.

فرار رسمی سرمایه طی یک دهه‌ی اخیر از ۱۷۰ میلیارد دلار رسمی فراتر رفته است. خروج سالانه‌ی ۱۸۰ هزار جوان تحصیل‌کرده و کارآفرین، بنا به سنجش بانک جهانی، دست‌کم ۵۰ میلیارد دلاری در سال برای کشور هزینه داشته است.

داده‌های رسمی، افزایش چشمگیر انواع جرایم و فروپاشی خانواده را نشان می‌دهد. گزارش‌های میدانی روندی نگران‌کننده را نشان می‌دهند: سن کودکان قربانی استعمار جنسی اکنون حدود ۱۰ تا ۱۱ سال برآورد می‌شود.

کشور در لیبی جنگی می‌سوزد که جنگ ملت یا کشور ایران نیست بلکه جنگی تبهکارانه برای حفظ استیلای نظامی است که با خدعه و خون سرکار آمده و قصد ندارد به اراده مردم کشور تمکین کند. پایان این ماجراجویی، یک

۲۱۰۰۰ برابری نرخ ارز!

آمریکا گرین کارت پسر معصومه ابتکار و خانواده‌اش را باطل و آنها را بازداشت کرد



بر اساس این بیانیه، عیسی هاشمی، مریم طهماسبی و پسرشان اکنون در بازداشت اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده قرار دارند تا روند اخراج آن‌ها از آمریکا انجام شود. مارکو رویو نیز در پیامی با اشاره به سوابق معصومه ابتکار، او را «سخنگوی دانشجویانی» توصیف کرد که در جریان اشغال سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸، ۵۲ شهروند آمریکایی را به مدت ۴۴۴ روز در بازداشت نگه داشتند. او همچنین اعلام کرد که دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۴ برای پسر ابتکار و خانواده‌اش ویزا صادر کرده و در سال ۲۰۱۶ از طریق برنامه لاتاری، به آن‌ها اقامت دائم اعطا شده است.

وزیر خارجه آمریکا افزود که در هفته جاری این وضعیت اقامت دائم لغو شده و اکنون عیسی هاشمی، مریم طهماسبی و فرزندشان در بازداشت اداره مهاجرت و گمرک آمریکا هستند و در انتظار اخراج از این کشور به سر می‌برند. رویو در ادامه با لحنی تند تأکید کرد که به گفته او، خانواده افرادی که «مواضع ضدآمریکایی» دارند، نباید از امکان زندگی در آمریکا بهره‌مند شوند.

اما در این میان گروه‌هایی از چپ‌های ضدامپریالیست، لیبرال‌های «ووک» حزب دموکرات آمریکا و حزب کارگر بریتانیا، سوسیالیست‌های دولت چپ‌گرای اسپانیا، لگالیست‌های نروژ، پرفسورهایی نظیر جان میرشایمر و جفری ساکس، کنشگرانی چون جان گالو-وی، سیاستمدارانی چون برنی ساندرز، و رانت خواران آلوده‌دامنی چون نایاک نیز حضور دارند. اما این دسته‌ای اخیر وقتی خواستار قطع جنگ می‌شوند، تضمینی برای امنیت مردم ایران در برابر کشتارهای بی‌امان نظام اسلامی پیش نمی‌نهند چنان‌که از کشتار دسته جمعی بیش از چهار هزار انسان بی سلاح در سه شب هم، خمی به ابرو نیاورده‌اند! اما میهن‌دوستان ایرانی خواستار آنند که نظام اسلامی با تمکین به خواست ملت ایران از گسترش خطر هسته‌ای دست بردارد، برد موشک‌های خود را به حد ضرورت دفاع ملی محدود کند و از قصد تجهیز دوباره گروه‌های نیابتی دست بردارد.

● وزارت خارجه آمریکا، روز ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ با انتشار بیانیه‌ای از لغو وضعیت اقامت دائم (گرین کارت) عیسی هاشمی پسر معصومه ابتکار به همراه همسرش مریم طهماسبی و فرزندشان خبر داد.

● مارکو رویو نیز در پیامی با اشاره به سوابق معصومه ابتکار، او را «سخنگوی دانشجویانی» توصیف کرد که در جریان اشغال سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸، ۵۲ شهروند آمریکایی را به مدت ۴۴۴ روز در بازداشت نگه داشتند.

وزارت خارجه آمریکا، روز ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ با انتشار بیانیه‌ای از لغو وضعیت اقامت دائم (گرین کارت) عیسی هاشمی پسر معصومه ابتکار به همراه همسرش مریم طهماسبی و فرزندشان خبر داد.

در این بیانیه که روز شنبه ۲۲ فروردین منتشر شد، اعلام شده است که «سه تبعه ایرانی مرتبط با جمهوری اسلامی» پس از لغو وضعیت اقامت دائم قانونی‌شان توسط مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا، توسط مأموران دولت فدرال بازداشت شده‌اند.

در سال، معادل ۸۹۶۰ میلیارد، با رشد ۵ درصد در سال معادل ۱۲۵۰۰ میلیارد و با رشد ۶ درصد معادل ۱۷۶۶۰ میلیارد دلار باشد. مرکز پژوهش‌های مجلس و وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی زبان‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ هشت‌ساله با عراق را ۱۰۰۰ میلیارد دلار ارزیابی کرده‌اند در حالی‌که زبان سالانه این نظام به اقتصاد ملی، سالانه چندین برابر جنگ هشت ساله بوده است اما زبان‌های «معنایی» آن بس بزرگتر بوده و کیفیتی سنجش‌ناپذیر را تشکیل می‌دهد. امروز چه باید کرد؟ کشور در لهب جنگی می‌سوزد که جنگ ملت یا کشور ایران نیست بلکه جنگی تبهکارانه برای حفظ استیلای نظامی است که با خدعه و خون سرکار آمده و قصد ندارد به اراده مردم کشور تمکین کند. پایان این ماجراجویی، یک ضرورت مبرم است و همه ایران‌دوستان در این خواسته هم‌آویند. خواست پایان جنگ، از سوی دیگر کسان هم شنیده می‌شود که نگران امنیت جهانی‌اند.

پنجم. یک حاکمیت ناکارآمد بر حدود ۸۰ درصد اقتصاد ملی چنبره زده و این امر، توسعه‌ی بخش خصوصی رقابتی را به شدت محدود کرده و فساد را بر اقتصاد کشور چیره کرده است.

ششم. دخل و خرج حاکمیت در تاریکی مطلق قرار دارد و حتی «بودجه عمومی کشور» که شفاف‌ترین بخش مالی حاکمیت است تا حدود ۶۰ درصد از نظارت پارلمانی معاف است، با آنکه خود پارلمان عمدتاً از نامزدهای گزینش‌شده تشکیل شده است و از مردم کشور نمایندگی ندارد.

هفتم. بخش سترگی از درآمدهای ارزی کشور خارجی مفقود است چنانکه تنها در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ حدود ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی نه صرف واردات کشور شده، نه در صندوق ذخیره ارزی وارد شده و گزارشی از مصرف آن در آمار مالی کشور وجود ندارد.

هشتم. افزایش آسیب‌های اجتماعی: داده‌های رسمی، افزایش چشمگیر انواع جرایم و فروپاشی خانواده را نشان می‌دهد. گزارش‌های میدانی روندی نگران‌کننده را نشان می‌دهند: سن کودکان قربانی استثمار جنسی اکنون حدود ۱۰ تا ۱۱ سال برآورد می‌شود.

نهم. فرار سرمایه: فرار رسمی سرمایه طی یک دهه‌ای اخیر از ۱۷۰ میلیارد دلار رسمی فراتر رفته است. خروج سالانه‌ی ۱۸۰ هزار جوان تحصیل‌کرده و کارآفرین، بنا به سنجش بانک جهانی، دست‌کم ۵۰ میلیارد دلاری در سال برای کشور هزینه داشته است. در کنار آمار رسمی در همین یک سال اخیر گزارش‌های مستندی در سطح جهانی منتشر شده که از خروج ده‌ها میلیارد دلار ثروت طبقات حاکمیتی از کشور، و انباشت چند صد میلیارد دلار در نهانخانه‌های بیرون از کشور خبر می‌دهد. دهم. به لحاظ رتبه‌ی اقتصادی، ایران در سال ۱۹۷۷ در رتبه‌ی ۱۸ اقتصادهای جهان قرار داشت اما در سال ۲۰۲۴ این رتبه با نرخ اداری نیمائی ارز به ۴۱م و با نرخ بازار به ۸۰ سقوط کرده بود.

یازدهم. بیکاری جوانان، بویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، همواره بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بوده است.

دوازدهم. این نظام کشور ایران را به یک زندان بزرگ بدل کرده بطوری‌که جمعیت رسمی زندان‌ها از ۱۸۹ هزار نفر در ۲۵۳ زندان فراتر رفته‌اند.

سیزدهم. گسترش سرطانی نهاد غیرمولد و زیانبخش تولید آخوند: شمار آخوندها بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود و هزینه‌ی سرانه‌ی آنان بیش از معلمان دبیرستان‌هاست. شمار «حوزه‌های علمیه» از ۱۱۲۰ فراتر رفته و بودجه‌ی آن‌ها از بودجه‌ی دانشگاه‌ها پیشی گرفته است.

چهاردهم. در شاخص جهانی ادراک فساد، ایران در سال ۲۰۲۴ امتیاز ۲۳ از ۱۰۰ را کسب کرده و در رتبه‌ی ۱۵۱ از ۱۸۰ کشور قرار گرفته است.

پانزدهم. در شاخص مساعبدوون فضای کسب‌وکار بانک جهانی (۲۰۲۰)، ایران در میان ۱۹۰ کشور جهان رتبه‌ی ۱۲۷ را احراز کرده است.

شانزدهم. در نرخ اعدام، ایران سال‌هاست بالاترین نرخ سرانه‌ی اعدام در جهان را دارد.

هفدهم. در شاخص آزادی جهانی ۲۰۲۵، ایران در رتبه‌ی ۱۱۶۸م جهان و در رتبه ۱۱۸ خاورمیانه قرار گرفته و در زمره‌ی غیرآزادترین کشورها طبقه‌بندی شده است.

هجدهم. تولید ملی ایران در سال ۱۴۰۴ از سوی بانک جهانی برابر با ۴۴۰ میلیارد دلار اعلام شد که با نرخ رسمی دلار ۵۵ هزار تومانی حساب شده بود در حالی‌که این رقم می‌توانست تنها با نرخ رشد ۳ درصد در سال در طول حاکمیت نظام اسلامی، معادل ۶۵۷۰ میلیارد، با رشد ۴ درصد

مذاکرات اسلام آباد؛ نمایشی بعنوان پوشش، وقفه‌ای بعنوان ابزار!



است اغراق آمیز به نظر برسد، اما در سطحی محدودتر، یعنی افزایش اشراف اطلاعاتی و کاهش ریسک کاملاً قابل تصور است. استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای پایش تحرکات دریایی، شناسایی تهدیدات بالقوه مانند مین‌های دریایی یا زیردریایی‌های کوچک، و ایجاد توانایی واکنش سریع، بخشی از دکتترین نظامی مدرن است. با این حال، تبدیل کامل این تنگه به یک «مسیر غیرقابل انسداد» در کوتاه‌مدت، همچنان با محدودیت‌های جدی مواجه است و هرگونه تلاش در این جهت، بطور بالقوه می‌تواند به تشدید درگیری منجر شود.

در سطح راهبردی نیز، تفاوت رویکرد میان آمریکا و اسرائیل اهمیت زیادی دارد. آمریکا، بویژه در دوره‌هایی که ملاحظات سیاسی داخلی پررنگ است، تمایل دارد به دنبال دستاوردهایی باشد که بتواند آنها را در قالب موفقیت دیپلماتیک یا مدیریتی ارائه دهد. در مقابل، اسرائیل با نگاهی عمیق‌تر، به دنبال رفع عناصر تهدیدآمیز است و تمرکز آن بیشتر بر کاهش یا حذف تهدیدات مستقیم استوار است. این تفاوت، اگرچه به معنای تضاد کامل نیست، اما می‌تواند در نحوه تصمیم‌گیری و زمان‌بندی اقدامات تأثیرگذار باشد. در طرف مقابل، رژیم ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های همزمان مواجه است: فشار خارجی، آسیب‌های جدی به ساختار رهبری و فرماندهی و ضرورت حفظ انسجام داخلی. حتی در شرایطی که ضربات سنگینی وارد شده باشد، ساختارهای حکومتی و نظامی رژیم ایران به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوانند تا حدی در برابر شوک‌های ناگهانی مقاومت کنند. پراکندگی جغرافیایی، وجود لایه‌های مختلف فرماندهی، و استفاده از نیروهای نیابتی، همگی عواملی هستند که مانع از فروپاشی سریع می‌شوند. به همین دلیل، هرگونه

واقعیت کلیدی همچنان پابرجاست: سطح تقابل بطور قابل توجهی افزایش یافته و وارد مرحله‌ای شده که در آن «وقفه‌های دیپلماتیک» بیش از آنکه نشانه حرکت به سمت صلح باشند، کارکردی تاکتیکی پیدا کرده‌اند. مذاکراتی که در اسلام‌آباد و با نقش‌آفرینی پاکستان برگزار شد، در همین چارچوب قابل فهم است. پاکستان، با دارا بودن سابقه طولانی همکاری با سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) و نقش کلیدی در معادلات منطقه‌ای، همواره بعنوان یک بازیگر واسط و چندلایه عمل کرده است؛ بازیگری که می‌تواند هم کانال ارتباطی باشد و هم بخشی از معماری پیچیده انتقال پیام و مدیریت تنش.

بنابراین، شکست این مذاکرات را می‌توان نه بعنوان پایان یک مسیر دیپلماتیک واقعی، بلکه بعنوان پایان یک «وقفه عملیاتی» تعبیر کرد؛ وقفه‌ای که در آن هر یک از بازیگران اصلی تلاش کرده‌اند موقعیت خود را بهبود بخشند. برای آمریکا، این به معنای تکمیل تصویر اطلاعاتی، بازتنظیم نیروها تحت فرماندهی سنتکام و آماده‌سازی برای سناریوهای مختلف بوده است. برای اسرائیل، این زمان فرصتی برای به‌روزرسانی بانک اهداف، ارزیابی مجدد شبکه‌های نفوذ و آماده‌سازی برای عملیات‌های احتمالی آینده فراهم کرده است. و برای ایران، این دوره می‌توانست فرصتی برای بازسازی نسبی، جابجایی منابع و تلاش برای مدیریت فشارهای داخلی و خارجی باشد.

در این میان از منظر ژئوپلیتیک، یکی از مهمترین نقاط تمرکز، تنگه هرمز است؛ گلوگاهی که نه تنها برای ایران، بلکه برای کل اقتصاد جهانی اهمیت حیاتی دارد. ایده تسلط آمریکا بر این آبراه دریایی یا تلاش برای ایجاد یک مسیر امن در این تنگه، اگرچه در بیان‌های غیررسمی ممکن

کوروش زمانی - آنچه امروز در فضای سیاسی و رسانه‌ای بعنوان «شکست مذاکرات» مطرح می‌شود و به نقل از «جی‌دی ونس» معاون رییس جمهوری ایالات متحده آمریکا بازتاب پیدا کرده، اگر در کنار تحولات میدانی اخیر قرار بگیرد، دیگر صرفاً یک خبر دیپلماتیک نیست، بلکه بخشی از یک تصویر بزرگ‌تر است؛ تصویری از تقابلی که مدت‌هاست از فاز پنهان عبور کرده و اکنون در مرحله‌ای قرار دارد که می‌توان آن را «برخورد نیمه‌علنی و چندلایه» میان ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و رژیم ایران دانست. با این حال، برای درک درست این وضعیت، باید با دقت بین آنچه واقعا تأیید شده و آنچه در قالب روایت، تحلیل یا حتی جنگ روانی مطرح می‌شود، تمایز قائل شد؛ چرا که در غیر این صورت، تحلیل به‌جای روشن کردن واقعیت، خود به بخشی از میدان نبرد روایت‌ها تبدیل می‌شود.

در این چارچوب، اگرچه گزارش‌هایی از وارد آمدن ضربات سنگین به ساختار نظامی و امنیتی رژیم ایران منتشر شده، از جمله تلفات در میان فرماندهان ارشد و آسیب به برخی زیرساخت‌ها، اما هنوز هیچ تأیید قابل اتکای مستقلی وجود ندارد که نشان دهد «تمام توان نظامی ایران نابود شده» یا اینکه ساختار حاکمیت بطور کامل فروپاشیده است. حتی در مورد ادعاهای بسیار مهمتری مانند وضعیت مجتبی‌خامنه‌ای، اطلاعات منتشرشده متناقض، تأییدنشده و در بسیاری موارد بخشی از فضای مه‌آلود جنگ اطلاعاتی است. این نکته اهمیت زیادی دارد، زیرا هرگونه تحلیل درباری «پایان جنگ» یا «مرحله نهایی» بدون اتکا به داده‌های قابل راستی‌آزمایی، می‌تواند به نتیجه‌گیری‌های نادرست منجر شود.

با این حال، حتی اگر از اغراق‌ها فاصله بگیریم، یک

یافته است. جمهوری اسلامی امروز در منطقه و جهان از همیشه منزوی‌تر و منفورتر است.

آنچه برای این رژیم باقی مانده، تکیه بر مزدوران بیگانه و اقلیتی خون‌ریز و خون‌شوی است که منافع‌شان در بقای این رژیم است؛ رژیمی که در میدان واقعیت شکستی سخت خورده، اما با قطع اینترنت به ۹۰ میلیون ایرانی، و از



طریق ماشین دروغ‌پردازی‌اش، هنوز ژست پیروزی می‌گیرد و رجز می‌خواند. آنها که مدعی بودند هرگز تن به آتش بس نمی‌دهند، امروز هم رهبر و فرماندهان‌شان را از دست داده‌اند، هم جنگ را باخته‌اند، هم آتش‌بس را پذیرفته‌اند، و هم به میز مذاکره برای تسلیم کامل کشانده شده‌اند.

ما اما از آغاز می‌دانستیم که جمهوری اسلامی تنها با حذف فرماندهی و تضعیف دستگاه سرکوب از طریق حملات هوایی، سقوط نمی‌کند. از همین رو بود که در تمام پیام‌هایم به شما تاکید کردم که این ما ملت ایران هستیم که باید ضربه نهایی را به رژیم ضعیف‌شده وارد و آن را سرنگون کنیم.

می‌خواهم بدانید که من وضعیت شما در ایران را بسیار دقیق زیر نظر دارم. می‌دانم که جمهوری اسلامی بسیار تضعیف شده اما هنوز توانایی سرکوب آن بطور کامل از بین نرفته است. همه هدف من این است که اقدام نهایی برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی با کمترین هزینه جانی باشد. جان تک‌تک شما برای من ارزشمند است. پس، از شما می‌خواهم که شکیبا باشید، از خودتان محافظت کنید، و با باور به پیروزی و آمادگی کامل، در انتظار لحظه تعیین‌کننده بمانید. در این فاصله، من و همه هم‌میهنان‌مان در خارج از کشور با تمام توان، خواست شما را که پایان دادن به جمهوری اسلامی است، فریاد خواهیم زد.

ایمان داشته باشید که هیچ نیرویی در جهان توان ایستادن در برابر قدرت یک ملت متحد را ندارد. جمهوری اسلامی این بار، راه گریز، و بختی برای بقا ندارد؛ و به دستان پر قدرت شما ملت بزرگ ایران سرنگون خواهد شد.

پاینده ایران
«رضا پهلوی»

مسیرهای احتمالی آینده ضروری است و آنچه انکار ناپذیر است، پیروز بی‌چون و چرای ملت مبارز ایران تا این لحظه است. همانطور که انقلابیون انتظار داشتند، اسرائیل و آمریکا به رژیم جمهوری اسلامی ایران حمله کرد، در اولین اقدام رهبر رژیم، «دیکتاتور جمهوری اسلامی، علی‌خامنه‌ای» را به هلاکت رساند، جانشینش «مجتبی‌خامنه‌ای» را از مدار

تصمیم‌گیری خارج کرد و بیش از پنجاه مقام ارشد و بیش از پانزده‌هزار هدف نظامی و امنیتی را نابود کرد. این همان پیامی است که شاهزاده رضا پهلوی (رضا شاه دوم) برای ملت ایران ارسال کردند:

هم‌میهنان عزیزم، ملت بزرگ ایران،

به همه شما که در این ۱۰۰ روز برای آزادی و بازپس‌گیری ایران ایستادید؛ با فداکاری در برابر گلوله‌ها سینه سپر کردید و در ۴۰ روز گذشته خطر مباران را به جان خریدید، درود می‌فرستم.

می‌دانم خبر آتش‌بس دوهفته‌ای میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، بسیاری از شما را دلسرد کرده است. اما امروز، نه زمان ناامیدی، که زمان باور بیشتر به پیروزی است. آنچه در این ۴۰ روز رخ داد، دقیقاً در مسیر همان مطالباتی است که ملت ایران از جامعه جهانی خواست و بعد از جان‌فشانی در خیابان‌های ایران، در تظاهرات روز جهانی اقدام در ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) نیز فریاد زد.

ضرباتی که در تنها ۴۰ روز بر پیکر جمهوری اسلامی وارد شد، بی‌سابقه بوده، و برای این رژیم جبران‌ناپذیر است. حذف علی‌خامنه‌ای، قاتل ده‌ها هزار ایرانی شجاع، به‌تنهایی دستاوردی تاریخی برای ملت ماست. حال آنکه، به جز او، ده‌ها تن از فرماندهان و عاملان اصلی سرکوب در سپاه و بسیج و دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم نیز از میان برداشته شدند. هزاران نیروی سرکوب به هلاکت رسیدند. ساختار فرماندهی و کنترل سرکوب، فلج شده و فروپاشیده است. زیرساخت‌های نظامی، که نه برای دفاع از ایران، بلکه برای صدور تروریسم و بی‌ثباتی ساخته شده بودند، نابود شده‌اند. منابع مالی رژیم برای سرکوب در داخل و تروریسم در خارج، به شدت کاهش

→ ارزیابی که از «پایان قریب‌الوقوع» یا «نابودی کامل» سخن بگوید، نیازمند احتیاط و بررسی دقیق است.

با در نظر گرفتن این عوامل، می‌توان چند سناریوی اصلی برای روزها و هفته‌های آینده ترسیم کرد. نخست، سناریوی ادامه تقابل در سطح فعلی یا کمی بالاتر، بدون ورود به جنگ تمام‌عیار. در این حالت، شاهد ترکیبی از فشارهای اقتصادی، عملیات‌های سایبری، اقدامات اطلاعاتی و شاید ضربات محدود خواهیم بود. این سناریو به همه طرف‌ها اجازه می‌دهد که بدون پرداخت هزینه‌های سنگین یک جنگ گسترده، به اهداف خود نزدیک شوند.

سناریوی اول، حرکت به سمت ادامه‌ی درگیری‌های محدود اما مستقیم‌تر؛ جایی که ممکن است حملات دقیق به اهداف خاص ادامه یابد. این نوع اقدامات، اگرچه می‌تواند تنش را افزایش دهد، اما معمولاً به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که از عبور از آستانه غیر قابل کنترل جلوگیری کند. اسرائیل در این نوع عملیات‌ها تجربه بالایی دارد و ممکن است نقش پررنگ‌تری ایفا کند.

سناریوی دوم با توجه به تهدیدات بسیار جدی دونالد ترامپ پیش از مذاکرات اسلام‌آباد دارای بیشترین شانس است، «ورود به یک درگیری گسترده‌تر». در این حالت، حملات هوایی وسیع آمریکا به خاک ایران بویژه سواحل و جزایر جنوبی، درگیری‌های دریایی در خلیج فارس و حتی تلاش رژیم ایران برای ایجاد اختلال بیشتر در جریان انرژی جهانی از طریق موشک پراکنی بیشتر به تأسیسات نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند رخ دهد. این احتمال نیز وجود خواهد داشت که ارتش آمریکا برای مسدود کردن مسیر تجارت ایران و کسب درآمد، اجرای «محاصره دریایی» علیه رژیم را به فهرست عملیات خود اضافه کند. اقدامی که می‌تواند اقتصاد و صادرات نفت رژیم را بطور کامل به صفر برساند.»

چنین سناریویی پیامدهایی گسترده و فراتر از منطقه خواهد داشت و می‌تواند پای سایر کشورها از جمله عربستان و امارات و حتی اروپا را نیز به‌میان بکشد.

در کنار این سناریوها، نباید از نقش «عدم قطعیت» غافل شد. در شرایطی که اطلاعات ناقص، روایت‌های متناقض و فشارهای سیاسی هم‌زمان وجود دارند، احتمال بروز خطاهای محاسباتی افزایش می‌یابد. یک اقدام محدود می‌تواند به‌سرعت به واکنشی زنجیره‌ای منجر شود و سطح درگیری را بطور ناگهانی بالا ببرد. به همین دلیل، مدیریت تنش و کنترل پیامدها به یکی از مهمترین چالش‌های بازیگران تبدیل شده است.

در نهایت می‌توان گفت که ایده «مذاکره نمایشی بعنوان پوشش» و «وقفه استراتژیک بعنوان ابزار» همچنان قابل طرح است، اما باید از تبدیل آن به یک روایت قطعی و همه‌جانبه پرهیز کرد. همچنین، اگرچه ممکن است ضربات سنگینی وارد شده باشد، اما هنوز نشانه‌های کافی برای اعلام «پایان جنگ»، «نابودی توان نظامی رژیم» یا «فروپاشی کامل» وجود ندارد. آنچه بیشتر با واقعیت همخوانی دارد، ورود به مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده است؛ مرحله‌ای که در آن رژیم جمهوری اسلامی به ضعیف‌ترین لحظه در طول حیاتش رسیده است، تصمیم‌های کلیدی گرفته شده و مسیر آینده در حال ترسیم است.

این مرحله، به‌جای آنکه پایان یک درگیری باشد، می‌تواند آغاز فاز جدیدی از آن باشد؛ فازی که در آن مرز میان جنگ و صلح بیش از هر زمان دیگری مبهم است و هر حرکت می‌تواند پیامدهایی فراتر از انتظار داشته باشد. در چنین شرایطی، تحلیل دقیق، مبتنی بر داده و به‌دور از اغراق، نه‌تنها برای درک بهتر وضعیت، بلکه برای پیش‌بینی

محاصره «تنگه هرمز» توسط آمریکا؛ افزایش قیمت جهانی نفت و بحران برای جمهوری اسلامی در تأمین کالاهای اساسی



کارشناسان معتقدند شکست مذاکرات و محاصره دریایی جمهوری اسلامی می‌تواند بر قیمت جهانی انرژی اثرگذار باشد؛ موضوعی که جدا از آنچه دونالد ترامپ «اخاذی» خوانده، برای مقامات جمهوری اسلامی به ابزاری تبلیغاتی نیز تبدیل شده است. در همین رابطه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده ارشد جمهوری اسلامی در مذاکرات اسلام‌آباد پس از اعلام خبر محاصره دریایی بنادر ایران از سوی آمریکا در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «از قیمت‌های فعلی بنزین لذت ببرید. با به‌اصطلاح محاصره، به‌زودی دلتنگ بنزین ۴ تا ۵ دلاری می‌شوید.»

در آنسو اما محاصره دریایی بنادر ایران با توجه به اینکه این بنادر شاه‌رگ اصلی صادرات و واردات به کشور هستند می‌تواند شریان‌های درآمدزایی جمهوری اسلامی را مسدود و همچنین ورود کالاهای اساسی به ایران را مختل کند. اگر چه ایران از نواحی شرقی و شمالی کشور مسیر ترانزیت زمینی کالا را در اختیار دارد اما این مسیرها توان جایگزینی با بنادر و جبران اختلال ورود و خروج کالا به‌علت محاصره دریایی را نخواهند داشت.

اگر محاصره بنادر ایران طولانی‌مدت ادامه پیدا کند جمهوری اسلامی نه تنها قادر به صادرات کالاهایی مانند نفت، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، فولاد و دیگر فلزات صنعتی که بیشترین منابع درآمدی کشور هستند نخواهد بود، بلکه برای تأمین کالاهای اساسی مانند نهاده‌های دامی، مواد خوراکی و دارو نیز با بحران روبرو می‌شود. این موضوع می‌تواند بر تورم و کمبود کالا در کشور اثرگذار باشد و اثر جنگ بر معیشت مردم را عمیق‌تر کند.

در آنسو نیز بسته ماندن تنگه هرمز می‌تواند با ایجاد اختلال جدی در زنجیره تأمین جهانی، بحران انرژی را گسترده‌تر کند. تداوم افزایش قیمت انرژی و اختلال در عرضه نفت و گاز و دیگر فرآورده‌های نفتی اقتصاد کشورهای مختلف را متأثر کرده و موجی از رکود تورمی ایجاد خواهد کرد.

«از همین لحظه، نیروی دریایی ایالات متحده، که بهترین در جهان است، روند محاصره تمامی کشتی‌هایی را که تلاش می‌کنند وارد یا خارج از تنگه هرمز شوند آغاز خواهد کرد. در مقطعی، به وضعیتی خواهیم رسید که همه بتوانند وارد شوند و همه بتوانند خارج شوند، اما ایران با صرفاً گفتن اینکه «ممکن است جایی مین وجود داشته باشد» که هیچکس جز خودشان از آن خبر ندارد، مانع از این امر شده است.»

او در بخش دیگری از این پیام گفته بود «این یک اخاذی جهانی است، و رهبران کشورها، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، هرگز تسلیم اخاذی نخواهند شد. همچنین به نیروی دریایی آمریکا دستور داده‌ام که هر کشتی‌ای را در آب‌های بین‌المللی که به ایران عوارض پرداخت کرده است، شناسایی و متوقف کند. هیچ‌کس که عوارض غیرقانونی پرداخت کند، در دریاهای آزاد عبور امن نخواهد داشت. ما همچنین شروع به نابود کردن مین‌هایی خواهیم کرد که ایرانی‌ها در تنگه کار گذاشته‌اند. هر ایرانی که به سوی ما یا کشتی‌های صلح‌آمیز شلیک کند، به جهنم فرستاده خواهد شد!»

دونالد ترامپ همچنین به «فاکس نیوز» گفته «ما اجازه نمی‌دهیم ایران از فروش نفت به کسانی که دوست دارد پول در بیاورد و به کسانی که دوست ندارد نه»، و افزود هدف طرح محاصره اینست که «با همه چیز عبور کند یا هیچ چیز»

همزمان اعلام شد معافیت یک ماهه تحریمی نفت ایران که از سوی دونالد ترامپ برای کنترل قیمت جهانی نفت در هفته دوم جنگ صادر شده بود و به همه کشورها اجازه می‌داد نفت روی آب ایران را خریداری کنند، لغو شده است. تاد بلانش، سرپرست وزارت دادگستری ایالات متحده، نیز ساعاتی پیش اعلام کرد این وزارتخانه هر فرد یا نهادی را که اقدام به خرید یا فروش نفت تحریم‌شده ایران کند، با شدت تحت پیگرد قانونی قرار خواهد داد. او همچنین تأکید کرد که وزارت دادگستری از دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده و نیروهای نظامی آمریکا به‌طور کامل حمایت می‌کند.

● با آغاز به‌کار بازارهای جهانی انرژی در بامداد روز دوشنبه ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) قیمت نفت روندی افزایشی پیدا کرد و به ۱۰۵ دلار در بشکه رسید. این افزایش به علت دستور دونالد ترامپ برای محاصره تنگه هرمز اتفاق افتاد.

● فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در خاورمیانه (سنتکام) در اطلاعیه‌ای اعلام کرد نیروهای سنتکام اجرای محاصره‌ای علیه تمام تردد دریایی ورودی و خروجی از بنادر ایران را از ساعت ۱۷:۳۰ روز دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ به وقت تهران آغاز خواهند کرد.

● همچنین اعلام شده معافیت یک ماهه تحریمی نفت ایران که از سوی دونالد ترامپ برای کنترل قیمت جهانی نفت در هفته دوم جنگ صادر شده بود و به همه کشورها اجازه می‌داد نفت روی آب ایران را خریداری کنند، لغو شده است.

● در آنسو نیز بسته ماندن تنگه هرمز می‌تواند با ایجاد اختلال جدی در زنجیره تأمین جهانی، بحران انرژی را گسترده‌تر کند. تداوم افزایش قیمت انرژی و اختلال در عرضه نفت و گاز و دیگر فرآورده‌های نفتی اقتصاد کشورهای مختلف را متأثر کرده و موجی از رکود تورمی ایجاد خواهد کرد.

به دنبال شکست مذاکرات اسلام‌آباد و دستور دونالد ترامپ برای محاصره تنگه هرمز از غروب روز دوشنبه ۲۴ فروردین‌ماه، قیمت نفت بار دیگر در بازارهای جهانی روندی صعودی پیدا کرد و به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسید.

با آغاز به‌کار بازارهای جهانی انرژی در بامداد روز دوشنبه ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) قیمت نفت روندی افزایشی پیدا کرد و به ۱۰۵ دلار در بشکه رسید. این افزایش به علت دستور دونالد ترامپ برای محاصره تنگه هرمز اتفاق افتاد. قیمت نفت هفته گذشته و در پی آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و آمریکا به کانال ۹۰ دلاری کاهش یافته بود.

با شکست مذاکرات اسلام‌آباد و دستور دونالد ترامپ برای محاصره تنگه هرمز، فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در خاورمیانه (سنتکام) در اطلاعیه‌ای اعلام کرد نیروهای سنتکام اجرای محاصره‌ای علیه تمام تردد دریایی ورودی و خروجی از بنادر ایران را در تاریخ ۱۳ آوریل، ساعت ۱۰ صبح به وقت شرق آمریکا (۱۷:۳۰) روز ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ به وقت تهران، مطابق با دستور دونالد ترامپ آغاز خواهند کرد.

بر اساس آنچه اعلام شده این محاصره به‌صورت بی‌طرفانه علیه کشتی‌های متعلق به همه کشورها که وارد یا خارج از بنادر و مناطق ساحلی ایران می‌شوند، اعمال خواهد شد؛ از جمله تمامی بنادر ایران در خلیج فارس و دریای عمان.

نیروهای سنتکام همچنین اعلام کردند مانع آزادی کشتیرانی برای کشتی‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند و به بنادر غیرایرانی می‌روند یا از آن‌ها می‌آیند، نخواهند شد. دونالد ترامپ روز یکشنبه ۲۳ فروردین و ساعاتی پس از اعلام بی‌نتیجه ماندن مذاکرات اسلام‌آباد که روز شنبه میان نمایندگان دولت ترامپ و جمهوری اسلامی برگزار شده بود، اعلام کرد مذاکرات خوب پیش رفته بود اما «تنها مسئله‌ای که واقعاً اهمیت داشت، یعنی هسته‌ای، حل نشد» و افزود

«بیکاری جنگی» به علت تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها؛ برنامه حمایتی از کارگران وجود ندارد



برخورداری از طرح‌های حمایتی ناامید هستند. در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی شرایط کارگران ساختمانی را بررسی کرده و نوشته با توجه به ماهیت رزمزمدی کار در بخش ساختمان، قطع کار حتی برای چند روز می‌تواند معیشت خانواده‌های کارگری را با بحران جدی مواجه کند. همچنین «در کنار بیکاری، نبود حمایت‌های اجتماعی و معیشتی نیز فشار مضاعفی بر این قشر وارد کرده است.»

بر اساس این گزارش در شرایط فعلی، کارگران ساختمانی که در دوره‌های بیکاری از هیچ‌گونه حمایت دولتی، کمک‌هزینه یا تسهیلات برخوردار نبوده‌اند، در وضعیت اقتصادی بسیار دشواری قرار گرفته‌اند. این درشرایطی است که بسیاری از کارگران ساختمانی با وجود سابقه کار بالا از بیمه اجتماعی نیز محروم هستند.

این در حالیست که خبرگزاری «ایلنا» نیز تعطیلی شمار زیادی از پروژه‌های ساختمانی را در سال ۱۴۰۴ تأیید کرده است؛ روندی که به علت رکود تورمی در بخش مسکن آغاز شد و از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی در اواخر بهار سال گذشته تشدید شد و در اسفندماه امسال به‌علت جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی به اوج رسید.

این گزارش افزوده «افزایش هزینه‌های زندگی و تورم نیز شرایط را برای کارگران ساختمانی دشوارتر کرده است. کاهش فرصت‌های شغلی در کنار افزایش هزینه‌ها، باعث شده توازن معیشتی این قشر به شدت بر هم بخورد و بسیاری از آن‌ها در تأمین نیازهای اولیه زندگی با مشکل مواجه شوند.»

بر اساس آمارها حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی در ایران مشغول به کار هستند که بیش از نیمی از آنها حتی از مزایای بیمه کارگری نیز بهره‌مند نیستند. این کارگران در صورت بیکاری نمی‌توانند از حقوق بیکاری برخوردار شوند و حتی در صورت آسیب در محیط کار نیز از مستمری از کار افتادگی مشمول آنها نخواهد شد.

که حتی در شرایط عادی نیز با سیاست‌های تعدیلی و رویکردهای غیرحمایتی خود غالباً منافع نیروی کار را در اولویت قرار نداده است، حداقل در این شرایط جنگی رویه‌ی گذشته را کنار بگذارد.»

این گزارش تأکید کرده دولت موظف است به درستی به تکالیف ذاتی خود عمل کرده و چتر حمایتی واقعی و بدون قید و شرطی را بر سر کارگران آسیب‌دیده بگستراند.

در رابطه با وظایف دولت علیرضا حیدری، نایب‌رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و عضو هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته شهر تهران در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته در قوانین پیش‌بینی شده که سازمان تأمین اجتماعی باید در این شرایط از کارگران حمایت کند.

علیرضا حیدری گفته «ما در اینجا درباره نیروی کاری صحبت می‌کنیم که به دلایل متعددی در جریان این حملات، دچار آسیب‌های جسمی جدی شده‌اند. این آسیب‌های جسمی ابعاد و اشکال مختلفی دارد و طیف وسیعی از تقلیل توانایی‌ها، از کارافتادگی جزئی تا ازکارافتادگی کلی و یا حتی فوت کارگر را در بر می‌گیرد. در این چارچوب، قانون‌گذار مشخص کرده است که کدام نهاد می‌تواند و اساساً تکلیف قانونی دارد که مداخله کند. نخستین نهاد، سازمان تأمین اجتماعی است که بر اساس قوانین موجود، باید حمایت‌های همه‌جانبه‌ی خود را از کارگرانی که عمدتاً در محیط‌های کاری با این وقایع تلخ مواجه شده‌اند، برقرار سازد.»

با اینهمه کارگران حتی در شرایط عادی نیز از خدمات بیمه‌ای و حمایتی مانند حقوق بیکاری و مستمری از کار افتادگی ناراضی بودند و سازمان تأمین اجتماعی و دولت از ارائه خدمات کامل پیش‌بینی شده در قانون به کارگران سر باز می‌زدند.

در میان کارگرانی که حالا اشتغال و زندگی آنها متأثر از شرایط جنگی شده برخی اقشار کارگری از جمله کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری و همچنین کارگران ساختمانی شرایط دشوارتری را تجربه می‌کنند و از

● خبرگزاری «ایلنا» از گسترش پدیده «بیکاری جنگی» در میان قشر کارگر به‌علت تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها خبر داده است.

● کارگران حتی در شرایط عادی نیز از خدمات بیمه‌ای و حمایتی مانند حقوق بیکاری و مستمری از کار افتادگی ناراضی بودند و سازمان تأمین اجتماعی و دولت از ارائه خدمات کامل پیش‌بینی شده در قانون به کارگران سر باز می‌زدند.

● تعطیلی پروژه‌های ساختمانی در سال ۱۴۰۴ به علت رکود تورمی در بخش مسکن آغاز شد و از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی در اواخر بهار سال گذشته تشدید شد و در اسفندماه امسال به‌علت جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی به اوج رسید.

● حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی در ایران مشغول به کار هستند که بیش از نیمی از آنها حتی از مزایای بیمه کارگری نیز بهره‌مند نیستند و در صورت بیکاری نمی‌توانند از حقوق بیکاری برخوردار شوند.

خبرگزاری «ایلنا» از گسترش پدیده «بیکاری جنگی» در میان قشر کارگر به‌علت تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها خبر داده است. این در حالیست که فعالان کارگری خواستار حمایت ویژه از کارگران در این شرایط هستند.

خبرگزاری «ایلنا» روز جمعه ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ در گزارشی با اشاره به موج گسترده بیکاری کارگران در پی رکود ناشی از پنج هفته جنگ اقتصادی و هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های تولیدی و صنعتی نوشته در شرایط جنگی در هفته‌های گذشته بسیاری از کارگران زحمتکش از کار بیکار شده، بسیاری جانشان را از دست داده‌اند و گروه بی‌شماری نیز متحمل سنگین‌ترین آسیب‌های جانی، روحی و خسارت‌های جبران‌ناپذیر مالی شدند.

خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به «انفعال و رویکردهای ساختاری نهادهای اجرایی» نوشته «انتظار می‌رفت دولتی

بازداشت بیش از ۱۰۰ شهروند طی دو روز؛ رئیس قوه قضائیه خواستار تشدید برخورد با بازداشت شدگان مرتبط با جنگ شد



● محمدعلی زحمتکش، از فعالان صنفی آموزگاران در استان فارس، روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۵، در شهر شیراز بازداشت شده است. تا لحظه تنظیم این گزارش، هیچ اطلاعات روشنی درباره نهاد بازداشت‌کننده، محل نگهداری یا دلیل بازداشت این فعال صنفی منتشر نشده است.

● «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده شامگاه شنبه ۲۲ فروردین، ۱۸ تن از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ملی (بهشتی)، صنعتی آریامهر (شریف) و فردوسی مشهد در جریان یک دیدار دوستانه با یکی از اساتید پیشین خود، با ورود ناگهانی مأموران مسلح مواجه و بازداشت شدند.

● موج بازداشت‌ها در ایران بسیار گسترده است به‌طوری‌که اخبار منتشر شده از منابع حکومتی نشان می‌دهد تنها طی دو روز گذشته بیش از ۱۰۰ شهروند توسط نهادهای امنیتی در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند.

● روز گذشته در سیستان و بلوچستان ۵۵ شهروند به‌علت آنچه که «جمع‌آوری اطلاعات از اماکن و زیرساخت‌های استان به قصد اجرای عملیات در راستای اهداف آمریکا و اسرائیل» خوانده شد، بازداشت شدند.

● طی دو روز گذشته دست‌کم ۴۵ شهروند در استان‌های خوزستان، گیلان، اصفهان، هرمزگان، همدان، کرمان و کرمانشاه توسط وزارت اطلاعات بازداشت شدند.

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی بر محاکمه و اجرای پرسرعت احکام علیه شهروندان بازداشت‌شده با اتهامات امنیتی مرتبط با جنگ اصرار دارد؛ موضوعی که نگرانی برای افزایش صدور و اجرای احکام اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت را افزایش داده است.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه گفته «کسی که با فرستادن یک آدرس برای دشمن به آن‌ها کمک کرده، کار کمی نکرده است، اقدامات افراد در فضای مجازی در کمک به دشمن را کوچک نشمارید.»

موج بازداشت شهروندان از فعالان صنفی و دانشجویی تا شهروندان عادی در ایران ادامه دارد و فقط طی دو روز بیش از ۱۰۰ شهروند بازداشت شدند. رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی بار دیگر خواستار تشدید برخورد با شهروندانی شد که با اتهاماتی مرتبط با جنگ روبرو هستند.

به گزارش منابع صنفی محمدعلی زحمتکش، از فعالان صنفی آموزگاران در استان فارس، روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۵، در شهر شیراز بازداشت شده است.

تا لحظه تنظیم این گزارش، هیچ اطلاعات روشنی درباره نهاد بازداشت‌کننده، محل نگهداری یا دلیل بازداشت این فعال صنفی منتشر نشده است.

فعالان صنفی کارگری و معلمان از جمله اقصاری هستند که در هفته‌های گذشته و پس از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با موجی از بازداشت و دیگر سرکوب‌ها از جمله احضار و بازجویی و تهدید روبرو شدند. بازداشت و تهدید و فشارهای امنیتی بر دانشجویان نیز ادامه دارد. «خبرنامه امیرکبیر» که اخبار جنبش دانشجویی ایران را بازتاب می‌دهد گزارش داده شامگاه شنبه ۲۲ فروردین، جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ملی (بهشتی)، صنعتی آریامهر (شریف) و فردوسی مشهد در

جریان یک دیدار دوستانه با یکی از اساتید پیشین خود، با

ورود ناگهانی مأموران مسلح مواجه شدند.

به گزارش «خبرنامه امیرکبیر» این دانشجویان که شمار آن‌ها ۱۸ نفر اعلام شده، از هم‌مدرسه‌ای‌های دوران دبیرستان در مدارس سپهدار بودند و برای دیداری دوستانه با یکی از معلمان سابق خود در مشهد گرد هم آمده بودند. به‌گفته منابع مطلع، مأموران پس از ورود به محل ضمن ضرب و شتم شدید حاضران، اقدام به ضبط تلفن‌های همراه و بازداشت تمامی حاضران کرده و آن‌ها را به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

این گزارش افزوده «پس از بررسی تلفن همراه این دانشجویان و بازجویی از آنان، ۱۴ نفر از بازداشت‌شدگان پس از چند ساعت آزاد شدند.»

چهار نفر دیگر شامل محمدپارسا گلچین، دانشجوی ادبیات دانشگاه تهران، محمدحسن خوش‌چهره، دانشجوی مهندسی برق دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف)، ایلیا صبوری‌نسب، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و حسین مهدی‌پناه، دانشجوی مهندسی برق دانشگاه آریامهر (شریف)، به بازداشتگاه منتقل شده و شب نخست را در سلول انفرادی سپری کردند.

بر اساس این گزارش، روز یک‌شنبه ۲۳ فروردین، در دادسرای انقلاب مشهد، اتهاماتی از جمله «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به این دانشجویان تفهیم شد. در ادامه، سه نفر از آن‌ها با قرار کفالت آزاد شدند. با این حال، محمدپارسا گلچین همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد و از وضعیت و محل نگهداری او اطلاعات بیشتری منتشر نشده است.

موج بازداشت‌ها در ایران بسیار گسترده است به‌طوری‌که اخبار منتشر شده از منابع حکومتی نشان می‌دهد تنها طی دو روز گذشته بیش از ۱۰۰ شهروند توسط نهادهای امنیتی در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند.

روز گذشته در سیستان و بلوچستان ۵۵ شهروند به‌علت آنچه که «جمع‌آوری اطلاعات از اماکن و زیرساخت‌های

استان به قصد اجرای عملیات در راستای اهداف آمریکا و اسرائیل» خوانده شده، بازداشت شدند.

از سوی دیگر طی دو روز گذشته دست‌کم ۴۵ شهروند در استان‌های خوزستان، گیلان، اصفهان، هرمزگان، همدان، کرمان و کرمانشاه توسط وزارت اطلاعات بازداشت شدند. در شیراز نیز مأموران انتظامی از بازداشت یک زن به دلیل «جاسوسی از طریق ارسال فیلم و تصاویر از محل پرتاب و اصابت موشک‌ها، همکاری با شبکه‌های معاند بین‌المللی و توزیع تراکت‌های ضدنظام» خبر داده‌اند.

در استان گیلان نیز سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) نیز از بازداشت چهار شهروند را به بهانه «ارتباط با سرویس اطلاعاتی اسرائیل» بازداشت کرده‌اند.

گزارش‌ها همچنین حاکی از آنست که در آستانه اشرفیه نیز دو شهروند با اتهام «تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب در فضای مجازی» توسط اطلاعات نیروی انتظامی بازداشت شدند.

بازداشت گسترده شهروندان با اتهامات امنیتی از جمله جاسوسی، حمایت از جنگ، همکاری با «دشمن» و همچنین «اقدام علیه امنیت کشور» و ... در حالیست که در آنسو قوه قضائیه بر محاکمه و اجرای پرسرعت احکام علیه این شهروندان اصرار دارد؛ موضوعی که نگرانی برای افزایش صدور و اجرای احکام اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت را افزایش داده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۵ بار دیگر بر اشد مجازات بازداشت‌شدگان اخیر تأکید کرد و گفت: «با عنایری که با دشمن همکاری و همراهی کردند، قاطعانه برخورد شود.»

رئیس قوه قضائیه افزوده «کسی که با فرستادن یک آدرس برای دشمن به آن‌ها کمک کرده، کار کمی نکرده است، اقدامات افراد در فضای مجازی در کمک به دشمن را کوچک نشمارید.»

خسارت اقتصادی قطع اینترنت در ایران؛ معادل تخریب روزانه چند زیرساخت عمرانی و صنعتی

کسب‌وکارها از پنج نهاد و تشکل اصلی شامل سازمان نصر و اتاق بازرگانی دریافت شده و فرآیند اتصال آنها در دست پیگیری است. رایزنی‌ها برای بازگشایی آی‌پی‌های مربوط به نیازمندی‌های ضروری عمومی در حال انجام است.

این اتصال از طریق سیم‌کارت‌های معروف به «سیم کارت پرو» صورت خواهد گرفت که در کنار سیم‌کارت‌های سفید، به عنوان ابزاری برای ایجاد تبعیض میان شهروندان در دسترسی به اینترنت به‌شمار می‌رود. علی‌شریعتی از اعضای اتاق بازرگانی ایران نیز در صفحه‌اش در شبکه ایکس از ثبت‌نام ۹۱ هزار فعال اقتصادی عضو اتاق بازرگانی برای دریافت «سیم‌کارت پرو» به‌عنوان فاز اول این پروژه خبر داده بود اما بعد از ساعاتی این مطلب را حذف کرد!

خسارت اقتصادی ناشی از قطع هفت هفته قطع اینترنت جهانی و موج بیکاری ناشی از آن به سرعت قابل جبران نخواهد بود. همین موضوع سبب هشدار فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال شده است.

حامد بیدی، فعال حوزه دیجیتال و کنشگر حق دسترسی آزاد به اینترنت در گفتگو با وبسایت «اقتصادنیوز» گفته «آنچه امروز در ایران جریان دارد، نه قطع مقطعی اینترنت، بلکه جایگزینی کامل آن با «شبکه ملی اطلاعات» و تبدیل اینترنت آزاد به یک سرویس جانبی و استثنایی است.»

او تأکید کرده که «ما امروز دیگر چیزی به اسم اینترنت نداریم. آن چیزی که ما الان داریم، یک شبکه ملی اطلاعات است که خدمات داخلی روی آن در دسترس است و گاهی اوقات، بنا به تشخیص مسئولان، بخشی از اینترنت به‌صورت فیلترشده در اختیار مردم قرار می‌گیرد.»

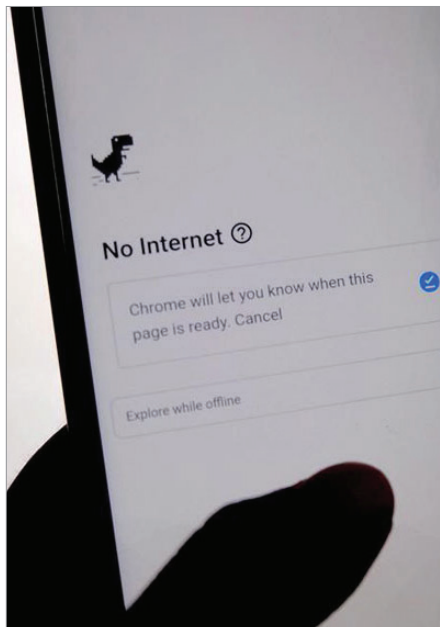
او با بیان اینکه «بیش از یک‌پنجم سال ۱۴۰۴ بدون اینترنت سپری شد و سه بار قطع سراسری اینترنت را با بهانه‌های متفاوت داشتیم» گفته «اینترنت طبقاتی و بازار گران فیلترشکن‌ها داغ شده. ساختار عرضه و تقاضا و نیاز مبرم مردم باعث افزایش قیمت‌ها شده است.»

او درباره «سیم‌کارت پرو» هم توضیح داده «اینترنت پرو در ادامه همان مسیر محدودسازی است. برای دریافت آن ابتدا باید احراز صلاحیت شد. مردم عادی عملاً امکان دسترسی به اینترنت پرو را ندارند.»

حامد بیدی معتقد است که «حتی اگر جنگ تمام شود و اینترنت در روزهای آینده وصل شود، هیچ تضمینی وجود ندارد که در هفته‌های بعد دوباره قطع نشود یا با اختلال، کاهش سرعت یا محدودیت مواجه نشود. بنابراین اساساً ما دیگر اینترنت را به شکل سابق نخواهیم داشت.»

او معتقد است ارائه اینترنت به کسب‌وکارها بدون اینکه مشتری‌ها به اینترنت دسترسی داشته باشند «شبهه به رشوه یا حق سکوت است، در حالی که نیاز اصلی، دسترسی مشتریان است.»

حامد بیدی تأکید کرده «مسئله فقط ضرر نیست؛ نابودی کل اکوسیستم است. دیگر هیچ سرمایه‌گذاری قابل‌بی باقی به ورود به این حوزه ندارد و هیچ جوانی چشم‌انداز مثبتی نمی‌بیند. جامعه به‌واسطه از دست دادن حق آزادی بیان، در حال بازگشت به دوران پیش از اینترنت است و حتی بدتر از آن، این محدودیت‌ها به فضاهای داخلی نیز سرایت کرده است. بزرگی این فاجعه به حدی است که تمرکز صرف بر خسارت اقتصادی، نادیده گرفتن ابعاد گسترده‌تر آن است.»



کشور وارد می‌کند که با خسارت‌های اقتصادی ناشی از جنگ نظامی رقابت می‌کند!

در حالیکه بسیاری از شهروندان انتظار داشتند با اعلام آتش‌بس، جمهوری اسلامی اقدام به اتصال دوباره اینترنت کند اما همچنان اینترنت جهانی در ایران قطع است. در شرایطی که دولت مسئول اصلی امور ارتباطی است اما مقامات دولت پزشک‌یان بدون ارائه پاسخ روشن به شهروندان به فراقکنی در این زمینه مشغول هستند.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، دو روز پیش درباره وضعیت و محدودیت‌های اینترنت گفت: «باز شدن اینترنت موضوعی نیست که دست ما باشد» و «به محض اینکه خبر رسمی از مبادی رسمی دریافت کنیم، حتماً اعلام خواهیم کرد.»

در شرایطی که همچنان مقامات حکومت و شماری از حامیان جمهوری اسلامی معروف به «سیم‌کارت سفیدها» به اینترنت آزاد دسترسی دارند و خبرهایی درباره راه‌اندازی اینترنت با عنوان «سیم‌کارت پرو» برای روزنامه‌نگاران و فعالان اقتصادی منتشر شده، وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی چنین روندی را انکار کرده و گفته اینترنت طبقاتی وجود ندارد!

ستار هاشمی روز گذشته با رد طرح اینترنت طبقاتی و لیست سفید، دسترسی عادلانه و باکیفیت به شبکه جهانی اینترنت را حق تمامی مردم دانست و ابراز امیدواری کرد که هدف دسترسی عادلانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن محقق شود تا شکاف دیجیتالی میان کاربران کاهش یابد.

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی اما توضیحی درباره وصل دوباره اینترنت جهانی که تنها راهکار «دسترسی عادلانه» کاربران به اینترنت است ارائه نداد!

برخلاف ادعای وزیر ارتباطات، معاون مرکز ملی فضای مجازی در ایران دو روز پیش راه‌اندازی اینترنت طبقاتی را تأیید کرده بود. محسن پاشا معاون مرکز ملی فضای مجازی در ایران، روز دوشنبه ۲۵ فروردین از تلاش برای بازگشایی آی پی کسب‌وکارها خبر داده و گفته بود: «فهرست

قطع اینترنت جهانی در ایران به چهل‌وهفت روز رسیده و بیش از ۱۱۰۰ ساعت است که اتصال به اینترنت جهانی در ایران فقط با فیلترشکن‌هایی با قیمت نجومی و البته به‌صورت محدود امکان‌پذیر است.

افشین کلاهی رئیس کمیسیون دانش‌بنیان اتاق ایران اعلام کرده که قطع هر روز قطع اینترنت در ایران بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار خسارت به اقتصاد کشور وارد می‌کند و با در نظر گرفتن تبعات غیرمستقیم این مسئله، رقم مذکور به حدود ۸۰ میلیون دلار در روز می‌رسد.

افشین کلاهی گفته که «هزینه ساخت پل «BI» کرج حدود ۲۰ میلیون دلار و هزینه احداث هر مگاوات نیروگاه برق نیازمند حدود سه میلیون دلار بودجه است» و «در عمل، هر روز شاهد نابودی چندین پل بزرگ و نیروگاه هستیم؛ اما چون این تخریب‌ها ملموس و قابل مشاهده نیست، حساسیت لازم نسبت به آن وجود ندارد.»

در شرایطی که همچنان مقامات حکومت و شماری از حامیان جمهوری اسلامی معروف به «سیم‌کارت سفیدها» به اینترنت آزاد دسترسی دارند و خبرهایی درباره راه‌اندازی اینترنت با عنوان «سیم‌کارت پرو» برای روزنامه‌نگاران و فعالان اقتصادی منتشر شده، وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی چنین روندی را انکار کرده و گفته اینترنت طبقاتی وجود ندارد!

قطع اینترنت جهانی در ایران به بیش از ۱۱۰۰ ساعت رسیده و برآوردها نشان می‌دهد خسارت اقتصادی ناشی از هر روز قطع اینترنت در ایران به ۴۰ میلیون دلار در روز می‌رسد.

قطع اینترنت جهانی در ایران به چهل‌وهفت روز رسیده و بیش از ۱۱۰ ساعت است که اتصال به اینترنت جهانی در ایران فقط با فیلترشکن‌هایی با قیمت نجومی و البته به‌صورت محدود امکان‌پذیر است.

جداً از پیامدهای روانی و اجتماعی قطع اینترنت که نمونه‌ای از سرکوب عمومی شهروندان توسط جمهوری اسلامی است، خسارت‌های اقتصادی ناشی از این اقدام نیز مرزهای هشدار را رد کرده است.

افشین کلاهی رئیس کمیسیون دانش‌بنیان اتاق ایران اعلام کرده که قطع هر روز قطع اینترنت در ایران بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار خسارت به اقتصاد کشور وارد می‌کند و با در نظر گرفتن تبعات غیرمستقیم این مسئله، رقم مذکور به حدود ۸۰ میلیون دلار در روز می‌رسد.

به گفته افشین کلاهی، خسارات وارده به حوزه اقتصاد دیجیتال کشور معادل تخریب روزانه چندین زیرساخت حیاتی کشور است و در صورت تداوم این روند، آسیب‌های جدی به رشد اقتصادی و توسعه فناوری ایران وارد خواهد شد.

افشین کلاهی گفته که «هزینه ساخت پل «BI» کرج حدود ۲۰ میلیون دلار و هزینه احداث هر مگاوات نیروگاه برق نیازمند حدود سه میلیون دلار بودجه است» و «در عمل، هر روز شاهد نابودی چندین پل بزرگ و نیروگاه هستیم؛ اما چون این تخریب‌ها ملموس و قابل مشاهده نیست، حساسیت لازم نسبت به آن وجود ندارد.»

همانطور که این فعال صنفی توضیح داده جمهوری اسلامی با هر روز قطع اینترنت خسارتی گسترده به اقتصاد

کارگران بی‌پناه ایران؛ بدهی یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی



دوره‌های بیکاری از هیچ‌گونه حمایت دولتی، کمک‌هزینه یا تسهیلات برخوردار نبوده‌اند، از آغاز جنگ در اسفندماه گذشته در وضعیت اقتصادی بسیار دشواری قرار گرفته‌اند. این در شرایطی است که بسیاری از کارگران ساختمانی با وجود سابقه کار بالا از بیمه اجتماعی نیز محروم هستند. آن دسته از کارگرانی که مشمول بیمه سازمان تأمین اجتماعی هستند هم از خدمات ارائه شده از سوی این سازمان راضی نیستند. بسیاری از کارگران مدتهای طولانی در انتظار دریافت حقوق بیکاری یا مستمری از کار افتادگی، به علت آسیب در محیط کار یا بیماری، قرار دارند.

در همین حال سازمان تأمین اجتماعی که این روزها به علت موج بیکاری ناشی از جنگ با درخواست‌های بیشتری از سوی کارگران برای حقوق بیکاری و دیگر حمایت‌ها روبروست به علت کمبود منابع مالی امکان پوشش حمایتی از همه مشمولان و متقاضیان را ندارد. این سازمان طلب هنگفتی از دولت دارد و رؤسای آن بارها تأکید کرده‌اند که اگر دولت بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت کند، این سازمان نیز امکان حمایت از کارگران و همچنین بازنشستگان و مستمری‌بگیران را دارد.

حسن صادقی، قائم‌مقام خانه کارگر و عضو هیأت مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران روز شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ در گفت‌وگو با وبسایت «اقتصاد۲۴» با اشاره به وضعیت بحرانی زندگی اقشار کارگر گفته مشکلات این کارگران از خردادماه و موج بیکاری ناشی از جنگ ۱۲ روزه و سپس اعتراضات دی‌ماه و حالا، با جنگ اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی، افزایش یافته است.

حسن صادقی با انتقاد از سیاست شوک درمانی دولت‌ها و تأثیر آن بر معیشت کارگران و با اشاره به سیاست دولت مبنی بر حذف ارز ترجیحی گفته «از دولت هاشمی تاکنون دولت‌ها عموماً به شوک درمانی روی آورده‌اند. این شوک‌ها تبعات سنگینی را بر زندگی کارگران تحمیل کرده است.

در سال ۱۴۰۴ نیز شوک حذف یکباره ارز ترجیحی

فعالان کارگری تأکید دارند زندگی کارگران در شرایطی از جنگ متأثر شده که این قشر سالهاست درآمد کافی ندارند؛ هر ساله رقم تعیین شده به‌عنوان «رقم حداقل دستمزد» که مبنای پرداخت حقوق کارگران، و اقشار حداقل‌بگیر دیگری همچون بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی است از نرخ تورم کمتر بوده و در نتیجه کارگران را هر سال بیش از سال پیشتر به زیر خط فقر رانده است. در سال جدید خورشیدی نیز رقم حداقل دستمزد فاصله زیادی با هزینه زندگی و نرخ تورم بیش از ۷۰ درصدی در اسفندماه ۱۴۰۴ دارد.

در شرایطی که محاسبات کارشناسان نشان می‌دهد رقم هزینه سبد معیشت که شامل هزینه‌های ضروری زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره است در تهران به حدود ۷۰ میلیون تومان و در شهرستان‌ها به بیش از ۵۰ میلیون تومان افزایش یافته است اما رقم دستمزد کارگران در سال جاری، در صورتیکه همه مزایای شغلی را دریافت کنند به کمتر از ۲۵ میلیون تومان می‌رسد. مقایسه این ارقام نشان از وضعیت بحرانی زندگی کارگرانی دارد که حالا اشتغال و معیشت بسیاری از آنها متأثر از جنگ پنج هفته‌ای اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی شده است.

شمار بیکاری کارگران در مجتمع‌های بزرگ صنعتی که هدف حملات جنگی قرار گرفتند، مانند مجتمع فولاد مبارکه یا مجتمع فولاد خوزستان، به چند هزار کارگر می‌رسد. از سوی دیگر کارگران در بخش‌های دیگر نیز به علت رکود ناشی از مشکلات ساختاری و جنگ با اخراج روبرو شده‌اند. برای نمونه کارگران شاغل در بخش ساختمان‌سازی به‌طور گسترده و به علت متوقف شدن پروژه‌های ساختمانی با بیکاری روبرو شده‌اند.

در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده که «در کنار بیکاری، نبود حمایت‌های اجتماعی و معیشتی نیز فشار مضاعفی بر این قشر وارد کرده است.»

بر اساس گزارش خبرگزاری «ایلنا» کارگران ساختمانی که در

در هفته‌های اخیر در پی رکود اقتصادی ناشی از ناکارآمدی مدیریتی حکومت، و هدف حمله قرار گرفتن تعدادی از زیرساخت‌های صنعتی و تولیدی در جنگ، هزاران کارگر بیکار شدند، شماری آسیب دیدند، و مجروح و از کار افتاده شدند.

در شرایطی که سازمان تأمین اجتماعی باید از کارگران بیکار و صدمه‌دیده حمایت کند، حسن صادقی فعال کارگری گفته این سازمان به علت بدهی دولت و کارفرمایان منابع کافی در دست ندارد.

حسن صادقی گفته «دولت اکنون چیزی در حدود یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و تقریباً ۱۲۰ هزار میلیارد تومان کارفرمایان بخش خصوصی به این سازمان بدهکار هستند.» سعید فتاحی فعال کارگری گفته «سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت حقوق‌ها ناچار به دریافت وام از بانک‌ها و دولت شده است. بنابراین، دولت باید نقش حمایتی خود را در قبال سازمان تأمین اجتماعی ایفا کند تا این سازمان بتواند به تعهدات خود عمل کند.»

یک فعال کارگری از بدهی یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی خبر داده است. این بدهی هنگامت در شرایطی سازمان تأمین اجتماعی را برای پرداخت تعهدات و حمایت از کارگران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران با محدودیت روبرو کرده که در آنسو موج گسترده بیکاری کارگران پس از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی نیاز این قشر به حمایت‌هایی مانند حقوق بیکاری و مستمری را افزایش داده است.

در هفته‌های اخیر در پی رکود اقتصادی ناشی از ناکارآمدی مدیریتی حکومت، و هدف حمله قرار گرفتن تعدادی از زیرساخت‌های صنعتی و تولیدی در جنگ، هزاران کارگر بیکار شدند، شماری آسیب دیدند، و مجروح و از کار افتاده شدند.

گاردین: فضای مذاکرات اسلام‌آباد بین نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی پرتنش بود



جیدی ونس معاون دونالد ترامپ در مذاکره اسلام‌آباد حضور داشت

جمهوری اسلامی و آمریکا برگزار شد، پس از ۲۱ ساعت بحث به بن‌بست رسید و بی‌نتیجه تمام شد. یک منبع پاکستانی ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) به گاردین گفت «فضای جلسه دچار نوسان بود و تنش‌ها در طول دیدار بالا و پایین می‌رفت.»

خواسته‌های جمهوری اسلامی برداشته شدن کل تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های مسدود شده، کنترل کامل بر تنگه هرمز، دریافت عوارض از کشتی‌ها، دریافت غرامت جنگ و برقراری آتش‌بس در سراسر منطقه از جمله لبنان بود که آمریکا موافقت نکرد. در مقابل آمریکا نیز خواستار تحویل بیش از ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی و برچیده شدن تمام زیرساخت‌های غنی‌سازی است که نمایندگان جمهوری اسلامی مخالفت کردند.

چنینا چتین خرنکار ترکیه‌ای همسو با جمهوری اسلامی که در جریان مذاکرات اسلام‌آباد قرار داشت در «ایکس» مدعی شد، «به دلیل اختلاف نظر جدی بر سر کنترل تنگه هرمز، وضعیت پرتنش بین عباس عراقچی و ویتکاف پیش آمد که تقریباً به یک درگیری فیزیکی تبدیل شد.» رد یا تأیید این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست.

برخی منابع اشاره می‌کنند لحن ونس در جریان کنفرانس کوتاه خبری بعد از شکست مذاکرات خیلی تند و خشمگین بود. او خیلی امیدوار بود که در این مذاکرات بتواند با یک «توافق» و با دست پُر به واشنگتن باز گردد.

اولین واکنش ترامپ به شکست مذاکرات، تأکید بر «محاصره دریایی» جمهوری اسلامی برای مقابله با فروش نفت بود.

پنی وانگ وزیر خارجه استرالیا با ابراز ناامیدی نسبت به عدم توافق رژیم ایران و آمریکا در جریان مذاکرات پاکستان، با انتشار بیانیه‌ای گفت «در حال حاضر اولویت باید ادامه آتش‌بس و بازگشت به مذاکرات باشد... او تصریح کرد: «مایه ناامیدی است که مذاکرات اسلام‌آباد میان ایالات متحده و ایران بدون توافق پایان یافته است.»

● روزنامه «گاردین» به نقل از یک منبع پاکستانی گزارشی داد، در مذاکرات اسلام‌آباد، جیدی ونس معاون دونالد ترامپ به همراه استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا و جرد کوشتر داماد ترامپ، به مدت دو ساعت با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو کردند.

● یک منبع پاکستانی دیگر ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) به گاردین گفت «فضای جلسه دچار نوسان بود و تنش‌ها در طول دیدار بالا و پایین می‌رفت.»

● چنینا چتین خرنکار ترکیه‌ای همسو با جمهوری اسلامی که در جریان مذاکرات اسلام‌آباد قرار داشت در «ایکس» مدعی شد، «به دلیل اختلاف نظر جدی بر سر کنترل تنگه هرمز، وضعیت پرتنش بین عباس عراقچی و ویتکاف پیش آمد که تقریباً به یک درگیری فیزیکی تبدیل شد.» رد یا تأیید این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست.

● خواسته‌های جمهوری اسلامی برداشته شدن کل تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های مسدود شده، کنترل کامل بر تنگه هرمز، دریافت عوارض از کشتی‌ها، دریافت غرامت جنگ و برقراری آتش‌بس در سراسر منطقه از جمله لبنان بود که آمریکا موافقت نکرد. در مقابل آمریکا نیز خواستار تحویل بیش از ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی و برچیده شدن تمام زیرساخت‌های غنی‌سازی است که نمایندگان جمهوری اسلامی مخالفت کردند.

روزنامه «گاردین» به نقل از یک منبع پاکستانی گزارشی داد، در مذاکرات اسلام‌آباد، جیدی ونس معاون دونالد ترامپ به همراه استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا و جرد کوشتر داماد ترامپ، به مدت دو ساعت با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو کردند.

مذاکرات اسلام‌آباد که جمعه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ با میانجیگری پاکستان و به صورت مستقیم میان نمایندگان

مشکلات معیشتی زیادی را موجب شد و تورم به طور فزاینده‌ای افزایش یافت.»

این فعال کارگری افزوده «این سیاست طیف وسیعی از طبقه مزدبگیر را دربرگرفت. ما در زمان حذف یارانه‌ها بارها متذکر شدیم که پرداخت یارانه بسیار بهتر از پرداخت ارز ترجیحی است. اما بدون توجه به توصیه‌ها حذف یارانه‌ها در کشور رقم خود و مبالغی در قالب یارانه نقدی به مردم پرداخت شد که در سال‌های بعد کاملاً بی‌اثر شد.»

این فعال کارگری افزوده «سازمان تأمین اجتماعی تقریباً ۵۳/۷ درصد جمعیت کشور را در حوزه‌های درمان و حقوق مدیریت می‌کند. این سازمان نقش بسزایی در کشور دارد، اما متأسفانه تقریباً ۶ تا ۷ سال است که در وضعیت نامناسبی قرار گرفته و دلیل آن همین شوک درمانی است که دولت‌ها انجام داده‌اند. دولت تعهدات خود را سال‌ها نسبت به تأمین اجتماعی پرداخت نکرده است و دائماً برای سازمان هزینه هم ایجاد می‌کند. طبیعی است که در این شرایط تأمین اجتماعی به سمت ناکارآمدی پیش می‌رود.» او با اشاره به اینکه سازمان تأمین اجتماعی اپرئوتفندی است که فاقد نقدینگی است، گفت: «این سازمان شرکت، دارایی و بانک دارد، اما پول نقد ندارد. دولت اکنون چیزی در حدود یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و تقریباً ۱۲۰ هزار میلیارد تومان کارفرماهای بخش خصوصی به این سازمان بدهکار هستند. از این رو سازمان مجبور است که از بانک رفاه در قالب خط اعتباری پول قرض کند.»

این توضیحات نشان می‌دهد سازمان تأمین اجتماعی که اکنون با موج بیکاری و اخراج هزاران کارگر باید از آنها حمایت کند، به‌علت کمبود منابع امکان اجرای کارآمد چنین موثری را ندارد و همچنان کارگران باید قربانی بدهی دولت به این سازمان باشند!

در همین رابطه سعید فتاحی مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران گفته متأسفانه شرایط باعث شد برخی از کارگران در معرض اخراج قرار بگیرند. برخی از آنان اخراج شده‌اند و عده‌ای دیگر نیز نگران از دست دادن شغل خود هستند.

این فعال کارگری با بیان اینکه «باید سازوکار مشخصی برای حمایت از کارگران تعریف شود تا این حمایت‌ها به‌صورت عملی و مؤثر اجرا شود» گفته «در سطح جهانی نیز در چنین شرایطی، معمولاً دولت‌ها با ارائه حمایت‌های گسترده به کارفرمایان و کارگران، تلاش می‌کنند از بروز بحران‌های اجتماعی جلوگیری کنند. به‌ویژه در ابتدای بحران، حمایت از کارفرما اهمیت زیادی دارد تا بتواند از حقوق و معیشت کارگران خود دفاع کند.

او افزوده «سازمان تأمین اجتماعی نیز نیازمند منابع مالی است، چرا که پرداخت حقوق میلیون‌ها بازنشسته بر عهده این سازمان است. حتی گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد این سازمان برای پرداخت حقوق‌ها ناچار به دریافت وام از بانک‌ها و دولت شده است. بنابراین، دولت باید نقش حمایتی خود را در قبال سازمان تأمین اجتماعی نیز ایفا کند تا این سازمان بتواند به تعهدات خود عمل کند. در این راستا، برخی طرح‌ها مانند ارائه کارت‌های اعتباری به بازنشستگان نیز مطرح شده که می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی آنان کمک کند.»

سعید فتاحی نیز تأکید کرده «به نظر می‌رسد دولت باید بدهی‌های خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت کند، چرا که این سازمان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهادهای اقتصادی کشور محسوب می‌شود و تقویت آن می‌تواند به بهبود وضعیت کارگران و بازنشستگان کمک کند.»

ایران دیگر زیبا نیست، اما بزودی زیبا خواهد شد

شدن شهر، صحنه‌های ترسناک و پرخاشگرانه پرنرنگ‌تر شود؛ اینکه حکومت، به جای آن که مردم زخمی را در آغوش بگیرد، با لحن پیروزی و تسلط با آنان سخن بگوید. اینجاست که زشتی فقط سیاسی نیست؛ انسانی است. زشتی در شکست کرامت مردم است.

زیبایی ایران همیشه در مردمش بود: در نجابتشان، در صبوری‌شان، در لبخندهایی که با همه فشارها باز هم خاموش نشد، در امیدی که با همه زخم‌ها باز هم زنده ماند. اما همین مردم سالهاست که تحقیر شده‌اند، نادیده گرفته شده‌اند، به خاطر ساده‌ترین خواسته‌های انسانی‌شان زیر فشار رفته‌اند و در بزنگاه‌های حساس، به جای همدردی، با زبان زور روبرو شده‌اند. طبیعی است که در چنین وضعی، وطن در چشم فرزندان دیگر آن زیبایی پیشین را نداشته باشد؛ وطنی که باید پناه باشد، گاه به سرچشمه اندوه بدل شده است. با این همه، ما باور نداریم که این تیرگی سرنوشت نهایی ایران باشد.

ما ایمان داریم که برای ایران، روزهای خوب خواهد آمد؛ نه از سر خوش‌خیالی، بلکه به چند دلیل روشن:

نخست، جبر تاریخ است. هیچ نظمی که بر ترس، تحقیر، دروغ و شکاف عمیق میان حکومت و مردم بنا شده، جاودانه نمانده است. تاریخ بارها نشان داده که هیچ قدرتی نمی‌تواند تا ابد بر خلاف جان جامعه بایستد. وقتی روایت رسمی از واقعیت زندگی مردم این اندازه فاصله می‌گیرد، زمان دیر یا زود به سود حقیقت کار می‌کند.

دوم، ایمان به خود ایران است. ایران فقط یک جغرافیا نیست؛ یک حافظه‌ی زنده است. سرزمینی با این همه ریشه، این همه فرهنگ، این همه رنج و این همه ایستادگی، ممکن است زخمی شود، اما نابود نمی‌شود. این سرزمین بارها از دوره‌های سخت گذشته و باز برخاسته است.

و سوم، قدرت مردم است. نیروی واقعی ایران نه در بلندگوهاست، نه در عربده‌ها، نه در شعارهای تحمیلی پیروزی، و نه در نمایش‌های خیابانی قدرت و اجانب حشداشعبي و فاطمیون و زینیون و ... نیروی واقعی ایران در جان مردم ایران است؛ در همان مردمی که با همه فشارها هنوز از پا نیفتاده‌اند، هنوز امید را به کلی وانگذاشته‌اند، و هنوز می‌خواهند کشورشان دوباره خانه‌ای برای زندگی باشد، نه صحنه‌ای برای ترس.

برای همین، با همه این تلخی‌ها، هنوز باید گفت: ایران امروز خسته است، زخمی است، اندوهگین است، اما تمام نشده است.

چهره‌اش را غبار گرفته، اما جانش خاموش نشده است. ایران امروز شاید زیبا نباشد، اما زیبا خواهد شد. بزودی روزهای خوب خواهد آمد.

و آن روز، نه از دل عربده و آتش، بلکه از دل ایستادگی مردم، جبر تاریخ، و بازگشت حرمت انسان ایرانی خواهد رسید. و شاید در میانه‌ی همین تیرگی، مهمترین چیز آن باشد که رشته امید پاره نشود. شاهزاده نیز دقیقاً بر همین نکته دست گذاشت: «امروز نه زمان ناامیدی، بلکه زمان باور بیشتر به پیروزی است.» او به مردم یادآوری کرد که «شما تنها نیستید» و «ایستادگی شما تاریخ را تغییر داده است». این همان نوری است که باید در دل این روزهای تیره نگه داشت: ایمان به مردم، ایمان به ایستادگی، و ایمان به این حقیقت که ایران اگرچه امروز زخمی و اندوهگین است، اما خاموش نشده و زیبایی آن دوباره بازخواهد گشت، اندکی صبر ...



است که آسمان را سنگین می‌کند، و از سوی دیگر، در همان شب‌های پراضطراب، عربده‌کشی، شعارهای «حیدر حیدر»، گویی بلندگوها و نغمه‌های پیروزی در خیابان می‌پیچد. گویی کافی نیست که مردم از صدای جنگ بلرزند؛ باید در همان حال، شاهد نمایش قدرتی هم باشند که هیچ نسبتی با رنج و نگرانی آنان ندارد. این فقط یک صحنه تلخ نیست؛ نماد شکافی عمیق است میان مردم و حاکمیتی که با درد جامعه را نمی‌فهمد، یا دیگر برایش مهم نیست.

برای یک ملت، چیز کوچکی نیست که در میانه ترس، صدای شادی قدرت را بشنود. چیز کوچکی نیست که مردم با دل‌آشوب از صدای انفجار از خواب بپرند و در همان ساعت، فریادهای پیروزی، شعارهای جنگی و نمایش‌های پرخاشگرانه را هم تحمل کنند. وقتی در کنار این صداها، حضور نیروهایی که مردم آن‌ها را از خود نمی‌دانند و از جنس درد خود نمی‌بینند نیز بر خیابان سایه می‌اندازد، حس زشتی چند برابر می‌شود. مردم فقط ناامنی را تجربه نمی‌کنند؛ احساس تحقیر هم می‌کنند. احساس می‌کنند در میانه ترسشان، حرمت رنجشان هم شکسته شده است.

ایران دیگر زیبا نیست، چون خیابان‌هایش در چشم بسیاری دیگر محل قدم زدن، خندیدن، نفس کشیدن و زندگی نیست؛ بلکه محل سنجش خطر است. ایران دیگر زیبا نیست، چون شب‌هایش فقط تاریک نیستند؛ سنگین‌اند.

ایران دیگر زیبا نیست، چون در گوش مردمش گاه هم‌زمان دو صدا می‌پیچد: صدای تهدید از بیرون و حضور اجانب و صدای تحقیر از درون.

ایران دیگر زیبا نیست، چون حکومتی که باید مردم را از وحشت دور کند، بارها خود به بخشی از وحشت بدل شده است.

رفتارهای زشت حکومت فقط در سرکوب خیابانی، بازداشت، فشار، محدودیت و تهدید خلاصه نمی‌شود. زشت‌تر از همه این‌ها، آن لحظه‌ای است که مردم حس کنند رنجشان دیده نمی‌شود؛ اینکه در سخت‌ترین زمان‌ها، به جای دلگرمی، با نمایش قدرت روبرو شوند؛ اینکه به جای آرام

● وقتی صدای مپ، عربده پیروزی اجانب و تحقیر مردم درهم می‌آمیزد.

س.روزبه - آیا یک کشور فقط وقتی زشت می‌شود که خانه‌هایش ویران شوند؟ آیا شهری که مردمش از یک سو با صدای انفجار از خواب می‌پرند و از سوی دیگر با بلندگو، شعار، عربده‌کشی و نغمه‌های پیروزی ساختگی روبرو می‌شوند، هنوز همان شهر زنده و دوست داشتنی پیشین است؟

و آیا می‌توان از زیبایی ایران سخن گفت، وقتی بخشی از این زشتی نه فقط از جنگ، که از رفتارهای خشن، تحقیرآمیز و بی‌رحمانه حکومتی با مردم خود زاده شده است؟
ایران دیگر زیبا نیست.

این جمله فقط یک آه شاعرانه نیست. شرح حال سرزمینی است که چهره‌اش فقط از دود و انفجار تیره نشده، بلکه از اندوه مردمش، از شب‌های پراضطرابش، از حافظه خونین خیابان‌هایش، و از زخم‌هایی که سال‌ها بر روح جامعه نشسته، غبار گرفته است. ایران دیگر زیبا نیست، چون زیبایی یک کشور فقط به کوه و دشت و دریا و بناهای تاریخی نیست. زیبایی یک کشور، پیش از هر چیز، به حال مردم آن کشور است. به اینکه مردم در خیابان‌های آن احساس امنیت کنند. به اینکه شب در شهرهای آن بوی آرامش بدهد، نه بوی دلشوره و تهدید.

سرزمین زمانی زیباست که مردمش در آن احساس «خانه بودن» کنند؛ وقتی مادر از بیرون رفتن فرزندش نلرزد؛ وقتی دختر جوان در خیابان احساس نکند زیر نگاه سنگین تهدید و تحقیر ایستاده است؛ وقتی جوان ایرانی با شنیدن صدای موتور، هجوم فریاد و شعار از جا نپرد؛ وقتی شهر، ادامه زندگی باشد، نه امتداد ترس. اما سالهاست که این حس از بسیاری از مردم ایران گرفته شده است. حکومتی که باید پناه مردم باشد، بارها خود به یکی از سرچشمه‌های اضطراب، فشار، خشم و فرسودگی مردم بدل شده است.

از آن دی‌ماه خونین که هنوز سایه‌اش از حافظه جمعی کنار نرفته، تا امروز، جامعه ایران بارها این تجربه تلخ را از سر گذرانده که در لحظه درد، به جای همدلی، با قهر روبرو شده است. در این میان، شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیام تازه‌اش به همان اعتراضات دی‌ماه و ایستادگی مردم در صد روز اخیر اشاره کرد و گفت می‌داند خبر آتش‌بس دو هفته‌ای بسیاری را دلسرد کرده، اما «امروز نه زمان ناامیدی، بلکه زمان باور بیشتر به پیروزی است». او همچنین از کسانی یاد کرد که در این مدت «در برابر گلوله‌ها سینه سپر کردند» و در هفته‌های اخیر خطر بمباران را به جان خریدند.

این اشاره فقط یک موضع سیاسی نبود. برای مردمی که زیر فشار خبرهای سنگین، ترس شبانه و حس فرساینده بی‌پناهی قرار گرفته‌اند، این پیام در حکم نوری در دل تیرگی بود؛ زیرا تلاش کرد آتش‌بس را نه بعنوان نجات نهایی ساختاری که این‌همه رنج آفریده، بلکه بعنوان مکثی در میانه فشاری بزرگ‌تر قاب‌بندی کند. همین جابجایی معنا برای جامعه‌ای زخمی کم‌چیز نیست. وقتی بسیاری حس می‌کنند همه‌چیز دوباره از دست رفته، یک صدا می‌کوشد رشته امید را پاره نکند.

اما زشتی امروز فقط در خاطر سرکوب‌های گذشته نیست. زشتی در آن چیزی است که مردم اکنون با پوست و استخوان خود حس می‌کنند. از یک سو صدای مپ و انفجار

تنها ۲۱ ساعت، تا سقوط به ۲۱ گرم؛ کاهش شدید وزن نظام



و در نهایت، ناتوانی در تولید یک پاسخ روشن. این همان لحظه‌ایست که یک نظام، نه با ضربه‌ای بیرونی، بلکه از درون، سبک می‌شود.

در این نقطه، «۲۱ گرم» تنها یک تمثیل نیست؛ بلکه وزن آن چیزیست که از توان تصمیم‌گیری یک نظام باقی مانده است. در داستان و روایتی که الهام‌بخش فیلم «۲۱ گرم» است، گفته می‌شود روح انسان پس از مرگ، ۲۱ گرم وزن دارد.

این عدد، نه یک داده علمی، بلکه می‌تواند استعاره‌ای زیبا از تقلیل به حداقل در نظر گرفته شود.

اگر این استعاره را به سیاست تعمیم دهیم، آنچه در این ۲۱ ساعت رخ داد، چیزی فراتر از شکست یک مذاکره بود. چند جمله کوتاه از معاون رئیس‌جمهور آمریکا، همچون یک نمای کوتاه سینمایی، لحظه‌ای را ثبت کرد که در آن، یک ساختار سیاسی از «توان تصمیم» به «حداقل بقا» فروکاست؛ پس از صدها کات در فیلمی چهل‌وهفت‌ساله، در آستانه‌ی آخرین فرمان کارگردان: «کات، تمام».

و این، نه صرفاً شکست یک فیلم پرهزینه در گیشه، بلکه نشانه‌ای از فروپاشی توان تولید و پایان اعتبار یک کمپانی در روایت‌سازی است.

توصیف این رویداد بعنوان «شکست مذاکرات» شاید ساده‌ترین برداشت باشد.

اما واقعیت عمیق‌تر، در جای دیگری نهفته است: در این ۲۱ ساعت، نه تنها توافقی شکل نگرفت، بلکه امکان رسیدن به توافق نیز زیر سؤال رفت. و این، تفاوت میان یک بحران مقطعی و یک بحران ساختاری است.

۲۱ ساعت گذشت و در پایان آن، آنچه باقی ماند، نه یک توافق، بلکه نشانه‌ای از یک فروکاست بود: فروکاستِ وزن تصمیم، به همان ۲۱ گرم مادی.

در چنین لحظه‌ای، دیگر پرسش این نیست که چه تصمیمی گرفته خواهد شد؛ پرسش این است که آیا هنوز تماشگری باقی مانده که برای دیدن این فیلم چهل‌وهفت‌ساله (با روایتی تکراری و رنگ‌باخته) بلیتی بخرد؛ حتی اگر بداند قطاری که بر پرده می‌آید، نه قطار آغازین بردارن لومیر، بلکه آخرین قطار Last Train from Gun Hill است.

نفوذ خود است.

۳- روایت تصاحب آینده: خطرناک‌ترین لایه؛ کسانی که در خلأ قدرت، خود را وارث احتمالی می‌بینند. برای آنان، نتیجه مذاکره نه در امتداد راهی که به راه امام شناخته شده، نه در مسیر پیروی از میراث تثبیت شده خامنه‌ای و نظام، بلکه صرفاً بخشی از رقابت بر سر قدرت در فردای پس از بحران است.

لاجرم از پس این آشفتگی، لحظه‌ای فرا می‌رسد که تصمیم، به‌جای آنکه متمرکز شود، پخش و پاره پاره می‌شود.

حال آنکه در هر ساختار سیاسی، بحران‌ها تنها زمانی قابل‌مُهر هستند که تصمیم‌گیری به نقطه‌ای مشخص و متمرکز برسد. اما آنچه در کنفرانس کوتاه و نس از این ۲۱ ساعت شنیده شد، دقیقاً حکایت از عکس این روند را داشت و به ما می‌گفت که تصمیم در طرف تیم قالیباف، به‌جای آنکه فشرده شود، پخش شده است.

افزایش تعداد بازیگران، ورود لایه‌های جدید قدرت، و رقابت میان روایت‌ها، نه تنها به حل مسئله کمک نکرد، بلکه آن را به تعویق و حتی شاید آن را به مُحاق برده باشد.

و این حقیقتی است که تعویق، در لحظه بحران، خود نوعی شکست است و تیز شدن شتاب حرکت به ته دره‌ی سقوط و نابودی.

به نظر می‌رسد که با چیزی یا پروسه‌ای مانند سقوط و کاهش وزن؛ از اقتدار تا تعلیق روبرو باشیم.

ناشنی‌ترین و کم تجربه‌ترین آدم‌های سیاسی حتی در جوان‌ترین دولت‌ها نیز این را می‌دانند که اقتدار سیاسی، بیش از هر چیز، به «توان تصمیم‌گیری» وابسته است.

هرچه این توان پراکنده‌تر شود، وزن نظام کاهش می‌یابد. اما در اینجا به نظر می‌رسد که ما با یک فروپاشی ناگهانی روبرو نیستیم؛ بلکه با فرآیندی مواجه هستیم که می‌توانیم آن را چنین توصیف و تشریح کنیم:

کاهش تدریجی تمرکز قدرت (به علت از بین رفتن هسته اصلی رهبری در نظام)

افزایش تضاد در روایت‌ها (دقیقاً به همان علت گفته شده)

بهزاد پرنیان - مانند بسیاری از ایرانیان، امروز شش‌دانگ حواسم به خبرهایی بود که قطره‌چکانی از اسلام‌آباد می‌رسید. ساعت‌ها، بی‌وقفه میان کانالها و وب سایت‌های خبری جابجا می‌شدم و هر چند دقیقه یک‌بار همان صفحه‌ها را رفرش می‌کردم، به امید یک نشانه، یک جمله، یک تغییر. گذشت زمان از آن نوع خاص شده بود که در پایان هر ساعت، تازه به خودت می‌آمدی و می‌دیدید چندین فنجان قهوه نوش‌جان کرده‌ای!!

زمانی کش‌دار، فرساینده و بی‌رحم در هزینه‌ای که تحمیل می‌کرد.

نه خبری از توافق بود، نه حتی نشانه‌ای از شکست. فقط تعلیق سنگین، فرساینده و مبهم.

تا اینکه ساعاتی پس از نیمه‌شب به وقت لندن، ناگهان نوار قرمز «Breaking News» روی صفحه ظاهر شد. شبکه خبری که در حال تماشایش بودم، برنامه خود را قطع کرد و تصویر زنده از کنفرانس خبری پخش شد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا مقابل دوربین قرار گرفت. چند جمله‌ی اولش کافی بود: ۲۱ ساعت مذاکره... همین یک عدد، ذهنم را از فضای خبر بیرون کشید و پرتاب کرد به جهان فیلم ۲۱ گرم!!

۲۱ ساعت؛ ۲۱ گرم.

در آن فیلم، این عدد به غامدی از لحظه‌ای تبدیل می‌شود که زندگی، در یک نقطه‌ی بی‌بازگشت فرو می‌ریزد؛ جایی که روایت‌ها، پیش از آنکه به جمع‌بندی برسند، در هم می‌شکنند. و حالا، در این سوی واقعیت، همان عدد، به شکلی دیگر تکرار می‌شود:

نه بعنوان وزن شرافت یا سنجی برای ثروت روح، بلکه بعنوان وزن یک تصمیم یا دقیقتر، ناتوانی در رسیدن به آن. با ادامه صحبت‌ها، تصویر روشن‌تر شد:

پیشنهادی «نهایی» روی میز قرار داشته، اما پاسخی که باید، داده نشده است. نه یک «بله»، نه حتی یک «نه»ی صریح؛ بلکه وضعیتی میان تعلیق و سردرگمی برآمده از بی‌صاحبی یک نظام فرسوده و ناتوان از رسیدن به تصمیم. همزمان، خبرهایی که ساعاتی پیش از آن درباره ورود ناگهانی چهره‌های ارشدتر مرتبط با ساختارهای امنیتی و حلقه‌های نزدیک به رأس قدرت به روند مذاکرات منتشر شده بود، معنای تازه‌ای پیدا کرد.

گویی مسئله، دیگر صرفاً اختلاف میان دو طرف نبود. آنچه در این ۲۱ ساعت رخ داد، بیشتر شبیه صحنه‌ای از داستان ۲۱ گرم بود.

چند روایت، چند اراده، و هیچ نقطه‌ای برای جمع‌شدن آنها در یک تصمیم.

سه روایت، یک بن‌بست

با وجود عدم اطلاع دقیق از روند گفتگوهای ۲۱ ساعته، اگر بخواهیم آنچه را در این بازه کوتاه رخ داد صورت‌بندی کنیم، می‌توان از سه روایت همزمان سخن گفت: سه نیرویی که نه تنها همسو نبودند، بلکه یکدیگر را خنثی می‌کردند:

۱- روایت بقا: جریانی که به‌خوبی می‌داند ادامه مسیر فعلی، به بن‌بست می‌رسد. این گروه، دیر یا زود، به منطق «عقب‌نشینی برای بقا» رسیده است.

۲- روایت انکار: جریانی که هنوز به امکان ادامه وضع موجود باور دارد، یا دست‌کم چنین وانمود می‌کند. برای این گروه، هرگونه شفافیت درباره آینده، به‌معنای پایان نقش و

توافق یا تعویق بحران؟ جمهوری اسلامی در تنگنای بقا، ایران در آستانه‌ی تغییر



احسان تاریخی* - ایران امروز در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود ایستاده است. از یک سو، مذاکرات میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده بار دیگر به صدر اخبار بازگشته و از سوی دیگر، سایه جنگ، تحریم، فروپاشی اقتصادی و ناامنی منطقه‌ای همچنان بر سر کشور سنگینی می‌کند. در چنین شرایطی، مهم‌ترین پرسش این نیست که آیا میان تهران و واشنگتن توافقی حاصل خواهد شد یا نه. پرسش اصلی این است که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند با استفاده از مذاکرات، یک بار دیگر بقای خود را تهدید کند یا اینکه جامعه ایران و اپوزیسیون خواهند توانست از این مرحله تاریخی برای گذار به آینده‌ای متفاوت استفاده کنند. مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی را نباید صرفاً بعنوان اختلافی فنی بر سر تعداد سانتریفیوژها، درصد غنی‌سازی یا زمان رفع تحریم‌ها تحلیل کرد. مسئله اصلی، برخورد دو منطق متفاوت است. از یک سو، آمریکا و متحدانش تلاش می‌کنند یک حکومت ایدئولوژیک، بحران‌ساز و غیرقابل پیش‌بینی را مهار کنند، از سوی دیگر، جمهوری اسلامی می‌کوشد از مذاکره، تهدید و ایجاد ترس جهانی از جنگ برای خرید زمان و حفظ ساختار خود استفاده کند.

جمهوری اسلامی امروز در مرحله‌ای قرار گرفته که در روانشناسی سیاسی می‌توان آن را مرحله فرسودگی ساختاری نامید. حکومت‌هایی که وارد این مرحله می‌شوند، معمولاً مشروعیت داخلی خود را از دست داده‌اند، از نظر اقتصادی دچار بحران شده‌اند، در حوزه اجتماعی با شکاف عمیق میان مردم و حکومت روبرو هستند و در عرصه خارجی نیز دیگر نمی‌توانند صرفاً با شعار و تبلیغات دوام بیاورند. در چنین وضعیتی، حکومت به جای اصلاح واقعی، به سمت رفتارهای جبرانی حرکت می‌کند. امنیتی‌سازی، دشمن‌سازی، تهدید خارجی، سرکوب داخلی، تبلیغات ایدئولوژیک و مذاکره برای خرید زمان، همگی بخشی از این رفتار جبرانی هستند. جمهوری اسلامی امروز دقیقاً در چنین موقعیتی قرار دارد. ساختار قدرت به خوبی می‌داند که دیگر از سرمایه اجتماعی گسترده برخوردار نیست. اعتراضات سراسری سال‌های اخیر، مهاجرت گسترده نخبگان، کاهش مشارکت سیاسی، سقوط اعتماد عمومی و رشد ناراضیاتی اجتماعی نشان داده که بخش بزرگی از جامعه ایران دیگر نه به شعارهای رسمی باور دارد و نه مشروعیت اخلاقی و سیاسی جمهوری اسلامی را می‌پذیرد.

به همین دلیل، جمهوری اسلامی ناچار است همزمان دو سیاست متناقض را دنبال کند. از یک سو، باید چهره‌ای تهاجمی، ایدئولوژیک و مقتدر از خود نشان دهد تا بدنه‌ی وفادار و نیروهای سرکوبگر را حفظ کند، از سوی دیگر، باید وارد مذاکره شود تا از خطر جنگ، تشدید تحریم‌ها، فروپاشی اقتصادی و انفجار اجتماعی جلوگیری کند. این تضاد رفتاری، مهم‌ترین نشانه‌ی بحران روانی و سیاسی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است.

آمریکا نیز در مذاکرات با جمهوری اسلامی صرفاً به دنبال یک توافق محدود هسته‌ای نیست. واشنگتن به خوبی می‌داند که مسئله جمهوری اسلامی فقط برنامه اتمی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تهدیدهای هسته‌ای، موشکی، منطقه‌ای، دریایی، سایبری و ایدئولوژیک است. به همین دلیل،

خود همواره با یک احساس ناامنی عمیق روبرو بوده است. ضعف مشروعیت داخلی، تضاد با بخش بزرگی از مردم، ترس از فروپاشی و دشمنی ایدئولوژیک با کشورهای منطقه، باعث شده که سپاه پاسداران به ستون اصلی نظام تبدیل شود و میلیاردها دلار صرف موشک‌ها، پهپادها و ابزارهای نظامی شود.

اما این سرمایه‌گذاری عظیم نظامی یک روی دیگر نیز دارد. هر دلاری که صرف موشک، پهپاد، برنامه هسته‌ای و شبکه‌های نیابتی شده، از جیب مردم ایران برداشته شده است. میلیاردها دلاری که می‌توانست صرف بازسازی مدارس، بیمارستان‌ها، جاده‌ها، زیرساخت‌های آب و برق، توسعه صنعتی و ایجاد شغل شود، به جای آن صرف جنگ‌های نیابتی و پروژه‌های نظامی شده است. نتیجه این سیاست آن است که ایران با وجود منابع عظیم طبیعی و انسانی، امروز گرفتار تورم، سقوط ارزش پول ملی، مهاجرت نخبگان، کمبود آب، فرسودگی زیرساخت‌ها و فقر گسترده شده است.

سومین خواسته آمریکا، مهار شبکه نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته میلیاردها دلار صرف ایجاد و حمایت از گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان، حماس، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان وابسته در عراق و سوریه کرده است. این گروه‌ها برای تهران نوعی سپر دفاعی و ابزار فشار منطقه‌ای محسوب می‌شوند. اما از منظر ملی‌گرایی ایرانی، این سیاست یکی از بزرگترین خیانت‌های جمهوری اسلامی به منافع ایران بوده است. حکومتی که مدعی دفاع از مردم ایران است، منابع کشور را خرج گروه‌هایی کرده که نه به رفاه مردم ایران کمک کرده‌اند، نه امنیت واقعی برای ایران ایجاد کرده‌اند و نه حتی در نهایت توانسته‌اند جایگاه بین‌المللی ایران را ارتقا دهند. برعکس، نتیجه این سیاست چیزی جز تحریم، انزوا، دشمنی منطقه‌ای و تخریب اعتبار تاریخی ایران ←

خواسته‌های آمریکا را باید در چارچوب مهار این مجموعه تهدیدها تحلیل کرد.

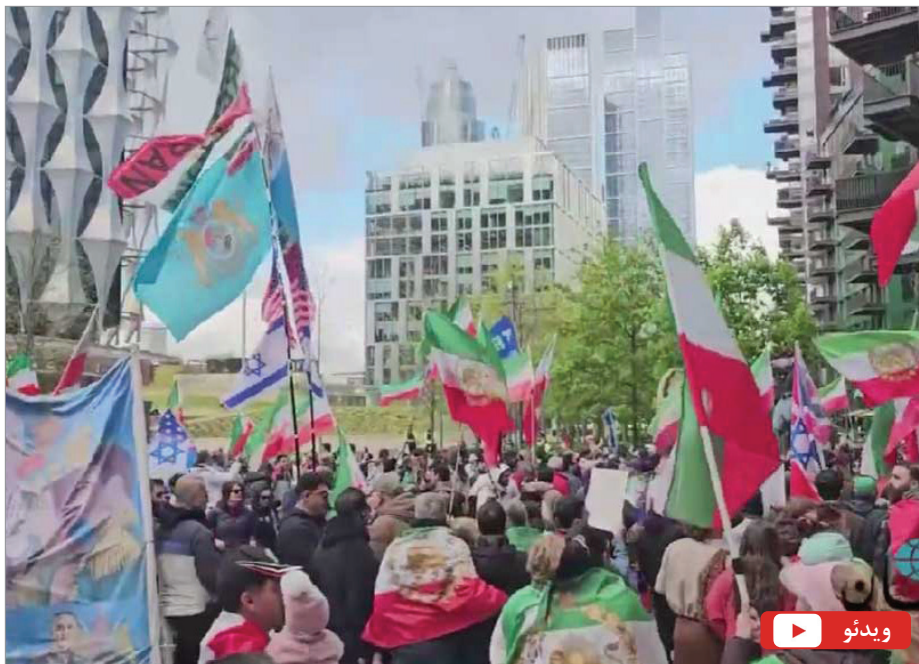
نخستین خواسته آمریکا، جلوگیری از تبدیل جمهوری اسلامی به یک قدرت آستانه هسته‌ای است. قدرت آستانه هسته‌ای به کشوری گفته می‌شود که شاید هنوز رسماً بمب اتمی نساخته باشد، اما آن‌قدر به فناوری، مواد و زیرساخت لازم نزدیک شده که بتواند در مدت کوتاهی به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. خطر جمهوری اسلامی فقط در داشتن بمب نیست. خطر اصلی در این است که یک حکومت ایدئولوژیک، غیرشفاف، متکی بر سپاه پاسداران و فاقد مشروعیت مردمی، به این سطح از قدرت برسد.

تجربه تاریخی نشان داده که حکومت‌های ضعیف و بحران‌زده، گاه از حکومت‌های قدرتمند خطرناک‌تر هستند. زیرا ممکن است برای جبران ضعف داخلی، به سمت نمایش قدرت خارجی و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی حرکت کنند. برای جمهوری اسلامی، برنامه هسته‌ای فقط یک پروژه نظامی نیست؛ این برنامه بخشی از روانشناسی بقای نظام است. حکومت می‌خواهد این تصور را ایجاد کند که حتی اگر در داخل کشور منقرض باشد، در خارج از کشور آن قدر خطرناک شده که جهان ناچار است با آن کنار بیاید.

دومین خواسته آمریکا، محدودسازی برنامه موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته یکی از بزرگترین زرادخانه‌های موشکی خاورمیانه را ایجاد کرده و بطور گسترده بر پهپادها، موشک‌های دوربرد و ابزارهای جنگ نامتقارن سرمایه‌گذاری کرده است. این برنامه‌ها صرفاً برای دفاع از مرزهای ایران طراحی نشده‌اند، بلکه بخشی از دکترین بقای جمهوری اسلامی هستند.

در روانشناسی قدرت، حکومت‌هایی که احساس ناامنی مزمن دارند، معمولاً به سمت توسعه ابزارهای تهاجمی حرکت می‌کنند. جمهوری اسلامی نیز از آغاز شکل‌گیری

تجمع مقابل سفارت آمریکا در لندن در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی



روز شنبه ۱۱ آوریل ۲۰۲۶، ۲۲ فروردین ۱۴۰۵، همزمان با برگزاری دور جدید مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی در پاکستان، ایرانیان ساکن بریتانیا در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی مقابل سفارت آمریکا در لندن تجمع کردند.

شرکت‌کنندگان در این تجمع پس از یک راهپیمایی سه ساعته از مقابل سفارت جمهوری اسلامی به محوطه سفارت آمریکا رسیدند. جمعیت حاضر با سر دادن شعارها و پیام‌ها به زبان انگلیسی، خواسته‌های خود را برای مقامات آمریکایی و بریتانیایی اعلام کردند.

جمعیتی بیش از ۳۰ هزار نفر از شهروندان ساکن شهرهای مختلف بریتانیا در این تجمع حاضر شدند و خواسته‌های خود را در چهار محور از مقامات ایالات متحده مطرح کردند:

یک: مخالفت مردم ایران با هرگونه مذاکره، سازش و مداخلات با سران باقیمانده رژیم تروریستی جمهوری اسلامی. دو: درخواست از دونالد ترامپ برای اینکه عبارت «تغییر رژیم» را به معنی جابه‌جایی سران کشته شده با سران فعلی رژیم به کار نبرد؛ و همانطور که وعده داده بود تا آخر در کنار مردم و با کمک مردم ایران، برای براندازی و تغییر رژیم واقعی، ایستادگی کند.

سه: کمک بین المللی برای برقراری ارتباط اینترنتی مردم داخل ایران تا حداقل در جریان اعلامیه‌های قبل از بمباران برای حفظ امنیت جانی خود قرار بگیرند. چهار: توجه به موج گسترده بازداشت، و صدور و اجرای احکام اعدام علیه شهروندان معترض.

بحران مشروعیت ادامه پیدا کند، ممکن است وارد مرحله‌ای از فرسایش سریع‌تر شود. در چنین شرایطی، اگر اپوزیسیون بتواند متحد، منسجم و آماده باشد، احتمال گذار تاریخی از جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد.

بنابراین، چه توافق حاصل شود و چه شکست بخورد، مسئله اصلی همچنان باقی می‌ماند. تا زمانی که ساختار جمهوری اسلامی پابرجاست، بحران نیز پابرجا خواهد بود. توافق فقط می‌تواند سرعت بحران را کم یا زیاد کند، اما نمی‌تواند ریشه آن را از میان ببرد.

ایران آینده می‌تواند دوباره به جایگاه طبیعی خود بازگردد. کشوری که نه محور بحران، بلکه محور توسعه باشد. کشوری که نامش نه با تحریم، جنگ و سرکوب، بلکه با تمدن، فرهنگ، قدرت اقتصادی، آزادی و غرور ملی شناخته شود. این همان آینده‌ای است که مردم ایران شایسته آن هستند و این همان هدفی است که اپوزیسیون ایران باید برای آن متحد شوند.

پاینده ایران

به بیان دیگر، توافق اگر بدون تغییرات ساختاری باشد، ممکن است به جای حل بحران، فقط آن را به تعویق بیندازد. جمهوری اسلامی در گذشته نیز بارها نشان داده که از دوره‌های تنفس اقتصادی و سیاسی نه برای اصلاح، بلکه برای تحکیم قدرت خود استفاده کرده است.

اما اگر مذاکرات شکست بخورد و هیچ توافقی حاصل نشود، چند سناریو محتمل خواهد بود. نخست، احتمال تشدید تحریم‌ها و فشار اقتصادی بیشتر بر مردم ایران افزایش می‌یابد. دوم، خطر درگیری‌های منطقه‌ای، حملات محدود، خرابکاری، تشدید جنگ نیابتی و حتی برخورد مستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا با اسرائیل بیشتر می‌شود. سوم، ممکن است حکومت برای کنترل جامعه، سرکوب داخلی را شدیدتر کند و فضای امنیتی و نظامی را در داخل کشور گسترش دهد.

با این حال، شکست مذاکرات لزوماً به معنای تقویت جمهوری اسلامی نیست. برعکس، اگر حکومت نتواند به توافق برسد و همزمان فشار اقتصادی، نارضایتی اجتماعی و

نیووده است. ایران کشوری است که می‌توانست به قدرت اول اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه تبدیل شود. اما جمهوری اسلامی به جای آنکه ایران را به مرکز تجارت، فناوری، انرژی و سرمایه‌گذاری تبدیل کند، کشور را به محور بحران، جنگ نیابتی و تنش منطقه‌ای تبدیل کرده است. نام ایران امروز بیش از آنکه با فردوسی، کوروش، حافظ، دانش، هنر و تمدن شناخته شود، با سپاه پاسداران، غنی‌سازی، تحریم، حزب‌الله و تهدید هرمز گره خورده است. این بزرگترین فاجعه برای هویت ملی ایران است.

چهارمین مسئله مهم، تهدید تنگه هرمز و امنیت انرژی جهانی است. جمهوری اسلامی بارها تهدید کرده که در صورت فشار بیشتر، تنگه هرمز را خواهد بست یا حملات دریایی انجام خواهد داد. این تهدید فقط علیه آمریکا یا کشورهای عربی نیست، بلکه علیه کل اقتصاد جهانی است. بخش بزرگی از نفت و گاز جهان از خلیج فارس عبور می‌کند و هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند موجب جهش قیمت انرژی، رکود اقتصادی و بحران جهانی شود.

از منظر روانشناسی سیاسی، این رفتار نیز ناشی از همان اضطراب بقای نظام است. حکومت‌هایی که احساس می‌کنند در حال از دست دادن کنترل هستند، گاه تلاش می‌کنند با تهدید به تخریب گسترده‌تر، دیگران را وادار به عقب نشینی کنند. جمهوری اسلامی می‌داند که اگر نتواند در میدان نظامی پیروز شود، می‌تواند از ترس جهانی نسبت به جنگ منطقه‌ای و بحران انرژی بعنوان ابزار چانه‌زنی استفاده کند. اما شاید بزرگ‌ترین تهدید جمهوری اسلامی علیه جهان، نه موشک‌ها، نه سانتریفیوژها و نه حتی نیروهای نیابتی، بلکه خود الگوی حکمرانی آن باشد. جمهوری اسلامی نشان داده که چگونه می‌توان با ترکیب ایدئولوژی مذهبی، سرکوب داخلی، اقتصاد رانتی، تبلیغات ضدغربی، شبه نظامیان منطقه‌ای و تهدید هسته‌ای، دهه‌ها در قدرت باقی ماند. اگر چنین الگویی موفق تلقی شود، می‌تواند الهام‌بخش دیگر حکومت‌های اقتدارگرا و گروه‌های افراطی نیز باشد.

اما جمهوری اسلامی فقط برای جهان خطرناک نیست. این حکومت برای مردم ایران نیز یک آسیب روانی عمیق ایجاد کرده است. میلیون‌ها ایرانی طی چهار دهه گذشته در فضایی از ترس، ناامنی اقتصادی، تحقیر اجتماعی، سرکوب، مهاجرت اجباری و بی‌اعتمادی زندگی کرده‌اند. جامعه ایران امروز از نظر روانی خسته، فرسوده و مضطرب است. بخش بزرگی از مردم دیگر به آینده امیدوار نیستند و احساس می‌کنند کشورشان از مسیر طبیعی توسعه خارج شده است. جهان به تدریج به این نتیجه رسیده که مشکل فقط برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نیست، بلکه خود ساختار جمهوری اسلامی است.

در نهایت، مذاکرات امروز میان آمریکا و جمهوری اسلامی را باید نه بعنوان پایان بحران، بلکه بعنوان بخشی از روند فرسایش جمهوری اسلامی دید. اما نتیجه این مذاکرات می‌تواند در دو مسیر متفاوت حرکت کند.

اگر توافقی موقت یا محدود حاصل شود، احتمالاً بخشی از فشار اقتصادی کاهش پیدا خواهد کرد، تنش نظامی موقتا فروکش می‌کند و جمهوری اسلامی زمان بیشتری برای بازسازی ساختار خود بدست می‌آورد. چنین توافقی ممکن است در کوتاه‌مدت خطر جنگ را کاهش دهد، قیمت ارز و بازارهای مالی را آرام‌تر کند و تا حدی از فشار روانی جامعه بکاهد. اما در عین حال، این خطر وجود دارد که جمهوری اسلامی از همین فرصت برای بازسازی نیروهای سرکوبگر، تقویت شبکه‌های نیابتی، افزایش توان موشکی و امنیتی و طولانی‌تر کردن عمر خود استفاده کند.

رکود تورمی اقتصاد ایران عمیق تر می شود؛ پیش بینی سقوط رشد اقتصادی به منفی ۶/۱ درصد



کار هستند. داوود میرزایی فعال کارگری ساکن ساوه با اشاره به اخراج گسترده کارگران گفته «امروز جامعه کارگری با مشکلاتی دست و پنجه نرم می کند که ریشه در آسیب های وارده به صنایع مادر همچون فولاد و پتروشیمی دارد. متأسفانه این مشکلات به کارخانه های زیرمجموعه و زنجیره تأمین مواد اولیه نیز سرایت کرده و باعث شده است که امروز صدای آهنگ ناموزون اخراج نیرو از بسیاری از واحدهای تولیدی به گوش برسد.»

این فعال کارگری تأکید کرده که «بی انصافی است که با اولین فشار اقتصادی، قرعه به نام اخراج کارگران بیافتد. جامعه کارگری همواره یار و یاور نظام و پیرو توصیه های اقتصادی رهبر شهید بوده است. این قشر شریف در دوران کرونا حتی یک لحظه سنگر تولید را رها نکرد و در شرایط دشوار کمبود برق و گاز در تابستان و زمستان، با تمام توان پای چرخ تولید ایستاد.»

این در حالیست که در آنسو نیز کارفرمایان می گویند در شرایطی که هفته های متوالی فعالیت اقتصادی نداشته و در زیان انباشته به سر می برند امکان نگهداری نیروی کار را ندارند. برخی کسب و کار خود را به طور کامل تعطیل و در نتیجه کارکنانشان بیکار شده اند و برخی نیز ناچار به کاهش بخشی از هزینه ها از جمله هزینه حقوق و دستمزد شده اند که به معنای اخراج بخشی از نیروی کار است.

از سوی دیگر رکود تورمی فرایندی مزمن در اقتصاد ایران است که از سالها پیش سبب کوچک شدن کیک اقتصاد ایران و کاهش رشد اقتصادی شده است.

اکنون نیز صندوق بین المللی پول در تازه ترین گزارش خود اعلام کرده ایران، قطر و عراق سه کشوری هستند که بیشترین آسیب اقتصادی را از جنگ خاورمیانه متحمل شده اند.

صندوق بین المللی پول چشم انداز رشد ایران در

در روزهای آتش بس اگر چه نگرانی مردم از انفجارها و مہاران کاهش پیدا کرده اما تشدید مشکلات اقتصادی زندگی را دشوارتر و نگرانی شهروندان را به شکل دیگری افزایش داده است.

بر اساس گزارش های میدانی قیمت کالاها و خدمات مختلف پس از تعطیلات نوروز با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. از سوی دیگر رکود و خسارت ناشی از جنگ و قطع اینترنت واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی کوچک و بزرگ در کشور را تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از این واحدها تعطیل و نیمه تعطیل شده اند.

موج تازه ای از بیکاری و اخراج نیروی کار راه افتاده است به طوری که تنها در استان خوزستان دست کم ۱۰۰ هزار کارگر شغل خود را به علت آسیب جنگ به زیرساخت های انرژی و پتروشیمی از دست داده اند.

قربان درویشی دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان روز گذشته اعلام کرد که در این استان «دست کم ۳۵ واحد تولیدی عمده» که در جریان جنگ، هدف حملات نظامی آمریکا و اسرائیل قرار گرفته اند، از چرخه فعالیت «خارج» شده اند.

قربان درویشی توضیح داده که بخش بزرگی از صنایع آسیب دیده را صنایع مادر و زیربنایی تشکیل می دهند و این آسیب ها تأثیر مستقیم بر بازار کار استان گذاشته است. این فعال کارگری همچنین گفته که بحران بیکاری ۱۰۰ هزار کارگر در این استان به معنای تبدیل ۱۰۰ هزار منبع درآمد برای سازمان تأمین اجتماعی به یک هزینه برای این صندوق است و تأکید کرده سازمان تأمین اجتماعی استان توان پرداخت این تعداد حقوق بیکاری را ندارد.

اخراج نیروی کار در بخش های دیگر تولید و خدماتی در سراسر کشور ادامه دارد. شرکت های زیادی به علت قطع اینترنت و شرایط جنگ با کاهش فروش روبرو شده اند و حالا برای کاهش هزینه ها ناچار به اخراج بخشی از نیروی

● بر اساس گزارش های میدانی قیمت کالاها و خدمات مختلف پس از تعطیلات نوروز با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

● رکود و خسارت ناشی از جنگ و قطع اینترنت واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی کوچک و بزرگ در کشور را تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از این واحدها تعطیل و نیمه تعطیل شده اند.

● موج تازه ای از بیکاری و اخراج نیروی کار راه افتاده است به طوری که تنها در استان خوزستان دست کم ۱۰۰ هزار کارگر شغل خود را به علت آسیب جنگ به زیرساخت های انرژی و پتروشیمی از دست داده اند.

● صندوق بین المللی پول در تازه ترین گزارش خود اعلام کرده ایران، قطر و عراق سه کشوری هستند که بیشترین آسیب اقتصادی را از جنگ خاورمیانه متحمل شده اند.

● صندوق بین المللی پول چشم انداز رشد ایران در سال جاری میلادی را منفی ۶/۱ درصد اعلام کرده که ۷/۲ واحد درصد کمتر از برآورد این نهاد بین المللی از رشد اقتصادی کشور در ژانویه ۲۰۲۴ است.

● میعاد ملکی مقام پیشین وزارت خزانه داری آمریکا اعلام کرده محاصره دریایی تنگه هرمز توسط ایالات متحده می تواند روزانه حدود ۲۷۶ میلیون دلار از محل کاهش صادرات به اقتصاد ایران آسیب بزند و هم زمان ۱۵۹ میلیون دلار در روز واردات را مختل کند؛ به بیان دیگر روزانه ۴۳۵ میلیون دلار خسارت اقتصادی!

پیامدهای اقتصادی جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا نمایان شده است؛ گرانی کالاها از یکسو و موج اخراج نیروی کار از سوی دیگر سبب نگرانی مردم شده است. رکود تورمی در اقتصاد ایران در حال عمیق تر شدن است و صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده رشد اقتصاد ایران به منفی ۶/۱ درصد خواهد رسید.

هستند، می‌تواند بعنوان یک مکمل راهبردی مورد توجه قرار گیرد. در میان این نیروها، شاهزاده رضا پهلوی بعنوان یکی از چهره‌های شناخته‌شده با ظرفیت نمادین و شبکه ارتباطی بین‌المللی، می‌تواند در چنین چارچوبی مورد ارزیابی قرار گیرد. این پیشنهاد، به معنای جایگزینی فوری یک نظم سیاسی با نظم دیگر نیست، بلکه تلاشی است برای ایجاد یک مسیر تدریجی، کم‌هزینه و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی ایران. هدف اصلی، افزایش هم‌راستایی میان ابتکارات بین‌المللی و مطالبات داخلی، و در نتیجه ارتقای احتمال موفقیت هرگونه فرآیند گذار سیاسی است. در چنین مدلی، حمایت از گفتگوهای فراگیر، تقویت ظرفیت‌های جامعه مدنی، و فراهم‌سازی بسترهای حقوقی برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، بعنوان اجزای کلیدی راهبرد مطرح می‌شوند. از منظر امنیت منطقه‌ای، این تغییر پارادایم می‌تواند

بازتعریف چارچوب تعامل بین‌المللی با ایران در راستای ثبات پایدار منطقه‌ای

علی شهبازی - در معادلات پیچیده ژئوپلیتیکی خاورمیانه، ایران همچنان یکی از تعیین‌کننده‌ترین متغیرها در شکل‌دهی به امنیت منطقه‌ای و حتی تعادلات جهانی



پيامدهای قابل توجهی به همراه داشته باشد. نخست، کاهش تنش‌های ساختاری ناشی از تقابلهای ایدئولوژیک؛ دوم، افزایش قابلیت پیش‌بینی در رفتار بازیگران؛ سوم، ایجاد زمینه برای شکل‌گیری ترتیبات امنیتی جدید مبتنی بر همکاری و منافع مشترک. افزون بر این، ورود نیروهای دارای پشتوانه اجتماعی به فرآیندهای سیاسی، می‌تواند از رادیکالیته شدن بیشتر فضا جلوگیری کرده و مسیرهای میانه‌رو و اصلاح‌گرایانه را تقویت نماید. در سطح بین‌المللی، چنین رویکردی با اصول اعلامی ایالات متحده در حوزه حمایت از حقوق ملت‌ها و تقویت نهادهای پاسخگو همخوانی دارد. همچنین، این سیاست می‌تواند به بازسازی اعتماد از دست‌رفته در میان افکار عمومی منطقه کمک کرده و ظرفیت ایالات متحده برای شکل‌دهی به ائتلاف‌های مؤثر را افزایش دهد.

با این حال، این مسیر بدون چالش نخواهد بود. از جمله مهم‌ترین ملاحظات می‌توان به خطر برداشت‌های مداخله‌گرایانه، پیچیدگی در شناسایی دقیق نمایندگان واقعی اراده اجتماعی، و احتمال واکنش‌های متقابل از سوی ساختارهای موجود اشاره کرد. از این‌رو، طراحی و اجرای چنین راهبردی نیازمند دقت بالا، تحلیل مستمر داده‌های میدانی و انعطاف‌پذیری در مواجهه با تحولات پیش‌بینی‌نشده است.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که شرایط کنونی، فرصتی کم‌سابقه برای بازتعریف سیاست‌های بین‌المللی در قبال ایران فراهم آورده است. گذار از یک رویکرد تک‌بعدی به یک راهبرد چندلایه و مبتنی بر تعامل هم‌زمان با ساختارهای رسمی و نیروهای اجتماعی، می‌تواند بعنوان یکی از گزینه‌های قابل تأمل در مسیر دستیابی به ثبات پایدار در ایران و منطقه مطرح شود. تحقق این هدف، مستلزم تصمیم‌گیری‌های شجاعانه، مبتنی بر واقع‌گرایی راهبردی و درک عمیق از پویایی‌های داخلی ایران خواهد بود.

به‌شمار می‌رود. طی دهه‌های گذشته، سیاست‌های قدرت‌های بین‌المللی بویژه ایالات متحده عمدتاً بر محور فشار و در مقاطعی مذاکره با ساختار حاکم در ایران استوار بوده است. با این حال، برآیند این رویکردها نشان می‌دهد که نه تنها اهداف اعلامی در زمینه تغییر رفتار محقق نشده، بلکه در بسیاری از موارد، پیچیدگی‌های امنیتی افزایش یافته و چرخه‌ای از بی‌ثباتی مزمن در سطح منطقه تثبیت شده است.

یکی از کاستی‌های بنیادین در این چارچوب، عدم تفکیک میان «حاکمیت سیاسی» و «اراده اجتماعی» در ایران بوده است. در واقع، تمرکز صرف بر تعامل با نهادهای رسمی قدرت، بدون در نظر گرفتن شکاف‌های عمیق اجتماعی و مطالبات انباشته‌شده در بطن جامعه، موجب شده است که بسیاری از ابتکارات دیپلماتیک از پشتوانه داخلی کافی برخوردار نباشند. در چنین شرایطی، هرگونه توافق یا تفاهم، در معرض فرسایش سریع قرار گرفته و پایداری راهبردی آن زیر سؤال رفته است. از منظر نظریه‌های گذار سیاسی، تجربه‌های تاریخی در اروپا، آمریکای لاتین و برخی کشورهای آسیایی نشان می‌دهد که انتقال‌های موفق و کم‌هزینه قدرت، عموماً در شرایطی رخ داده‌اند که تعاملات بین‌المللی، صرفاً محدود به ساختارهای رسمی نبوده و بطور هم‌زمان با نیروهای دارای پایگاه اجتماعی نیز برقرار شده است. این الگو که می‌توان آن را «دیپلماسی دو مسیره» یا «Dual-Track Diplomacy» نامید، امکان ایجاد توازن میان فشار و مشروعیت را فراهم می‌سازد و از شکل‌گیری خلأ قدرت در فرآیندهای گذار جلوگیری می‌کند. در این چارچوب، بازنگری در سیاست ایالات متحده به رهبری پرزیدنت ترامپ می‌تواند بر مبنای چنین رویکردی تعریف شود. به‌جای اتکای صرف به مذاکرات با ساختارهای حاکمیتی، ایجاد کانال‌های ارتباطی رسمی و نیمه‌رسمی با نیروهایی که از منظر بخشی از جامعه ایران دارای مشروعیت و مقبولیت

سال جاری میلادی را منفی ۶/۱ درصد اعلام کرده که ۷/۲ واحد درصد کمتر از برآورد این نهاد بین‌المللی از رشد اقتصادی کشور در ژانویه ۲۰۲۶ است.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، پیش‌بینی رشد عربستان سعودی برای ۲۰۲۶ با کاهش ۱/۴ واحد درصدی به ۳/۱ درصد رسیده است.

پیش‌بینی رشد چین در ۲۰۲۶ به ۴/۴ درصد کاهش یافته است که تنها ۰/۱ درصد کمتر از برآورد ژانویه است چرا که کاهش تعرفه‌های آمریکا و اقدامات محرک اقتصاد تا حدی اثرات جنگ را جبران کرده است.

پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول بر این اساس است که جنگ محدود و نسبتاً کوتاه‌مدت باقی بماند و اختلالات فعلی تا اواسط سال ۲۰۲۶ یعنی تا کمتر از سه ماه دیگر کاهش یابد.

جنگ ۴۰ روزه جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا همچنین خسارت هنگفت اقتصادی ایجاد کرده که فشار هزینه‌ای بر دولت را، در حالیکه از پیش با کسری بودجه روبرو بود، افزایش داده است. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان اعلام کرده که برآورد اولیه خسارات جنگی در ایران به ۲۷۰ میلیارد دلار می‌رسد. فاطمه مهاجرانی تأکید کرده که این رقم اولیه است و احتمالاً هزینه نهایی بالاتر خواهد بود.

از سوی دیگر محاصره تنگه هرمز نیز درآمدهای جمهوری اسلامی را به شدت کاهش خواهد داد و از سوی دیگر واردات کالاهای اساسی به کشور را نیز با اختلال روبرو خواهد کرد.

میعاد ملکی مقام پیشین وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده محاصره دریایی تنگه هرمز توسط ایالات متحده می‌تواند روزانه حدود ۲۷۶ میلیون دلار از محل کاهش صادرات به اقتصاد ایران آسیب بزند و هم‌زمان ۱۵۹ میلیون دلار در روز واردات را مختل کند؛ به بیان دیگر روزانه ۴۳۵ میلیون دلار خسارت اقتصادی یا ماهانه حدود ۱۳ میلیارد دلار!

میعاد ملکی همچنین توضیح داده که ایران حدود ۵۰ تا ۵۵ میلیون بشکه ظرفیت ذخیره‌سازی نفت در خشکی دارد که حدود ۶۰ درصد آن پر است. ظرفیت خالی حدود ۲۰ میلیون بشکه است. با تولید مازاد ۱.۵ میلیون بشکه در روز که معمولاً صادر می‌شود، این ظرفیت در حدود ۱۳ روز پر خواهد شد. پس از آن، ایران ناچار به بستن چاه‌های نفتی خواهد شد.

او افزوده این موضوع بسیار مهم است، چون وقتی چاه‌های نفتی قدیمی بسته می‌شوند، آب از پایین به داخل مخزن نفوذ می‌کند (پدیده‌ای به نام «water con- ing»). در این حالت، بخشی از نفت برای همیشه در میان منافذ سنگی محبوس می‌شود و دیگر قابل استخراج نیست. میدان‌های نفتی ایران همین حالا سالانه ۵ تا ۸ درصد افت تولید دارند. تعطیلی اجباری چاه‌ها می‌تواند به‌طور دائمی ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز از ظرفیت تولید را از بین ببرد—معادل ۹ تا ۱۵ میلیارد دلار درآمد سالانه که برای همیشه از دست خواهد رفت.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده محاصره دریایی روزانه حدود ۴۳۵ میلیون دلار به اقتصاد ایران آسیب می‌زند. ظرفیت ذخیره‌سازی نفت در ۱۳ روز پر شده و به تعطیلی چاه‌ها و آسیب دائمی مخازن منجر می‌شود. ارزش ریال به سمت فروپاشی کامل پیش می‌رود و گزینه‌های جایگزین ایران خارج از تنگه هرمز کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت فعلی را پوشش می‌دهند. در چنین شرایطی، ادامه مقاومت اقتصادی برای جمهوری اسلامی عملاً غیرممکن خواهد شد.

بحران کمبود و گرانی داروهای بیماری‌های خاص در ایران



● داروهای بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص نه تنها نسبت نیمه زمستان گذشته و پیش از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با افزایش قیمت چشمگیری روبرو شده بلکه کمبود و نایاب شدن این داروها نیز بر مشکلات بیماران افزوده است.

● روزنامه «شرق» گزارش داده بیماران هموفیلی، بیماران دیالیزی، بیماران تالاسمی و مبتلایان به سرطان در هفته‌های گذشته برای تأمین دارو با بحران روبرو بودند.

● احمد قویدل، عضو مجمع عمومی کانون هموفیلی ایران، اعلام کرده است که سه داروی «هیومیت»، «فیرینوزن» و «فاکتور ۱۳» با کمبود جدی مواجه هستند؛ موضوعی که می‌تواند سلامت این بیماران را با خطرات جدی روبه‌رو کند.

در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی مدعی وضعیت پایدار دارو در کشور هستند، گزارش‌های میدانی از افزایش قیمت و کمبود اقلام مختلف دارویی در ایران حکایت دارد. داروهای بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص نه تنها نسبت نیمه زمستان گذشته و پیش از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با افزایش قیمت چشمگیری روبرو شده بلکه کمبود و نایاب شدن این داروها نیز بر مشکلات بیماران افزوده است.

روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی موضوع کمبود و گرانی دارو را بررسی کرده و نوشته است بیماران سرطانی پیش‌تر با چالش تأمین دارو روبه‌رو بودند و در شرایط جنگی نیز با مشکلات شدیدتری مواجه شده‌اند. افزایش چندبرابری قیمت برخی داروها، تأخیر در پرداخت هزینه‌ها از سوی بیمه‌ها و محدودیت در دسترسی به داروهای مورد نیاز، روند درمان را با اختلال روبه‌رو کرده است.

بر اساس این گزارش در برخی موارد داروخانه‌ها با وجود موجود بودن دارو از فروش آن خودداری می‌کنند. همزمان، بیماران تالاسمی با اضطراب تأمین خون و دریافت خدمات درمانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در مواردی ناچار به طی مسافت‌های طولانی برای دریافت خدمات شده‌اند. بیماران هموفیلی نیز از کمبود برخی داروهای حیاتی خبر می‌دهند. طی روزهای گذشته فعالان در انجمن‌های بیماری‌های خاص نیز بر کمبود اقلام دارویی تأکید کردند. هفته گذشته حمیدرضا هاشمی گلپایگانی، رئیس هیئت‌مدیره خانه ای‌بی (بیماران پروانه‌ای) با هشدار درباره کمبود اقلام حیاتی به‌ویژه پانسمان‌های تخصصی بیماران ای‌بی گفته بود «موجودی این پانسمان‌ها محدود است و اگر روند تأمین آن به‌صورت پایدار انجام نشود، ممکن است در هفته‌ها و ماه‌های آینده بیماران با مشکلات جدی مواجه شوند.»

او تأکید کرده بود «بیماران پروانه‌ای به‌صورت روزانه به پانسمان نیاز دارند و کوچک‌ترین وقفه در دسترسی به آن می‌تواند موجب افزایش زخم‌ها، درد شدید، عفونت و حتی بستری شدن در بیمارستان شود.»

رئیس هیئت مدیره خانه ای‌بی همچنین گفته بود «بیماران پروانه‌ای به دلیل آسیب‌پذیری جسمی، نیازمند آرامش، مراقبت مداوم و دسترسی پایدار به خدمات حمایتی هستند.»

احمد قویدل، عضو مجمع عمومی کانون هموفیلی ایران، اعلام کرده است که سه داروی «هیومیت»، «فیرینوزن» و «فاکتور ۱۳» با کمبود جدی مواجه هستند؛ موضوعی که

دچار بحران مضاعفی شده بودند.

این کمبودها در شرایطی بحران بیماران در ایران را افزایش داده که مقامات جمهوری اسلامی مدعی هستند با آغاز جنگ خاورمیانه سازمان پزشکان بدون مرز، کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، داغستان، ارمنستان، ترکمنستان، روسیه، عراق، چین، هند و ترکیه محموله‌های بشردوستانه دارو و اقلام پزشکی به ایران ارسال کردند.

این اقلام شامل مواردی چون دارو، و تجهیزات بیمارستانی و کیت‌های کمک‌های اولیه و حتی آمبولانس و دیگر تجهیزات امداد رسانی بوده است.

در آنسو مقامات حکومتی کمبود هرگونه اقلام دارویی را نیز تکذیب می‌کنند. محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی هفته گذشته با طرح این ادعا که «با کمبود دارو و تجهیزات پزشکی در کشور مواجه نیستیم» گفته بود «با تمهیدات اتخاذ شده و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم، مدیریت تأمین و توزیع دارو و تجهیزات در استان‌های آسیب‌دیده از جمله تهران، اصفهان و کرمانشاه به‌خوبی انجام شده و در حال حاضر هیچ‌گونه کمبودی در این زمینه گزارش نشده است.»

محمد جمالیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، گفته در هفته‌های گذشته «با وجود شرایط جنگ و تحریم، هیچ کمبودی در کشور احساس نشد!»

هادی احمدی مدیر روابط عمومی انجمن داروسازان ایران نیز ادعای مقامات حکومتی را تأیید کرده و در ابتدای پنجمین هفته جنگ گفته بود «در حال حاضر گزارشی درباره کمبود داروهای بیماران خاص و مبتلا به سرطان نداشتیم و شرایط مانند قبل از جنگ است. قسمتی از ذخایر استراتژیک دارویی هم مربوط به داروهای بیماران خاص است که به اندازه کافی در انبارها وجود دارد.»

هیچ یک از این مقامات اما توضیح نمی‌دهند اگر «هیچ» مشکلی در تأمین دارو وجود ندارد و ذخائر دارویی کشور کافی است چرا گزارش‌های میدانی از کمبود و گرانی روزافزون دارو در کشور حکایت دارد بطوریکه کمبود دارو به تهدید جانی بیماران مبتلا به بیماران خاص تبدیل شده است؟

می‌تواند سلامت این بیماران را با خطرات جدی روبه‌رو کند. به گفته قویدل، در میان تمام استان‌ها، بیماران سیستان و بلوچستان بیشترین نیاز را به فاکتور ۱۳ دارند که حتی در جهان بالاترین نیاز را دارند: «اگر در جهان آمار بیماری‌هایی که نیاز به فاکتور ۱۳ دارند، دورقمی باشد، استان سیستان و بلوچستان بیش از ۸۰۰ تا ۹۰۰ نفر بیمار دارد، درحالی‌که چندین ماه است یک عدد هم از این دارو پیدا نمی‌شود. این بیماران بیشترین مخاطره را برای خون‌ریزی مغزی دارند و قرارگرفتن در شرایط جنگ و استرس ناشی از آن، این موضوع را تشدید می‌کند.»

بر اساس اعلام او، از فدراسیون جهانی هموفیلی درخواست شد تا این دارو را با توجه به شرایط ایران، سریع‌تر بفرستند، اما آنها جز واژه «متأسفیم» پاسخ دیگری ندادند: «بیشترین سرمایه و پشتیبانی از این فدراسیون از سوی کشورهای اروپایی انجام می‌شود و آنها عملاً از کمک به ایران خودداری کردند. یک باور نادرست وجود دارد که می‌گویند دارو تحریم نیست، درحالی‌که این‌طور نیست؛ شاید خود دارو تحریم نباشد ولی برای خرید دارو باید پول جابه‌جا کرد، اما راه ارتباطی بانکی به دلیل تحریم‌ها بسته شده است. وقتی واردات دارو را پیگیری می‌کنیم، می‌گویند به کجا بفرستیم؟ یا از ما می‌خواهند که اسامی پرسنل سازمانی را که قرار است برایش این داروها فرستاده شود، بدهیم تا آنها چک کنند و ببینند که آنها در فهرست تحریمی‌ها قرار دارند یا خیر.»

روزنامه «شرق» نیز تأکید کرده که آتش بیماران به‌ویژه بیماران خاص برای تهیه داروهایشان و ادامه درمان، در دوره جنگ شعله‌ور شده است؛ با اینکه سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت خبر از آرامش در بازار دارو می‌دهند، اما آن‌طور که بیماران می‌گویند، هم داروها افزایش قیمت درخور توجهی داشته‌اند، هم در بخش‌هایی برای گرفتن درمان با مشکل مواجه شده‌اند و هم اینکه برخی از داروها با کمبود مواجه شده است؛ به‌ویژه برای بیماران هموفیلی. بیماران دیالیزی، بیماران تالاسمی و مبتلایان به سرطان از جمله گروهی هستند که در بحران جنگ، خودشان هم

افزایش ۶۸ درصدی آمار اجرای حکم اعدام در ایران طی یک سال



● در گزارش مشترک «سازمان حقوق بشر ایران» و «سازمان با هم علیه مجازات اعدام» آمده که در سال ۲۰۲۵ میلادی و در فاصله هفته دوم دی‌ماه ۱۴۰۳ تا هفته دوم دی‌ماه ۱۴۰۴ دست‌کم ۱۶۳۹ نفر در ایران اعدام شدند که این بالاترین رقم ثبت‌شده از سال ۱۹۸۹ تاکنون است.

● آمار اعدام در ایران در سال گذشته میلادی در مقایسه با سال ۲۰۲۴ که ۹۷۵ اعدام ثبت شده بود، افزایشی چشمگیر و ۶۸ درصدی را نشان می‌دهد.

● در سال گذشته میلادی دست‌کم ۴۸ زن اعدام در ایران شدند که بالاترین آمار ثبت‌شده در دست‌کم دو دهه گذشته است.

گزارش دو نهاد حقوق بشری از اجرای حکم اعدام علیه شهروندان توسط جمهوری اسلامی نشان از افزایش نرخ اعدام در سال ۲۰۲۵ میلادی دارد به‌طوری‌که در این سال رکود شمار اعدام در سه دهه گذشته شکسته شده است. هجدهمین گزارش سالانه اعدام در ایران که توسط «سازمان حقوق بشر ایران» و «سازمان با هم علیه مجازات اعدام» منتشر شده است، که نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ میلادی و در فاصله هفته دوم دی‌ماه ۱۴۰۳ تا هفته دوم دی‌ماه ۱۴۰۴ دست‌کم ۱۶۳۹ نفر در ایران اعدام شدند که این بالاترین رقم ثبت‌شده از سال ۱۹۸۹ تاکنون است.

آمار اعدام در ایران در سال گذشته میلادی در مقایسه با سال ۲۰۲۴ که ۹۷۵ اعدام ثبت شده بود، افزایشی چشمگیر و ۶۸ درصدی را نشان می‌دهد. این روند ادامه موج افزایش اعدام‌ها پس از اعتراضات سراسری «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ است و نشان می‌دهد که مقام‌ها همچنان از مجازات اعدام به‌عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و جلوگیری از شکل‌گیری اعتراض‌های جدید استفاده می‌کنند.

گزارش این دو نهاد بین‌المللی نشان می‌دهد بخش بزرگی از اعدام‌شدگان در سال ۲۰۲۵ به‌حاشیه‌رانده‌شده‌ترین افشار جامعه ایران بودند. نزدیک به نیمی از اعدام‌ها مربوط به جرائم مرتبط با مواد مخدر بود و حکومت صدها نفر را نیز بر اساس قوانین قصاص نفس، به اتهام قتل اعدام کرد. در بخش دیگری از این گزارش اشاره شده که حق دسترسی به وکیل، دادرسی عادلانه و روند قانونی منصفانه برای محکومان به اعدام به‌طور سیستماتیک نقض شده و در بسیاری موارد حتی قوانین خود جمهوری اسلامی نیز رعایت نشده است.

این گزارش همچنین چند روند نگران‌کننده در استفاده از مجازات اعدام در سال ۲۰۲۵ را برجسته می‌کند. دست‌کم ۴۸ زن اعدام شدند که بالاترین آمار ثبت‌شده در دست‌کم دو دهه گذشته است.

جمهوری اسلامی همچنین به هدف قرار دادن اتباع خارجی ادامه داده و دست‌کم ۸۴ شهروند افغان، سه شهروند عراقی و مردی که تنها به‌عنوان «تبعه خارجی» معرفی شده بود را اعدام کرده است. این آمار همچنین نشان می‌دهد ۱۱ اعدام در ملاءعام و در مقابل چشم شهروندان در مکان‌های عمومی انجام شد که در میان تماشاگران آن کودکان نیز حضور داشتند؛ اقدامی که با هدف گسترش ترس و تقویت سیاست ارباب حکومت صورت می‌گیرد.

جزئیات آمارهای ارائه شده از سوی «سازمان حقوق بشر ایران» و «سازمان با هم علیه مجازات اعدام» نشان می‌دهد ۱۱۳ مورد از اعدام‌ها (کمتر از ۷ درصد) توسط منابع رسمی اعلام شده‌اند و بیش از ۹۳ درصد از اعدام‌های ثبت‌شده، یعنی ۱۵۲۴ مورد، توسط مقام‌ها اعلام نشده‌اند.

و با پیوستن ۵۶ زندان به آن، حمایت فزاینده‌ای در میان جامعه مدنی ایران و جامعه بین‌المللی به دست آورده است. در اکتبر ۲۰۲۵، زندانیان محکوم به اعدام در پرونده‌های مواد مخدر در زندان قزل‌حصار دست به اعتصابی شش‌روزه زدند و مقام‌ها را وادار کردند اجرای احکام اعدام مرتبط با مواد مخدر را در این زندان متوقف کنند. این حرکت مردمی نقطه‌عطفی مهم در جنبش لغو مجازات اعدام در ایران به شمار می‌آید.

سازمان حقوق بشر ایران همچنین تأکید کرده گزارش اعدام‌ها در سال ۲۰۲۵ میلادی در شرایطی منتشر شده که مردم ایران در ژانویه ۲۰۲۴ با بزرگ‌ترین کشتار جمعی معترضان در تاریخ جمهوری اسلامی روبه‌رو شدند و در زمان نگارش این متن نیز در میانه یک جنگ، زیر سایه ترس و اضطراب ناشی از بمباران‌های روزانه زندگی می‌کنند. صدها تن از معترضان بازداشت‌شده همچنان در معرض خطر صدور حکم اعدام و اجرای آن قرار دارند. دوره‌های بحران و درگیری همواره فرصت‌هایی برای تشدید سرکوب و اجرای اعدام‌ها دور از توجه جامعه بین‌المللی فراهم کرده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران افزوده آینده جمهوری اسلامی همچنان نامعلوم است. این حکومت نزد اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم ایران مشروعیتی ندارد و در هیچ دوره‌ای از تاریخ خود به این اندازه ضعیف نبوده است. اگر از بحران کنونی جان سالم به‌در ببرد، این خطر وجود دارد که اعدام‌ها بیش از پیش به‌عنوان ابزاری برای سرکوب به کار گرفته شوند. از این رو، جامعه بین‌المللی باید لغو مجازات اعدام یا دست‌کم محدودکردن آن به شدیدترین جرائم را به‌عنوان مطالبه‌ای محوری در هرگونه گفت‌وگو یا مذاکره با مقام‌های جمهوری اسلامی مطرح کند.

این نهاد حقوق بشری تأکید کرده که اگر تحول سیاسی رخ دهد، لغو مجازات اعدام باید یکی از مطالبات محوری از هر دولت انتقالی نیز باشد. در دوره‌های گذار ممکن است خشم عمومی به حمایت گسترده از اعدام‌های مرتبط با حکومت پیشین بینجامد. با این حال، تجربه ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ نشان‌دهنده خطرات چنین رویکردی است.

همچنین نزدیک به نیمی از اعدام‌ها (۷۹۵ مورد) به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر بوده است که نسبت به سال ۲۰۲۴ (۵۰۳ مورد) افزایش داشته است.

از میان اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر، تنها ۳ مورد (۰/۱۸ درصد) به‌طور رسمی اعلام شده‌اند. ۷۴۷ نفر (۴۵/۶ درصد از کل اعدام‌ها) براساس قصاص نفس و به اتهام قتل اعدام شدند که نسبت به سال ۲۰۲۴ (۴۱۹ مورد) افزایش داشته است.

۳۷ شهروند نیز به اتهام تجاوز جنسی اعدام شدند. همچنین دست‌کم ۵۷ نفر به اتهامات امنیتی از جمله بخی، افساد فی‌الارض و محاربه اعدام شدند. این افراد شامل ۲ معترض، ۱۸ زندانی سیاسی، ۱۳ متهم به جاسوسی و یک نفر محکوم به فساد مالی بودند.

دست‌کم ۵۶۶ زندانی محکوم به قصاص نفس در پرونده‌های قتل، بر اساس قوانین قصاص توسط خانواده مقتول مورد بخشش قرار گرفتند.

سازمان حقوق بشر ایران و سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» از جامعه بین‌الملل، از جمله سازمان ملل متحد، دولت‌هایی که با ایران روابط دیپلماتیک دارند و سازمان‌های بین‌المللی، می‌خواهند که لغو مجازات اعدام را در مرکز تعاملات خود با ایران قرار دهند و از جنبش روبه‌گسترش لغو اعدام در داخل کشور حمایت کنند.

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد نیز اکتبر ۲۰۲۵ در بیانیه‌ای نسبت به افزایش بی‌سابقه اعدام‌ها ابراز نگرانی کرد. مکس دوپلیسی، کارشناس این هیئت، گفته بود «اگر اعدام‌ها در چارچوب یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی و براساس یک سیاست از پیش تعیین‌شده باشند، آن‌گاه مسئولان آن، از جمله قضاتی که حکم اعدام صادر می‌کنند، ممکن است به اتهام جنایت علیه بشریت مورد پیگرد قرار گیرند.»

سازمان حقوق بشر ایران نیز گزارش داده که با وجود افزایش چشمگیر اعدام‌ها، مخالفت با مجازات اعدام در داخل ایران همچنان در حال گسترش است.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» که در یکی از زندان‌های ایران آغاز شد، اکنون وارد سومین سال خود شده

اینترنت جهانی در ایران فعلا وصل نمی‌شود؛ بیانیه انجمن تجارت الکترونیک تهران درباره لزوم برقراری فوری و پایدار اینترنت

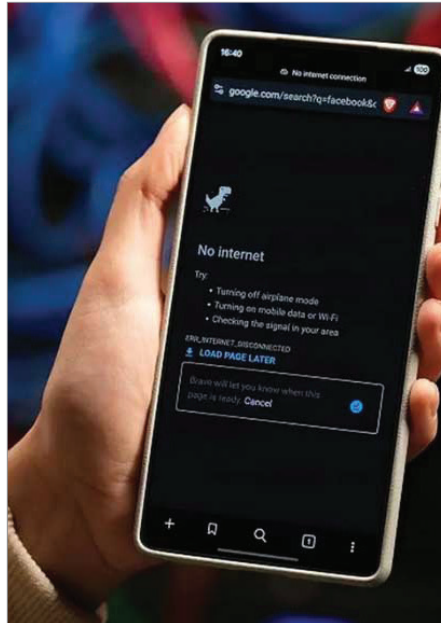
این گزارش تأکید کرده برخی فروشندگان آنلاین گفتند که نبود گوگل، جست‌وجوی آنها را بسیار کاهش داده است. یکی از فروشندگان گفت که هم به دلیل گرانی و هم به دلیل نبود اینترنت، فروش آنلاین او تا ۹۵ درصد کاهش یافته است. اگر چه قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران که طی سالهای گذشته بارها از سوی جمهوری اسلامی در دوره‌هایی مانند اعتراضات سراسری و جنگ تکرار شده به‌عنوان یکی از ابزارهای سرکوب جمعی شهروندان به‌شمار می‌رود اما مقامات حکومتی ایجاد امنیت سایبری و جلوگیری از حملات سایبری را توجیه این اقدام می‌خوانند؛ موضوعی که بارها کارشناسان آن را رد کرده و اتفاقاً نفوذ سایبری از طریق اینترنت داخلی یا همان اینترنت ملی را امکان‌پذیرتر می‌دانند.

روزنامه «شرق» نیز در گزارشی به نقل از یک فعال صنفی فناوری اطلاعات و اینترنت با اشاره به «تناقض در سیاست‌گذاری سایبری» حکومت نوشته «تصور اینکه بتوان با راهکارهای ساده یا اقدامات مقطعی از بروز تهدیدات سایبری جلوگیری کرد، نگاهی ساده‌انگارانه است. در حوزه سایبری، وجود آسیب‌پذیری یک امر قطعی است. حتی ممکن است در همین لحظه، نقاط ضعفی وجود داشته باشد که هنوز شناسایی نشده‌اند. اتفاقاً نگرانی اصلی هم همین بخش‌های پنهان و ناشناخته است که ممکن است در شرایط بحرانی خود را نشان دهند.»

این فعال اینترنت افزوده «از یک سو گفته می‌شود اینترنت به دلیل مسائل امنیتی محدود شده، اما از سوی دیگر، دسترسی از طریق برخی وی‌پی‌ان‌های پولی که رقم‌شان به میلیون‌ها تومان می‌رسد همچنان برقرار است. از سوی دیگر مسئولان از راه‌اندازی اینترنت پرو صحبت می‌کنند که به کسب‌وکارها و برخی افراد با دسترسی ویژه داده شود. اگر موضوع امنیت است، این تفاوت در دسترسی چگونه توجیه می‌شود؟ آیا تهدیدات سایبری با پرداخت هزینه برطرف می‌شوند؟» این فعال حوزه فناوری اطلاعات همچنین به محدودیت‌های فنی ایجاد شده برای فعالان این بخش نیز اشاره کرده و گفته «در شرایط فعلی، بسیاری از اقدامات ضروری مانند به‌روزرسانی سیستم‌ها، اعمال پچ‌های امنیتی و بررسی آسیب‌پذیری‌ها با محدودیت مواجه شده است. این در حالی است که چنین اقداماتی، حداقل‌های مدیریت امنیت محسوب می‌شوند. پرسش اینجاست که چرا این دسترسی‌ها فراهم نمی‌شود؟»

به گفته او، در بسیاری از کشورها ابزارهایی مانند «کلید قطع» (Kill Switch) وجود دارد، اما استفاده از آنها معمولاً موقت، مدیریت شده و متناسب با سطح دسترسی گروه‌های مختلف است: «این‌طور نیست که دسترسی برای همه و به‌صورت طولانی‌مدت قطع شود، بلکه سیاست‌ها به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که هم امنیت حفظ شود و هم خدمات حیاتی مختل نشود.»

این فعال صنفی با اشاره به ساختار تصمیم‌گیری در این حوزه، تأکید کرده «بسیاری از تصمیمات در سطحی اتخاذ می‌شود که عملاً امکان گفت‌وگوی مستقیم یا حتی اظهارنظر رسمی درباره آن برای فعالان این حوزه وجود ندارد. حتی افرادی که در بدنه فعالیت می‌کنند نیز در مواردی با این شرایط هم‌نظر هستند، اما سطح تصمیم‌گیری در جای دیگری است.»



روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در گزارشی با اشاره به عبور قطع اینترنت سراسر اینترنت جهانی در ایران از ۱۰۰۰ ساعت نوشته اینترنت دیگر یک وسیله لوکس نیست، زیربنای اقتصاد دیجیتال است و قطعی آن می‌تواند خسارت‌های فراوانی به بار آورد.

در این گزارش آمده که بر اساس آمارها نزدیک به ۱۰ میلیون نفر کسب‌وکارشان با اینترنت بین‌الملل است. از این تعداد ۲/۵ میلیون نفر آنلاین‌شاپ‌های کوچک خود را در پلتفرم اینستاگرام بنا کرده‌اند. قطعی اینترنت در چنین پلتفرمی، یعنی درآمد صفر.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته ستار هاشمی وزیر ارتباطات چندی پیش در نشست مشترک که با حسین افشین، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهوری داشت، درباره آسیبی که قطعی اینترنت متوجه کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال کرده، گفت: «خسارت روزانه به هسته اقتصاد دیجیتال حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برآورد شده که عمدتاً به اپراتورها و بخش شبکه‌ای مربوط است. خسارت روزانه به اقتصاد کلان هم حدود ۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که لایه‌های دوم و سوم اقتصاد دیجیتال را نیز شامل می‌شود.»

در ادامه «دنیای اقتصاد» ارزیابی کرده که اگر این رقم افزایش پیدا نکرده باشد - که برخی نیز همان زمان آن را خوش‌بینانه خواندند - و آن را معیار قرار دهیم، ضرر قطعی اینترنت در ۴۳ روز به ۲۱۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

بر اساس این گزارش از کسب‌وکارهایی که نیاز مبرم به اینترنت دارند، می‌توان به خرده‌فروش‌های آنلاین و فریلنسرها اشاره کرد. فروشندگان آنلاین در این زمینه دو دسته هستند. آنهایی که در بسترهای فیلترشده، محصولات خود را می‌فروشند، مانند اینستاگرام و تلگرام یا آنهایی که در وب‌سایت‌های رسمی می‌فروشند. تکلیف گروه اول که مشخص است، نبود اینترنت، برابر با فروش صفر است. اما گروه دوم، به‌گونه دیگری از قطعی اینترنت آسیب می‌بیند.

● قطع اینترنت خسارت دست‌کم ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی را رقم زده و هزاران نیروی کار را بیکار کرده است. ● انجمن تجارت الکترونیک تهران با صدور بیانیه‌ای، برقراری فوری و پایدار اینترنت را حق بدیهی جامعه و پیش‌نیاز بازگشت رونق اقتصادی و امید به جامعه، دانسته است. ● رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور از نامشخص بودن زمان اتصال دوباره اینترنت جهانی در کشور خبر داده و این روند را به «ملاحظات امنیتی در شرایط جنگی» مرتبط دانسته است.

رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور از نامشخص بودن زمان اتصال دوباره اینترنت جهانی در کشور خبر داده و این روند را به «ملاحظات امنیتی در شرایط جنگی» مرتبط دانسته است. این در حالیست که قطع اینترنت خسارت دست‌کم ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی را رقم زده و هزاران نیروی کار را بیکار کرده است. انجمن تجارت الکترونیک تهران با صدور بیانیه‌ای، برقراری فوری و پایدار اینترنت را حق بدیهی جامعه و پیش‌نیاز بازگشت رونق اقتصادی و امید به جامعه، دانسته است.

حکیم‌جوادی رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور گفته «پیگیری‌های روزانه برای رفع مشکل دسترسی اینترنت بین‌الملل شرکت‌های فناوری در جریان است. علی‌رغم برقراری دسترسی برخی کسب‌وکارها، زمان مشخصی برای اتصال اینترنت عمومی اعلام نشده است.»

رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور افزوده «باید پذیرفت که کشور در شرایط خاص و جنگی قرار دارد و نهادهای مسئول، ملاحظات امنیتی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند. با این حال امیدواریم با بهبود شرایط، هرچه سریع‌تر از این وضعیت خارج شده و زیرساخت‌های ارتباطی به حالت عادی بازگردد.»

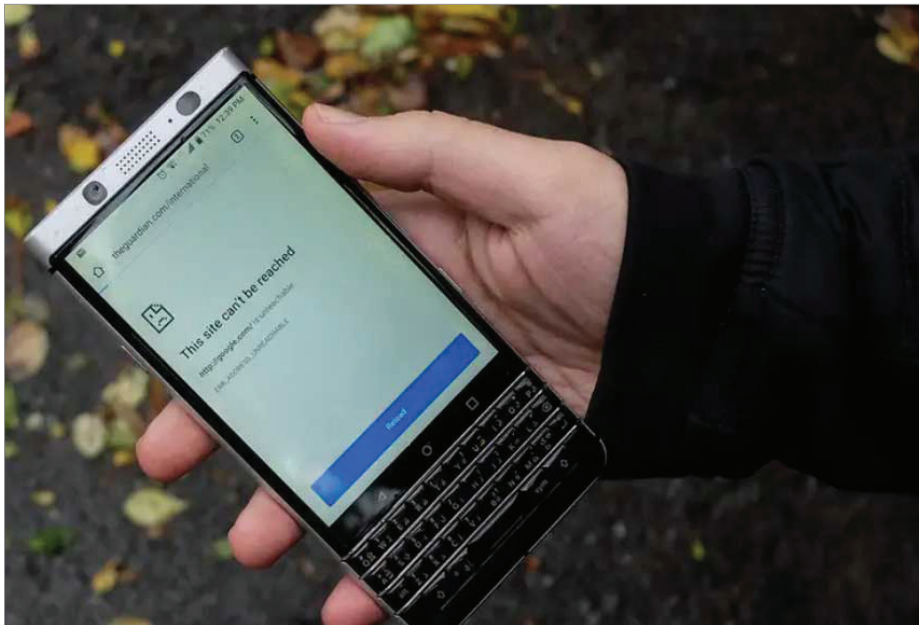
این در حالیست که تداوم قطع اینترنت طی یک ماه و نیم گذشته از یکسو خسارتی هنگفت در اقتصاد را رقم زده و از سوی دیگر فشار روانی مضاعف به شهروندان در شرایط جنگی ایجاد کرده است.

در روزهای گذشته کاربران ایرانی در شبکه «ایکس» با ترند کردن هشتگ «اینترنت» تلاش کردن اعتراض خود به ادامه قطع سراسری اینترنت جهانی را به جمهوری اسلامی اعلام کردند. همچنین فعالان حوزه اینترنت و اقتصاد دیجیتال نیز به این روند اعتراض دارند.

در همین رابطه انجمن تجارت الکترونیک تهران با صدور بیانیه‌ای، برقراری فوری و پایدار اینترنت را حق بدیهی جامعه و پیش‌نیاز بازگشت رونق اقتصادی و امید به جامعه، دانسته است.

در این بیانیه آمده که «برقراری فوری و پایدار اینترنت پیش‌نیاز ضروری برای بازگشت جریان زندگی به عموم جامعه است. نباید فراموش کرد که حق دسترسی به اینترنت علاوه بر نیازهای روزمره، بر معیشت، اشتغال و درآمدزایی بخش بزرگی از جامعه تأثیر مستقیم دارد. لذا انتظار می‌رود برای تقویت امید، همدلی ملی و تداوم فعالیت‌های اقتصادی، محدودیت‌های ارتباطی در سریع‌ترین زمان ممکن مرتفع شود تا بیش از این به اقتصاد خانواده‌ها و بدنه بخش خصوصی آسیب وارد نشود.»

بیش از ۱۰۰۰ ساعت سرکوب شهروندان ایران با قطع سراسری اینترنت؛ عفو بین‌الملل: نقض آشکار حقوق بشر است



● قطع سراسری اینترنت جهانی نه تنها حق طبیعی شهروندان ایران برای دسترسی به اینترنت را نقض کرده بلکه خسارت گسترده روانی و اقتصادی نیز در پی داشته است.

● میلیون‌ها شهروند ایرانی در درون و خارج از کشور ارتباطشان با عزیزانشان قطع شده و در شرایط جنگی هفته‌های گذشته ایرانیان ساکن خارج از کشور حتی امکان کسب خبر از سلامت عزیزانشان در جریان مباران و حملات نظامی را نداشتند.

● اقتصاد دیجیتال در ایران که بخشی نوپا اما پویا است نیز با خسارت‌های سنگینی روبرو شده است؛ به گزارش فعالان صنفی شمار زیادی از کسب‌وکارهایی که بر بستر اقتصاد دیجیتال فعالیت داشتند تعطیل و نیمه‌تعطیل شدند و نه تنها کارفرمایان و کارآفرینان با زیان گسترده مالی روبرو شدند بلکه شمار زیادی از کارکنان در این بخش، متأثر از شرایط قطع اینترنت، اخراج و بیکار شدند.

● خسارت هر روز از قطع اینترنت به اقتصاد کشور و مردم در ایران حدود ۳۰ تا ۳۷ میلیون دلار برآورد می‌شود.

● سازمان عفو بین‌الملل روز گذشته قطع اینترنت جهانی در ایران توسط حکومت را نقض آشکار حقوق بشر ارزیابی و از مقامات جمهوری اسلامی خواست تا هر چه سریع‌تر دسترسی به اینترنت برای شهروندان را به‌طور کامل فراهم کند.

به اینترنت آزاد دسترسی داشته باشند. در سالهای گذشته همواره در دوره‌هایی که اینترنت جهانی در ایران قطع بوده شماری از مقامات و افراد نزدیک به حکومت به اینترنت دسترسی داشته و پروپاگاندا جمهوری اسلامی را پیش برده‌اند.

در آنسو بخش دیگری از طرح اینترنت طبقاتی، امکان دسترسی شماری از اقشار از جمله بازرگانان، روزنامه‌نگاران و دانشجویان را به اینترنت جهانی فراهم می‌کند؛ روندی که کاربران به صورت گزینشی و تحت شرایطی خاص و در مکان‌هایی قابل نظارت برای نهادهای امنیتی، مثل اتاق بازرگانی یا وزارت ارشاد، امکان استفاده از اینترنت جهانی را دارند.

در همین رابطه بخش فناوری برخی دانشگاه‌ها با ارسال پیام به دانشجویان اعلام کرده‌اند که از اوایل هفته آینده، دسترسی محدود به شماری از وب‌سایت‌ها و پلتفرم‌های ضروری از جمله سرچ، هوش مصنوعی، جی‌میل و اسکولار، گیت‌هاب، مجلات و غیره فراهم خواهد شد. این دسترسی از طریق سرویس شبکه اختصاصی (VPN) دانشگاه‌ها فراهم می‌شود و دانشجویان می‌توانند حتی خارج از محیط دانشگاه نیز از آن استفاده کنند.

این موضوع نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برنامه دارد قطع اینترنت جهانی در کشور را ادامه دهد.

در آنسو سازمان عفو بین‌الملل روز گذشته، جمعه ۲۱ فروردین، قطع اینترنت جهانی در ایران توسط حکومت را نقض آشکار حقوق بشر ارزیابی و از مقامات جمهوری اسلامی خواست تا هر چه سریع‌تر دسترسی به اینترنت برای شهروندان را به‌طور کامل فراهم کند.

سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرده‌مردم ایران بیش از هزار ساعت را در شرایط «خاموشی دیجیتال» سپری کرده‌اند؛ وضعیتی که به گفته این نهاد حقوق بشری، دسترسی میلیون‌ها نفر به اطلاعات و ارتباطات حیاتی را مختل کرده است.

بستر اقتصاد دیجیتال فعالیت داشتند تعطیل و نیمه‌تعطیل شدند و نه تنها کارفرمایان و کارآفرینان با زیان گسترده مالی روبرو شدند بلکه شمار زیادی از کارکنان در این بخش، متأثر از شرایط قطع اینترنت، اخراج و بیکار شدند.

بخش دیگری از فعالیت‌های اقتصادی که به‌طور مستقیم زیرمجموعه اقتصاد دیجیتال به شمار نمی‌روند اما از بستر اینترنت برای بازاریابی، دریافت سفارش، ارتباط با مشتری و ... استفاده می‌کردند نیز در پی قطع اینترنت با خسارت هنگفت روبرو شدند.

بر اساس برآورد اقتصاددانان و سه گزارش مستقل از نت‌بلاکس، نیویورک‌پست و آسوشیئتدپرس، خسارت هر روز از قطع اینترنت به اقتصاد کشور و مردم در ایران حدود ۳۰ تا ۳۷ میلیون دلار برآورد می‌شود که یعنی تا این لحظه بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار.

بر اساس گزارش‌ها از سه‌شنبه گذشته و پس از اعلام آتش‌بس موقت و دو هفته‌ای میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی، موضوع حق دسترسی به اینترنت از سوی بسیاری از کاربران ایرانی مورد اشاره قرار گرفته است. آنها تأکید دارند برخورداری از اینترنت حق طبیعی یک شهروند است و محدود کردن آن به معنای سرکوب شهروندان است؛ همچنین این روند خسارت گسترده‌ای به روان، کار، معیشت و کیفیت زندگی شهروندان وارد کرده است.

اگر چه شهروندان امکان خرید وی‌پی‌ان‌هایی برای اتصال محدود به اینترنت جهانی را دارند اما هزینه گزاف این فیلترشکن‌ها با توان مالی غالب جمعیت کشور همخوانی ندارد و همچنان ده‌ها میلیون شهروند در ایران هفته‌های متوالی است که به اینترنت جهانی دسترسی ندارند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی سالیانست طرح اینترنت طبقاتی را در دست اجرا دارد. این طرح اجازه می‌دهد برخی شهروندان با داشتن سیم‌کارت‌هایی که به «سیم‌کارت سفید» مشهور هستند در شرایط قطع اینترنت جهانی در کشور،

شش هفته از قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران و توسط جمهوری اسلامی گذشت. اقدام سرکوبگرانه قطع اینترنت که از ساعتی پس از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی آغاز شد به ۱۰۰۸ ساعت رسیده است و سازمان عفو بین‌الملل این روند را نقض آشکار حقوق بشر خوانده است.

«نت بلاکس» نهاد ناظر بر اینترنت جهانی روز شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ و همزمان با ورود قطع اینترنت جهانی در ایران به هفتمین هفته، گزارش داد که دقیقاً شش هفته پیش، در روز شنبه نهم اسفندماه (۲۸ فوریه)، ایران قربانی یک قطع اینترنت تحمیل‌شده از سوی حکومت شد؛ خاموشی‌ای که پس از گذشت ۱۰۰۸ ساعت همچنان ادامه دارد و اکنون وارد روز چهل‌وسوم شده است.

«نت بلاکس» تأکید کرده پیامدهای این اقدام سانسورگرانه هر روز بیشتر می‌شود؛ معیشت مردم را تخریب می‌کند و حقوق دیجیتال و انسانی ایرانیان را نقض می‌کند.

همانطور که در این گزارش تأکید شده، قطع سراسری اینترنت جهانی نه تنها حق طبیعی شهروندان ایران برای دسترسی به اینترنت را نقض کرده بلکه خسارت گسترده روانی و اقتصادی نیز در پی داشته است. میلیون‌ها شهروند ایرانی در درون و خارج از کشور ارتباطشان با عزیزانشان قطع شده و در شرایط جنگی هفته‌های گذشته ایرانیان ساکن خارج از کشور حتی امکان کسب خبر از سلامت عزیزانشان در جریان مباران و حملات نظامی را نداشتند.

از سوی دیگر اقتصاد دیجیتال در ایران که بخشی نوپا اما پویا است نیز با خسارت‌های سنگینی روبرو شده است؛ به گزارش فعالان صنفی شمار زیادی از کسب‌وکارهایی که بر

دارو گران تر می شود؛ حذف ارز ترجیحی برخی اقلام دارو به علت «کمبود منابع ارزی»



گرانی دارو را بررسی کرده و نوشته است بیماران سرطانی پیشتر با چالش تأمین دارو روبه‌رو بودند و در شرایط جنگی نیز با مشکلات شدیدتری مواجه شده‌اند. افزایش چندبرابری قیمت برخی داروها، تأخیر در پرداخت هزینه‌ها از سوی بیمه‌ها و محدودیت در دسترسی به داروهای مورد نیاز، روند درمان را با اختلال روبه‌رو کرده است.

بر اساس این گزارش در برخی موارد داروخانه‌ها با وجود موجود بودن دارو از فروش آن خودداری می‌کنند. همزمان، بیماران تالاسمی با اضطراب تأمین خون و دریافت خدمات درمانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در مواردی ناچار به طی مسافت‌های طولانی برای دریافت خدمات شده‌اند. بیماران هموفیلی نیز از کمبود برخی داروهای حیاتی خبر می‌دهند. طی روزهای گذشته فعالان در انجمن‌های بیماری‌های خاص نیز بر کمبود اقلام دارویی تأکید کردند. هفته گذشته حمیدرضا هاشمی گلپایگانی، رئیس هیئت‌مدیره خانه ای‌بی (بیماران پروانه‌ای) با هشدار درباره کمبود اقلام حیاتی به‌ویژه پانسمان‌های تخصصی بیماران ای‌بی گفته بود «موجودی این پانسمان‌ها محدود است و اگر روند تأمین آن به‌صورت پایدار انجام نشود، ممکن است در هفته‌ها و ماه‌های آینده بیماران با مشکلات جدی مواجه شوند.»

او تأکید کرده بود «بیماران پروانه‌ای به‌صورت روزانه به پانسمان نیاز دارند و کوچک‌ترین وقفه در دسترسی به آن می‌تواند موجب افزایش زخم‌ها، درد شدید، عفونت و حتی بستری شدن در بیمارستان شود.»

رئیس هیئت‌مدیره خانه ای‌بی همچنین گفته بود «بیماران پروانه‌ای به دلیل آسیب‌پذیری جسمی، نیازمند آرامش، مراقبت مداوم و دسترسی پایدار به خدمات حمایتی هستند.»

احمد قویدل، عضو مجمع عمومی کانون هموفیلی ایران، اعلام کرده است که سه داروی «هیومیت»، «فیب‌ریونژن» و «فاکتور ۱۳» با کمبود جدی مواجه هستند؛ موضوعی که می‌تواند سلامت این بیماران را با خطرات جدی روبه‌رو کند.

آنتی‌هیستامین‌ها و شربت‌های ضدسرفه هستند که به طور گسترده توسط مردم استفاده می‌شوند.

همچنین مواد مؤثره و پیش‌سازهایی که در تولید داروهای داخلی به کار می‌روند و پیشتر با ارز ترجیحی وارد می‌شدند، از این پس با نرخ بالاتری تأمین خواهند شد. داروهای غیر مزمن ارزان‌قیمت نیز که برای بیماری‌های کوتاه‌مدت مانند عفونت‌های خفیف، مشکلات گوارشی و دردهای معمولی استفاده می‌شوند، در این فهرست قرار دارند. از سوی دیگر داروهای تحت لیسانس که توسط شرکت‌های داخلی اما با فرمول یا برند خارجی تولید می‌شوند، نیز با حذف ارز ترجیحی روبه‌رو می‌شوند.

این ابلاغیه نشان می‌دهد بسیاری از اقلام دارویی از جمله اقلام پرمصرف مانند مسکن‌ها و داروهای سرماخوردگی که نرخ مصرف بسیار بالایی از سوی شهروندان دارد با حذف ارز ترجیحی روبه‌رو خواهند شد. به بیان دیگر مواد اولیه تولید این داروها از این پس با ارز نرخ بازار ارز تجاری -که نزدیک به نرخ ارز در بازار آزاد است- به ایران وارد خواهند شد و هزینه تولید این اقلام دارویی چند برابر بیشتر خواهد شد و در نتیجه این داروها با افزایش قیمت بالایی روبه‌رو می‌شوند.

حذف ارز ترجیحی اقلام گسترده و پرمصرف دارویی و افزایش قیمت این اقلام در حالیست که نرخ تورم بالا در بخش دارو و درمان طی سالهای گذشته، فشار هزینه‌ای بسیار زیادی را به خانواده‌ها وارد کرده است. بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد ناچار به حذف درمان از سبد مصرفی خود شده‌اند.

در روزهای گذشته نیز گزارش‌هایی درباره موج افزایش قیمت و نایاب شدن داروهای مختلف در ایران منتشر شد؛ کمبود و گرانی‌هایی که از جمله پیامدهای جنگ نظامی جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا به‌شمار می‌رود. روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی موضوع کمبود و

اکبر عبداللهی اصل مدیر کل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو از حذف ارز ترجیحی یا همان ارز با نرخ دولتی برای واردات برخی اقلام دارویی خبر داده است. مواد مؤثره و پیش‌سازهای داروهای بدون نسخه، داروهای غیر مزمن ارزان‌قیمت و داروهای تحت لیسانس. این داروها شامل اقلامی مانند استامینوفن، داروهای سرماخوردگی، آنتی‌هیستامین‌ها و شربت‌های ضدسرفه هستند.

ارز ترجیحی داروهای غیر مزمن ارزان‌قیمت نیز که برای بیماری‌های کوتاه‌مدت مانند عفونت‌های خفیف، مشکلات گوارشی و دردهای معمولی استفاده می‌شوند، نیز حذف خواهد شد.

مواد اولیه تولید این داروها از این پس با نرخ بازار ارز تجاری -که نزدیک به نرخ ارز در بازار آزاد است- به ایران وارد خواهند شد و هزینه تولید این اقلام دارویی چند برابر بیشتر خواهد شد و در نتیجه این داروها با افزایش قیمت بالایی روبه‌رو می‌شوند.

حذف ارز ترجیحی اقلام گسترده و پرمصرف دارویی و افزایش قیمت این اقلام در حالیست که نرخ تورم بالا در بخش دارو و درمان طی سالهای گذشته، فشار هزینه‌ای بسیار زیادی را به خانواده‌ها وارد کرده است. بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد ناچار به حذف درمان از سبد مصرفی خود شده‌اند.

در روزهای گذشته نیز گزارش‌هایی درباره موج افزایش قیمت و نایاب شدن داروهای مختلف در ایران منتشر شد؛ کمبود و گرانی‌هایی که از جمله پیامدهای جنگ نظامی جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا به‌شمار می‌رود.

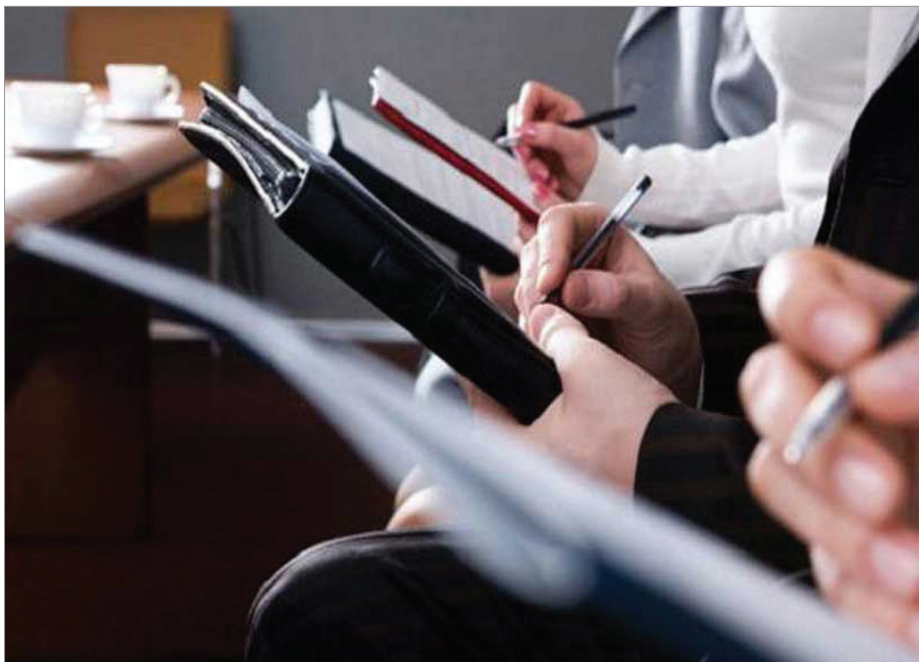
در شرایطی که اقلام دارویی با کمبود و گرانی روبه‌رو هستند، دولت از حذف ارز ترجیحی برخی اقلام دارو به‌علت کمبود منابع ارزی خبر داده است. این اقدام در شرایطی سبب افزایش قیمت اقلام دارویی خواهد شد که هم‌اکنون نیز بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد توان پرداخت هزینه دارو و درمان را ندارند.

اکبر عبداللهی اصل مدیر کل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو از حذف ارز ترجیحی یا همان ارز با نرخ دولتی برای واردات برخی اقلام دارویی خبر داده است. این مقام دولتی توضیح داده ارز ترجیحی از مواد مؤثره و پیش‌سازهای مربوط به داروهای بدون نسخه، داروهای غیرمزمن ارزان‌قیمت و داروهای تحت لیسانس حذف می‌شود.

اکبر عبداللهی همچنین گفته مواد پیش‌ساز مورد مصرف در تولید مواد مؤثره مربوط به داروهای حیاتی و ضروری که قبلاً مشمول دریافت ارز ترجیحی بودند، کماکان این نوع ارز را دریافت خواهند کرد.

ابلاغیه مرتبط با حذف ارز ترجیحی دارو که در ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ از سوی وزارت بهداشت صادر، و تصویر آن در رسانه‌ها منتشر شده، نشان می‌دهد مواد مؤثره و پیش‌سازهای داروهای بدون نسخه، داروهای غیر مزمن ارزان‌قیمت و داروهای تحت لیسانس. این داروها شامل اقلامی مانند استامینوفن، داروهای سرماخوردگی،

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران: کارکنان رسانه‌ها تحت فشار معیشتی هستند



● انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران با صدور بیانیه‌ای نوشت: «تداوم فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های زیرساختی، حیات رسانه‌های مکتوب و برخط و معیشت روزنامه‌نگاران را با چالش‌های جدی مواجه کرده است و تداوم این روند در صورت بی‌توجهی، می‌تواند به تضعیف سرمایه اجتماعی و رسانه‌های کشور بینجامد.»

● در این بیانیه تأکید شده قطع دسترسی، محدود شدن برخی بسترهای ارتباطی، دشواری در انتشار و توزیع محتوا و اختلال در ارتباط دوسویه با مخاطبان، عملاً بخشی از کارکردهای اصلی رسانه‌های دیجیتال را با اختلال مواجه کرده است.

● همواره طی چهار دهه گذشته و در شرایط غیرجنگی و برقراری اینترنت نیز ممیزی و سانسور تهدیدی جدی علیه اشتغال و معیشت روزنامه‌نگاران در ایران به‌شمار می‌رفت. مطبوعات زیادی به‌صورت یک‌شبه با تصمیم دولت یا قوه قضاییه توقیف شده و روزنامه‌نگاران بیکار می‌شدند.

● روزنامه‌نگاران از جمله گروه‌هایی بوده و هستند که همواره هدف سرکوب‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی قرار داشته و سالهاست از ایران به عنوان زندان بزرگ روزنامه‌نگاران نام برده می‌شود.

برخط برجای گذاشته است. قطع دسترسی، محدود شدن برخی بسترهای ارتباطی، دشواری در انتشار و توزیع محتوا و اختلال در ارتباط دوسویه با مخاطبان، عملاً بخشی از کارکردهای اصلی رسانه‌های دیجیتال را با اختلال مواجه کرده است. این شرایط نه‌تنها امکان اطلاع‌رسانی به‌موقع و رقابت حرفه‌ای را کاهش داده، بلکه موجب آفت محسوس بازدید، کاهش درآمدهای وابسته به ترافیک و تبلیغات، و تضعیف جایگاه رسانه‌های داخلی در فضای اطلاع‌رسانی شده است.»

این انجمن صنفی نوشته شرایط موجود سبب شده برخی مطبوعات ناگزیر به کاهش حجم و تعداد صفحات خود شده‌اند و شماری از رسانه‌ها نیز فعالیت خود را محدود یا متوقف کرده‌اند. همزمان، رسانه‌های اینترنتی نیز به دلیل کاهش دسترسی مخاطبان، با آفت کارایی و درآمد مواجه شده‌اند.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تأکید کرده «بروز موجی از تعدیل نیرو در اسفندماه و فروردین‌ماه بوده است که به بیکار شدن تعدادی از روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای انجامیده و این امر علاوه بر فشارهای معیشتی بر این قشر، موجب از دست رفتن بخشی از ظرفیت حرفه‌ای و تجربه ارزشمند رسانه‌های کشور می‌شود.»

موج اخراج نیروی کار از اسفندماه گذشته و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی از سوی فعالان اصناف مختلف گزارش شده است. در این میان برخی رسته‌های شغلی از جمله روزنامه‌نگاران یا برنامه‌نویسان که مشاغل آنها به‌طور مستقیم از قطع اینترنت دچار آسیب بیشتری شده‌اند.

روزنامه «شرق» چاپ تهران نیز در هفته‌ای که گذشت در گزارشی نوشت که بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌های خصوصی اخراج شدند و همزمان رسانه‌هایی مانند «پیام ما» و «شبکه آفتاب» نیز متوقف

شدند. همچنین بر اساس این گزارش روزنامه «هم‌میهن» که پیش‌تر در پی برخورد قضایی توقیف شده بود، در روزهای پایانی سال نیز از انتشار بازماند. در کنار این موارد، گزارش‌هایی از عدم پرداخت حقوق و عیدی در برخی رسانه‌ها منتشر شده است. در این میان، روزنامه «دنیای اقتصاد» حدود ۷۰ درصد از کارکنان خود را تعدیل کرده و تعداد صفحات انتشار آن نیز کاهش یافته است.

در گزارش روزنامه «شرق» آمده بود فعالان رسانه‌ای این روند را ناشی از کاهش درآمدهای تبلیغاتی و فشارهای اقتصادی می‌دانند و هشدار می‌دهند که چنین تصمیماتی ممکن است به الگویی برای سایر رسانه‌ها تبدیل شده و بحران اشتغال در این حوزه را تشدید کند.

اگرچه دولت مدعی انجام برخی اقدامات حمایتی از سوی نهادهای دولتی، از جمله افزایش آگهی‌های دولتی، ارائه یارانه و استفاده از ظرفیت بیمه است اما روزنامه‌نگاران شاغل در ایران معتقدند این حمایت‌ها کافی نیست و ضعف نهادهای صنفی و نبود پشتوانه مؤثر، وضعیت معیشتی و شغلی آنها را بیش از پیش آسیب‌پذیر کرده است.

اینهمه در حالیست که همواره طی چهار دهه گذشته و در شرایط غیرجنگی و برقراری اینترنت نیز ممیزی و سانسور تهدیدی جدی علیه اشتغال و معیشت روزنامه‌نگاران در ایران به‌شمار می‌رفت. مطبوعات زیادی به‌صورت یک‌شبه با تصمیم دولت یا قوه قضاییه توقیف شده و روزنامه‌نگاران بیکار می‌شدند.

همچنین روزنامه‌نگاران از جمله گروه‌هایی بوده و هستند که هدف سرکوب‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی قرار داشته و سالهاست از ایران به عنوان زندان بزرگ روزنامه‌نگاران نام برده می‌شود.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد که کارکنان رسانه‌ها تحت فشار معیشتی هستند و تداوم این شرایط سبب تضعیف سرمایه اجتماعی و رسانه‌ای کشور می‌شود. در این بیانیه تأکید شده قطع دسترسی، محدود شدن برخی بسترهای ارتباطی، دشواری در انتشار و توزیع محتوا و اختلال در ارتباط دوسویه با مخاطبان، عملاً بخشی از کارکردهای اصلی رسانه‌های دیجیتال را با اختلال مواجه کرده است.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران روز جمعه ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ با صدور بیانیه‌ای نسبت به وضعیت رسانه‌ها و معیشت روزنامه‌نگاران هشدار داد و نوشت: «تداوم فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های زیرساختی، حیات رسانه‌های مکتوب و برخط و معیشت روزنامه‌نگاران را با چالش‌های جدی مواجه کرده است و تداوم این روند در صورت بی‌توجهی، می‌تواند به تضعیف سرمایه اجتماعی و رسانه‌های کشور بینجامد.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران با اشاره به اینکه «پایداری رسانه‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از ثبات و امنیت اجتماعی و اقتصادی است» نوشت «شواهد میدانی و گزارش‌های دریافتی حاکی از آن است که در ماه‌های اخیر، تشدید مشکلات مالی مؤسسات رسانه‌ای، در کنار افزایش چشمگیر هزینه‌های تولید -به‌ویژه در حوزه کاغذ و چاپ- کاهش منابع درآمدی، خصوصاً در بخش تبلیغات، و نیز اختلال در دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی اینترنت، فعالیت بسیاری از رسانه‌ها را با دشواری‌های مضاعف مواجه ساخته است.»

قطع اینترنت از جمله مشکلات جدی رسانه‌ها در ایران است که از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز ابعاد خسارت‌بار آن مطرح شده است: «محدودیت‌های ارتباطی و قطع اینترنت بین‌المللی، آثار عمیق‌تری بر عملکرد رسانه‌های



گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با روزنامه «آنتون بلات»:
دولت سوئد در کنار مردم ایران بایستد و
سفیر جمهوری اسلامی را اخراج کند



دیدار شاهزاده رضا پهلوی با
آگیس تئودورسکو مووه نماینده سوئدی
پارلمان اروپا



متن کامل سخنان شاهزاده رضا پهلوی
در دیدار با نمایندگان پارلمان سوئد:
مردم ایران هرگز مدل بزرگ‌شدهی این رژیم را
نخواهند پذیرفت



هشدار دفتر مطبوعاتی شاهزاده
رضا پهلوی درباره "جعل هویت"



شاهزاده رضا پهلوی:
آینده ایران را مردم آن رقم خواهند زد،
نه نیروهای خارجی



واکنش جمهوری اسلامی به اولتیماتوم
ترانسپ برای محاصره بنادر ایران:
«هیچ بندری در خلیج فارس و دریای عمان
در امان نخواهد بود»



ششمین سال پیاپی
کمبود بارش در تهران



صدور حکم «اعدام» برای
چهار شهروند بازداشت‌شده در
اعتراضات دی ۴۰۴



نشریه «سیگتاتور استراليا»:
یک ایران آزاد و با ثبات، شریک راهبردی
غرب و متحدان آن است



هشدار شورای امنیت روسیه:
آمریکا و اسرائیل می‌توانند از مذاکرات آتش‌بس
برای حمله زمینی به ایران استفاده کنند



ادعای باب رئیس مجلس شورای اسلامی:
مجنبی خامنه‌ای شرط گذاشته که قالیباف
باید مذاکره با آمریکا را پیش ببرد



خطر اجرای حکم اعدام محمدرضا طبری،
شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴



تحصیلی آنلاین شد
مدارس ایران تا پایان سال



کاهش قیمت جهانی نفت به علت
احتمال از سرگیری مذاکرات بین آمریکا و
جمهوری اسلامی



گزارش ویژه: روایت شهروندان در ایران
از دوران آتش بس موقت دو هفته‌ای:
«اینجا هیچ چیزی عادی نیست!»
فیروزه نوردستروم



افزایش ۶۸ درصدی آمار اجرای
حکم اعدام در ایران طی یک سال



دارو گران‌تر می‌شود؛
حذف ارز ترجیحی برخی اقلام دارو
به‌علت «کمبود منابع ارزی»



موج بازداشت‌های مرتبط با جنگ
به کارمندان نهادهای دولتی رسید



اختصاصی:
حساب‌های بانکی ده‌ها صراف در تهران
به دلیل عدم همکاری با جمهوری اسلامی
مسدود شده است



فایننشال تایمز: ماهواره جاسوسی
چین به حملات رژیم ایران به پایگاه‌های
نظامی منطقه کمک کرد



خسارت اقتصادی قطع اینترنت در ایران:
معادل تخریب روزانه چند زیرساخت
عمرانی و صنعتی



بحران کمبود و گرانی داروهای
بیماری‌های خاص در ایران



۴۵ درصد مخازن سدهای
ایران خالی است



«بیکاری جنگی» به‌علت تعطیلی
کارگاه‌ها و کارخانه‌ها:
برنامه حمایتی از کارگران وجود ندارد



اخراج هفت هزار نفر از کارکنان
یک هلدینگ اتومبیل‌سازی در ایران



کیمهان
روزنامه «هفت صبح» نام شماری از ایرانیان خارج کشور را که با توقیف اموال روبرو شدند، منتشر کرد



کیمهان
کاخ سفید: آمریکا با آزادسازی دارایی‌های مسدود شده ایران موافقت نکرده است



کیمهان
ترامپ: تنها دلیلی که بعضی مقامات حکومت ایران هنوز زنده هستند این است که مذاکره کنند!



کیمهان
شکست مذاکرات اسلام‌آباد؛ ترامپ: نیروی دریایی آمریکا «تنگه هرمز» را محاصره می‌کند



کیمهان
مذاکرات اسلام‌آباد بی‌نتیجه تمام شد؛ منابع نزدیک به سپاه: تیم آمریکایی به دنبال پنهان‌گیری بود



کیمهان
رویترز: محبتی خامنه‌ای جراحات شدید برداشته و صورت او بد شکل شده



کیمهان
میانیه دبیرخانه شاهزاده رضا پهلوی: مردم ایران هرگز بقای این رژیم جنایتکار را نخواهند پذیرفت



کیمهان
هشدار آمریکا به بانک‌های چین، هنگ‌کنگ، امارات و عمان درباره همکاری با رژیم ایران



کیمهان
انسداد تنگه هرمز؛ فروش نفت عربستان سعودی به چین نصف می‌شود



کیمهان
محاصره «تنگه هرمز» توسط آمریکا؛ افزایش قیمت جهانی نفت و بحران برای جمهوری اسلامی در تأمین کالاهای اساسی



کیمهان
مذاکره با «قاتلان خامنه‌ای» در اسلام‌آباد؛ چین به قالیباف و عراقی «تضمین امنیتی» داد



کیمهان
اینترنت جهانی در ایران فعلاً وصل نمی‌شود؛ بیانیته انجمن تجارت الکترونیک تهران درباره لزوم برقراری فوری و پایدار اینترنت



کیمهان
انفجار خفیف بمب دست‌ساز در ایست بازرسی منطقه ۱۰ تهران؛ سه بسیجی مجروح شدند



کیمهان
دادستانی کل جمهوری اسلامی صدور وکالتنامه نقل و انتقال اموال برای ایرانیان خارج کشور را ممنوع کرد



کیمهان
چین فروش سلاح به جمهوری اسلامی را رد کرد



کیمهان
آتش بس شگنده؛ آماده‌سازی برای ضربه بعدی به جمهوری اسلامی؟



کیمهان
وال‌استریت ژورنال: عراقی و قالیباف برای مذاکره با آمریکا وارد اسلام‌آباد شدند؛ تسنیم: کذب است



کیمهان
ترس حکومت از قیام مردم؛ تقویت ماشین سرکوب با کمک نیروهای تیابتی شیعه از عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان و ترکیه



کیمهان
آنا‌تولی: جمهوری اسلامی در ۴۱ روز، دست‌کم ۶۴۱۳ موشک و پهپاد به ۷ کشور عربی شلیک کرد



کیمهان
گاردین: فضای مذاکرات اسلام‌آباد بین نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی پرتنش بود



کیمهان
هشدار درباره کمبود سوخت هواپیما تا سه هفته آینده با بسته ماندن تنگه هرمز



کیمهان
انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران: کارکنان رسانه‌ها تحت فشار معیشتی هستند



کیمهان
چند عضو سپاه در حملات هوایی به لبنان کشته شدند



کیمهان
هشدار درباره کمبود پانسمان‌های تخصصی بیماران پروانه‌ای



کیمهان
کارگران بی‌پناه ایران؛ بدهی یک تریلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی



عکس هفته | در مسیر آزادی ایران

شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ با شماری از نمایندگان پارلمان سوئد دیدار و در محل پارلمان سخنرانی کرد. تلاش‌های شاهزاده رضا پهلوی برای رساندن صدای ملت ایران به گوش دولت‌ها و سیاستمداران غرب ادامه دارد و او در هفته‌ای که گذشت پس از سوئد، راهی ایتالیا شد تا با شماری از رهبران سیاسی و فعالان اقتصادی این کشور دیدار کند.